

میزبان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲ تا ۸ تیر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۸۸۳



ایران به سوی بزنگاه تاریخی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۸۳ (۴۱۷)

جمعه ۲ تا ۸ تیر ماه ۱۴۰۲

۲۳ تا ۲۹ ژوئن ۲۰۲۳



مژده به هم‌میثالی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر

ترجمه رضا تقی زاده



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (اسر خان)** برای نخستین بار ایجاد گسوده حضور نظامی و تاکتیک های دجلت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ناس یا کیهان لندن ads@kayhan.london سفارش دهند و با انتشارات ساتراپ و سوپر هورمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به سیلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rainsseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



کتابخانه مطالعات ایرانی مرکز فرهنگی کاسپین، بزرگترین کتابخانه
نگاهی به عوامل بازدارنده در توسعه ملی ایران



سخنران: دکتر حسن منصور

دانش آموخته علوم انسانی از دانشگاه لندن و موسسه پژوهش های نفت و انرژی آکسفورد

زمان: یکشنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۲۳، ساعت ۶ بعداز ظهر

The Library for Iranian Studies (Caspian Cultural Centre) invites you to an evening with the economist

Dr. Hassan Mansour

on Sunday 25 June 2023 at 6:00 pm

At: The Woodlands Hall, Crown Street, Acton, London W3 8SA

نزدیکترین ایستگاه آندرو گارد: Acton Town - District and Piccadilly Lines

Acton Central

نزدیکترین ایستگاه قطار: Acton Central

ایوبوسهای ۲۰۷ و ۶۰۷ از شیرازپوش و ایستگاه E3 از ایستگاه آندرو گارد

ورودها: همت عالی

۴ مقاله - «نه» همیشه بود؛ «آری» به چه؟! / الاله بقرات
 ۴-۵ ایران به سوی بزرگوار تاریخی... / حامد محمدی

۶ بریتانیا تحقیقات درباره همکاری مراکز آکادمیک انگلیس با جمهوری اسلامی در... /
 ۷ واشنگتن فری یکن: جو بایدن به دنبال معامله ای با رژیم ایران است که... /
 ۸ گزارش ویژه؛ درگیری «مجاهدین خلق» با پلیس «مبارزه با فساد و... / احمد رأف
 ۹ مقامات آلبانی می گویند ۴۰ هکتار زمینی که مجاهدین خریدند... / احمد رأف

۱۰-۱۱ «شکستن گردن» و ادعای استفاده از «هوش مصنوعی» راهکار جدید... /
 ۱۱ بلای جان ملا... / خیر اندیش (احمد / حرار)

۱۲-۱۳ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۷) / دکتر هوشنگ نهاوندی
 ۱۴ اظهارات فرمانده انتظامی مازندران در مورد «شکست گردن» طبق قوانین... /

۱۵ سجاد پیر فلک بازداشت و ماه منیر مولایی را احضار شد... /
 ۱۶ جمهوری اسلامی در پوشش کارخانه اتومبیل سازی در خاک روسیه پنهان... /

۱۶-۱۹ نسل زد؛ ایران سازانی نیازمند بستر مناسب در محیط کسب و کار... / روشنگ آسترکی
 ۲۰-۲۱ مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلام... / محمود مسائلی

۲۲ تلاش قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای تخریب علی کریمی... /
 ۲۳ خنثی شدن یک ترور؛ سازمان اطلاعات سپاه (ساس) قصد ترور مولوی عبدالحمید... /

۲۴ «سفرهای امید» در جستجوی پناهگاهی برای زندگی عادی و امن... / احمد رأف
 ۲۵ درد دگر دیسی؛ مقاله ششم: مشکلات همیشگی و... / یوسف مصدقی

۲۶ «پاسکال اسمیت» سوسیالیستی که به پای شهر دار سر کوبگر تهران سوخت... /
 ۲۶-۲۷ توهم «روابط عادی» با عربستان؛ جمهوری اسلامی به تحقیر نیز قانع است!... /

۲۸-۲۹ هر اس جمهوری اسلامی از مزار قهرمانان میهن؛ بازداشت خانواده و... /
 ۲۹ رویترز: جمهوری اسلامی و آمریکا برای دستیابی به «تفاهم» بجای «توافق»... /

۳۰ نابودی میراث تاریخی ایران با جمهوری اسلامی؛ ریزش ۳۰ متر مربع... /
 ۳۱ تباہکاری دیگری از جمهوری اسلامی؛ تقدیم یک بنای تاریخی... /

۳۲ وزارت کار آب پاک رادوی دست کارگران ریخت... /
 ۳۲-۳۳ پنج روز بعد از دیدار رهبر «جهاد اسلامی» با علی خامنه... /

۳۳ سپاه پاسداران در دیرالزور سوریه به دنبال استخدام زنان با حقوق های... /
 ۳۴-۳۵ به باد سعید شفا مرگ هم همیشه از آن خیابان خواهد گذشت... / فیروزه خطیبی

۳۶-۳۷ اعتراض گسترده به سرکوب دانشجویان دانشگاه هنر تهران... /
 ۳۷ سودجویان سرب به تر باک اضافه می کنند... /

۳۸ تصویر تکاندنده فقر و گرانی در ایران... /
 ۳۹ رتبه فاجعه بار ایران در شاخص شکاف جنسیتی در جهان... /

۴۰-۴۱ «تمام ایران» گرفتار فاجعه خشکسالی، گسترش فرونشست ها و فرور چاله ها... /
 ۴۱ علیه فراموشی؛ ندانماد مخالفت با استبداد؛ چهره های بیدار ایران... /

۴۱ علیه فراموشی؛ از «رأی من کجاست» در ۸۸ تا «اصلاح طلب اصولگرا»... /
 ۴۲-۴۳ ماجرای رپوده شدن خبر نگاران شبکه جهانی بی بی سی و تلاش برای... /

۴۴-۴۵ نسخه مشترک رژیم ایران و دلال های سیاسی برای باج خواهی از دولت بایدن... /
 ۴۵ ادعای رئیس کنفدراسیون صادرات ایران: حجم تجارت با عربستان به ۱۵ میلیون... /

۴۶ رئیس «ساس»: ۲۰ کشور در «اغتصابات» دخالت داشتند!... /
 ۴۷ آلودگی رودخانه ارس به «رادپواکتیو»... /

۴۸ دیدار علی باقری کنی و انزلیکه مورادر دوحه... /
 ۴۹ فشار بر مسئولان مسجد مکی برای تکذیب طرح ترور مولوی عبدالحمید... /

۵۰ معاون وزیر کار می گوید ۹۱ درصد ایرانی ها مشمول دریافت یارانه هستند... /
 ۵۱ شبکه فساد در جمهوری اسلامی؛ مخالفت سردار پاسدار قالیباف با طرح تحقیق... /

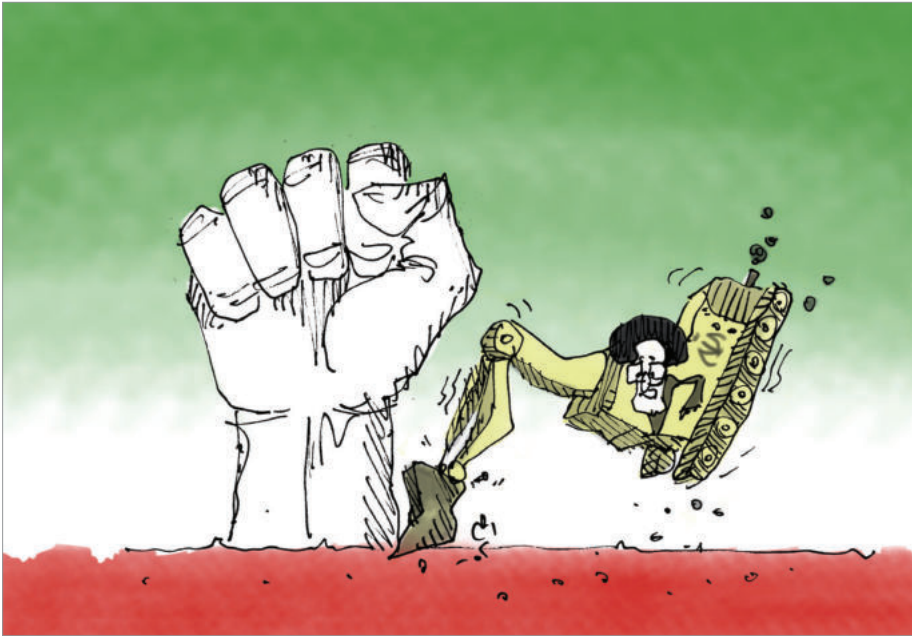
۵۲ پشت جلد - عکس هفته / وحید افکاری، سومین زادروز در انفرادی... /

بازنشر
 بازنشر

بازنشر
 بازنشر



ایران به سوی بزنگاه تاریخی



● با وجود انواع بحران‌های داخلی و خارجی که جمهوری اسلامی مدت‌هاست در گرداب آنها دست و پا می‌زند، آیا واقعاً اوضاع آنگونه که خودش و لابی‌گرانش تظاهر و تبلیغ می‌کنند، بر وفق مراد نظام است؟!

شهرک یهودی‌نشین «علی» به قتل رسیدند. در توصیف و تمجید این اقدامات تروریستی، سردار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۳۱ خرداد، در یک سخنرانی به صراحت گفت «امن بودن داخل اسرائیل یک آرزوست، اینها آثار پیروزی انقلاب اسلامی است!»

قفل‌هایی که مالاها باز کردند!

در شرایطی که هنوز مباحث بر سر آزادی اسدالله اسدی دیپلمات مبد‌گذار جمهوری اسلامی توسط دولت بلژیک ادامه دارد، موضوع آزادی حمید نوری از عاملان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نیز مطرح شده است! مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه، ۳۰ خرداد، در یک نشست خبری اطمینان داد که حمید نوری به زودی آزاد خواهد شد و به ایران بازخواهد گشت. در رویدادی دیگر با همکاری شهرداری بروکسل، علیرضا زاکانی شهردار سرکوبگر تهران همراه با شماری از مدیران و دستیارانش به نشست «متروپولیس» دعوت شدند. این تحرکات قطعات پازل رویدادهایی است که کنار هم قرار گرفتن آنها شک و تردیدها را در مورد زد و بند احتمالی غربی‌ها با رژیم ایران بیشتر کرده است. برخی تحلیلگران مطرح می‌کنند که دولت‌های مدعی دفاع از دموکراسی نه تنها در مورد جامعه ایران حسن نیت ندارند بلکه پشت پرده آب به آسیاب جمهوری اسلامی می‌ریزند و به خیزش آزادیخواهی مردم لطمه می‌زنند.

کار به جایی رسیده که مقامات رژیم لغو گردهمایی سالیانه سازمان مجاهدین در حومه پاریس را که اعلام شد به دلایل امنیتی بوده است، و همچنین اعزام پلیس ضدتروریسم آلبانی به کمپ «اشرف ۳» را با حکم دادستانی این کشور برای بازرسی نیز به پای اشراف و تسلط خود بر معادلات سیاسی می‌گذارند و بر این باورند که اینهمه در جهت منافع آنها عمل کرده و برای معامله با جمهوری اسلامی انجام می‌شود. این برداشتی است که برخی ناظران مسائل ایران نیز آن را به عنوان باج دادن به رژیم ارزیابی می‌کنند.

در شرایطی که مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و دولت جو بایدن برای «احیای برجام» به بن‌بست رسیده، طرفین با میانجیگری اروپایی‌ها و همچنین کشورهای عربی منطقه از جمله عمان و قطر از کانال‌های مستقیم و غیرمستقیم به دنبال معامله یا «تفاهم نانوشته» بجای «توافق» و «احیای برجام» هستند.

آنها می‌خواهند در ازای توقف فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و توقف حملات به نیروهای آمریکایی در منطقه و آزادی چند زندانی، بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کنند.

در توصیف این «تفاهم»، ماتیو کانتینتی کارشناس مؤسسه «آمریکن انترپرایز» و سردبیر «واشنگتن فری بیکن» نوشت: جو بایدن به دنبال معامله‌ای پنهانی با رژیم ایران است که حتا جرأت آوردن اسم آن را هم ندارد!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، ۲۱ خردادماه ۱۴۰۲، در دیدار با مسئولان اتمی نظام گفت، «توافق یا غرب در صورت دست نخوردن زیرساخت‌های هسته‌ای عیبی ندارد.» هم‌زمان رهبران دو گروه فلسطینی «حماس» و «جهاد اسلامی» نیز به تهران سفر کردند.

خامنه‌ای در دیدار با زیاد نخاله با تأکید بر «ادامه حمایت‌ها از گروه‌های فلسطینی» گفت، «جهاد اسلامی و گروه‌های مبارز کلید اصلی به زانو درآوردن اسرائیل را یافته‌اند.» وی همچنین در دیدار با اسماعیل هنیه آدرس دقیق‌تری برای ضربه زدن به اسرائیل داد و گفت: «غزه مرکز مقاومت است اما آن نقطه‌ای که دشمن را به زانو درخواهد آورد، منطقه ساحل غربی است که تا کنون پیشرفت‌های خوبی هم در این منطقه به دست آمده است.»

در همین ارتباط سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، ۲۷ خرداد، در دیدار با اسماعیل هنیه گفت «انشاءالله به زودی چهره جبهه مقاومت را قوی‌تر از گذشته خواهیم دید!» نتیجه‌ی بی‌درنگ این تهدیدات چه بود؟ سه روز بعد چهار اسرائیلی در حمله مسلحانه فلسطینی‌ها به

سرمقاله

«نه» همیشه بود؛ «آری» به چه؟!

دانشجویان دانشگاه هنر تهران پس از چهل و چهار سال به آنچه «نه» گفتند که سبب شکل گرفتن نخستین «نه» به جمهوری اسلامی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ از سوی زنان و مردان آزادیخواه شد: علیه حجاب اجباری و تحمیل «مقتعه»! برعکس نخستین «نه» که با بایکوت و فحاشی و تخطئه‌ی انواع نیروهای چپ و مذهبی و ملی-مذهبی و انقلابیون ۵۷ روبرو شد، این «نه» نیز مانند اعلام «نه به جمهوری اسلامی» که در آستانه‌ی نوروز ۱۴۰۰ مورد استقبال گسترده قرار گرفت، توجهات را جلب کرده است.



دانشجویان دانشگاه هنر در بیانیه کوتاهی که اواخر خرداد منتشر شد، با یک «نه» بزرگ و با اشاره به خیزش ملی، خطاب به زمامداران جمهوری اسلامی تأکید کردند: «میان ما و شما دریایی خون فاصله است؛ ما، که حالا نزدیک یک سالی می‌شود که «ما» شده‌ایم، هیچ حرفی با شما نداریم، آلا یک کلمه: نه!» آنها در پایان نوشته‌اند: «از زخمی که شه‌ریور دهن باز کرد هنوز خون می‌چکد. و ما ایستاده‌ایم، دست در دست هم، برای آزادی.» گذشته از اینکه «ما» در تمام جنبش‌های اعتراضی چهار دهه گذشته حضور داشته و «آزادی» نیز مفهومی بسیار کلی است، مخالفت و «نه» به این نظام با آن متولد شده منتها بر بستر ناکارآمدی و ناتوانی مژمن این حکومت، «ما» و «نه» از اقلیت به اکثریت تبدیل شد بطوری که بسیاری از آنان که زمانی به حکومت اسلامی «آری» گفته و بعد در طول چهار دهه به عنوان «خندق» نظام و یا از روی باور با «مشارکت فعال و پرشور» در انتخابات نمایشی باز هم با آرای خود به این نظام «آری» می‌گفتند، مدتی است که به آن «نه» می‌گویند. اما «نه»‌ی آنها فقط به «جمهوری اسلامی» است و نه به والد و انقلاب ارتجاعی ۵۷ که این هیولا از آن زاده شد!

نگاهی به مضامینی که با هشتگ #نه در فضای مجازی قابل پیگیریست نشان می‌دهد که باز هم بسیاری از ظن خود یار «نه» شده‌اند! برخی این «نه» را به آنچه بر اساس عقاید سیاسی خود با آن مخالفند اعلام می‌کنند! برخی دیگر همانهایی هستند که به اصلاح و تحول رژیم دل بسته بودند و حالا این «نه» را به حذف‌های مورد نظر خود تعمیم می‌دهند! تجربه ثابت کرده «نه» به تنهایی و یا در عبارتی که «آری» بطور ضمنی در آن نهفته نباشد، به همین دلیل که هر کسی از ظن خود می‌تواند یار آن شود، ممکن است فراگیر جلوه کند، اما نه تنها کارساز نیست بلکه تفرقه و یأس پرورش می‌دهد. گروه‌ها و ائتلاف‌ها و اتحادها و مبارزات اجتماعی سراسری و همبستگی‌های ملی برای موفق شدن، بر اساس «آری» به هدف و منافع مشترک شکل می‌گیرند و نه بر سر نفی شرایطی که مرحله‌ی «نه» گفتن به آن و مسببانش به بهایی سنگین و خونین پشت سر گذاشته شده! سال‌هاست شعارهای مردم معترض در ایران نه تنها در آنچه به آن «نه» گفته‌اند صراحت دارد بلکه هم ضمنی و هم صریح «آری» به اهداف خود را نیز اعلام کرده‌اند. برخی افراد و گروه‌های سیاسی اما یا از جنبش آزادیخواهی مردم عقب‌اند یا عامدانه صراحت ندارند و هر بار با آویختن به چیزی از جمله «نه» دانشجویان هنر همچنان به دنبال توهمات هستند که گذشته از شکست‌های تحلیلی پی در پی، در عمل حاصلی جز ۵۷ و جمهوری اسلامی و استمرارش نداشته است!

موقعیت بهتری دارد. در واقع به نوعی تسلط آنها بر بخشی از امور که بهم ریخته بود بیشتر شده. اما واقعیت این است که اگرچه مداخلات غربی‌ها با حکومت، عقب‌نشینی آنها در حمایت از خیزش مردم تلقی می‌شود و در روحیه مردم نیز تأثیر زیادی دارد اما باید یک نگاه به تاریخ معاصر انداخت. در همین ایران تا شش ماه قبل از انقلاب ۵۷ ارتش ایران پنجمین ارتش جهان بود. دولت شاه یکی از ثبات‌ترین حکومت‌ها نه فقط در خاورمیانه بلکه در دنیا بود. اما در کمتر از شش ماه ورق برگشت. متحدین را از دست داد. در گوادولوپ تصمیم گرفتند ایران را به حال خودش رها کنند. خمینی از فرصت استفاده کرد مردم را به خیابان کشاند و حکومت شاه طی شش ماه برافتاد. هیچ بعید نیست جمهوری اسلامی در عرض دو سه ماه سقوط کند. در لیبی وضعیت معمر قذافی در مدت کوتاهی از سفید به سیاه تبدیل شد. منتها به نظرم جمهوری اسلامی هنوز به آن شرایط نرسیده. نقش مردم و همچنین اشتباهات رژیم حاکم در سیاست خارجی دو عامل تأثیرگذارند. مثلاً شاه سر نفت اشتباه کرد و خواهرش اشرف را به چین و روسیه فرستاد که به آمریکا و اروپا دهان کجی کند. صابون زیرپای جمهوری اسلامی به نظرم اوکراین است. یعنی اگر وضعیت ارسال پهپادها به روسیه دقیق‌تر و مشخص‌تر شود، وضعیت آن خراب می‌شود.»

در روزهای آتی قرار است نشست ناتو برگزار شود که ایران محور مباحث آن است. چند تیم حقوقی و سیاسی در اروپا پیگیر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی هستند و محافل سیاسی و اجتماعی بسیاری به دولت‌های غربی برای افزایش تحریم‌های هوشمند علیه حکومت فشار می‌آورند. با اینهمه بخش عمده نگاه‌ها در هفته‌های سرنوشت‌سازی که در پیش است به تحولات داخل ایران است؛ جایی که مردم خیال کوتاه آمدن در مقابل حکومت را ندارند و هر روز که به نخستین سالگرد آغاز خیزش ملی اخیر نزدیک می‌شوند، صحنه‌های اعتراضات سال‌های گذشته و تصاویر و شعارهای بی‌همتای انقلاب ملی و قهرمانانی که برای نجات و آزادی کشور جان فدا کردند و جنبش فراگیر دادخواهی بیش از پیش در خاطره‌ی جامعه تکرار می‌شود. واقعیت نیز جز این نیست که در نهایت مردم در ایران تعیین خواهند کرد «گت تن کیست!» و نیروهای سیاسی و جامعه بین‌الملل را به تبعیت از خود و خواهند داشت. حکومتی که آخوند‌هایش می‌گفتند حجاب اصلی‌ترین رکن جمهوری اسلامی است، حالا نماینده‌اش در مجلس شورای اسلامی (مسعود پزشکیان از تبریز) می‌گوید: «جامعه ایستاده و می‌گوید حجاب نمی‌خواهد.» آنهم در حالی که حجاب اجباری و تن ندادن جامعه به آن تنها یکی از بحران‌های جمهوری اسلامی است که باعث شده تا دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی‌اش بگوید «اگر نظام نسبت به حجاب کوتاه بیاید هیچ تضمینی نیست که در گام بعدی این موضوع ادامه‌دار نشود.»

«موضوع» اما تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است «ادامه‌دار» خواهد بود و این را مردم معترض سال‌هاست در شعارهای خود به صراحت اعلام کرده‌اند: «تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود»، «بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایین»، «جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم!» و «جانم فدای ایران!»

این فاصله عظیم بین حکومت و جامعه بیش از آنکه بیانگر «عزت» و «دیپلماسی» و تداوم و بهبود اوضاع رژیم باشد، نشانه‌ی نزدیک شدن به بزنگاه تاریخی و به گوش رسیدن زوزه‌ی گرگ‌هایی‌ست که دور و بر رهبر ۸۶ ساله‌شان پرسه می‌زنند، تا مرده یا نیمه‌جان، به لاشه‌اش حمله کنند.

حامد محمدی

که پشت پرده «معامله‌ای» دیگر در حال شکل گرفتن است جدی گرفته‌اند. به عنوان مثال رضا علیجانی فعال سیاسی ملی- مذهبی ساکن فرانسه به تلویزیون «ایران اینترنشنال»



گفته «همه این اتفاقات دانه‌های یک تسبیح‌اند و پشت اینها معامله صورت گرفته است.» از سوی دیگر اما مخالفان آزادیخواه جمهوری اسلامی و همچنین دادخواهانی که از جمله نگران سرنوشت عزیزان خود هستند که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده‌اند به غربی‌ها هشدار داده و به آنها توصیه می‌کنند که منافع مردم ایران را در نظر بگیرند؛ از جمله غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد زندانی سیاسی ایرانی- آلمانی که به اعدام محکوم شده، در تویییتی با اشاره به آزادی اسدالله اسدی دیپلمات- تروریست و دعوت علیرضا زاکانی شهردار سرکوبگر تهران و هیأت همراه به بروکسل، ابراز امیدواری کرده که دولت‌های اروپایی مردم ایران را نادیده نگیرند و کنار آنها بایستند.

وضعیت حکومت از سه ماه پیش «بهتر» است اما...

با چنین وضعیتی یک پرسش مهم مطرح است: با وجود انواع بحران‌های داخلی و خارجی که جمهوری اسلامی مدت‌هاست در گرداب آنها دست و پا می‌زند، آیا واقعاً اوضاع آنگونه که خودش و لابی‌گانش تظاهر و تبلیغ می‌کنند، بر وفق مراد نظام است؟! در همین ارتباط احمد رأفت روزنامه‌نگار بین‌المللی و تحلیلگر سیاسی کیهان لندن می‌گوید: «آنچه در دولت بایدن به آن رسیده‌اند منجمد کردن برنامه‌های اقیانوس ایران است و گرنه با پیشرفت‌های هسته‌ای، احتمال اقدام نظامی جدی‌تر می‌شود. اما اینکه جمهوری اسلامی تمام این تحولات را به خودش ربط می‌دهد درست نیست. مثلاً آلبانی تحت فشار کشورهای ناتو به کمپ اشرف نیرو اعزام کرد و ربطی به جمهوری اسلامی ندارد. البته بعید نیست آنها هم خواهند تنش با جمهوری اسلامی را کمتر کنند. رئیس اطلاعات سپاه اخیراً اسم ۲۰ کشور را آورد که در اعتراضات نقش داشتند. اینها نگران‌اند که مبادا با تهدید امنیتی روبرو شده و مثلاً کاندیدای گروگانگیری شوند.»

این تحلیلگر سیاسی در ادامه می‌گوید: «وضعیت جمهوری اسلامی بحرانی است اگرچه در مقایسه با سه ماه قبل

از سوی دیگر، این رویدادها همزمان با توافق امنیتی جمهوری اسلامی با عربستان سعودی، کشاندن مجدد نمایندگان اروپا و آمریکا پای میز مذاکره و افزایش فروش نفت به یک

میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز اتفاق افتاده است. از نگاه مقامات جمهوری اسلامی مجموعه‌ی این رویدادها نتیجه‌ی سیاست‌های راهبردی آنهاست که گمان می‌کنند با «موفقیت» در حال پیشرفت است: اقتدار و تضمین امنیتی و حفظ نظام و منافع آن از طریق تهدیدات نظامی و تروریسم همراه با فعالیت‌های اقیانوس مانند افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم و تست موشک‌های بالستیک و «هایپرسونیک» و «پهپادهای انتحاری» و گروگانگیری و اقدامات دیگر از همین قبیل! بر اساس همین نتیجه‌گیریست که سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران چنین رجز خواندند که «اعتشاشات نظام را تکان نداد!» و «آماده ادامه مذاکرات اما عزتمندانه هستیم!»

پژواک همین باور سیاسی در تبلیغات لابی‌گران نظام در خارج کشور نیز به گوش می‌رسد. تریتا پارسی عضو پیشین نایاک و عضو فعلی مؤسسه «کوئینسی» در مقاله خود درباره ضرورت توافق میان ایران و آمریکا در نشریه «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) نوشته «برخلاف انتظار واشنگتن، گذشت زمان موقعیت چانه‌زنی تهران را تضعیف نکرده است. علی‌رغم تحولات داخلی و عدم محبوبیت گسترده رژیم آخوندی، ایران برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده، روابط با عربستان سعودی را عادی کرده است و روابط خود را با پشتیبانی از روسیه در جنگ علیه اوکراین تقویت کرده است... علاوه بر این، علیرغم سوء مدیریت اقتصادی و عدم مشروعیت آن، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که رژیم در خطر فروپاشی قریب‌الوقوع باشد.»

مهدی فضائلی عضو دفتر حفظ و نشر آثار علی خامنه‌ای با اشاره به توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و عربستان در تویییتی با دو هشتگ «ایران قوی» و «دیپلماسی عزت» ادعا می‌کند که «بقیه برای توافق در راهند و آمریکا پیام می‌دهد، فرانسه مانع برگزاری تجمع منافقین می‌شود، پلیس آلبانی به مقر منافقین حمله می‌کند، رهبران جهاد اسلامی و حماس هم در ایرانند، موشک هایپرسونیک هم آزمایش می‌کنیم! چه خبر است؟»

خارج از دایره‌ی خودی‌های نظام نیز برخی این فرضیه را

بریتانیا تحقیقات درباره همکاری مراکز آکادمیک انگلیس با جمهوری اسلامی در ساخت «پهپادهای انتحاری» را آغاز کرده است



در ساخت بسیاری از انواع پهپاد و موشک در ایران از قطعاتی استفاده می‌شود که در کارخانه‌ها یا با فناوری‌های غربی تولید شده است

لایه‌های حفاظتی خود را تقویت کنیم.»
کن مک‌کالوم رئیس MI5 (آژانس اطلاعات داخلی بریتانیا) سال گذشته در یک سخنرانی نسبت به خطرات نفوذ در مراکز دانشگاهی بریتانیا و همچنین خطرات ناشی از جاسوسی صنعتی هشدار داد، اگرچه هشدار او عمدتاً متوجه خطرات همکاری با چین بود.
بهنام بن طالبو پژوهشگر ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) معتقد است هشدار تجاری ایالات متحده و تحقیق در بریتانیا نشان‌دهنده «سطح بالای توسعه پهپادها در ایران و توانایی و قصد تهران برای بهره‌برداری از کوچک‌ترین شکاف‌ها در صنعت و تجارت است.»
برآوردها نشان می‌دهد صادرات نظامی جمهوری اسلامی به روسیه در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۲۳ میلیون دلار افزایش یافت.

تحقیقات نشریه «جویش کرونیکل» نشان می‌دهد مراکز آکادمیک در لندن با متخصصان دو دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) و «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) بیش از یک دهه است با متخصصان انگلیسی در مورد پروژه‌های هوافضا تحقیقات مشترک دارند. هر دو دانشگاه به دلیل نقش‌شان در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ایران در فهرست تحریم‌های بریتانیا قرار دارند.
اخیراً مؤسسه پژوهشی اسرائیلی «آلما» هویت شماری از متخصصان جمهوری اسلامی را که در طراحی و تولید پهپادهای «شاهد ۱۳۶» نقش دارند فاش کرد.
«احسان راحت ورنوسفادرائی» و «احسان ایمانی نژاد» و همچنین دو شرکت «چکاد صنعت فراز آسیا» «سعد سازه فراز شریف» یا «دریا فناور برهان شریف» در این زمینه فعال بودند.

این افراد و شرکت‌ها با صنایع هوافضا و هواپیماسازی در ایران نیز که عمده واحدهای آن در اختیار نیروهای مسلح قرار دارد همکاری می‌کردند.

مقامات اوکراینی و همچنین مقامات غربی می‌گویند، ایران صدها پهپاد انتحاری به روسیه فرستاده که از آنها برای حمله به اهداف نظامی و غیرنظامی اوکراین استفاده شده است اما جمهوری اسلامی هرگونه دخالت در جنگ روسیه علیه اوکراین را رد می‌کند.

ریشی سوناک نخست وزیر بریتانیا روز چهارشنبه ۳۰ خرداد در سخنانی در پارلمان گفت: «ما همه اتهامات مربوط به نقض کنترل صادرات را جدی می‌گیریم و که امنیت ملی ما را به خطر می‌اندازد، نمی‌پذیریم.»

دیوید دیویس نماینده محافظه‌کار پارلمان بریتانیا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را «شکست خورده» خواند و از نخست وزیر خواست تا قبل از اینکه آسیبی به امنیت بریتانیا وارد شود اقدامات مناسب انجام شود.

در این میان، بریتانیا صادرات فناوری نظامی و «دومنتوره» به ایران را ممنوع کرده و شماری از افراد و سازمان‌های ایرانی را که پهپادهای انتحاری به روسیه عرضه کرده‌اند در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

همزمان با حضور سوشی سوناک در پارلمان این کشور، کنفرانس بازسازی اوکراین در لندن برگزار شد که طی آن مقامات و بانکداران در مورد چگونگی جمع‌آوری میلیاردها دلار مورد نیاز برای بازسازی این کشور پس از تهاجم تمام‌عیار روسیه گفتگو کردند.

روزنامه «تلگراف» اخیراً به نقل از نمایندگان پارلمان بریتانیا از همکاری ۱۱ دانشگاه این کشور با جمهوری اسلامی در ساخت پهپاد خبر داد. متخصصان در دانشگاه‌های کمبریج، امپریال کالج، گلاسکو، نورث‌امپریا و دانشگاه کرنفیلد که در علوم مهندسی و فناوری هوافضا تخصص دارد متهم به همکاری با جمهوری اسلامی شدند.

سخنگوی دولت بریتانیا در اینباره می‌گوید: «ما در حال بررسی گزارش‌های اخیر هستیم. در عین حال، ما سیستم‌های خود را قوی‌تر کرده‌ایم تا در برابر تهدیدات

● ریشی سوناک نخست وزیر بریتانیا روز چهارشنبه ۳۰ خرداد در سخنانی در پارلمان گفت: «ما همه اتهامات مربوط به نقض کنترل صادرات را جدی می‌گیریم و همکاری‌هایی را که امنیت ملی ما را به خطر می‌اندازد، نمی‌پذیریم.»

● دیوید دیویس نماینده محافظه‌کار پارلمان بریتانیا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را «شکست خورده» خواند و از نخست وزیر خواست تا قبل از اینکه آسیبی به امنیت بریتانیا وارد شود اقدامات مناسب انجام شود.

● بهنام بن طالبو پژوهشگر ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) معتقد است هشدار تجاری ایالات متحده و تحقیق در بریتانیا نشان‌دهنده «سطح بالای توسعه پهپادها در ایران و توانایی و قصد تهران برای بهره‌برداری از کوچک‌ترین شکاف‌ها در صنعت و تجارت است.»

● تحقیقات نشریه «جویش کرونیکل» نشان می‌دهد مراکز آکادمیک در لندن با متخصصان دو دانشگاه «بهشتی» و «شریف» بیش از یک دهه است با متخصصان انگلیسی در مورد پروژه‌های هوافضا تحقیقات مشترک دارند. هر دو دانشگاه به دلیل نقش‌شان در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ایران در فهرست تحریم‌های بریتانیا قرار دارند.

دولت بریتانیا تحقیقات درباره ادعاهایی مبنی بر کمک متخصصان دانشگاه‌های انگلیسی به رژیم ایران برای توسعه فناوری‌های مرتبط با ساخت پهپادهای انتحاری را آغاز کرده است.

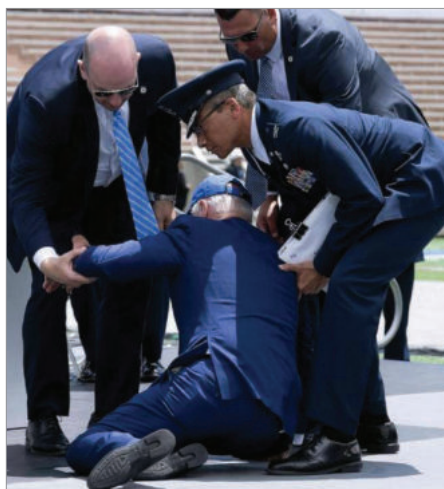
این تحقیقات در حالی انجام می‌شود که واشنگتن به شرکت‌های آمریکایی هشدار داده تا اطمینان حاصل کنند که ناخواسته قطعات الکترونیک یا سایر قطعاتی را که ایران می‌تواند برای ساخت پهپاد از آنها استفاده کند، تأمین نمی‌کنند.

واشنگتن فری بیکن: جو بایدن به دنبال معامله‌ای با رژیم ایران است که حتا جرأت آوردن اسم آن را هم ندارد!

برای چنین توافقی تصویب کنگره الزامی است. قانون بازنگری «برجام» به جو بایدن اجازه لغو تحریم‌های اتمی رژیم ایران را بدون تأیید کنگره نمی‌دهد. اما دولت بایدن به دنبال راهی برای یک تفاهم است. وی در حال معامله‌ای است که «جرأت نمی‌کند» حتا اسم آن را به زبان بیاورد. تمام این تفاهم وابسته به حسن نیت علی خامنه‌ای رهبر ۸۴ ساله‌ی حیل‌گر و متحد ولادیمیر پوتین خواهد بود. روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش می‌دهد که خامنه‌ای به شرط اینکه زیرساخت‌های اتمی جمهوری اسلامی دست نخورد با توافق موافقت کرده است. سردبیر «واشنگتن فری بیکن» در ادامه عنوان می‌کند «باید به عقل بایدن شک کرد؛ بعد از این تفاهم احتمالی نیز خامنه‌ای باز هم سراغ فعال کردن سانتریفیوژهای خود خواهد رفت و اگر شبه‌نظامی‌های تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آمریکایی‌ها راکت شلیک کنند، او همچنان می‌تواند بگوید که خونریزی از جانب شبه‌نظامیانی است که او هیچ تسلطی روی آنها ندارد.»

وی توضیح می‌دهد: «در این معامله چیزی درباره‌ی مرگبارترین نماینده رژیم ایران، یعنی حزب‌الله، یا پهنادهای انتحاری گفته نمی‌شود. این معامله درست مطابق سایر اقدامات دولت بایدن اعم از فروختن متحدان آمریکا از جمله دولت دموکراتیک افغانستان، مردم لبنان، سوریه و البته اسرائیل، یا اوکراینی‌هایی است که در مقابل اشغال روسیه مقاومت می‌کنند.»

ریچارد گلدبرگ عضو «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» معتقد است باج دادن جو بایدن به جمهوری اسلامی به امید مقابله با هسته‌ای شدن این رژیم در نهایت منجر به تقویت ماشین ترور خواهد شد. ماتیو کانتینتی با اشاره به این اظهار نظر می‌نویسد: «دولت آمریکا دیگر پاسخگو نیست و دچار یک استیصال شده است و هیچ هدف استراتژیک ندارد و تمام اقدامی که می‌کند سیاسی‌کاری است... بایدن می‌خواهد خاورمیانه را تا پیش از انتخابات ۲۰۲۴ ساکت نگه دارد. به همین دلیل است که حمایت او از خیزش ضدحکومتی در ایران صرفاً ژست بود. چرا اجازه داد این مذاکرات در عمان با وجود کمک‌های رژیم ایران به روسیه ادامه یابد؟ چرا دولت او از تنش‌زدایی بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی با میانجیگری چین استقبال کرد؟ بخشی از این ماجرا به دلیل کاهش انتظارات دیپلماتیک است. رئیس قدیمی بایدن، باراک اوباما آرزو داشت خاورمیانه بزرگ را به رژیم ایران واگذار کند. اکنون بایدن به یک فُلدر [جمهوری اسلامی] باج می‌دهد تا دست از سرش بردارد. این اوج بی‌کفایتی جو بایدن است.» وی در پایان این یادداشت تأکید می‌کند «مماشات با رژیم ایران هیچ کمکی به دموکراسی نمی‌کند. همچنانکه تلاش برای تنش‌زدایی با چین‌ها آتیم بعد از افزایش تنش‌ها پس از ماجرای بالون‌های جاسوسی به جایی نخواهد رسید. ارسال تسلیحات ضعیف به اوکراین و دست روی گذاشتن برای تصمیم در مورد پیوستن اوکراین به ناتو کاری از پیش نمی‌برد. اگر جو بایدن می‌خواست دموکراسی برای حفظ و توسعه‌ی دموکراسی در خارج آمریکا کاری کند باید دست به اقداماتی بیشتر از گاهی سخنرانی در مورد آن بزند. او می‌بایست در مقابل زیاده‌خواهان می‌ایستاد تا آنها دست از اقدامات خصمانه خود برمی‌داشتند.»



زمین خوردن جو بایدن در مراسم فارغ‌التحصیلی آکادمی نیروی هوایی آمریکا / خرداد ۱۴۰۲

دولت بایدن برای معامله با ملاها در یادداشتی که ۱۶ ژوئیه (۲۶ خرداد) منتشر شد می‌نویسد: «تصور کنید شما یک مقام ارشد امنیت ملی هستید. یک دولت خارجی انقلابی برای چندین دهه تلاش کرده تا قدرت آمریکا و متحدان آمریکا را در یک منطقه حساس ضعیف کند. این دولت بزرگترین حامی تروریسم در جهان است و نیروهای نیابتی را که پرسنل آمریکایی را کشته یا زخمی کرده‌اند، حمایت مالی و هدایت کرده است. هدف این حکومت بیرون راندن ایالات متحده از گوشه‌ای از جهان و از بین بردن نزدیک‌ترین متحد آمریکا در خاورمیانه بزرگ است. چهار دولت از این حکومت تمام امکانات خود را صرف گسترش زیرساخت‌های نظامی و فنی برای تولید تسلیحات هسته‌ای کرده‌اند و در عین حال پروژه‌های اتمی خود را پنهان کرده‌اند یا در مورد آن دروغ گفته‌اند. این کشور با مصونیت از مجازات، حقوق بشر را نقض می‌کند و در ۹ ماه گذشته بطور وحشیانه اعتراضات مردمی را سرکوب کرده است. این رژیم به روسیه نیز تسلیحات نظامی ارسال کرده است.»

کانتینتی با طرح این مقدمه می‌پرسد: «آیا شما تمایلی به معامله با چنین رژیمی دارید؟ اگر پاسخ شما برخلاف همه شواهد، مثبت است، می‌توانید منتظر یک شغل موقت و ناخوشایند در وزارت خارجه جو بایدن باشید. چرا که پرزیدنت بایدن در آستانه خیانت به کنگره و مردم آمریکا می‌خواهد به خاطر رفتارهای غلط رژیم ایران به آن پادشاه دهد.»

در ادامه این یادداشت آمده بر اساس گزارش‌های خبری، بایدن آماده است تا در ازای آزادی زندانیان آمریکایی، توقف حمله شبه‌نظامیان به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و توقف غنی‌سازی و توقف تولید اورانیوم با غنای ۶۰ درصد و همچنین توقف فروش موشک‌های بالستیک به روسیه میلیاردها دلار پول به رژیم ایران پرداخت کند. البته بایدن خواهد گفت که این رویه غلط برای آزادی گروگان‌های بی‌گناه و جلوگیری از وقوع جنگ ضروری است. اما کاری که او قادر به انجام آن نخواهد بود این است که اسمش را «توافق» بگذارد.

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ادعا کرده «گزارش‌ها درباره توافق با ایران بر سر پرونده اتمی و زندانیان آمریکایی درست نیست.»

● خبرگزاری رویترز اخیراً به نقل از مقامات جمهوری اسلامی و غرب گزارش داد رژیم ایران و دولت آمریکا برای برداشتن گام‌هایی به عنوان یک «تفاهم» بجای «توافق» در حال مذاکره هستند.

● ماتیو کانتینتی کارشناس مؤسسه «آمریکن انترپرایز» و سردبیر «واشنگتن فری بیکن» در واکنش به تلاش‌های پنهانی دولت بایدن برای معامله با ملاها در یادداشتی می‌نویسد قانون بازنگری برجام به جو بایدن اجازه لغو تحریم‌های اتمی رژیم ایران را بدون تأیید کنگره نمی‌دهد. اما دولت بایدن به دنبال راهی برای یک تفاهم است. وی در حال معامله‌ای است که جرأت نمی‌کند حتا اسم آن را به زبان بیاورد. تمام این تفاهم وابسته به حسن نیت علی خامنه‌ای رهبر ۸۴ ساله‌ی حیل‌گر و متحد ولادیمیر پوتین خواهد بود.

مقامات جمهوری اسلامی مذاکرات پنهانی با نماینده‌های دولت بایدن را تأیید می‌کنند اما طرفین آمریکایی مواضع متناقضی دارند. شماری از مقامات کاخ سفید می‌گویند با میانجیگری عمان و قطر با نمایندگان رژیم گفتگوهای غیرمستقیم دارند اما آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ادعا کرده «گزارش‌ها درباره توافق با ایران بر سر پرونده اتمی و زندانیان آمریکایی درست نیست.»

روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داده طبق توافق پنهانی تهران و واشنگتن شد قرار است جمهوری اسلامی علاوه بر افزایش همکاری با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی از فروش موشک‌های بالستیک به روسیه خودداری کند.

همچنین در چارچوب این توافق موقت، جمهوری اسلامی خواسته آمریکا از تشدید تحریم‌های اقتصادی و از توقیف نفتکش‌های ایرانی خودداری کند. بعلاوه آمریکا از صدور قطعنامه‌ها و تصمیمات و تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی در سازمان ملل متحد یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه رژیم ایران به دلیل برنامه هسته‌ای این کشور خودداری خواهد کرد. گفته می‌شود جمهوری اسلامی زندانیان آمریکایی را آزاد می‌کند و در مقابل آمریکا هم میلیاردها دلار پول توقیف و مسدود شده ایران در کشورهای مختلف را آزاد خواهد کرد، اما تهران تنها می‌تواند این پول‌ها را برای اهداف بشردوستانه مثل خرید غذا و دارو هزینه کند.

خبرگزاری رویترز اخیراً به نقل از مقامات جمهوری اسلامی و غرب گزارش داد رژیم ایران و دولت آمریکا برای برداشتن گام‌هایی به عنوان یک «تفاهم» بجای «توافق» در حال مذاکره هستند. تفاهم به این دلیل است که تأیید نهایی «توافق» منوط به تصویب کنگره است که اکثریت آن مخالف مماشات با رژیم ایران هستند.

جو بایدن چندماه پیش از این گفته بود «برجام مرده» است. رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا اواسط خرداد در دفاع از ادامه تلاش‌های بایدن برای معامله با ملاها گفته بود «من متخصص مغز و اعصاب نیستم که برای برجام گواهی فوت صادر کنم!»

ماتیو کانتینتی کارشناس مؤسسه «آمریکن انترپرایز» و سردبیر «واشنگتن فری بیکن» در واکنش به تلاش‌های پنهانی

گزارش ویژه؛ درگیری «مجاهدین خلق» با پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» آلبانی در کمپ «اشرف ۳»



به داخل این محوطه فرستادند. خشونت در حدی بود که یک نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر زخمی شدند. ما منتظر گزارش نهائی وزارت کشور و پلیس هستیم تا بلافاصله بعد از آن شکایتی را در رابطه با عملکرد غیرحرفه‌ای پلیس تسلیم دستگاه قضائی بکنیم.»

گرتا زعیمی سردبیر «پست آلبانی» اما در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «حکم دادستانی بر اساس فعالیت‌های غیرقانونی سازمان مجاهدین صادر شده و گستردگی این عملیات بی‌رابطه با دامنه‌ی این فعالیت‌های غیرقانونی نیست.» این روزنامه‌نگار آلبانیایی در ادامه می‌افزاید «مجاهدین تعهداتی را که منبای توافقی است که در سال ۲۰۱۴ اسکان دادن آنها در آلبانی را میسر ساخت، بارها زیر پا گذاشتند و وسعت این تخلفات در حدی است که دولت آلبانی دیگر نمی‌توانست از خود واکنش نشان ندهد.»

یک منبع در دادستانی مرکز «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» نیز به کیهان لندن می‌گوید «تصمیم ورود به «اشرف ۳» جهت بازرسی و صدور احکام بازداشت گروهی از اعضای مجاهدین با اطلاع متحدین ما در ناتو و دولت آمریکا انجام گرفته است.»

همین منبع می‌افزاید «ادعای مجاهدین مبنی بر اینکه ما تحت فشار جمهوری اسلامی ایران دست به چنین اقدامی زدیم، کاملاً دور از حقیقت است زیرا ما سال گذشته روابط خود را با تهران در پیامد حملات سایبری به زیرساخت‌های اینترنتی دولتی مان قطع کردیم و اصولاً بازگشت به روابط عادی با جمهوری اسلامی فعلاً در دستور کار دولت آلبانی قرار ندارد.»

«شورای ملی مقاومت» بازوی سیاسی سازمان مجاهدین خلق در بیانیه‌ای دولت آلبانی را متهم می‌سازد که «به درخواست فاشیسم دینی حاکم بر ایران» در یک اقدام «جنایتکارانه و سرکوبگرانه» به اشرف ۳ حمله کردند. بیانیه سازمان مجاهدین خلق این اقدام را با حملات دولت نوری المالکی در عراق که منتهی به تعطیلی «اشرف ۱» در سال‌های بعد از سقوط رژیم صدام حسین شد مقایسه می‌کند.

تفلسی به دلیل پرتاب گاز اشک‌آور از سوی پلیس راهی بیمارستان شدند. مامورین پلیس پس از ۴ ساعت حضور در محل و بازرسی از دفاتر و توقیف کامپیوترها و مدارک، کمپ «اشرف ۳» را ترک کردند.

حکم بازرسی از «اشرف ۳» و بازداشت ۷۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق سه روز پس از برگزاری نشست ویژه «شورای امنیت ملی» آلبانی به ریاست رئیس جمهور این کشور، از سوی دادستانی ویژه «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» صادر شد.

گرتا زعیمی سردبیر «پست آلبانی» به کیهان لندن می‌گوید «در این نشست هم حملات سایبری اخیر جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های اینترنتی دولت آلبانی که منجر به قطع روابط بین دو کشور شد و هم فعالیت‌های سایبری غیرقانونی سازمان مجاهدین و عملیات مالی غیرشفاف آنها با استفاده از ارز دیجیتال در دستور کار قرار داشت.»

برپایه اطلاعاتی که کیهان لندن از منابع امنیتی آلبانی به دست آورده است، دست‌کم ۲۰ کشور مدارکی را دال بر فعالیت‌های سایبری مخرب مجاهدین علیه سیستم‌های ارتباطی خود در اختیار دولت آلبانی قرار داده و خواهان اقدام سریع این کشور شده بودند.

وزارت کشور آلبانی در بیانیه‌ای می‌نویسد «این کمپ بخشی از خاک آلبانی است و پلیس ما هر زمانی که لازم بداند با مجوز دستگاه قضائی می‌تواند به این محوطه وارد شده و بازرسی‌های لازم را انجام دهد. متأسفانه آنها نه تنها با ما همکاری نکردند بلکه تلاش کردند جلوی بازرسی‌هایی را که پلیس با مجوز دادستانی می‌خواست انجام دهد بگیرند و تنها در این زمان بود که پلیس برای متفرق ساختن معترضین مجبور به استفاده از گاز اشک‌آور شد. مامورین ما در تمام مدت حضور در این مجتمع با شفافیت کامل و احترام به قوانین رفتار کردند.»

گنس یوگاتائی وکیل یکی که مجاهدین خلق را نمایندگی می‌کند در یک گفتگوی تلفنی بسیار کوتاه با کیهان لندن می‌گوید «هزار مامور را بدون اطلاع قبلی و با استفاده از خشونت

گرتا زعیمی سردبیر «پست آلبانی» به کیهان لندن می‌گوید «در این نشست هم حملات سایبری اخیر جمهوری اسلامی به زیرساخت‌های اینترنتی دولت آلبانی که منجر به قطع روابط بین دو کشور شد و هم فعالیت‌های سایبری غیرقانونی سازمان مجاهدین و عملیات مالی غیرشفاف آنها با استفاده از ارز دیجیتال در دستور کار قرار داشت.»

پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» آلبانی و نیروهای ویژه ضد تروریسم این کشور با حکم دادستانی جهت بازرسی و با حکم بازداشت ۷۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق وارد کمپ «اشرف ۳» شدند.

تلاش اعضای مجاهدین برای جلوگیری از بازرسی‌ها و جرای احکام بازداشت بلافاصله به درگیری انجامید. نیروهای پلیس برای متفرق ساختن معترضین مجبور به استفاده از گاز اشک‌آور شدند.

حکم بازرسی از «اشرف ۳» و بازداشت ۷۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق سه روز پس از برگزاری نشست ویژه «شورای امنیت ملی» آلبانی به ریاست رئیس جمهور این کشور صادر شد.

یکی از اعضای سازمان مجاهدین که با نام سازمانی «علی مستشاری» شهرت داشت و از فرماندهان نظامی این سازمان در دهه ۶۰ در تهران بود، به علت ایست قلبی در جریان درگیری‌ها فوت کرد.

وزارت کشور آلبانی در بیانیه‌ای می‌نویسد «این کمپ بخشی از خاک آلبانی است و پلیس ما هر زمانی که لازم بداند با مجوز دستگاه قضائی می‌تواند به این محوطه وارد شده و بازرسی‌های لازم را انجام دهد.»

یک منبع در دادستانی مرکز «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» نیز به کیهان لندن می‌گوید «تصمیم ورود به «اشرف ۳» جهت بازرسی و صدور احکام بازداشت گروهی از اعضای مجاهدین با اطلاع متحدین ما در ناتو و دولت آمریکا انجام گرفته است.»

احمد رأفت - ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد، چند مامور پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» آلبانی و نیروهای ویژه ضد تروریسم این کشور با حکم دادستانی ویژه «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» (GJNKO) جهت بازرسی و با حکم بازداشت ۷۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق وارد کمپ «اشرف ۳» در حومه شهر بندری دورس شدند. بلافاصله ۳۰۰۰ نفری که از سال ۲۰۱۴ میلادی در پی توافقی با آمریکا و سازمان ملل متحد از عراق به آلبانی منتقل شده بودند، در خیابان‌های این مجتمع سرازیر شدند تا از بازرسی مامورین آلبانیایی جلوگیری کرده و مانع دستگیری کسانی شوند که دستگاه قضائی آلبانی حکم بازداشت آنها را صادر کرده است. تلاش اعضای مجاهدین برای جلوگیری از بازرسی‌های واحد ضد تروریسم و پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمانیافته» (SPAK) بلافاصله به درگیری انجامید. نیروهای پلیس برای متفرق ساختن اعضای مجاهدین و بازرسی از دفاتر این سازمان مجبور به استفاده از گاز اشک‌آور شدند. یکی از اعضای سازمان مجاهدین به نام عبدالوهاب فرجی‌نژاد که با نام سازمانی «علی مستشاری» شهرت داشت و از فرماندهان نظامی این سازمان در دهه ۶۰ در تهران بود به علت ایست قلبی فوت کرد و چندین نفر نیز در پی مشکلات

مقامات آلبانی می‌گویند ۴۰ هکتار زمینی که مجاهدین خریدند خودمختار نیست! بخشی از آلبانی است!



تصویر پهپادی از آتش زدن اسناد و مدارک توسط اعضای مجاهدین در کمپ «اشرف ۳» / سه‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲

برای تحقیق درباره احتمال فعالیت غیرقانونی در خاک این کشور حمایت می‌کند.

محمد رومبولاکو رئیس پلیس آلبانی نیز تاکید دارد که «۴۰ هکتار زمینی که مجاهدین در نزدیکی دوس در اختیار دارند و شهرکی بر آن بنا کرده‌اند، بخشی از خاک آلبانی است و بنابراین باید تابع قوانین این کشور باشد و قوه قضائیه هر زمانی که لازم بداند می‌تواند حکم بازرسی از این محل را صادر کند. ما حاضر نیستیم بپذیریم کسانی را که با سخاوت از آنها میزبانی می‌کنیم بخواهند این منطقه را خارج از قوانین ما اداره کنند و تا کنون نیز صبر زیادی در مقابل قانون‌شکنی‌های مجاهدین از خود نشان دادیم.»

یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق در ایتالیا اقدامات دادستانی و پلیس آلبانی را «توطئه رژیم آخوندی» خوانده و می‌افزاید «صحبت از بازرسی بی‌مورد است و آنچه سه‌شنبه صورت گرفت یک حمله وحشیانه بود که به شهادت یکی از مبارزین انجامید. صحبت از حکم قضایی بی‌شرمانه است و ما در مقابل گسترش سرکوب وحشیانه مخالفین رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران با همکاری دولت‌های غربی قرار داریم.»

برخی از شخصیت‌های سیاسی آلبانیایی نیز عملیات سه‌شنبه توسط پلیس این کشور را محکوم کردند. سالی بریسا که در زمان انتقال اولین گروه از مجاهدین خلق از عراق به آلبانی ریاست دولت را عهده‌دار بود در بیانیه‌ای می‌نویسد «خشونت فیزیکی را محکوم می‌کنم.» وی نیز صحبت از عملیات «راهزنان» می‌کند. البته این نکته را باید در نظر داشت که سالی بریسا به خاطر دست داشتن در فسادهای گسترده از سوی برخی کشورهای اروپایی و آمریکا در فهرست افرادی قرار دارد که حق ورود به آن کشورها را ندارند. الیر متا رئیس جمهور سابق و رهبر «حزب آزادی» نیز از «عدم شفافیت» و «غیرحرفه‌ای» بودن پلیس و مقامات صحبت می‌کند.

تا زمان تنظیم این گزارش هیچکدام از کشورهای اروپایی در این رابطه موضعی اتخاذ نکرده‌اند.

دوربین مداربسته کار گذاشته‌اند بنابراین اگر راست می‌گویند که پلیس دست به خشونت زده است، از آنها می‌خواهیم فیلم‌های این خشونت‌ها را منتشر کنند.»

محمد رومبولاکو رئیس پلیس آلبانی که در این نشست رسانه‌ای در کنار وزیر کشور نشسته بود گفت «ما با توجه به حساسیت‌های موجود، نیم ساعت قبل از ورود نیروهای پلیس به این مجتمع با ۶ نفر از مسئولین مجاهدین نشستی داشتیم، احکام صادرشده از سوی دادستانی را به آنها دادیم و از آنها خواستیم همکاری کنند. آنها پذیرفتند ولی لحظاتی بعد، بلافاصله پس از ورود نیروهای پلیس با تشکیل زنجیره‌های انسانی و یا دراز کشیدن در مقابل ماشین‌های پلیس تلاش کردند مانع ورود ما به ۷۰ ساختمان از ۱۲۷ ساختمان این مجتمع که قرار بود مورد بازرسی قرار گیرند بشوند و همزمان برخی مدارک و کامپیوترها را آتش زدند.»

پلیس آلبانی ویدیوهای آتش زدن مدارک و از کار انداختن کامپیوترها را در اختیار رسانه‌ها قرار داده است. در جریان این بازرسی و استفاده نیروهای پلیس از گاز اشک‌آور و اسپری فلفل، ۲۱ نفر از اعضای مجاهدین و ۱۵ نفر از نیروهای پلیس در بیمارستان درمان شدند. محمد رومبولاکو در اشاره به مرگ علی مستشاری گفت «علت مرگ این فرد مشخص نیست و در روزهای آینده پزشکی قانونی پس از انجام کالبدشکافی آنرا مشخص خواهد کرد.»

وزیر کشور و رئیس پلیس آلبانی در این نشست رسانه‌ای هر دو بر این موضوع تاکید داشتند که مجاهدین بارها و بارها تا کنون تعهداتی را که رسماً و به صورت کتبی قبل از انتقال آنها از عراق به این کشور به خواست آمریکا و سازمان ملل متحد، پذیرفته بودند، زیر پا گذاشته‌اند. بر مبنای این توافق، مجاهدین پذیرفته بودند در خاک این کشور هیچگونه فعالیتی علیه هیچ کشور دیگری انجام ندهند. وزارت خارجه آمریکا نیز که از دولت آلبانی در سال ۲۰۱۴ میلادی خواسته بود مجاهدین را در خاک خود بپذیرد، سه‌شنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد «پلیس آلبانی اطمینان داده که طبق قوانین عمل کرده است» و بنابراین دولت آمریکا «از حق قانونی دولت آلبانی

بلدی کوچی وزیر کشور آلبانی در اشاره به ادعای مجاهدین در مورد اعمال خشونت از سوی پلیس می‌گوید با توجه به اینکه آنها در این مجتمع ده‌ها دوربین مداربسته کار گذاشته‌اند، از آنها می‌خواهیم فیلم‌های این خشونت‌ها را منتشر کنند.

محمد رومبولاکو رئیس پلیس آلبانی می‌گوید نیم ساعت قبل از ورود نیروهای پلیس به این مجتمع با ۶ نفر از مسئولین مجاهدین نشستی داشتیم، احکام دادستانی را به آنها دادیم و از آنها خواستیم همکاری کنند. آنها پذیرفتند ولی لحظاتی بعد، بلافاصله پس از ورود نیروهای پلیس مانع بازرسی‌ها شدند.

تصاویر منتشر شده از سوی وزارت کشور آلبانی نشان می‌دهد که بلافاصله پس از ورود نیروهای پلیس به «اشرف ۳» برخی سرگرم آتش زدن مدارک و انهدام کامپیوترها هستند.

مقامات آلبانیایی می‌گویند دلایل مرگ علی مستشاری مشخص نیست و در روزهای آینده پزشکی قانونی پس از انجام کالبدشکافی آنرا اعلام خواهد کرد.

احمد رأفت - ساعاتی پس از خروج نیروهای ویژه مبارزه با تروریسم (RENEA) و گردان‌های پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازماندهی شده» (SPAK) از مجتمع «اشرف ۳» در حومه شهر بندری دوسر که حدود ۴۰ کیلومتر با تیرانا پایتخت این کشور فاصله دارد، بلدی کوچی وزیر کشور و محمد رومبولاکو رئیس پلیس آلبانی در کنفرانس خبری به پرسش‌های روزنامه‌نگاران در رابطه با این عملیات پاسخ دادند.

وزیر کشور آلبانی گفت «عملکرد ما کاملاً قانونی و به دستور دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازماندهی شده» (GJNKO) انجام گرفت و هیچگونه خشونتی هم اعمال نشد، بلکه زمانی که اعضای مجاهدین در مقابل خواست مامورین برای بازرسی از برخی ساختمان‌های این مجتمع مقاومت کردند، چاره‌ای جز استفاده از گاز اشک‌آور برای انجام این ماموریت که دارای مجوز دستگاه قضائی بود نداشتیم.»

وزیر کشور آلبانی در ادامه گفت «پرونده‌هایی در رابطه با فعالیت‌های غیرقانونی سایبری مجاهدین از مدت‌ها پیش تشکیل شده و پس از تحقیقات طولانی، دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازماندهی شده» حکم این بازرسی را صادر کرده است.» این مقام آلبانیایی گفت که می‌تواند در رابطه با اتهاماتی که قوه قضائیه این کشور به مجاهدین وارد آورده است صحبت کند «زیرا هنوز تحقیقات مربوطه ادامه دارند» و تا زمانی که پایان نیافته‌اند «می‌توان آنها را علنی کرد.»

بلدی کوچی همچنین گفت «من از رفتار مجاهدین هم متأسف و هم عصبانی هستم، زیرا عدم همکاری آنها با مامورینی که وظیفه اجرای احکام قوه قضائیه را داشتند غیرقابل قبول است. ما نمی‌توانیم بپذیریم کسانی که در خاک آلبانی زندگی می‌کنند و مهمان ما هستند، بخواهند خودسرانه عمل کنند و به قوانین ما احترام نگذارند.»

وزیر کشور آلبانی افزود «تمام این عملیات از آغاز تا پایان توسط پهپاد فیلمبرداری شده و ما این فیلم‌ها را که به وضوح نشان می‌دهند هیچگونه خشونتی علیه ساکنین این مجتمع اعمال نشده، به تدریج منتشر خواهیم کرد.»

بلدی کوچی در اشاره به ادعای مجاهدین در مورد اعمال خشونت از سوی پلیس افزود «مجاهدین در این مجتمع ده‌ها

«شکستن گردن» و ادعای استفاده از «هوش مصنوعی» راهکار جدید جمهوری اسلامی برای سرکوب شهروندان و تحمیل حجاب!



● فرمانده نیروی انتظامی استان مازندران: در این استان، در این شهرستان‌های ما، خدای نکرده کسی خواست ناهنجاری کند به حکم قانون گردش را بشکنید پاسخش هم با من!

● فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی: طرح برخورد با بی‌حجاب‌ها با استفاده از دوربین‌های نظارتی نیز در حال اجراست و افرادی که کشف حجاب می‌کنند شناسایی می‌شوند.

● عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از طرح استفاده از «هوش مصنوعی» برای شناسایی هویت زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند خبر داده است!

در ادامه تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب اجباری به مردم ایران، فرمانده انتظامی استان مازندران گفته گردن کسانی که ناهنجاری می‌کنند را بشکنید! جمهوری اسلامی همچنین با هدف ایجاد جو روانی مدعی استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی هویت زنانی شده که در خیابان و اماکن عمومی حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند.

حسن مفخمی فرمانده انتظامی استان مازندران روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مأموران انتظامی در ساحل بابلسر خواستار «شکستن گردن» افرادی شده که از دید او «ناهنجاری» کرده و حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند.

در ویدئویی که کانال تلگرامی «بابلسر امروز» منتشر کرده، حسن مفخمی در جریان بازدید از ساحل بابلسر در پاسخ به خبرنگاری می‌گوید: «در این استان، در این شهرستان‌های ما، خدای نکرده کسی خواست ناهنجاری کند به حکم قانون گردش را بشکنید پاسخش هم با من!»

پیش از این خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) از دیدار و گفتگوی احمدرضا رادان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با نماینده ولی‌فقیه در استان مازندران در رابطه با موضوع حجاب خبر داده بود. فرمانده کل نیروی انتظامی در این دیدار اعلام کرده بود که نیروی انتظامی امسال «برنامه‌های ویژه برای پیش و رصد ناهنجاری‌های اجتماعی در سواحل استان‌های شمالی» دارد.

محمدباقر محمدی لائینی نماینده خاмене‌ای در مازندران نیز با اشاره به جمعیت میلیونی گردشگران در استان گفته بود: «به‌رغم ارائه این میزان خدمات ملی از سوی نیروی انتظامی مازندران اما از اختصاص بودجه ملی خبری نیست.»

جمهوری اسلامی از اواخر سال گذشته برنامه‌های همه‌جانبه‌ای را برای تداوم تحمیل حجاب اجباری به زنان در دستور کار قرار داده است. مردم ایران به ویژه زنان که هدف اصلی حجاب اجباری هستند، از آغاز انقلاب ملی در شهریورماه ۱۴۰۱ بر استفاده از پوشش اختیاری تأکید کرده و در یکی از بزرگترین نافرمانی‌های مدنی از استفاده از حجاب اجباری و تحمیلی از سوی جمهوری اسلامی خودداری کرده‌اند. فرمانده نیروی انتظامی استان مازندران در حالی خواستار شکستن گردن افراد «ناهنجار» و زنان دارای پوشش اختیاری شده که چند طرح و مصوبه قانونی نیز در حال حاضر برای اجبار زنان به استفاده از حجاب اجباری در دستور کار قرار دارد. احمدرضا رادان روز گذشته، پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲، در جمع خبرنگاران در قم بر افزایش سطح پوشش دوربین‌های فراجا برای نظارت بر پوشش تحمیلی به زنان و سایر مسائل

طرح فوق‌الذکر جریمه خواهد شد. در صورتی که عمل فوق برای مراتب بعدی تکرار شود علاوه بر اعمال جریمه‌ای معادل یک دوم جزای نقدی درجه هشت مرتکب به مرجع قضائی معرفی و به جزای نقدی درجه هفت محکوم خواهد شد.» این بخش به معنای اینست که اختیارات ویژه و مستقلی به نیروی انتظامی داده شده که بدون ارجاع به دستگاه قضایی «متخلفان» را بعد از تذکر به «یک ششم حداکثر جزای نقدی درجه هشت» و سپس «یک سوم حداکثر جزای نقدی درجه هشت» محکوم کند و جریمه بگیرد.

این لایحه افزوده که «در صورت برهنگی بخشی از بدن و پوشیدن لباس‌های نازک بدن‌نما و یا چسبان در ملاء عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی مرتکب مطابق ترتیبات مقرر در بند (الف) در مرتبه اول مشمول جریمه‌ای معادل حداکثر جزای نقدی درجه هفت خواهد شد. در صورت عدم توجه به تذکر و اصرار بر ادامه تخلف یا تکرار علاوه بر جریمه، فوق، مرتکب به مرجع قضائی معرفی و به حداکثر جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش محکوم خواهد شد.» این لایحه همچنین زندگی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی را هم هدف قرار داده و نوشته «اشخاصی که در ملاء عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی اقدام به برهنگی کامل بدن نمایند یا با پوششی ظاهر شوند که عرفاً برهنگی کامل محسوب می‌شود به حداکثر حبس یا جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش محکوم می‌شوند.» اینهمه مقررات و تهدید به مجازات کم بود، حالا یک نماینده مجلس اسلامی از طرح استفاده از «هوش مصنوعی» در این لایحه خبر داده است! احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته که «قصه کشف حجاب در مملکت، فقط با جرم‌انگاری حل نمی‌شود. ما در این راستا نیازمند اجرای دقیق مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه اقلان‌سازی، آموزش و تحول در نظام فرهنگی کشور هستیم. کسی که کشف حجاب کرده، براساس قانون، جرم مرتکب شده و متولیان و مجریان امر، حتماً باید با قانون‌شکنان برخورد کنند.»

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

امینیتی تأکید کرد و گفت: «رئیس جمهور با این موضوع موافق هستند و امیدواریم زودتر تأمین اعتبار لازم انجام شود و بتوانیم بهتر از گذشته در همه ابعاد امنیتی با استفاده از بسترهای هوشمند حاضر شویم.»

به گفته فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی «طرح برخورد با بی‌حجاب‌ها با استفاده از دوربین‌های نظارتی نیز در حال اجراست و افرادی که کشف حجاب می‌کنند شناسایی می‌شوند و پیامک اول که تذکر اولیه است به آنان ارسال و در پیامک‌های دوم پیگیری قضایی و انتظامی انجام می‌شود.»

احمدرضا رادان همچنین به استان مازندران اشاره کرده و گفته که «در سواحل مازندران نیز قرار شد این موضوع مهم دنبال شود و هشدارهای پیامکی و حضوری داده شود.»

طرح نخست «حجاب و عفاف» اواخر سال گذشته از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تدوین شد و بطور رسمی از ۲۶ فروردین امسال آغاز شد. جدا از کارگزاری هزاران دوربین تشخیص چهره در نقاط مختلف شهرها و مستقر کردن «نیروهای نیابتی» برای سرکوب و مدیریت فضای جامعه، صدها مکان تفریحی، گردشگری، رستوران، کافه و مرکز خرید نیز به بهانه رعایت نشدن حجاب توسط زنان و بر پایه همین طرح پلمب شد.

قوه قضاییه اما طرحی موازی را برای «ترویج فرهنگ حجاب و عفاف» تدوین کرد که پس از تصویب در هیئت دولت راهی مجلس شورای اسلامی شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ با بررسی لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب و حمایت از سلامت اجتماعی به صورت یک فوریتی موافقت کردند.

بر اساس متن این لایحه که در رسانه‌های داخلی منتشر شده برای هر فردی با «هر عنوان» که در نقش «آمر به معروف» در جامعه عمل کند مصونیت ایجاد می‌شود.

در ادامه نیز آمده که «در صورت عدم توجه به تذکر و ادامه تخلف یا تکرار مرتکب معادل یک ششم حداکثر جزای نقدی درجه هشت و در مرتبه بعد معادل یک سوم حداکثر جزای نقدی درجه هشت توسط فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون جهت اختصار فراجا نامیده می‌شود از

بلای جان ملا!

(کیهان لندن شماره ۱۰۰۵) اردیبهشت ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



و بالاخره این تشبیه شاعرانه: «اینترنت مانند قایقی است در يك اقیانوس که می‌تواند انسان را به سواحل زیبا ببرد، اما در این اقیانوس کوسه‌های خطرناکی نیز وجود دارند!» و برآستی که الحذر، الحذر، الحذر از کوسه!

در اطلاعیه پلیس ایران، چهار عنصر (دل‌تان خواسته باشد می‌توانید بگویید چهار فاکتور) وجود دارد: جوانان، اقیانوس، قایق، کوسه!

جوانان را چشم انداز زیبای سواحل آن سوی اقیانوس مجذوب و به سیر و سفر ترغیب می‌کند. بستن چشم جوانها یا بازداشتنشان از چشم دوختن به چشم‌اندازهای دلفریب سواحل دور مقدور نیست. آرمودند و نشد. آب اقیانوس را هم نمی‌توان کشید. پس می‌ماند کوسه و قایق. و اما کوسه، چنانکه دانید و دانیم، حیوانیست خطرناک. دندانهای تیز خونریز دارد و آرواره قوی و معدده فراخ. از انواع کوسه، چه بومی و چه غیر بومی، باید برحذر بود. برای بهتر شناختن کوسه بد نیست کتاب معروف ارنست همینگوی - پیر مرد و دریا - را بخوانید و ملاحظه بفرمایید که پیر مرد ماهیگیر، با همه جرأت و جسارتش، با وجود بردباری و استقامتش، با وجود آشنایی به دریا و جزر و مدهای آن و شناخت دیرینه از حریف پر طمع تیزدندان، عاقبت حریف کوسه نمی‌شود و از ماهی بزرگی که صید کرده است فقط استخوانهایش برای او می‌ماند.

می‌رسم به قایق که وسیله عبور از دریاست و متولیان حکومت پلیسی - مذهبی گمان می‌برند که اگر آن را از صورت معادله حذف کنند مسأله حل می‌شود. آری، باید قایق را از دسترس خارج کرد. با شکستن، با سوراخ کردن، با تحریم، با تکفیر، با هر کلکی که ممکن است از جمله اندرز دادن به جوانان و ترساندنشان از قایق و قایق‌سواری!

به‌علی‌گفت مادرش روزی
که بترس و کنار حوض مرو
رفت و افتاد و کوسه او را خورد
بچه‌جان حرف مادرت بشنو!

دزدی شب هنگام به خانه‌ای رفت. خانه تاریک بود. دست دراز کرد تا چیزی بیابد. دستش در غربالی گرفت که بر دیوار آویخته بود. غربال از میخ رها شد و بر سر دزد فرود آمد. از سرش بر زمین افتاد. از زمین برخاست و به زانویش لطمه زد. قدمی به کنار گذاشت تا رد شود غربال به پیش بند شد و با سر به زمین زد. فریاد کشید ای صاحب خانه به‌دادم برس که چیزی نمونده است این غربال مرا بکشد!

«اینترنت» مثل آن غربال بلای جان نظام فقهتی شده است. فقهای حاکم به هر طرف که می‌چرخند از آن ضربه می‌خورند و در کارش فرو مانده‌اند. ممنوع می‌کنند، فایده نمی‌کنند. تحریم می‌کنند، اثر نمی‌بخشد. فیلترگذاری و خرابکاری می‌کنند، اهل فن بدل آن را به‌کار می‌برند و فیلتر را دور می‌زنند. «کافی‌نت»‌ها را می‌بندند، اینترنت‌ها از جای دیگری سر درمی‌آورد. بعد از آنکه راههای تهدید و تخویف را رفتند و به جایی نرسیدند حالا از راه موعظه و دلالت وارد شده‌اند و جوانان را از این «یار بد» برحذر می‌دارند:

تا توانی می‌گریز از یار بد
یار بد، بدتر بود از مار بد
مار بد تنها ترا بر جان زند
یار بد بر جان و بر ایمان زند

در اطلاعیه بالا بلندی با امضای «پلیس ایران»، جوانان ایرانی را از پدیده شیطان‌ی اینترنت برحذر داشته و خطرات مأنوس شدن بدان را یادآور شده‌اند، ازجمله این که:

- اینترنت می‌تواند سلامت جسمی و روانی جوانان را به‌خطر اندازد و از آنها «شخصیتهای غیر اجتماعی» بسازد.
- اینترنت می‌تواند باعث جدایی دوستان و از دست رفتن دوستیها شود.
- اینترنت اعتیادآور است و اعتیاد بدان مثل اعتیاد به الکل و مواد مخدر زینها در پی دارد.
- تصاویر غیر اخلاقی که در بعضی سایتها منتشر می‌شود دام شیطان است. الحذر، الحذر از دام شیطان!

گفته که «لایحه عفاف و حجاب ظرفیت‌های الکترونیک را به کار گرفته و به سمت ضابطه‌مند کردن به‌واسطه هوش مصنوعی در اجرای قانون حرکت کرده است اما در خصوص اشکالات لایحه باید بگویم احکامی که ارائه داده، چندان بازدارنده نیست، یعنی نمی‌تواند کشف حجاب را به عنوان جرم که در قانون مجازات اسلامی ماده ۶۳۸ تأیید شده و در قانون اساسی بر زیست عقیفانه تأکید شده، حفظ کند.» همزمان خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ویدئویی را منتشر کرده که در آن زنانی را نشان می‌دهد که حجاب اجباری را رعایت نکرده‌اند و توسط مأموران ارشاد و همزمان تهدید می‌شوند! این رسانه با خط‌کشی مضحک روی تصاویری از این ویدئو مدعی شده است که هویت این زنان با هوش مصنوعی شناسایی و برای آنها پرونده قضائی تشکیل می‌شود.

همچنین علی اکبر زارعی مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری قم نیز از اخراج اتباع خارجی از کشور در صورت عدم رعایت پوشش اسلامی خبر داده و گفته که «در صورت رعایت نکردن حجاب برخورد می‌شود. اتباع افغانستان ممکن است از کشور اخراج شوند». او همچنین قطع شدن خدمات اجتماعی را به عنوان مجازات دیگری برای اتباع خارجی ساکن ایران عنوان کرده است.

حامیان تحمیل حجاب اجباری به زنان نیز می‌کوشند در رسانه‌ها و از تریبون‌های مختلف تحمیل حجاب اجباری به زنان را پیش ببرند. رضا عزت زمانی معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی گفته که «مسئله حجاب از حکم الهی نشأت می‌گیرد. هیچ کدام از ما نمی‌توانیم امر الهی را نادیده بگیریم.» معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی افزوده که «مسئولین جمهوری اسلامی موظف به اجرای حکم خدا هستند، اما با رعایت شرایطی که جامعه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند. اگر آن دختری که حجاب از سر برداشته، به این باور برسانیم که دشمن مشترک داریم و آن کسی که روسری از سر تو برداشته، عمامه را از سر من می‌پراند، خیلی از مسائل حل می‌شود.» این نوع اظهارات نشان می‌دهد که مقامات جمهوری اسلامی تا چه اندازه از واقعیات جامعه و نسل‌هایی که از نظر زمان به اندازه قرون و از نظر فاصله به اندازه سیارات از آنها فاصله دارند، بی‌خبر و ناآگاه هستند و نمی‌توانند منطق اعتراضی بین «روسری از سر برداشتن» و «عمامه پرانی» را درک کنند.

در همین حال فرشته روح افزا که به عنوان استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه زن و خانواده و همکار معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند در مطلبی خواستار کوتاه نیامدن نظام در برابر پوشش اختیاری شده است. او نوشته که «ماهواره یک ابزار بود و یا نوار ویدئویی وسیله‌ای بود که می‌شد در جهت مثبت هم از آن استفاده کرد. اگر ما با قسمت‌های بد ماهواره و فساد که از آن منتج می‌شد برخورد نکردیم و کوتاه آمدیم همین مسئله بی‌حجابی و بدحجابی و استحاله فرهنگی یکی از دلایل آن کوتاه آمدن است.» فرشته روح افزا در ادامه نوشته که «بین قانون و ابزار تفاوت زیاد است. این قیاس غلط است که بگوییم در ابزار کوتاه آمدیم پس در قانون هم باید کوتاه بیاییم. اگر قبلاً درست عمل نکردیم دلیل نمی‌شود که امروز هم درست عمل نکنیم. ملاک ما ملاک شرع و اسلام است. فرض کنید ما از قانون حجاب هم مثل ممنوعیت نوار ویدئویی یا برخورد با ماهواره کوتاه بیاییم. یعنی فردا باید از شرابخواری هم کوتاه بیاییم؟ رعایت حجاب به عنوان قانون در جامعه مصداق نفاق نیست، رعایت حقوق دیگران در جامعه است. فرد اگر در خانه خودش مواد مخدر مصرف کند کسی به او کاری ندارد ولی اگر در ملاء عام مصرف کند، مشکل است.»

پیام شاه برای رهبران جبهه ملی و پاسخ منفی آنها

شاه از «اویسی» خواست برای تشکیل دولت نظامی آماده شود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۸)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشت‌های روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

هیچکس خبر نداشت و آن همه شاید و رویدادهای ناگوار از پایش افکنده بود. از آن هنگام بود که شهبانو نقش فعال سیاسی برعهده گرفت.

xxx

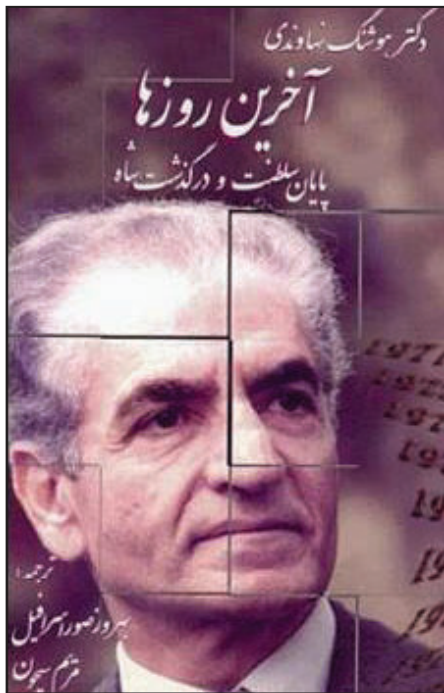
نخست وزیر ناگهان کاری کرد که سر زبانها بیفتد! کم کم همه داشتند فراموش می‌کردند که وجود دارد! به گفتگو با کمیته‌های روزنامه‌نگارانی پرداخت که کوشیده بودند مهار مهمترین روزنامه‌های پایتخت را در دست بگیرند. در پایان مذاکرات، شریف امامی بیانیته مشتری با آنان امضا کرد که رضایت کاملشان را فراهم آورد و اختیار و مدیریت دو بزرگترین روزنامه عصر پایتخت، کیهان و اطلاعات را عملاً به اعضای کمیته‌ها واگذار کرد، این افراد همگی به سرپرستی و هواداری کامل از رژیم سلطنتی شهرت داشتند، بسیاری‌شان حتی مشکوک به خرچینی برای «ساواک» بودند! اما رنگ عوض کرده و با گرویدن به افراط‌کاریهای انقلابی، بی‌گمان می‌خواستند آینده خود را تضمین کنند. تنی چند از آنان بسیار زود پشیمان شدند، ولی نه همه‌شان.

خسرو افشار، وزیر امور خارجه که برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، و دیدار و گفتگو با دولتمردان آمریکایی به ایالات متحده رفته بود، در بازگشت و پس از شنیدن خبر، نزد نخست وزیر رفت و به او گفت: «شما به کلی از مرحله پرت هستید، مگر فراموش کرده‌اید که این روزنامه‌ها متعلق به بخش خصوصی است؟ به چه حقی آنها را به دست کمیته‌های شلم شوربای انقلابی سپردید؟ آیا به نتایج سیاسی کار خود اندیشیده‌اید؟ این خیانت است.» شریف امامی که از لحن تند و غیرمنتظره دیپلماتی که همواره با بیانی مودبانه و پرملاحظه سخن می‌گفت شگفت زده شده بود، عقب نشینی کرد و پاسخ داد:

«گمان می‌کردم آرامشان می‌کنم. اما حالا متوجه شده‌ام که کارم بی‌فایده بوده.»

طرح ضربتی

محمدرضا شاه، در همان حال که می‌کوشید چاره‌ای سیاسی برای بحران بیابد، و با آگاهی از بی‌عرضگی



شهبانو در این باره نشنیدم، اما یکی از افراد بسیار نزدیک به شهبانو به من گفت که از خشونت زاهدی با درباریان و نیز عکس‌العمل حزب دمکرات بیم دارند، آیا علت احتیاط فقط همینها بود...؟

xxx

وضع روحی خراب و افسردگی شدید محمدرضا شاه، دیگر آشکار شده بود. صورتک پنهان کننده سر درون او بارها می‌افتاد و او دیگر نمی‌توانست پریشانی خویش را پنهان دارد. او که تا آن زمان پایداری کرده بود، از پا افتاد و در یاسی ژرف فرو رفت. تا آن زمان، به سرنوشت، به دوستانش در خارج و ملتش اطمینان داشت. اما دیگر احساس می‌کرد که در پیرامونش، همه چیز دارد فرو می‌ریزد. بیمار بود، اما

اردشیر زاهدی و کوششهای او

فراخواندن مجدد اردشیر زاهدی به تهران و ورودش به پایتخت، با وضعی غیرعادی انجام شد. او همیشه به طور خصوصی می‌آمد. مثل سفیران دیگر، این بار در تالار تشریفاتی فرودگاه مهرآباد، وزیر امور خارجه، رئیس ستاد کل، فرمانده نیروی زمینی و فرماندار نظامی تهران، چند تن از امرای ارشد ارتش، شخصیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در انتظار او بودند. به امید آن که شاید بتواند برای نجات کشور کاری کند.

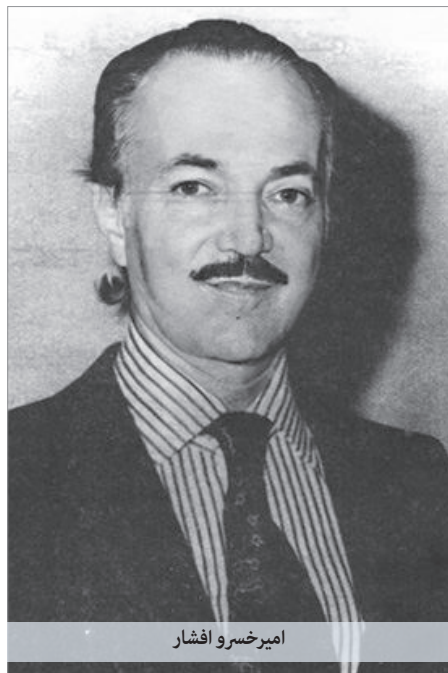
فردای آن روز من از ورود زاهدی آگاه شدم. به او تلفن کردم که دیداری داشته باشیم. قرار بر این شد که دو روز بعد با هم صبحانه بخوریم. هنگامی که طبقی قرار به اقامتگاهش در حصارک رفتم، نزدیک به پنجاه نفر از شخصیت‌های نظامی و سیاسی و دانشگاهی و حتی چند پزشک معروف در باغ و اتاقهای آن مجتمع بودند و همه در جستجوی علمداری برای سیاست دیگر: سیاست بازگشت به نظم. از همان زمان زاهدی نه تنها کوششهای مجدد خود را برای بهبود روابط شاه و واشنگتن از سر گرفت، بلکه تا می‌توانست از سیاست اعمال قدرت و اصلاحات دفاع کرد. تلاش او در تقویت روحیه شاه بی‌اثر نبود. اما از لحاظ سیاسی، کار از کار گذشته بود. شاید نخست وزیری او می‌توانست راه حلی باشد. ولی ظاهراً اعلیحضرتین به این راه حل تن در ندادند.

در میان دولتمردان آن روز ایران، زاهدی بیش از هر کسی در رده‌های بالای ارتش، نفوذ داشت. روابط او با نامداران آمریکایی، به خصوص در جناح جمهوریخواه بسیار خوب بود. در کشورهای دیگر دوستان فراوان داشت. با وجود دوری از ایران، اندک اندک توانسته بود دوستی‌هایی با طرفداران پیشین مصدق، فراهم کند و ارتباطی مؤثر با روحانیون داشته باشد. همه اینها می‌توانست برگهای برنده باشد. اما بیشتر افراد خانواده سلطنتی او را دوست نمی‌داشتند و بیم داشتند که امتیازات آنان را قطع کند. تنی چند از دوستان شهبانو هم چنین. همینها کافی بود که مانع تصمیم انتخاب او شوند. من هرگز چیزی از شاه یا

آنقدر از پا افتاده و پریشان بود که حتی از لب زدن به کیک تولدش که پس از شام بر سر میز آورده بودند، خودداری کرده بود.

شورای عالی انجمنهای محلی که سازمانی غیر مذهبی و بسیار ریشه‌دار در پایتخت بود، به‌همراه چند باشگاه بزرگ ورزشی بر آن شده بودند که جشن میهنی و ورزشی به‌مناسبت زادروز شاه در ورزشگاه محمدرضاشاه، که تالاری بزرگ با گنجایش نشست دوازده هزار نفر بود، برپا کنند. قرار بود یکی از ادبای شهره که در سخنوری چیره‌دست بود، قهرمانان جوان و همچنین رئیس شورای عالی سخنرانی کنند و برنامه‌ای ورزشی توأم با موسیقی اجرا شود. این مراسم باشکوه، می‌توانست پاسخی به تظاهرات گوناگونی باشد که بی هیچ مانع و دغدغه علیه شاه برپا می‌شد. طرح این تظاهرات را ساواک به شاه و دولت گزارش داد.

نخست وزیر مخالفت کرد و گفت: «این کار تحریک‌آمیز است» و حتی به ممنوعیت گردهمایی به‌موجب مقررات حکومت نظامی اشاره کرده بود. برگزار کنندگان به شاه روی آوردند، و او در پاسخشان گفت: «بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم، ولی این کارها به چه درد می‌خورد». آن برنامه هم منتفی شد. با این حال مراسم تشریفاتی و سنتی شرفیابی برای ابراز تهنیت لغو نشد. آن مراسم در ساعت ۹ صبح در «تالار آئینه کاخ گلستان» در مرکز شهر آغاز شد. ربع ساعتی پیش از آن، هلیکوپتر شاه در پارک شهر که یک کیلومتر با کاخ فاصله داشت بر زمین نشست. مراسم سنتی و از پیش اعلام



امیرخسرو افشار

شده بود. مسیر حرکت شاه را همه می‌دانستند و اقدامات و نیروهای انتظامی را هم نخواسته بودند که بیش از همیشه باشد. جمعیتی چند هزار نفری سراسر پیاده‌روهایی خیابان خیام، داور و میدان ارک را که موکب ملوکانه از آن می‌گذشت، پر کرده بود. شاه در «رولزرویس» ضد گلوله خود نشسته بود. موتورسواران محافظ، مثل همیشه اتومبیل را در محاصره داشتند. کوچکترین تظاهراتی صورت نگرفت. نه کسی دست می‌زد، نه فریادهای خصمانه و سوت کشیده می‌شد. چه به هنگام رفتن و چه به گاه بازگشت. سکوتی سنگین مستولی بود. این، به‌خوبی وضع روحی مردم را نشان می‌داد: بهت‌زدگی و انتظار. انتظار پایان رویدادها و این پرسش که چه کسی برنده می‌شود. هنگامی ←

فرمان موجب اطمینان بخشیدن به افکار عمومی داخلی و تفهیم این امر به خارجی‌ان بود که روی آوردن به دولت نظامی تنها به معنای به کارگرفتن یک شیوه حل قاطعانه مسائل و بیرون کشیدن کشور از بحران جدی است.

آن طرح، بخت بلندی برای پیروزی داشت. شبکه‌های اطلاعاتی ارتش که برمبارزه با «خرابکاری»های داخلی تمرکز یافته بود و همچنین شهربانی و ساواک، همه کسانی را که باید بازداشت می‌شدند، زیر نظر گرفته بودند.

راز طرح همچنان سر به مهر مانده بود. ویژگی غافلگیرکننده عملیات باید حفظ می‌شد. شهرت ظاهری اوئسی به عنوان مردی نیرومند و بستگی‌اش به یک خانواده مذهبی قم، امتیازات مهمی به نظرمی‌رسید.

اوئسی بی‌سروصدا مقدمات تشکیل دولت خود را فراهم می‌ساخت. با چند آیت‌الله مهم گفتگو کرده و تأیید آنان را گرفته بود. برای پیشگیری از پخش شایعات که می‌توانست به دولت - که البته فقط وجودی ظاهری بود - لطمه بزند، همه تماسهای سیاسی اوئسی شبانه، پس از آغاز ساعات منع شد - آمد صورت می‌گرفت. مسئول تشکیلات اطلاعاتی او، سرتیپ جواد معین زاده شخصاً پی کسانی که فرماندهش می‌خواست با آنان گفتگو یا دیدار کند می‌رفت، و سپس آنان را به خانه‌هایشان باز می‌گرداند. گروه وزیران اوئسی از شخصیت‌های غیرنظامی، در وزارت امور خارجه و دارایی و اکثریتی نظامی که بیشترین شان متخصصان بلندپایه‌ای بودند - که آن زمان در ارتش ایران فراوان یافت می‌شد - به وجود



ارتشبد غلامعلی اوئسی

آمده بودند. اواخر اکتبر اوئسی شاه را آگاه ساخت که آماده است.

روز ۲۶ اکتبر پنجاه و نهمین زادروز محمدرضاشاه بود، روزی که در آن بر اساس سنت، مراسم و جشنهای بسیاری برپا می‌شد: صبح، باریابی به پیشگاه اعلیحضرت و تهنیت گفتن میلاد او، و بعد از ظهر آئینی ورزشی در یکی از ورزشگاهها بزرگ شهر - از هنگامی که مجموعه «المپیک» پایتخت گشایش یافته بود، آن مراسم با حضور صدهزار تن و بسیار شبیه به پیش‌برنامه‌های آغاز بازیهای المپیک برگزار می‌شد. شامگاه نیز میهمانی تقریباً خصوصی در کاخ می‌دادند. آن سال به دلایل امنیتی و از بیم تظاهرات خصمانه، جشن ورزشی منتفی و میهمانی شاه هم لغو شده بود. گویا شاه

→ مأموس کننده نخست وزیرش، فرماندهی ارتش را مأمور کرد که به راه حلی نظامی، منطبق با قانون اساسی بیندیشد.

طرح جامع برای ایمن ساختن کشور، به ویژه پایتخت که با نام رمز «طرح خاش» خوانده می‌شد، به وسیله گروه کوچکی از افسران، از جمله تیمسار خسروداد، امین افشار و رحیمی تهیه شد و تیمسار اوئسی فرمانده نیروی زمینی و فرماندار نظامی تهران نیز از این طرح باخبر بود. پادشاه از او خواست آماده برعهده گرفتن ریاست یک دولت نظامی با تکیه بر قانون اساسی برای بیرون آمدن از بن‌بست باشد. آماج این طرح آن بود که در طی چند ساعت تعادل قدرت را در کشور دیگرگون کند، حکومت را در برابر مخالفان در موضع قدرت قرار دهد تا بتواند با آنان به گفتگو بپردازد، و از نظر روانی و سیاسی اراده خرابکاری را درهم شکند و از میان ببرد. قرار بود در روز موعود، بلافاصله پس از انتصاب تیمسار اوئسی، که اندکی پیش از آغاز زمان منع آمد و شد اعلام می‌شد، یگانهای عملیاتی ساواک که در لویزان مستقر بودند، گارد شهربانی که مقررش عشرت آباد بود و تیپ هوانیروز باغ شاه، همه با مردانی کارآمد و برگزیده که تا آن زمان عملاً به دور از همه چیز و به عنوان ذخیره نگهداشته شده بودند، کمابیش چهارصد تن از رهبران و عاملان فتنه را دستگیر کنند. بیشترین دستگیرشدگان به بخش نظامی فرودگاه مهرآباد و پایگاه هوایی دوشان تپه منتقل می‌شدند. از هر یک از این دو محل، دو هواپیمای پهن پیکر ترابری C-۱۳۰ آماده پرواز، دستگیرشدگان را به شهر کوچک خاش در استان بلوچستان و نزدیک مرز پاکستان، که ساکنانی سنتی مذهب داشت، می‌برد.

نیروی زمینی، به سرعت و پنهانی سربازخانه‌های قدیمی شهر را که از سالها پیش متروکه بودند، با تجهیزات تازه آماده کرد. وسایل زندگی و خواب، غذا و مولدهای برق اضطراری به محل فرستاده شد.

اعتصاب صنعت نفت و توزیع برق، اندک اندک مردم را کلافه کرده بود. بیست و چهار تن از مسئولین اعتصابات در این مؤسسات شناسایی شده بودند. قرار بود به محض آن که اینها دستگیر شدند، مهندسان و متخصصان فنی نظامی جای آنان را بگیرند. رادیو تلویزیون ملی نیز قرار بود اشغال و مهار شود. اخبار تلویزیونی می‌بایست به وسیله افسران جوان بخش مطبوعاتی ستاد کل، در لباس نظامی، اجرا شود. از رهبران مخالف، آنان که می‌بایست بعداً طرف مذاکره یا معامله قرار بگیرند، دستگیر نمی‌شدند ولی حق نداشتند خانه‌هایشان را ترک کنند و یا به باشگاه افسران نیروی زمینی منتقل می‌شدند که در آنجا از آنان به عنوان «میهمان» دولت پذیرایی می‌شد.

در اندیشه کسانی که این طرح را ریخته بودند، این اقدامات «کودتا» به حساب نمی‌آمد، بلکه در دست گرفتن اوضاع به وسیله دولتی مقتدر بود که مأموریت فراهم آوردن زمینه بازگشت قانون و امنیت را داشت. دخالت نیروهای نخبه می‌بایست کوتاه مدت باشد، و سربازان وظیفه که در همه شهرها وجود داشتند، مأمور حفظ و مراقبت از نقاط حساس می‌شدند.

پیش بینی شده بود تیمساری که نخست وزیر می‌شود، در برابر مجلسین حاضر شود و پس از گرفتن رأی اعتماد، خواستار دریافت اختیارات تام برای مدتی محدود گردد. این پرسش نیز مطرح بود که آیا مجلس را باید منحل کرد یا در انتظار پایان دوره قانونی‌اش ماند؟ تیمسار اوئسی با نخستین گزینه موافق بود و شاه، دومی را ترجیح می‌داد. در هر صورت، قرار بود براساس قانون اساسی، فرمان شاهانه، برگذاری و تاریخ انتخابات آینده را تعیین کند. صدور این

➔ که شاه، با لباس رسمی، اندکی پیش از ساعت ۹ وارد تالار باشکوه شد، رنگش پریده بود. شاید حتی انتظار نشانه‌های دشمنی را می‌کشید، اما بی گمان انتظار آن سکوت و نگاههای پرسنده‌ای را که در خیابانها به سویش شده بود، نداشت.

چند لحظه‌ای استراحت کرد و فنجانی چای شیرین که دوست داشت نوشید. چهره‌اش اندوهناک و رفتارش بی روح بود. پیش از آن که وارد تالار آئینه شود، اصلا افشار که طبق تشریفات و روند مراسم، جلوتر از او می‌رفت که ورودش را اعلام کند، اندکی گامهایش را آهسته کرد، عقب رفت و در گوش شاه نجوا کرد: «اعلیحضرت، لبخند بزنید. به‌ویژه در چنین روزی کسی نباید متوجه اندوه شما شود. شما باید به دیگران اطمینان ببخشید.» شاه پاسخ داد: «حق با شماست.» و دوباره خود را در اختیار گرفت، لبخندی نمایی بر چهره‌اش نمودار شد: همان نقاب کذایی را باز بر رخ کشید. گروههای گوناگون حکومتی، به‌نوبت شرفیاب شدند. بزرگان دربار، دولت، مجلسین، قضات، افسران بلندپایه و تیمساران، دانشگاهیان، صاحبان صنایع و بازرگانان، رجال برجسته، نخست‌وزیران پیشین، وزرا و استانداران.

جز در دو گروه آخر، صفها تقریباً فشرده بود. به نظر می‌آمد که شاه انتظار داشته شمار غایبان در میان دانشگاهیان بیشتر باشد. اما تقریباً همه آنها آمده بودند. تهنیت عبدالله شیبانی رئیس سالخورده دانشگاه تهران، از سوی همه دانشگاهیان پایتخت به‌گونه‌ای استثنایی گرم، و پاسخ شاه به آن نیز بسیار صمیمانه بود. شمار «رجال» بسیار کاهش یافته بود. معمولاً يك نخست وزیر پیشین، از سوی همه همتایان خود تبریک می‌گفت. اما هیچکدام از سه نخست وزیر زنده و حاضر در پایتخت، علی‌امینی (که بسیار دوست داشت در این گونه مراسم خود را نمایش دهد)، امیرعباس هویدا و جمشیدآموزگار که هر سه نیز دعوت شده بودند، حضور نداشتند. بنابراین فوراً تصمیم گرفته و از عباسقلی گلشائیان، که در سالهای دهه سی و چهل وزیر بود، خواسته شد به‌نام همه سخن بگوید. پیر مرد محترم بسیار خوب این کار را انجام داد.

از آنجا که من دیگر شغل رسمی نداشتم، در میان «رجال» بودم. پادشاه در برابر من ایستاده و با اندوه یا به طعنه گفت: «دست کم شما اینجا هستید.»

گروه «روحانیون اقلیت‌های مذهبی» - مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان - همچون همیشه جداگانه پذیرفته شدند. آنان که تهدید بنیادگرایی اسلامی را درک کرده بودند، بسیار گرم با شاه روبرو شدند. در تمام تاریخ، شاه، حافظ اقلیتها بود. در دوران سلطنت پهلوی، به‌ویژه در زمان محمدرضاشاه، این اقلیتها موقعیتهایی درخشان داشتند که حسرت دیگران را در کشورهای دیگر برمی‌انگیخت. آنان به این واقعیت کاملاً آگاه بودند و آن را آشکار می‌کردند.

روحانیون مسلمان، آخرین گروهی بودند که پذیرفته شدند. تماس با آنان اندکی حساستر بود. بر اساس احترام و سنن، شاه، همانند گروه «اقلیت»ها، از آنان دعوت کرد بر صندلیهایی که از پیش چیده شده بود بنشینند. برایشان چای آوردند. شمارشان زیاد نبود. يك واعظ مشهور وارد مقولات سیاسی شد و توصیه‌هایی کرد. شاه برآسفت و شرفیابی را کوتاه کرد. هنگامی که شاه کاخ گلستان را ترک می‌کرد، آشکارا خسته می‌نمود و غمی بزرگ از چهره‌اش نمودار بود. شاید احساس کرده بود که این آخرین دیدارش از آن مکان تاریخی است که هنگامی که ولیعهد خردسالی بود، در آنجا در تاجگذاری پدرش شرکت کرده و سپس خودش در آن تاجگذاری کرده بود. جایی بود که در آن، آمد و رفت آن همه بزرگان جهان را دیده بود. احتمالاً چنین بود.

(ادامه دارد)

یک قاضی بازنشسته:

اظهارات فرمانده انتظامی مازندران در مورد «شکست گردن» طبق قوانین نیروهای مسلح «جرم مطلق» است



سردار پاسدار مخفمی فرمانده نیروی انتظامی مازندران

«هر نظامی‌ای که با اقدامات خلاف شئون نظامی، به هر نحوی از انحاء موجبات ایجاد بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.»

حسن مخفمی فرمانده انتظامی استان مازندران روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مأموران انتظامی در ساحل بابلسر خواستار «شکست گردن» افرادی شد که از دید او «ناهنجاری» کرده و حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند.

وی در جریان بازدید از ساحل بابلسر در پاسخ به یک خبرنگاری گفته بود: «در این استان، در این شهرستان‌های ما، خدای نکرده کسی خواست ناهنجاری کند به حکم قانون گردنش را بشکند یا شمشیر هم با من!»

محمد درویش‌زاده در بخش دیگری از این یادداشت توضیح می‌دهد «به لحاظ تخصصی این جرم از جرائم مطلق است، یعنی تحقق این جرم مقید به حصول نتیجه نیست. به عبارت دیگر، لازم نیست که مردم به نیروهای مسلح بدبین شده باشند؛ بلکه همین مقدار که عمل شخص نظامی به گونه‌ای باشد که بتواند موجبات بدبینی را فراهم کند، جرم مزبور محقق شده است و لازم نیست عملاً بدبین شدن مردم به نیروهای مسلح هم اتفاق بیفتد. عنصر معنوی این جرم هم سوء نیت عام است و نیاز به وجود سوء نیت خاص ندارد؛ یعنی لازم نیست قصد مرتکب برای ضرر رساندن به نیروهای مسلح به صورت خاص احراز شود. علاوه بر این‌ها ایجاد جو بدبینی نسبت به نیروهای مسلح از مصادیق تخلف انضباطی آنها نیز است. لذا مطابق ماده ۱۳۶ قانون مزبور رسیدگی به تخلف نظامیان از نظر انضباطی توسط فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح انجام می‌شود و آنها مکلف به اعلام جرم به دادسرای نظامی نیز هستند.»

بعد از انتشار ویدئوی تهدید مجرمانه‌ی مخفمی، خبرنگاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران با انکار آن مدعی شد «رسانه‌های معاند با تقطیع آن و نسبت دادن آن به موضوع حجاب و عفاف به دنبال صید ماهی خود هستند.»

برخی مقامات انتظامی و قضایی نیز برای جبران اظهارات فرمانده نیروی انتظامی استان مازندران گفتند منظور وی «سارقان» است و «معاندین» و «اراذل و اوپاش» و کسانی بوده که سلب امنیت و آسایش و تعرض به مردم می‌کنند. این ماستمالی یا «ماله‌کشی» نیز در حالیست که شکست گردن «سارقان» و «معاندین» و «اراذل و اوپاش» و هر شهروند دیگری با هر جرمی که مرتکب شده باشد نیز خلاف قانون و نقض وظایف و مسئولیت نیروهای انتظامی است!

محمد درویش‌زاده قاضی بازنشسته و رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ طی یادداشتی در روزنامه «اطلاعات» با انتقاد از «تجویز گردن شکست» نوشت این اظهارات بدبین‌کردن مردم به نیروهای مسلح است و جرم محسوب می‌شود.

در این یادداشت آمده اصولاً برخی اعمال و رفتارها برای آحاد نیروهای مسلح به صورت خاص جرم‌انگاری شده‌اند: از جمله عنصر قانونی جرم مزبور در ماده ۵۵ قانون مجازات جرائم و مجازات نیروهای مسلح آمده و تصریح می‌کند:

یک قاضی پیشین دیوان عالی جمهوری اسلامی می‌گوید تهدید فرمانده انتظامی استان مازندران به «شکست گردن» یک «جرم مطلق» است.

محمد درویش‌زاده قاضی بازنشسته و رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ طی یادداشتی در روزنامه «اطلاعات» با انتقاد از «تجویز گردن شکست» نوشت این اظهارات بدبین‌کردن مردم به نیروهای مسلح است و جرم محسوب می‌شود.

در این یادداشت آمده اصولاً برخی اعمال و رفتارها برای آحاد نیروهای مسلح به صورت خاص جرم‌انگاری شده‌اند: از جمله عنصر قانونی جرم مزبور در ماده ۵۵ قانون مجازات جرائم و مجازات نیروهای مسلح آمده و تصریح می‌کند:

یک قاضی پیشین دیوان عالی جمهوری اسلامی می‌گوید تهدید فرمانده انتظامی استان مازندران به «شکست گردن» یک «جرم مطلق» است.

سجاد پیرفلک بازداشت و ماه‌منیر مولایی راد احضار شد پیکر پویا مولایی راد همچنان در دست نیروهای امنیتی



سجاد پیرفلک در کنار برادرش میثم پیرفلک

فامیل ابوالفضل بازداشت کردند. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، صبح دیروز و همزمان با سالروز ابوالفضل نیز مأموران امنیتی به مزار این جانباخته یورش برده و چند تن از شهروندانی که بر مزار او حاضر شده بودند را بازداشت کردند. ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد اتومبیل‌های سنگین ضدشورش صبح شنبه در حال حرکت به سمت روستای نجف‌آباد شهرستان فاروج از توابع استان خراسان رضوی که مزار ابوالفضل در آن قرار دارد بودند. در هفته دوم خردادماه امسال مرضیه خواهر ابوالفضل با انتشار تصویر احضاریه نوشته که به همراه پدرش از سوی دادسرا با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» احضار شده‌اند. خسرو علی‌کردی وکیل خانواده آدینه‌زاده روز گذشته با انتشار ویدیویی در اینستاگرام اعلام کرد که از ورود او به دادسرا برای پیگیری وضعیت موکلان بازداشت‌شده‌اش جلوگیری شده است. او توضیح داده بود که در پی مراجعه به دادسرای فاروج برای پیگیری وضعیت موکلانش، با دستور دادستان فاروج از ورود او به عنوان وکیل خانواده بازداشت شده ابوالفضل آدینه‌زاده به دادسرا جلوگیری شد. این وکیل دادگستری افزوده بود که رفتار آقای محمدپور، دادستان، خلاف قانون و عرف است و مسئولیت جان موکلین‌اش با مقامات نظام است.

شده را از روی کاغذ بخواند و مردم ایده را دعوت به آرامش کند. همان متن توسط اکانت اینستاگرامی به‌رخ مولایی راد خواهر پویا منتشر شد که نشان می‌داد متن اجباری از سوی نهادهای امنیتی است. طی یک هفته گذشته گزارش دقیقی از خانواده پیرفلک و مولایی راد در دست نبوده و حتی مشخص نیست پدر پویا در بازداشت مأموران امنیتی است یا نه. در حالی که «اتحادیه آزاد کارگران ایران» از حبس خانگی ماه‌منیر مولایی راد خبر داده بود، سجاد پیرفلک این خبر را تکذیب کرد اما نگفته بود خانواده کیان کجا ساکن شده‌اند. موج جدیدی از فشار بر خانواده‌های دادخواه در روزهای گذشته آغاز شده است. تمام اعضای خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوانی که پاییز گذشته در شهر مشهد بر اثر شلیک گلوله مأموران جان باخت نیز طی دو روز گذشته بازداشت شدند. در حالی که روز شنبه ۲۷ خردادماه زادروز ابوالفضل بود، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ خرداد مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل را در شهر مشهد ربودند و پدر و عموی مرضیه نیز که پیگیر وضعیت این دختر جوان بودند، بازداشت شدند. ساعاتی بعد در شامگاه جمعه نیز مأموران امنیتی به روستایی که خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده در آن ساکن بودند حمله کرده و گلدسته حسینی مادر ابوالفضل را به همراه خاله‌ها، عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، دخترخاله‌ها و همه اعضای

● سجاد پیرفلک عموی کیان پیرفلک بازداشت شد و همزمان نیروهای حکومتی شیشه سنگ مزار کیان را شکستند.

● ماه‌منیر مولایی راد مادر کیان به وزارت اطلاعات احضار شده و باید امروز یکشنبه ۲۸ خردادماه خود را به ستاد خبری وزارت اطلاعات معرفی کند.

● پیشتر مأموران امنیتی وعده داده بودند روز شنبه ۲۷ خرداد پیکر پویا مولایی راد را برای خاکسپاری به خانواده تحویل خواهند داد اما چنین کاری نکردند.

فشارهای نهادهای امنیتی و قضایی علیه خانواده‌های دادخواه به شدت ادامه دارد. سجاد پیرفلک عموی کیان پیرفلک بازداشت شد و همزمان نیروهای حکومتی شیشه سنگ مزار کیان را شکستند. گزارش‌ها حاکی از احضار ماه‌منیر مولایی راد توسط ستاد خبری وزارت اطلاعات است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی سجاد پیرفلک عموی کیان پیرفلک حدود ساعت ۱۶ روز شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ در شهر ایذه و در همان خیابانی که کیان مورد اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفته بود بازداشت شد. همزمان با بازداشت سجاد پیرفلک اکانت توئیتری او از دسترس خارج شده که به نظر می‌رسد مأموران موبایل او را در اختیار دارند.

از نهاد امنیتی بازداشت‌کننده سجاد پیرفلک و محل نگهداری او تا زمان تنظیم این گزارش خبری در دست نیست. سجاد پیرفلک در ماه‌های گذشته اخبار خانواده کیان را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد.

خبر دیگری نیز مبنی بر احضار ماه‌منیر مولایی راد مادر کیان به ستاد خبری وزارت اطلاعات منتشر شده است. بر اساس این خبر ماه‌منیر مولایی راد باید امروز یکشنبه ۲۸ خردادماه خود را به ستاد خبری وزارت اطلاعات معرفی کند. شهروندان در ایذه گزارش داده‌اند که شیشه سنگ مزار کیان پیرفلک نیز در روز شنبه ۲۷ خردادماه شکسته و خرد شده است.

بازداشت و احضار اعضای خانواده پیرفلک در حالی صورت گرفته که پیشتر مأموران امنیتی وعده داده بودند روز شنبه ۲۷ خرداد پیکر پویا مولایی راد را برای خاکسپاری به خانواده تحویل خواهند داد اما چنین کاری نکردند.

شنبه گذشته ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ و در زادروز کیان، پویا مولایی راد پسرعموی ماه‌منیر مولایی راد توسط مأموران جمهوری اسلامی کشته شد. در طی کمین و بستن جاده روستای «پرچستان» از سوی مأموران پویا مولایی راد با اصابت چندین گلوله مأموران حکومتی کشته شد. مقامات جمهوری اسلامی مدعی شدند که در اثر برخورد اتومبیل پویا به نیروهای ایست‌بازرسی یک مأمور انتظامی به نام «محمد قنبری» کشته و مأموران نیز پویا را به رگبار بسته‌اند!

پیکر پویا از هفته گذشته توسط مأموران امنیتی به گروگان گرفته شده و پدر او ناچار شد در مقابل دوربین متنی دیکته

جمهوری اسلامی در پوشش کارخانه اتومبیل سازی در خاک روسیه پهپاد انتحاری می سازد



نمایش پهپادهای «شاهد ۱۳۶» که در جنگ اوکراین استفاده شده‌اند

دو شرکت ماشین‌سازی به نام «سینژوی» و «اس دبلیو ام» (SWM) تولید می‌شود. شرکت دوم ایتالیایی است که پس از ورشکستگی در اختیار چینی‌ها قرار گرفت و خط تولید آن در روسیه آغاز شد و قرار است تولیداتش به ایران نیز صادر شود. شرکتی که قرار است ماشین‌های SWM را به ایران وارد کند «سیف خودرو» است که در عمل پوششی برای پنهان کردن تولید انبوه پهپاد است. در سال‌های اخیر، صنایع دفاعی جمهوری اسلامی با هدف تولید «قطعات خاص» مانند ایربرگ و تجهیزات الکترونیک اقدام به تولید قطعات پهپاد کرد. در همین رابطه چند شرکت مشترک ایرانی و روسی قرار بود از طریق شرکت‌های «سینژوی تراست» و «عماد» قطعات الکترونیک و میکروالکترونیک تولید کنند. راه‌اندازی این پروژه به با توجه به توسعه سریع همکاری‌های روسیه و ایران در تمام بخش‌های اقتصاد از جمله در زمینه مهندسی ماشین‌آلات، کشاورزی، نفت و گاز، بخش‌های انرژی و تجارت سلاح امکان‌پذیر شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ساختمان صنعتی این پروژه بخشی از پروژه «هم افزایی ۲+۱» است که ظاهراً یک همکاری صنعتی بین ایران و روسیه در زمینه صنایع اتومبیل‌سازی به شمار می‌رود. بخشی از فعالیت این مجتمع تحت پوشش ماشین‌های تولید شرکت «سایبا» است.

وبسایت آکسیوس به نقل از سه قانونگذار اسرائیلی نوشت اخیراً بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در جلسه‌ای محرمانه با چند نماینده اعلام کرد که اسرائیل به دولت روسیه بابت افزایش همکاری نظامی آن کشور با جمهوری اسلامی ایران در جنگ اوکراین اعتراض کرده است. جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید ۲۰ خرداد بر اساس تصاویر ماهواره‌ای رسماً اعلام کرد جمهوری اسلامی از طریق دریای خزر اقدام به ارسال پهپاد به روسیه کرده و در حال احداث کارخانه‌ای در منطقه ویژه اقتصادی آلابوگا برای تولید پهپاد است.

روزنامه «والاستریت ژورنال» ۲۲ خرداد به نقل از تحقیق‌کنندگان گزارش داد چین به ایران کمک می‌کند تا پهپادهای انتحاری برای روسیه را هرچه سریع‌تر تأمین کند. همچنین روزنامه «تلگراف» نیز ۱۹ خرداد به نقل از نمایندگان پارلمان بریتانیا گزارش داد متخصصان ۱۱ دانشگاه این کشور با برنامه پهپادی ایران همکاری کرده‌اند.

سرتیپ پاسدار سعید آقاجانی مسئول پهپادی نیروی هوافضای سپاه پاسداران که برنامه‌ریزی، تجهیز و آموزش عملیات پهپادی نیروی هوافضای سپاه پاسداران را هدایت می‌کند به همراه سرتیپ پاسدار عبدالله محرابی رئیس سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه و قاسم دماوندیان مدیرعامل شرکت صنایع هوایی «قدس» که هر سه در فهرست تحریم‌ها قرار دارند پروژه ایجاد خط تولید پهپاد در روسیه را پیش می‌برند.

در این کارخانه به ظاهر قطعات دو شرکت ماشین‌سازی به نام «سینژوی» و «اس دبلیو ام» (SWM) تولید می‌شود. شرکت دوم ایتالیایی است که پس از ورشکستگی در اختیار چینی‌ها قرار گرفت و خط تولید آن در روسیه آغاز شد و قرار است تولیداتش به ایران نیز صادر شود.

شرکتی که قرار است ماشین‌های SWM را به ایران وارد کند «سیف خودرو» است که در عمل پوششی برای پنهان کردن تولید انبوه پهپاد به شمار می‌رود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ساختمان صنعتی این پروژه بخشی از پروژه «هم افزایی ۲+۱» است که ظاهراً یک همکاری صنعتی بین ایران و روسیه در زمینه صنایع اتومبیل‌سازی است. بخشی از فعالیت این مجتمع تحت پوشش ماشین‌های تولید شرکت «سایبا» است.

منابع اسرائیلی گزارش می‌دهند جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد خط تولید و مونتاژ پهپادهای انتحاری در روسیه است. سرتیپ پاسدار سعید آقاجانی مسئول پهپادی نیروی هوافضای سپاه پاسداران که برنامه‌ریزی، تجهیز و آموزش عملیات پهپادی نیروی هوافضای سپاه پاسداران را هدایت می‌کند به همراه سرتیپ پاسدار عبدالله محرابی رئیس سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه و قاسم دماوندیان مدیرعامل شرکت صنایع هوایی «قدس» که هر سه در فهرست تحریم‌ها قرار دارند پروژه ایجاد خط تولید پهپاد در روسیه را پیش می‌برند.

این سه نفر اوایل دی‌ماه سال ۱۴۰۱ با پرواز «ماهان ایر» به فرودگاهی نزدیک شهر آلابوگا رفتند. برنامه آنها بازدید از پارک صنعتی و فناوری «A plus Yelabuga» بود. آنها در این سفر از مقدمات ساختمان یک کارخانه بازدید کردند که قرار است در یک مجتمع صنعتی با مساحتی حدود ۷۶ هزار مترمربع دایر شود. در این کارخانه به ظاهر قطعات

نسل زد؛ ایران‌سازانی نیازمند به بستر مناسب در محیط کسب و کار (بخش سه)

● یکی از پژوهشگران منابع انسانی در ایران می‌گوید: «ما در مقایسه میان نسل زد ایرانی و نسل زد غربی می‌بینیم که اتفاقاً درآمد در ایران برای این نسل معیار مهمی است. از آن بیشتر، داشتن شغل برای نسل زد ایرانی به یک هدف و دغدغه اصلی تبدیل شده است. پژوهشگران غربی می‌گویند نسل زد دارای دیدگاهی شناور نسبت به شغل و درآمد هستند و حتی از مشاغل پاره‌وقت و فصلی و دوره‌ای استقبال می‌کنند. در ایران برعکس، نسل زد به دنبال داشتن شغل تمام‌وقت با درآمد بالا است. این موضوع چندان در میان جوانان و حتی نوجوانان نسل زد مشهود است که برخی از آنها حتی تحصیلات دانشگاهی را رها می‌کنند تا وارد بازار کار شوند.»

● «حدود نیمی از نسل زد ایرانی، باز به دلیل شرایط ویژه اقتصادی ایران، «پاداش نقدی» را مهمترین مزایای شغلی ارزیابی کرده و «ساعات کاری شناور و انعطاف در محیط کار» حتی در رده‌های پس از «پاداش نقدی» قرار می‌گیرد. امکان دریافت «وام» نیز از دید این نسل بر «امکان دورکاری» و «فضای استراحت» اولویت دارد.»

این گزارش تحقیقی توسط روشنگ آسترکی کارشناس اقتصادی و همکار کیهان لندن برای اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» تهیه شده که در چند بخش در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

بخش سه

پیشنهادات برای متناسب‌سازی فضای آموزشی برای نسل زد:

- ایدئولوژی‌زدایی از محتوای کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی
- بازبینی در محتوای علمی دروس مختلف و به‌روزرسانی محتوای درسی
- کاهش محتوای دینی از کتاب‌های درسی. آمارها نشان می‌دهد بطور میانگین ۸ درصد از محتوای آموزشی از دوره پیش‌دبستانی تا دبیرم در دیگر کشورها به دین اختصاص دارد که این رقم در بسیاری کشورهای توسعه یافته خیلی کمتر است؛ در ایران اما محتوای دینی (اسلامی) بطور مستقیم و غیرمستقیم به ۲۵ درصد از کل محتوای آموزشی می‌رسد.
- تغییر ساختار در آموزش و پرورش در شیوه برخورد کادر آموزش با دانش‌آموزان و پیاده کردن الگویی استوار بر ←



اعتراضات پاییز ۱۴۰۱

و در کجا انجام شده ارجحیت دارد. در نتیجه برای توضیح انعطاف در محیط کار می‌توان به شناور بودن ساعت کار و عدم برخورداری از چارچوب و قوانین سختگیرانه و خشک در محیط کار اشاره کرد.

یکی از ویژگی‌هایی که برای نسل زد برشمرده می‌شود «اعتقاد جدی به گفتگو و مذاکره برای بهبود وضعیت» است. این خصوصیت باید مورد توجه صاحبان کسب و کار و مدیران قرار بگیرد. این نسل در محیط کار با هر موقعیت و منصب، و با هر حیطه وظایف و اختیارات، نیازمند تعامل مداوم با بقیه اعضای تیم است و نیاز دارد درباره نقاط ضعف و قوت سازمان گفتگو کرده و همفکری خود را در اختیار تیم و مدیران بگذارد.

از سوی دیگر این نسل به شدت از ساختار عمودی در سازمان پرهیز می‌کند، پیرو همین نکته است که داشتن روابط صمیمانه با مدیر و کارفرما می‌تواند محیط کار را به محیطی دلپذیر برای این نسل تبدیل کند. در نتیجه شنیده شدن ایده‌ها و نظرات و انتقادات از سوی همکاران، صرف نظر از سابقه یا عنوان کاری (پوزیشن) همکاران، برای این نسل محیطی مملو از آرامش و ایجاد حس احترام ایجاد خواهد کرد.

نسل نت به دلیل وابستگی و پیوند ناگسستنی با دنیای دیجیتال ترجیح می‌دهد در محیط کار نیز آثار و رد پای زندگی دیجیتال را تجربه کند. مهم نیست در نقش یک کارگر ساختمانی، فروشنده یک فست‌فود یا در نقش یک مدیر میانی در شرکتی بزرگ به فعالیت مشغول است. در نتیجه، بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و مهارت‌های فناوری در محیط کار و شیوه سازماندهی نیروی انسانی یکی از کلیدی‌های ممتاز در ایجاد انگیزه، وفاداری و چسبندگی (engagement) نیروی کار نسل زد خواهد بود.

همانطور که در محیط آموزش برای نسل زد ایجاد کلاس‌های هوشمند یکی از راهکارها برای بهره‌وری آموزشی است، در محیط کار نیز استفاده از ابزارهای مشابه می‌تواند محیطی برای نیروی کار نسل زد ایجاد کند که به بهره‌وری و خلاقیت منجر شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته زومرها «خوداتکایی» است. آنها نسبت به نسل‌های پیشتر از خود تمایل بیشتری به آموزش‌های مداوم و ارتقاء سطح دانش تئوریک و عملی خود نشان می‌دهد. در نتیجه ایجاد فضای آموزشی در قالب کارآموزی و کارگاه‌ها یا ایجاد امکان حضور در سمینارها و دوره‌های آموزشی می‌تواند یک مزیت شغلی جذاب ←

در رابطه با نقش نیروی انسانی در محیط کسب و کار هزاران مقاله و کتاب در کشورهای مختلف منتشر شده است. با ورود نسل زد به بازار کار، تحولی گسترده در ایده‌های چگونگی آماده‌سازی محیط کسب و کار برای نیروی کار به وجود آمد. با توجه به ویژگی‌های متمایز زومرها با نسل‌های پیشین، که پیشتر برشمرده شد، بازنگری در شیوه مدیریت منابع انسانی و ایجاد فضایی متناسب با خواسته‌ها و تمایلات این نسل در محیط کسب و کار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. به ویژه آنکه در دنیای رقابتی کسب و کارها، ایجاد مزایای بیشتر برای نیروی کار با هدف افزایش بهره‌وری به معنای گامی در برتری کسب و کار نسبت به دیگر رقبای است. بر اساس آمار ارائه شده از سوی مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum)، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵، ۲۷ درصد نیروی کار در دنیا را افراد نسل زد تشکیل دهند.

همانطور که پیشتر اشاره شد تعادل در کار و زندگی و همچنین وجود انعطاف یکی از مهمترین اهدافی است که این نسل در اشتغال به دنبال آن هستند. دیگر ویژگی‌ها از جمله چالش‌پذیر بودن، تنوع‌طلبی، صبور نبودن، بلندپروازی، توان برقراری ارتباط پرسرعت با دوستان و همکاران نیز آنها را با کارکنانی از نسل‌های پیشین متمایز می‌کند.

اهمیت توجه به نگرش‌ها، رفتارها و ارزش‌های کاری نسل زد در محیط کسب و کار آنجا برجسته می‌شود که در حال حاضر افرادی از این نسل که سنین بالاتری دارند وارد محیط کار شده و در نتیجه اختلاط نسلی آنها در محیط کسب و کار با نسل‌های پیش از خود شاید برای کارفرمایان و مدیران منابع انسانی چالش بیشتری ایجاد کند. یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد میزان درآمد تنها عامل محوری در انتخاب شغل، افزایش انگیزه کاری یا وفاداری زومرها به سازمان نیست. آنها به دلیل توجه ویژه به تعادل در کار و زندگی و کار را بخشی از زندگی دیدن، مجموعه‌ای از معیارها را برای حضور یا ماندن در یک سازمان مد نظر قرار می‌دهند.

انعطاف در محیط کار یکی از برجسته‌ترین معیارهای این نسل است که به عنوان یک مزیت در انتخاب شغل یا رضایتمندی از کار مورد توجه آنها است. باید تأکید کرد که انعطاف در محیط کار لزوماً به معنای علاقمندی به کار آنلاین یا کار در خانه نیست. غالب افراد این نسل معتقدند انجام شدن وظیفه شغلی به بهترین شکل بر اینکه در چه ساعتی

→ ارزش‌گذاری و احترام به دانش‌آموزان

- توجه و مرزبندی کادر آموزش با هویت فردی و حریم خصوصی دانش‌آموزان
 - تقویت روابط میان اولیاء و مدرسه. رویارویی با نسل‌های زد و آلفا برای برخی والدین هم چالشی است و لازم است مدرسه بتواند با ایجاد رابطه سازنده با والدین به یک هماهنگی در تعریف و شیوه مواجهه با دانش‌آموزان عصر تکنولوژی داشته باشد.
 - به‌کارگیری ابزارها و وسایل، برنامه‌ها و اپلیکیشن‌ها در آموزش و جایگزینی آنها با کتاب و جزوه
 - ایجاد کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های متناسب با محتوای آموزشی و افزایش تجهیزات آموزشی در مدارس
 - آموزش تصویری و ویدئویی بجای آموزش نوشتاری. این نسل با آموزش بصری از طریق ویدئو و پادکست بیشتر همخوانی دارد.
 - آزمون‌های آنلاین بجای آزمون‌های نوشتاری و استفاده از آزمون‌های کوچک الکترونیک بجای تکلیف نوشتاری
 - این نسل به تحقیق و جستجو در اینترنت علاقه بیشتری دارد تا حفظ کردن محتوایی بسته‌بندی شده در کتاب‌های درسی. دادن تکالیفی که دانش‌آموز بتواند حول یک موضوع در اینترنت تحقیق و یک متن مقاله‌گونه تحویل دهد در تثبیت مفاهیم در ذهن او کارآمدتر از آزمون‌های محتوای کتاب‌های درسی است.
 - گروه‌های کوچک و یادگیری فعال. نسل Z دارای دامنه توجه کوتاه‌تری است و همچنین در تیم‌های کوچک موفق‌تر عمل می‌کند. تشکیل گروه‌های کوچک از دانش‌آموزان و سپردن تکالیفی چون نوشتن مقاله‌ای گروهی در یک زمان کوتاه در فرایند یادگیری آنها موثرتر است.
 - استفاده از بازی‌ها در فرایند یادگیری دانش‌آموزان این نسل بسیار پراهمیت است. این نسل برخلاف اینکه بر آموزش کلاسی از سوی معلم تمرکز زیادی ندارد، می‌تواند روی بازی‌های آموزشی تمرکز بالایی را به نمایش بگذارد.
 - طراحی کلاس‌های هوشمند. مکان‌های متنوع و منعطف، میلمان هوشمند و متحرک، استفاده از صفحه نمایش‌های سه بُعدی در ابعاد بزرگ، بهره‌مندی از رنگ‌ها در طراحی کلاس درس از جمله عواملی است که می‌تواند بهره‌وری آموزشی را بالا ببرد.
- تناسب فضای کسب و کار در ایران با ویژگی‌های نسل زد**
- مطالعات دسته‌بندی نسلی سال‌هاست مورد توجه پژوهشگران منابع انسانی قرار گرفته است. شناخت ویژگی‌های هر نسل از نیروی کار، و سازگار کردن محیط کسب و کار برای هر نسل از یکسو سبب ایجاد انگیزه و افزایش مشارکت و بهره‌وری نیروی کار شده و از سوی دیگر به دستیابی سازمان‌ها به اهداف خود کمک شایانی می‌کند.
- محیط کسب و کار (Business Environment) عبارت است از مجموعه‌ی تمام عوامل داخلی و خارجی موثر بر سازمان مانند کارکنان، نیازها و انتظارات مشتریان، عرضه و تقاضا، مدیریت، مشتریان، تأمین‌کنندگان، مالکان، فعالیت‌های دولت، نوآوری در فن‌آوری، روندهای اجتماعی، روند بازار، تغییرات اقتصادی و... است.
- نیروهای انسانی یکی از بخش‌های مهم و مؤثر در محیط کسب و کار هستند که در بسیاری موارد سرنوشت پیشبرد اهداف یک سازمان به عملکرد آنها بستگی دارد. هرچند پیش‌بینی می‌شود طی دهه‌های آینده در برخی کسب و کارها، ربات‌ها و هوش مصنوعی جایگزین نقش و وظیفه نیروی انسانی شوند اما به نظر نمی‌رسد این موضوع در سن مشارکت اقتصادی نسل زد و در کشورهای در حال توسعه مانند ایران عملی شود.

→ برای نسل زد به شمار رود.

این نسل در بدو ورود مسن ترهایش به بازار کار با پاندمی کرونا روبرو شد. طی سه سال اعلام وضعیت اضطراری بیماری کرونا از سوی سازمان بهداشت جهانی هرچند سازگاری این نسل با شرایط قرنطینه‌های طولانی بسیار بهتر از دیگر نسل‌ها بود اما آثار اقتصادی کرونا از جمله اخراج نیروی کار از دید برخی تحلیلگران به عنوان یک تهدید برای این نسل تازه‌وارد به بازار کار اعلام شده است. در همین رابطه نشریه «بیزینس اینسایدر» (Business Insider) در مقاله‌ای به بروز همه‌گیری کرونا و تأثیر آن بر نسل زد پرداخته و نوشته بود این نسل (که مسن‌ترین اعضایش اکنون حدود ۲۵ ساله هستند)، از نظر مالی بیش از متولدین سایر نسل‌ها از همه‌گیری کرونا ضربه خورده و احتمال تکرار شرایطی شبیه به بحران مالی ۲۰۰۸ برای اعضای این نسل وجود دارد.

زومرها در ایران اما به غیر از کرونا با مشکلات و مصائب دیگری روبرو هستند که برخی ارزش‌های کار را برای آنها متمایز از هم‌نسلانشان در دیگر کشورها کرده است. این نسل در سال‌هایی کودکی و نوجوانی خود را پشت سر گذاشته که ایران همواره با بحران‌های سیاسی و اقتصادی پیچیده‌ای روبرو بوده است. انرژی هسته‌ای اگرچه به عنوان ابزار تقابلی با غرب از سوی جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته اما هزینه‌های گسترده اقتصادی و حتی اجتماعی به ایرانیان وارد کرده است. قرار دادن ایران در بن‌بست از سوی جمهوری اسلامی و تحریم‌ها، رکود تورمی پایدار، رشد اقتصادی منفی یا نزدیک به صفر و افزایش نرخ بیکاری، فساد ساختاری و رانتی در جمهوری اسلامی، تشدید سرکوب‌های مسلحانه در اعتراضات، امنیت شدن فضای دانشگاه‌ها و حتی مدارس، و در نهایت تحولات اجتماعی از جمله موج گسترده مهاجرت ایرانیان در قالب دانشجو، کارآفرین، سرمایه‌گذار و نیروی کار، همگی از عواملی است که زندگی و تصمیمات این نسل را تحت تأثیر قرار داده است.

یکی از پژوهشگران منابع انسانی در ایران می‌گوید: «ما در مقایسه میان نسل زد ایرانی و نسل زد غربی می‌بینیم که اتفاقاً درآمد در ایران برای این نسل معیار مهمی است. از آن بیشتر، داشتن شغل برای نسل زد ایرانی به یک هدف و دغدغه اصلی تبدیل شده است. پژوهشگران غربی می‌گویند نسل زد دارای دیدگاهی شناور نسبت به شغل و درآمد هستند و حتی از مشاغل پاره‌وقت و فصلی و دوره‌ای استقبال می‌کنند. در ایران برعکس، نسل زد به دنبال داشتن شغل تمام‌وقت با درآمد بالا است. این موضوع چندان در میان جوانان و حتی نوجوانان نسل زد مشهود است که برخی از آنها حتی تحصیلات دانشگاهی را رها می‌کنند تا وارد بازار کار شوند. این موضوع فقط در بین دانشجویان رشته‌هایی با بازار کار کم درآمد، مثل رشته‌های علوم پایه انسانی، نیست. ترک تحصیل در میان دانشجویان تخصص پزشکی هم نرخ بالایی دارد. در حالی که تحصیلات یک سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید اما بخشی از نسل زد ایرانی ریسک این سرمایه‌گذاری را بالا ارزیابی می‌کند چون فکر می‌کند در فضایی که امنیت شغلی و درآمد کافی وجود ندارد باید هر چه سریع‌تر وارد بازار کار شود. این ایده بیشتر در بین جوانانی که قصد ماندن در ایران دارند رایج

است. آن بخش از نسل زد هم که امکان مالی خروج از کشور برای تحصیل و کار را دارد با پشتکار به دنبال افزایش مهارت‌ها و توانمندسازی است. منظور اینکه پتانسیل در این بچه‌ها یکسان است اما شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، و مهیا نبود فرصت‌های شغلی مناسب که این بچه‌ها احساس کنند کرامت و رفاه آنها را پاسخ می‌دهد سبب شده، شاید ناخواسته، تن به انتخاب‌هایی اینچنینی بدهند.»

او با اشاره به یک نظرسنجی از نسل زد که از سوی «جاب ویزن» در چند کلانشهر ایران انجام شده می‌گوید: «بیش از ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند حقوق ثابت را ترجیح می‌دهند. ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند قراردادهای کاری حداقل دو سال را ترجیح، و ۳۱ درصد قراردادهای کاری حداقل یکساله را ترجیح داده بودند و فقط ۱۳ درصد حاضر به کار با قراردادهای سه ماهه بودند. این در حالیست که قراردادهای کاری در ایران به ویژه در ابتدای استخدام اکثراً به صورت سه ماهه یا موقت است چون کارفرما با قراردادهای زیر ۹۰ روز ملزم به پرداخت بیمه نیست و البته بعد از اخراج هم نیروی کار به دلیل نوع قرارداد امکان شکایت از کارفرما و دریافت حقوق بیکاری را ندارد. همینجا مشخص می‌شود شیوه قراردادهای مرسوم با خاستگاه نسل زد چه تفاوت عمیقی دارد.»

او همچنین می‌گوید که حدود نیمی از نسل زد ایرانی، باز به دلیل شرایط ویژه اقتصادی ایران، «پاداش نقدی» را مهمترین مزایای شغلی ارزیابی کرده و «ساعات کاری شناور و انعطاف در محیط کار» حتی در رده‌ای پس از «پاداش نقدی» قرار می‌گیرد. امکان دریافت «وام» نیز از دید این نسل بر «امکان دورکاری» و «فضای استراحت» اولویت دارد.

این پژوهشگر منابع انسانی معتقد است: «بیش از یک سوم از نسل زد ایرانی علاقمند به کارآفرینی بجای کارمند بودن است. اما بسترهای کارآفرینی چه از نظر ساختار فاسد اقتصادی و چه قوانین و توزیع ناعادلانه فرصت‌ها به دلیل رانت حکومتی موجود نیست. بخشی از این جوانان با علاقه و البته با سختی اقدام به راه‌اندازی کسب و کاری کوچک کرده اما به دلیل موانعی که برشمردم و در بستر بی‌ثبات اقتصادی به سرعت ورشکسته شده و سرخوردگی ناشی این شکست را تا مدت‌ها متحمل می‌شوند.»

از سوی دیگر جمهوری اسلامی نه در آموزش و تربیت نیروی کار و نه در تربیت و راهگشایی برای کارآفرینان و مدیران اقدام موثری انجام نداده بلکه نگاه ایدئولوژیک و قوانین ناکارآمد و دست و پا گیر و همچنین ایجاد ساختار رانتی و فاسد، مسیر کارآفرینان و مدیران خلاق و مستقل را مسدود کرده است.

عدم آموزش و فراهم نشدن بسترها و ارزش‌های شغلی مناسب با ویژگی‌های این نسل نیز مشکل دیگری است که آندسته از زومرهایی که موفق به یافتن شغل می‌شوند با آن روبرو هستند.

یک متخصص منابع انسانی در ایران در اینباره می‌گوید: «مطالعات بین نسلی از حلقه‌های مفقوده در حوزه مدیریتی ایران است. در دانشگاه‌ها که بطور جدی به این موضوع پرداخته نمی‌شود و البته در بقیه موضوعات و رشته‌ها هم

متأسفانه آطور که باید از ظرفیت پژوهشی دانشگاه و پتانسیل دانشجویها استفاده نمی‌شود. در نتیجه ما به منابع معتبر و مستند داخلی درباره منابع انسانی و به ویژه نسل زد دسترسی نداریم. در بسیاری از زمینه‌های منابع انسانی همین مشکلات را داریم. در سال‌های گذشته که فعالیت استارت‌آپ‌ها در ایران رشد کرده ما در بخش خصوصی شاهد هستیم که تحرکات کوچکی انجام شده اما نه کافی است و نه کامل. ضمن اینکه نبود آموزش برای مدیران و اساساً عدم توجه حکومت به این مهم، وضعیت در سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی را به شکلی فاجعه‌بار تبدیل کرده است. خصوصاً اینکه فاصله میان مردم و حکومت بسیاری از مدیران سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی را بی‌انگیزه کرده و آنها هم مثل کارکنانشان فقط به دنبال گذراندن ساعت کاری و رساندن امروز به فردا هستند. من به عنوان مدیر منابع انسانی که با چندین کارمند سر و کار دارم باید به صورت تجربی بتوانم ساختاری برای افزایش انگیزه و بهره‌وری نیروی کار خود به ویژه نسل‌های جوان داشته باشم در حالی که تجربه به معنای هدر رفتن زمان و همینطور آزمون و خطا است.»

این متخصص منابع انسانی می‌گوید: «خلاء موجود بین نسلی که با عدم توجه به آموزش همچنان برجسته است باعث شده حدود دو سوم از نسل زد ایرانی علاقمند به همکاری با هم‌نسلان خود باشند که درک و ایده مشتری از کار و همکاری دارند. همینطور یک سوم آنها ترجیح می‌دهند که مدیرانشان از هم‌نسلان خودشان باشند و یک سوم دیگر در نهایت کار با نسل پیشین (هزاره‌ها) را راحت تلقی می‌کنند. این موضوع در مقایسه با رویکرد ضدجوانگرایی در حکمرانی ایران نشان می‌دهد تا چه حد فضای کسب و کار با ایده‌آلهای نسل زد فاصله دارد و همانطور که اشاره کردم مدیران نسل‌های پیشین هم آموزش برای کار با این نسل را ندیده‌اند تا دست‌کم بتوانند خلاء موجود را پر کنند و بهره‌وری و انگیزه نسل زد در محیط کار را افزایش دهند.»

در این میان، منابع در دسترس در ایران غالباً ترجمه متون غربی یا وام‌گرفته از آنهاست و به دلیل اینکه جمهوری اسلامی در طراحی ساختاری در زمینه آماری و نظرسنجی به شدت ضعیف عمل کرده و همواره پژوهشگران با ممیزی و سانسورها و خطوط قرمز روبرو هستند، نه پژوهش‌های دولتی معتبر در دسترس است و نه بخش خصوصی توانسته پژوهش‌های گسترده و میدانی انجام دهد.

این ضعف سبب می‌شود که الگوهای اندک موجود برای مدیریت منابع انسانی نسل زد و حتی نسل‌های پیشین، صرفاً الگوهای کپی‌برداری شده از غرب باشد. هرچند نقاط مشترک میان نسل زد در جهان این شانس را ایجاد کرده که بخشی از الگوهای کپی‌برداری شده پاسخگو باشد اما در مجموع به دلیل بستر ویژه سیاسی و اجتماعی ایران و تجربه زیست متفاوت این نسل و در نتیجه تغییر در اولویت‌های نیروی کار آمده از این نسل، مدیران نیازمند الگوهای بومی‌سازی شده هستند.

آنچه بررسی‌ها مشخص می‌کند اینست که مسائل مالی برای نسل زد ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کار کردن برای این نسل در ایران برای تأمین هزینه زندگی و ←

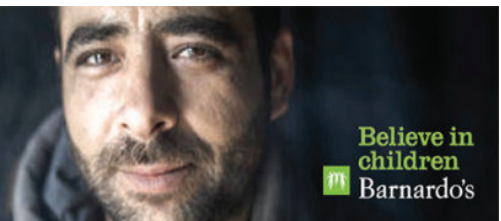
Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



برای نسل زد در شکل‌گیری برآورد آنها از سازمان است.

- نسل زد بیشتر علاقه دارد خودش رئیس خودش باشد و ساختارهای عمودی و اقتدارگرا فراری است. سازمان‌ها با به‌کارگیری شیوه‌های کارآمد تقسیم و تفکیک مسئولیت‌ها می‌توانند ساختار افقی ایجاد و ساختار رئیس و مرئوس را در بخش‌های مختلف از بین ببرند تا نیروی کار بتواند بطور مستقل وظایف‌اش را انجام دهد.
- کارآفرینی درون‌سازمانی. با توجه به علاقه ویژه نسل زد به کارآفرینی، مدیران خلق می‌توانند با ایجاد فضای «کارآفرینی درون‌سازمانی» مانند نوآوری در محصول و شرایط بُرد- بُرد برای سازمان و کارمند نسل زد ایجاد کنند.
- ایجاد کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برای نسل‌های پیشین شاغل که بتوانند همکاری و مدیریت نسل زد را با ایجاد بالاترین بهره‌وری پیش ببرند.
- نسل زد علاقه زیادی به بازخورد سریع دارد و در نتیجه ارتباط مداوم با کارکنان این نسل از سوی مدیران و ایجاد انگیزه با بازخورد و تشویق می‌تواند در افزایش بهره‌وری و سرعت کار آنها موثر باشد.
- ارائه زیرساخت مناسب برای سرعت بخشیدن و آسان شدن انجام کارها. نسل زد به دلیل آمیختگی با تکنولوژی به بهره‌مندی از ابزارهایی برای آسان و سریع شدن انجام امور اعتقاد دارد. مدیران سازمان نیاز دارند برای نیروی کار نسل زد تغییراتی در بستر سازمانی ایجاد کند و با ترکیب برنامه‌های به‌روز مدیریت استراتژیک و مدیریت منابع انسانی، و تکنولوژی بتوانند تعامل کارکنان و انجام وظایف را سرعت ببخشند.
- ایجاد ارتباط موثر میان دانشگاه‌ها و سازمان‌ها برای شناخت و جذب افراد مستعد و کارآمد.

نسل زد در محیط کار است. با برگزاری کارآموزی، کارفرما نیز استعدادها و علاقمندی‌های نسل زد را شناخته و او را در جایگاهی متناسب قرار خواهد داد.

- توسعه برنامه‌های آموزشی برای کارکنان. توانمندسازی، یادگیری و به روز بودن یکی از عوامل انگیزه‌بخش به نسل زد در محیط کار است.
- ایجاد شرایط کار شناور با تأکید بر مسئولیت مشخص. نسل زد بیش از آنکه بتواند خود را با یک چارچوب خشک و بسته تطبیق دهد، به دنبال درک مسئولیت کاری و ارائه آن به بهترین نحو ممکن است. در نتیجه بیش از آنکه از باید و نبایدهای چارچوب کاری بشنود، مایل است مسئولیت شغلی برایش روشن و ساز و کار انجام و تحویل کار را بشناسد.
- نسل زد به آزادی عمل توجه ویژه دارد. دست نسل زد باید برای شخصی‌سازی محیط کارش باز باشد.
- قالب‌های متنوع کاری طراحی شود و نیروی کار فرصت اظهار نظر و ایجاد تغییر در قالب کار را داشته باشد.
- توجه سازمان با هر زمینه‌ی فعالیتی به موضوعاتی چون محیط زیست، حقوق شهروندی، بهداشت، فقرزدایی و... و ایجاد پروژه‌های فوق برنامه و اختیاری، برای گونه در آخر هفته یا در پایان یک روز کاری، برای کارکنان که بتوانند در این پروژه‌ها مشارکت داشته باشند یکی از راهکارهای ایجاد انگیزه و چسبندگی (engagement) برای نیروی کار نسل زد است.
- عدالت و عدم تبعیض در همه زوایای زندگی نسل زد نقشی پررنگ دارد. عدم نگاه جنسیت‌محور، قوم‌محور یا دین‌محور در زمینه استخدام نیروی کار. ایجاد فرصت برابر برای شهروندان در استخدام نیروی کار یکی از معیارهای مهم

→ ایجاد رفاه حداقلی معنا پیدا می‌کند نه برای مفاهیم انتزاعی و باورهای غیرمادی!

همچنین برخلاف تصور عمومی که نسل زد را علاقمند به ارتباطات مجازی می‌شناسد، این نسل، دست‌کم در ایران، ترجیح می‌دهد ارتباطات رو در رو با مدیران و همکاران داشته باشد و در نتیجه ایجاد فضایی برای گفتگوهای پی در پی با کارمندان نسل زد و رد و بدل کردن بازخوردها برای آنها ایجاد انگیزه و آرامش در محیط کار خواهد کرد.

پیشنهادات برای متناسب‌سازی محیط کسب و کار برای نسل زد:

- حقوق ثابت. به دلیل شرایط ویژه اقتصادی در ایران، نسل زد در این کشور برخلاف نسل زد جهانی کار پاره‌وقت یا دستمزدهای پورسانتی و پله‌ای را ترجیح نمی‌دهد و حقوق ثابت و قرارداد کاری برای تأمین امنیت شغلی را ترجیح می‌دهد.
- دستمزد عادلانه و کافی. برای نسل زد ایرانی دستمزد یکی از محوری‌ترین معیارهای انتخاب و ماندگاری در شغل است.
- مزایای شغلی مشخص مانند پاداش نقدی، مرخصی، وام، تسهیلات سفر و... نسل زد نیاز دارد مزایای شغلی مختلف را بداند و در نتیجه کارفرمایان باید مزایای شغلی را در یک بسته مشخص به او ارائه و وی را در اینباره مطلع کنند.
- استفاده از دوره‌های کارآموزی در ابتدای فعالیت کاری. نسل زد باید بداند دقیقاً بخش‌های مختلف سازمان چه فعالیتی می‌کنند و او و بخشی که در آن شاغل شده در چه موقعیتی در سازمان قرار دارد. دوره کارآموزی باید همراه با آگاهی‌رسانی از چارت سازمانی و فعالیت‌های مختلف باشد.
- توجه به رشد فردی از جمله موارد انگیزه‌بخش برای

منابع:

- 1-Acheampong, N. A. A. (2021). Reward preferences of the youngest generation: Attracting, recruiting, and retaining generation Z into public sector organizations. *Compensation & Benefits Review*, ۵۲(۲), ۷۵-۹۷
- 2-Annie E. Casey Foundation. (2021). What Are the Core Characteristics of Generation Z? Retrieved from <https://www.aecf.org/blog/what-are-the-core-characteristics-of-generation-z>
- 3-Arar, T., & Öneren, M. (2018)
- 3.Barnes & Noble College (2015). "Getting to Know Gen Z – Exploring Middle and High Schoolers' Expectations for Higher Education". <https://www.bncollege.com/wp-content/uploads/2015/10/Gen-Z-Research-Report-Final.pdf>
- 4.Berg A, Luken S. The Ultimate Classroom)2019(, <https://www.onecommunityglobal.org>. 2017
- 5.Berkup, S.B. (2014). Working with Generations X and Y in Generation Z Period: Management of Different Generations in Business Life. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(19), 218-229. <https://doi.org/10.5901/mjss.2014.v5n19p218>
- 6.Definition of 'generation. Available: <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/generation>. 2019
- 7.Cooke, L. P. (2021). Gender revolution, evolution or neverlution?. *Institute for Fiscal Studies*
- 8.Dombrosky, K. (2018). "An Insider's Guide to Generation Z and Higher Education". <https://upcea.edu/wp-content/uploads/2018/01/An-Insiders-Guide-to-Generation-Z-and-Higher-Education-eBook.pdf>
- 9.Francis T., Hoefel F. (2018). "True Gen": Generation Z and its implications for companies". *McKinsey Company report*
- 10.Gupta, M. (2021). Liquid workforce: The workforce of the future. In *Research Anthology on Digital Transformation, Organizational Change, and the Impact of Remote Work*(pp. 1998-2010). IGI Global

- 11.Hedayati, F. (2021). Designing rainbow, immersive and Inspiring classrooms: the learning space of the Z generation. *New Approach in Educational Sciences*, ۳(۱), ۷۶-۸۴,
- 12.Iftode, D. (2019). Generation Z and learning styles. *SEA-Practical Application of Science*, ۷(۲۱), ۲۵۵-۲۶۲
- 13.Indeed, Editorial Team. (2021). 11 Generation Z Characteristics to Highlight. Retrieved from <https://www.indeed.com/careeradvice/career-development/generation-z-characteristics>
- 14.Jenkins, R. (2018). "Forget millennials — here are 8 things you'll want to remember about Gen Z". <https://www.businessinsider.com/forget-millennials-here-are-8-things-to-know-about-gen-z-2017-7>
- 15.Lambert, L. (2021). "TikTok to the moon? The app is outgrowing its Gen Z stereotype". <https://fortune.com/2021/02/15/tiktok-gen-z-users-age-groups-survey/>
- 16.Link, J. "Engaging the Workforce of the Future the emergence of Generation Z." <https://www.shrm.org/foundation/ourwork/initiatives/preparing-for-future-hr-trends/Documents/10-15%20Randstad%20Presentation.pdf>
- 17.Macom/industries/consumer-packaged-goods/our-insights/true-gen-generation-z-and-its-implications-for-companies
- 18.Meilani, Y.F.C.P., Tan, J.D., Murwani, F.D., Bernarto, I., & Sudibjo, N. (2021). Motivating and Retaining Generation Z Faculty Members in Private Universities. *Journal of Educational and Social Research*, 11(1), 245-255. <https://doi.org/10.36941/jesr-2021-0022>
- 19.Miller, J. (2019). "Gen Z: The Challenges and Opportunities with New Talent from a New Generation". <https://people-equation.com/gen-z-the-challenges-and-opportunities-with-new-talent-from-a-new-generation/>
- 20.Owens, J., & Allagoa-Warren, A. (2016). *Generation Z—What To Expect, What They Expect*
- 21.People Matters (2019). "What Gen Z expects

from the workplace", available at: <https://www.peoplematters.in/article/life-at-work/what-gen-z-expects-from-the-workplace-23751> (accessed 20 January 2020)

- 22.Recruting, and Retaining Generation Z into Public Sector Organizations. *Compensation & Benefits Review*, 0(0), 1-23. <https://doi.org/10.1177/0886368720954803>
- 23.Role of Talent Management in Career Development of Generation Z: A Case Study of a Telecommunication Firm. *International Academic Journal of Social Sciences*, 5(1), 28-44. <https://doi.org/10.9756/IAJSS/V5I1/1810004>
- 24.Schwieger, D., & Ladwig, C. (2018). Reaching and retaining the next generation: Adapting to the expectations of Gen Z in the classroom. *Information Systems Education Journal*, ۱۶(۳), ۴۵
- 25.Shatto, B., & Erwin, K. (2017). Teaching Millennials and Generation Z: Bridging the generational divide. *Creative nursing*, ۲۳(۱), ۲۴-۲۸
- 26.Sherman, U.P. and Morley, M.J. (2015). "On the formation of the psychological contract: a schema theory perspective", *Group and Organization Management*, Vol. 40 No. 2, pp. 160-192, <https://doi.org/10.1177/02F1059601115574944>
- 27.Singh A.P., Dangmei, J. (2016). "Understanding the generation Z: The future work".
- 28.Thangavel, P., Pathak, P., & Chandra, B. (2021). Millennials and Generation Z: A generational cohort analysis of Indian consumers. *Benchmarking: An International Journal*.
- 29.Twenge, J. M. (2017). "iGen : Why today's super-connected kids are growing up less rebellious, more tolerant, less happy and completely unprepared for adulthood and what that means for the rest of us.?" New York, NY, US: Atria Books
- 30.YPULSE (2020)."TikTok's Massive Growth Among Gen Z & Millennials in 3 Charts" <https://www.ypulse.com/article/2020/02/19/tiktoks-massive-growth-among-gen-z-millennials-in-3-charts/>

مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلامی

ریشه‌های تاریخی تعهدات جهانی (بخش دوم)



● حقوق ملت‌ها شامل قوانین و آداب و رسومی است که قوانین خاص خود را ایجاد کرده و تا حدودی قوانین مشترکی برای همه نوع بشر به وجود می‌آورد. قانونی که یک گروه برای خود وضع می‌کند تا ناظر بر روابط درون گروهی باشد، قانون مدنی نام دارد، اما قانونی که عقل طبیعی برای تمام بشریت وضع می‌کند و می‌بایست توسط همه مردم بطور یکسان رعایت شود، قانون ملت‌ها نامیده می‌شود. این قانونی است که همه بشریت باید آنرا رعایت کند.

محمود مسائلی - در حالی که به عنوان یک هنجار نوظهور در حقوق بین‌الملل معاصر، تعهدات جهانی مورد استقبال قرار گرفته است، ریشه‌های این مفهوم را باید در حقوق عمومی [۱] حقوق رومی، یعنی مفهوم حقوق ملت‌ها و یا حقوق مردم جستجو کرد.

بخش دوم

در این دیدگاه، اساساً قانون از رضایت قراردادهای کشورها نشأت نمی‌گیرد، بلکه ریشه و وجود قانون در آگاهی انسان قرار داشته و توسعه و تکامل پیدا می‌کند. بر این اساس، اینگونه تصور از مفهوم قانون برای هر انسان خردمندی به بهترین وجه ممکن قابل ادراک است. اینگونه قوانین ویژگی جهانشمول به خود می‌گیرند و با قرار گرفتن در مرکز جامعه، کشورها، نهادهای اجتماعی و مردم را به رعایت آنها ملزم می‌سازند. به این ترتیب، مفهوم قانون ملت‌ها مفهومی عادلانه و قانونی مشترک برای همه انسان‌هاست. این قانون با خصلت عقلانی مردم کشورهای مختلف درک می‌شود، و به همین دلیل در کانون مرکزی بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی جهان معاصر قرار دارد.

قوانین عمومی بحث فلسفی آن چیزهایی است که باید با عقل و تجربه آموخته شود. بنابراین، قوانینی صرفاً منحصر به سیاست‌گذاری واحدهای سیاسی نیستند. این قوانین اصل اول عقل عملی را به عنوان پیش‌فرض انتخاب می‌کند که بین همه مردم مشترک است و بر این اساس می‌توانند به درستی در موضوع مبانی مشترک اخلاق و حقوق با یکدیگر مشارکت داشته باشند. این قوانین به موضوعات حیاتی زندگی عمومی و نظم اجتماعی شفافیت می‌پردازند، درعین حال توضیح می‌دهند که هیچ سیاست‌گذاری خاص و یا فردی از این قلمرو مشترک خارج نیست. [۲]

متفکران یونان باستان و حقوقدانان رومی، قوانین عمومی و یا همان حقوق ملل را به عنوان مفهومی از قانون که بر همه اعضای جامعه بشری حاکم است، توسعه دادند. در میان حقوقدانان رومی، گایوس [۳] مفهومی فراگیر از قوانین ناظر بر جوامع را تعریف کرد که از حقوق طبیعی سرچشمه می‌گرفت. به نظر او قانون با عقلانیت طبیعی برای همه شکل می‌گیرد و همه بطور یکسان آنرا درک می‌کنند. [۴] این همان قانون همگانی و یا حقوق ملت‌هاست و از نظر مفهومی که ادا می‌کند، به همه جهان مربوط است. در حقیقت، مفهوم قانون از مردم [۵] یعنی از جهان سرچشمه می‌گیرد. چنین قانونی در زمان روم برای زندگی اجتماعی سازنده بود زیرا نه تنها بر روابط بین شهروندان حاکم بود، بلکه شهروندان و بیگانگان را نیز قادر می‌ساخت تا از موهبات زندگی اجتماعی برخوردار باشند. در حقیقت، برای شهروندان یک تعهد عادلانه قابل اجرا بود که بر بیگانگان نیز نظارت داشت. دامنه تعهدات

در ریشه‌شناسی حقوق ملت‌ها [۸] نمونه‌های روشن‌تری از مفهوم حقوق ملت‌ها که پیشتر گایوس معانی آنرا توضیح داده بود، آورده شده است. اینکه، به عنوان مثال، گفته می‌شود تعهدات قراردادی را باید گرامی داشت، به این دلیل است که اصولاً معاهداتی که براساس قانون و عرف به وجود می‌آیند آنهایی هستند که با نیت صلح‌آمیز [۹] طرفین را به نوعی توافق متقابل می‌رسانند. به دلیل همان نیت صلح‌آمیز، طرفین توافق می‌کنند تا نسبت به عهد خود در قراردادی که منعقد می‌کنند، وفادار بوده و بر اساس آن عمل کنند. حال اگر این تعهد قراردادی در متن آنچه حقوق ملت‌ها نامیده می‌شود قرار گیرد، دامنه تعهد قراردادی از محدودیت‌های عبور کرده و به دلیل ماهیت عادلانه‌ای که دارد بر ورای زمان و مکان برای همه جوامع می‌تواند جاری باشد. این قانونی است که شفافیت دارد و از ابهام دور بوده و از هر نوع فریبکاری مبرا است. این حقوق «نه برای تامین خواست‌های فردگرایانه، بلکه برای منافع مشترک همه شهروندان نوشته می‌شود». [۱۰] یک مثال دیگر از حقوق ملت‌ها شایسته توضیح است. آزادی را در نظر بگیرید که از آغاز تولد با انسان همراه است. برخورداری از این آزادی یک موقعیت قانونی نیست که به مردم اعطا شود یا از آنها گرفته شود. اگر آزادی انکار شود، شرارت و بدکاری جای آنرا می‌گیرد، و زنجیرهای برده‌داری بر جوامع مستولی می‌شوند. به همین ترتیب سلب توانایی مردم برای زندگی در وطن خود، یعنی تبعید ساختن آنان نیز مانند برده‌داری است زیرا بهره‌مندی از آزادی را به سرعت می‌برد. «این به تنهایی شدیدترین شرارت‌هاست. برای آزادگان این شرایط از هر نوع مجازاتی بدتر است، زیرا در هر جا آزادی از دست رود، همه چیز با آن از بین می‌رود». [۱۱] از همین رو، حقوق ملت‌ها همه اعضای جامعه بشری را موظف می‌سازد تا به «تعهدات جهانی» خود برای احترام و ترویج آزادی همنوعان خویش عمل کنند. به همین دلیل است که حقوق بین‌الملل تبعیض، نابرابری، شکنجه و رفتار غیرانسانی، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت را محکوم می‌کند. ←

ناشی از قوانین عمومی چنان فراگیر است که مناسبات با بیگانگان را نیز بدون محدودیتی تعریف و تعیین می‌نماید. به دلیل روابط مشترک اجتماعی، این تعهداتی را نیز برای همه توضیح می‌دهد.

حقوق ملت‌ها شامل قوانین و آداب و رسومی است که قوانین خاص خود را ایجاد کرده و تا حدودی قوانین مشترکی برای همه نوع بشر به وجود می‌آورد. قانونی که یک گروه برای خود وضع می‌کند تا ناظر بر روابط درون گروهی باشد، قانون مدنی نام دارد، اما قانونی که عقل طبیعی برای تمام بشریت وضع می‌کند و می‌بایست توسط همه مردم بطور یکسان رعایت شود، قانون ملت‌ها نامیده می‌شود. این قانونی است که همه بشریت باید آنرا رعایت کند. [۶]

این تفاوت‌ها میان قانون فراگیر، یعنی حقوق ملت‌ها یا حقوق همگانی، و قانون توافقی وضع شده، یعنی حقوق مدنی، نشان می‌دهد که قواعد و قوانینی باید وجود داشته باشد تا در همه زمان‌ها و شرایط جاودانه بر رفتارهای مردم و اعضای خانواده بشری نظارت داشته باشد. این روایت از قانون، که برای حفظ ارزش‌های مورد توجه جامعه بشری حیاتی است، همه را ملزم می‌سازد تا «تعهدات جهانی» را به رسمیت شناخته و بر اساس آن عمل کنند.

این مفهوم حقوق الزام‌آور را می‌توان در نظریات سیسرون نیز جستجو کرد. به نظر سیسرون این مفهوم حقوق همگانی بدون نیاز به اجازه یا تصویب مردم بوده و به عنوان قانون عادلانه نانوشته‌ای بر جامعه نظارت دارد. این حقوقی است که «بدون اینکه نوشته شود، چه توسط ملت‌ها به وجود آید، و چه براساس عرف و رویه‌های آنان شکل گرفته باشد، همواره در نزد جوامع حفظ شده است». [۷] با توجه به ماهیت نانوخته این حقوق، و اجرای آن توسط ملت‌ها، این اعتقاد به وجود آمده است که قدرت الزام‌آور حقوق ملت‌ها فراتر از اراده آزاد کشورها دارد. بنابراین تعهدات ناشی از این حقوق که غیرقابل مذاکره است، در جایگاه بالاتری از حقوق قراردادی است.

این شرارت‌ها آزادی‌های ذاتی مردم را غارت می‌کنند و بنابراین نقض فاحش «تعهدات جهانی» هستند.

ادبیات حقوقی اواخر قرون وسطا، حقوق ملت‌ها را مطابق با الهیات مسیحی تنظیم کرد. توماس آکویناس [۱۲]، متکلم متأخر قرون وسطا، تصویری مبتنی بر ایمان مسیحی از حقوق ملت‌ها را با منشاء «تعهدات جهانی» بشارت داد. [۱۳] در این منظر، هر نوع قانونی باید با قوانین ابدی و مطلق طبیعی که از جانب خداوند تعیین شده‌اند، تناسب داشته باشد. آکویناس با استعانت از مفهوم ارسطویی خیر عمومی استدلال می‌کند که جهان آفرینش از اهداف خوب پیروی می‌کند و قوانین ناشی از عقل الهی [۱۴] بر آن حاکم است. این عقل الهی را می‌توان در حقوق جاودانه طبیعت جستجو کرد. وی برای تبیین حقوق طبیعی، جهان آفرینش را واقعیتی موجود و عینی می‌داند که اجزا و عناصر اساسی آن بر اساس قوانین علیّی یکدیگر مرابوده دارند. انسان با ظرفیت عقلانی خود می‌تواند قوانین علیّی را بازشناخته و به اهمیت اهداف خیر عمومی دست یابد. [۱۵] به عقیده آکویناس، انسان‌ها می‌توانند از طریق مشاهده جهان پدیداری محسوس به حقایق ناملموس نهفته در آن دست یابند. [۱۶] به همین ترتیب خداوند نیز از طریق عالم خلقت و نشانه‌های خود در عالم طبیعی بر انسان تجلی می‌کند. این دیدگاه از آیه ۱:۲۰ کتاب رومیان در انجیل گرفته شده است که می‌گوید: «انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او که نادیدنی هستند پی برد». عقل انسان از طریق حقوق طبیعی می‌تواند حقیقت عقل الهی را درک کند. این ظرفیت عقل انسان دلیل روشنی بر وجود خداوند است. خداوند به عنوان منبع حیات، جهان را با برنامه‌های هماهنگ آفریده است. پس در این آفرینش زیبا اهداف والاّی نهفته است که با ظرفیت فکری انسان قابل درک است. مهمترین پیام طراحی هماهنگ خلقت، خیر و صلاح عمومی است. اما از آنجایی که خیر امری انتزاعی است، انسان باید با رفتارهای اجتماعی خوب خود آنها را به مرحله اجرا درآورد. مشارکت انسان در زندگی خوب مستلزم قانون ابدی حقوق ملت‌هاست.

طبق تعریف، قانون اساساً شامل ارزیابی عملی انسان است، و عمل انسان حاصل عقل است که اولین فعل انسان است. از آنجا که قانون قواعد رفتاری را تعریف کرده، و سپس معیارهای عمل صحیح را تعیین می‌کند، قانون فقط در عقلانیت انسانی متبلور می‌شود. از آنجا که عقل بیانگر قدرت انسان در اجرای اراده است، عقلانیت خود ظرفیتی هدفمند در انسان است و چون عالم خلقت شکل گرفته و تکامل یافته است، عقلانیت، یعنی همان قانون، باید معطوف به هدف متعالی شود که خیر عمومی است. درواقع قانون چیزی نیست جز دستوری برای تامین منافع عمومی. این امر به این معناست که قانون باید مورد احترام کسانی باشد که مسئولیت مراقبت از جامعه را بر عهده می‌گیرند [۱۷].

با همه این صفاتی که به حقوق طبیعی منسوب می‌شود، دسته‌بندی‌هایی از قوانین وجود دارد. مهمترین قانون آن است که فناپذیر است یعنی توسط خداوند به عنوان قانونگذار اصلی وضع شده است. عقلانیت الهی که منبع الهام و پشتوانه عقلانیت انسان است، بر کل عالم خلقت حاکم است. به عبارت دیگر، اعتقاد بر این است که حاکمیت خلقت در دست خداست و خداوند حاکم واقعی همه هستی است و قانون الهی بر قلمرو او که ابدی و جاودانه است ناظر است. از آنجا که مخلوقات می‌توانند حقیقت قانون الهی را بدانند، برای تبیین قانون ابدی به قانون دیگری به نام قانون طبیعت نیاز است. مخلوق خداوند قوانین طبیعی را با عقل خویش می‌شناسد و در خیر

و صلاح جهان خلقت شرکت می‌کند. درواقع این شراکت با خدا در اداره جهان را قانون طبیعی تعیین می‌کند. این یعنی مشارکت انسان با خداوند در مراقبت از خود و جهان هستی از طریق فیض الهی.

این استدلال کلامی برای حقوق ملت‌ها، و استنتاج «تعهدات جهانی» از آن توسط آکویناس با روشنی بیشتری توضیح داده شده است. از آنجا که خداوند خالق و حاکم بر کل هستی است، آنچه را طبق قانون ابدی بیان کرده است باید برای تعریف و تعیین خیر عمومی مورد استفاده قرار گیرد. درواقع این خیر و موهبتی از جانب خداست که جهان را آفریده است. آن خوبی که مخلوق می‌تواند درک کند باید معیار رفتار انسانی او باشد، و در این راه کل عالم هستی باید منبع الهام برای خیر عمومی باشد. بنابراین کسی که اراده خود را با عقلانیت الهی منطبق می‌کند، آنچه را که خداوند از او خواسته است، انجام می‌دهد و این چیزی بجز توجه به هدف نهایی عالم خلقت که همانا خیر و نیکی است، نیست. [۱۸] توجه به این خیر به عنوان زیربنای خیر عمومی، فضیلتی است که در روح انسان وجود دارد و امر خیر و پاکی را از بدی و شرارت بر او می‌غایاند. [۱۹] به عبارت دیگر، خیر عمومی فضیلتی است که همواره هدف جهان خلقت را بر اساس زندگی اجتماعی هماهنگ می‌کند، و در نتیجه از اهداف فردی انسان پیشی می‌گیرد. خیر عمومی به معنای حفاظت از جهان طبیعی است که شامل همه گیاهان، جانوران، و گونه‌های انسانی و جامدات می‌شود. [۲۰] با توجه به این مشاهدات، اگر رفتاری مطابق با نظم عمومی نباشد، نمی‌توان آن رفتار را انسانی تلقی کرد. این حکمی است که توسط قانون ازلی و جاودانه خداوند برای تأمین مصالح عمومی وضع شده است. قوانین بشری تا زمانی که با قوانین ابدی مطابقت داشته باشند می‌توانند راه را برای خیر عمومی هموار کنند. [۲۱]

کشیش، فیلسوف و عالم تبشیری اسپانیایی، و یکی از چهره‌های برجسته مکتب الهیاتی سالامانکا [۲۲] فرانسیسکو سوارز [۲۳] حقوق ملت‌ها را از دیدگاه الهیات محدودکننده‌ای که آکویناس برای آن تعریف کرده بود، بیرون آورده و آن را در لایه همپوشانی میان حقوق طبیعی و حقوق برآمده از اراده آزاد انسانی قرار داد. این تلاشی برای پاسخگویی به نیازهای انسانگرایی نوظهور قرن شانزدهم بود. در عصر انسانگرایی نوین، و همچنین در زمانه کشف دنیای جدید، سوارز سعی می‌کرد از روایت‌های باستانی در حقوق ملت‌ها برای توضیح ضرورت «تعهدات جهانی» استفاده کند. اما این حقوق را مطابق با نیازهای جامعه بین‌المللی تازه در حال ظهور هماهنگ کرده و از طریق روابط تجاری، حوزه دیپلماتیک،

Theologicae. Irvine, USA: Xliſt Publishing, p. 143
[۱۶] Ibid. p. 224
[۱۷] Ibid. p. 267
[۱۸] Aquinas, op cit., p. 269
[۱۹] Ibid. p. 533
[۲۰] Ibid. p. 278
[۲۱] Ibid. p. 319
[۲۲] Salamanca School
[۲۳] Francisco Suárez (1548-1617)
[۲۴] O'Connell, D.P. The Rational Foundations of International Law, p. 261. See: <http://classic.austlii.edu.au/au/journals/Syd-LawRw/1957/2.pdf>
[۲۵] Ibid. p. 262
[۲۶] Ibid. 254
[۲۷] Ibid. 225

Jus Gentium and International Law. The American Journal of International Law, Vol. 12, No. 1: 58
[۸] Barney, S.A. et al. (2010). The Etymologies of Isidore Seville. Cambridge University Press
[۹] Ex pace factum
[۱۰] Barney, op cit., p. 119
[۱۱] Barney, op cit., p. 125
[۱۲] Thomas Aquinas (1225-1274)
[۱۳] این نویسنده فرصتی داشت تا مجموعه دو جلدی الهیات کاتولیک سنت توماس آکویناس را در کلاس‌های درس کشیش برجسته شادروان لورنس دووان در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ در کالج دانشگاهی الهیات و فلسفه مطالعه کند.
[۱۴] Lex aeterna
[۱۵] Aquinas, T. (2015). Summa

* دکتر محمود مسائل بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا
[۱] Jus gentium
[۲] Schall, J. (1992). Natural Law and the Law of Nations: Some Theoretical Considerations. Fordham International Law Journal, vol. 15, No. 4: 1004-05
[۳] Roman jurists, Gaius (130-180 AD)
[۴] Poſte, E. (1904). (Trans.). Investigation of Roman Law by Gaius. Oxford: The Clarendon Press
[۵] Gentes
[۶] Poſte, op cit. p. 139
[۷] Sherman, G.E. (January 1918).

تلاش قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای تخریب علی کریمی



ali karimi
@alikalimi_ak8 · دنبال کردن

همیشه و در همه حال هدفم مبارزه با فساد بوده و هست و خواهد بود، از همین تریبون اعلام میکنم هر کدام از اقوام درجه یک و دوستان نزدیکانم باعث گزند و آسیب به فرد دیگری در جامعه شد، اشد مجازات را برای آن فرد خاطی خواستارم.

#بولتن_فارس
#مرگ_بر_خامنه‌ای
#مرگ_بر_دیکتانور

بولتن محرمانه خبرگزاری فارس: مولوی عبدالحمید نباید بازداشت شود ولی باید بی‌آبرو شود

چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۹/۰۹ | کمتر از یک دقیقه



فارس گیت

مجازات را برای آن فرد خاطی خواستارم.» او همچنین تصویری از خبر افشا شدن بولتن‌های محرمانه خبرگزاری فارس را منتشر کرده که بر اساس آن، رهبر جمهوری اسلامی خواسته بود مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، بازداشت نشود «بلکه باید بی‌آبرو» شود. خبرگزاری قوه قضاییه در حالی موضوع برگشت خوردن چک لایا کریمی با رقم بالا و زندانی شدن او را «سوء استفاده» مالی علی کریمی از خواهرش خوانده که در ادامه گزارش نخست خبرگزاری میزان مشخص می‌شود چک برگشتی در پی خرید باشگاه سپیدرود صادر شده است. خبرگزاری «میزان» در اینبار گزارش داده که علی نظرمحمدی سرمربی سابق سپیدرود رشت چکی را که از علی کریمی مالک باشگاه سپیدرود دریافت کرده بود به دلیل نداشتن موجودی کافی در روز سر رسید، برگشت می‌زند. نظرمحمدی که بابت قرارداد سه فصل حضورش در سپیدرود نزدیک به ۸۰۰ میلیون تومان از باشگاه طلبکار بوده با بخشیدن بیش از نیمی از مبلغ طلب خود، ۶ فقره چک مدت‌دار به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان از علی کریمی دریافت می‌کند که چک تاریخ ۲۰ اسفندماه علی کریمی به علت عدم موجودی توسط نظرمحمدی برگشت زده شد. «میزان» گزارش داده که «این چک‌ها هم از دسته چک خانم لایا کریمی پاشاکی خواهر علی کریمی صادر شده بوده است.» این بخش از گزارش، ادعای خبرگزاری قوه قضاییه مبنی بر نوشتن ارقام بالا در چک‌های سفیدامضای لایا کریمی و سپردن چک‌ها به شرخر از سوی علی کریمی برای انتقامجویی از خواهرش در پی اختلاف را نقض می‌کند. جمهوری اسلامی به اشکال مختلف از بازداشت و تهدید و احضار و زندان در درون کشور، تا سندسازی دروغین و افترا نسبت به فعالان سیاسی خارج کشور تلاش دارد چهره‌های مخالف خود را تخریب و مجبور به سکوت کند؛ اقداماتی که همگی از اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه مخالفانش نشان دارد.

گرفته، خواهر علی کریمی که ۲ فرزند ۵ و ۱۵ ساله دارد با درخواست چک سفید از طرف برادرش روبرو می‌شود، وی که سابق بر این نیز به دلیل اعتماد به برادرش ۵۰ فقره چک سفید به علی کریمی داده بود، پس از متوجه شدن این مسئله که چک‌های سفید او در معاملات سنگینی مانند خرید باشگاه فوتبال سپیدرود و خرید زمین و ملک‌های میلیاردی مورد سوء استفاده قرار گرفته از دادن چک‌های سفید جدید به برادر خود امتناع می‌کند. این گزارش افزوده است لایا کریمی که متوجه معامله‌های میلیاردی سنگین با دسته چک خود و توسط برادرش شده بود، اینبار پس از مشورت با همسر و اعضای خانواده از تحویل چک‌های سفید جدید به برادرش امتناع کرده و همین موضوع باعث اختلاف آنها می‌شود. علی کریمی پس از اختلاف پیش آمده با خواهرش وی را تهدید به برگشت زدن چک‌های سفیدامضای قبلی می‌کند. لایا کریمی که باور به انجام چنین اقدامی از سمت برادرش نداشته تسلیم درخواست علی کریمی نشده و چک‌های جدید را به او نمی‌دهد. در گزارش دیگری که امروز دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ با عنوان «خواهر لیدر «زن، زندگی، آزادی» محروم از آزادی!» منتشر شده بار دیگر روایت نسبت داده شده به لایا کریمی با زبان زشت و تخریبی علیه علی کریمی تکرار شده است. خبرگزاری «میزان» همچنین تصویری از نیمه یک برگه اظهارات را منتشر کرده که ادعا شده از سوی لایا کریمی نوشته شده است. این اظهارات همان ادعاهای خبرگزاری میزان را تکرار کرده است. علی کریمی در توثیبه به ادعای خبرگزاری قوه قضاییه درباره آنچه «سوء استفاده ۷۷۰ میلیارد تومانی از خواهرش» خوانده شده، واکنش نشان داد. علی کریمی نوشته که «همیشه و در همه حال هدفم مبارزه با فساد بوده و هست و خواهد بود، از همین تریبون اعلام می‌کنم هر کدام از اقوام درجه یک و دوستان نزدیکانم باعث گزند و آسیب به فرد دیگری در جامعه شد، اشد

● دو گزارش در رابطه با لایا کریمی در روزهای یکشنبه ۲۸ و دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ در خبرگزاری «میزان» منتشر شده است.
● قوه قضاییه در حالی برگشت خوردن چک لایا کریمی با رقم بالا و زندانی شدن او را «سوء استفاده» مالی علی کریمی از خواهرش خوانده که در گزارش منتشر شده مشخص می‌شود چک برگشتی در پی خرید باشگاه سپیدرود صادر شده است.
● علی کریمی نوشته که «همیشه و در همه حال هدفم مبارزه با فساد بوده و هست و خواهد بود.»

قوه قضاییه از بازداشت لایا کریمی خواهر یکی از ستاره‌های فوتبال ایران و از چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی به «اتهام مالی» خبر داده است. علی کریمی این خبر را از جمله اقدامات جمهوری اسلامی برای «بی‌آبرو» کردن فعالان مخالف خود خوانده است. خبرگزاری «میزان» رسانه خبری قوه قضاییه جمهوری اسلامی از حضور لایا کریمی خواهر علی کریمی در بند محکومان مالی «ندامتگاه مرکزی نسوان» تهران خبر داد. بر اساس گزارش این خبرگزاری، لایا کریمی به دلیل امضای ضمانت چک‌های برادرش بازداشت و راهی زندان شده است. دو گزارش در رابطه با لایا کریمی در روزهای یکشنبه ۲۸ و دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ در خبرگزاری «میزان» منتشر شده است. در گزارش نخست با عنوان «تاوان اعتماد به برادر! سوء استفاده ۷۷۰ میلیارد تومانی علی کریمی از خواهرش» آمده که علی صالحی دادستان تهران هفتم اردیبهشت به همراه جمع زیادی از قضات با حضور در ندامتگاه مرکزی زنان، از بخش‌های مختلف این زندان بازدید کرد و در این بازدید لایا کریمی در ملاقات با دادستان تهران گفته چندین بار با مقامات قضایی مکاتبه داشته و شرایط نامساعدی که برادرش برای وی ایجاد کرده و منجر به زندانی شدن وی شده را توضیح داده است. در ادامه این گزارش آمده که بر اساس اظهارات صورت

خنثی شدن یک ترور؛ سازمان اطلاعات سپاه (ساس) قصد ترور مولوی عبدالحمید را داشت



مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان

انقلاب ملی مواضع تند و شفاف علی‌جمهوری اسلامی به ویژه در شیوه تباہ حکومتداری و سرکوب شهروندان داشته است.

مولوی عبدالحمید روز جمعه ۲۶ خرداد در سخنرانی هفتگی خود در مراسم نماز جمعه زاهدان خواستار آزادی زنان بازداشت شده و زندانیان سیاسی شد. او گفت که «ناله امروز زنان به خاطر جایگاه و حرمت و کرامتی است که از دست داده‌اند. تا زمانی که به جایگاهشان نرسند، نمی‌توانید فریاد آن‌ها را خاموش کنید. مشغول شدن به معلول، تا زمانی که علت برطرف نشود فایده‌ای ندارد.»

او همچنین در خطبه‌های نماز جمعه اهل سنت زاهدان گفت از سرکوب بهائیان توسط جمهوری اسلامی انتقاد کرد و گفت «بهایی‌ها اگرچه غیرمسلمان هستند، اما شهروند و بشر هستند و نباید قبرستان آنها تخریب شود یا جنازه‌هایشان را دولت تحویل خانواده‌هایشان ندهد و مخفیانه در جای دیگری دفن کند.»

خرگزاری تسنیم روز دوشنبه ۲۹ خرداد مدعی شد که سخنرانی‌های مولوی عبدالحمید درباره مسائل مختلف به ویژه آزار و اذیت بهائیان از سوی جمهوری اسلامی «خلاف واقعیت و حتی مغایر امنیت ملی کشور» است.

مولوی عبدالحمید از محدود چهره‌های مذهبی است که در ماه‌های گذشته با مردم همراهی و همسویی نشان داده و از اعتراضات حمایت کرده است. او پیشتر در آغاز سال جدید خورشیدی گفته بود «با اینکه باید برای نوروز خوشحالی کرد اما مردم ایران سال جدید را با گریه بر سر قبرهای شهدای اعتراضات آغاز کردند. درست است که اکنون اعتراضات کاهش پیدا کرده، اما دل‌ها همه رنج و زخم است.»

او همچنین با انتقاد از عملکرد جمهوری اسلامی گفته بود که «حکومت جمهوری اسلامی در طول سال‌های گذشته منجر به انتصاب افراد ناشایست در ادارات مختلف شده و معیار برای انتخاب مدیران، روابط نزدیک خانوادگی و فامیلی بوده است.»

منتشر شده واکنش نشان نداده‌اند.

پیش از این نیز مولوی محمدعمر ملازهی یکی از روحانیون سرشناس بلوچ در تاریخ ۲۲ اسفند سال ۱۳۸۵ در کوهون سرباز با همین روش ترور شد.

همچنین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در روزهای گذشته از سفر حج مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی جلوگیری کرد.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مولوی عبدالحمید گزارش داده که «ایشان طبق برنامه‌ریزی و نوبت قبلی امسال به عنوان زائر قصد تشریف به حج را داشتند، اما به علت ممانعت حاکمیت، نمی‌توانند به زیارت سرزمین مقدس و حج مشرف شوند.»

با انتشار خبر جلوگیری از سفر مولوی عبدالحمید به حج، خرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده بود که او «برای عزیمت به سفر حج، از سند محضری ساختگی و فیش جعلی استفاده کرده» است.

این خرگزاری با ادعای احتمال گشایش پرونده قضایی علیه مولوی عبدالحمید نوشته بود که «مولوی فوق‌الاشاره که اخیراً بسیار از حقوق و قانون سخن می‌گوید و به بهانه حمایت از حقوق بشر به وادی دفاع از فرقه صهیونیستی پهنائیت کشانیده شده، در اقدامی عجیب قصد داشت با استفاده از سند تقلبی و فیش جعلی، عازم سفر حج شود.» دفتر امام جمعه اهل سنت زاهدان امروز دوشنبه ۲۹ خرداد با صدور بیانیه‌ای ادعای خرگزاری تسنیم مبنی بر «استفاده از سند و فیش جعلی» برای سفر حج از سوی مولانا عبدالحمید را «بی‌اساس و کاملاً دروغ» خواند.

این بیانیه افزوده که «تمامی مدارک و اسناد مربوط به این سفر در دفتر سازمان حج و زیارت قرار دارند. اما با وجود این، برخی رسانه‌های وابسته به نهادهای حکومتی درصدد انحراف افکار عمومی و توجیه اقدام اشتباه و تنگ‌نظرانه حکومت هستند و پروژه تخریب منتقدان را پیش می‌برند.» مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان پرنفوذترین چهره سنی‌مذهب ایران است و از آغاز

● فردی که از مدتی پیش به عنوان طلبه در مسجد مکی حضور داشته قصد داشت با سم مولوی عبدالحمید را ترور بیولوژیک کند.

● او بابت مأموریت ترور مولوی عبدالحمید هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از آغاز مأموریت از سازمان اطلاعات سپاه (ساس) دریافت می‌کرده است.

● پیش از این نیز مولوی محمدعمر ملازهی یکی از روحانیون سرشناس بلوچ در تاریخ ۲۲ اسفند سال ۱۳۸۵ در کوهون سرباز با همین روش ترور شد.

● مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی پرنفوذترین چهره سنی‌مذهب ایران است و از آغاز انقلاب ملی مواضع تند و شفاف علی‌جمهوری اسلامی به ویژه شیوه تباہ حکومتداری و سرکوب شهروندان داشته است.

یک رسانه محلی در استان سیستان و بلوچستان از خنثی شدن برنامه ترور مولوی عبدالحمید خبر داده است. بر اساس این گزارش، فردی از سوی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) یکی از سرکوب‌گرتین و خشن‌ترین نهادهای امنیتی موازی در جمهوری اسلامی، قصد مسموم کردن امام جمعه اهل سنت زاهدان را داشته است.

کانال تلگرامی «حال‌وش» که خبرهای مربوط به استان سیستان و بلوچستان را منتشر می‌کند از خنثی شدن توطئه ترور مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی که توسط اطلاعات سپاه برنامه‌ریزی شده بود خبر داده است.

به گزارش «حال‌وش» ظهر امروز ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ انتظامات مسجد مکی فردی را که در پوشش طلبه علوم دینی از طرف سازمان اطلاعات سپاه (ساس) مأموریت داشته به وسیله سم مولوی عبدالحمید را ترور کند شناسایی و بازداشت کرده است.

این گزارش به نقل از یک منبع مطلع نوشته که «این فرد بلوچ و از ساکنین منطقه دلگان بلوچستان است که در لباس طالب علوم دینی به مسجد راه پیدا کرده بود و مدت‌هاست به صورت فردی زاهد در مسجد می‌خوابیده و عبادت می‌کرده، و قصد ترور بیولوژیک مولوی عبدالحمید را داشته که دستگیر شده است.»

به گزارش این منبع مطلع، فرد دستگیرشده توسط انتظامات مسجد مکی در اعترافاتش گفته مأموریت داشته با سمی که اطلاعات سپاه پاسداران در اختیارش گذاشته بود مولوی عبدالحمید را ترور کند. او همچنین اعتراف کرده که هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از آغاز شروع عملیاتش حقوق دریافت کرده است.

هنوز هیچیک از مقامات رسمی جمهوری اسلامی و دفتر مولوی عبدالحمید درباره این خبر که از سوی «حال‌وش»

«سفرهای امید» در جستجوی پناهگاهی برای زندگی عادی و امن

WORLD REFUGEE DAY 2023

HOPE AWAY FROM HOME

A WORLD WHERE REFUGEES ARE ALWAYS INCLUDED



ایتالیا میزبان عمده‌ی اوکراینی‌هائی هستند که پس از حمله روسیه به کشورشان مجبور به ترک خانه و کاشانه‌ی خود شده‌اند.

در سطح جهانی کشورهایی که در ده سال گذشته بالاترین شمار پناهندگان سیاسی را پذیرفتند می‌توان به بریتانیا، کانادا، استرالیا، آلمان، سوئد و اتریش اشاره کرد. طی سال گذشته میلادی بر اساس آمار غیر رسمی ۳۰۰۰ پناهجوی ایرانی به صورت غیرقانونی و با عبور از کانال مانس خود را به بریتانیا رساندند. در همین سال تنها یک ایرانی به صورت قانونی برای تقاضای پناهندگی سیاسی به این کشور وارد شده است. در آلمان در سال ۲۰۲۲ میلادی ۴۲۸۱ ایرانی تقاضای پناهندگی سیاسی داده‌اند. در مجموع در سال گذشته میلادی ۱۸ هزار و ۹۷۵ ایرانی در کشورهای مختلف تقاضای پناهندگی سیاسی داده‌اند که در مقایسه با سال قبل افزایش ۱۲ درصدی داشته است.

در سال گذشته میلادی، در کنار مهاجرت‌های غیرقانونی، نزدیک به یک میلیون نفر در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تقاضای پناهندگی سیاسی داده‌اند. کشورهای اروپائی، به ویژه کشورهایی که «دروازه» این قاره به حساب می‌آیند، مانند ایتالیا، یونان و اسپانیا، با مشکلات جدیدی در مقابله با موج رو به افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی و سیل پناهجویانی که به اروپا سرازیر شده، مواجه هستند.

در این میان، مهاجرت‌های غیرقانونی با وضعیت پناهجویانی که از جنگ و یا خفقان سیاسی فرار می‌کنند با یکدیگر گره خورده و به یک مشکل برای کشورهای اروپائی تبدیل شده است. برخی چون بریتانیا در حالی که اقدامی جدی برای مهاجرت‌های غیرقانونی انجام نمی‌دهند، با تصمیمات غیرانسانی چون فرستادن پناهجویان به رواندا تلاش دارند پناهجویان را از ورود به خاک بریتانیا منصرف سازند. البته دادگاه حقوق بشر اروپا این تصمیم را غیرقانونی خوانده است، اگرچه بر مبنای رای دادگاه عالی بریتانیا تصمیم دولت این کشور مشکل قانونی ندارد و می‌تواند به اجرا گذاشته شود. این طرح با مخالفت بسیاری از نهادهای حقوق بشری و بخش قابل توجهی از افکار عمومی بریتانیا مواجه است.

تنها ۱۰۴ نفر نجات پیدا کردند و فقط پیکر ۷۶ نفر تا کنون پیدا شده است. بیش از ۶۰۰ نفر از مسافران این سفر امید هرگز به مقصد نرسیده و در عمق آب‌های مدیترانه دفن خواهند شد.

در ده سال گذشته دست کم ۲۶ هزار پناهجو و مهاجر غیرقانونی هنگام عبور از دریای مدیترانه غرق شدند و جان خود را از دست دادند. شمار کسانی که از ابتدای سال جاری میلادی در این دریا جان خود را هنگام عبور با قایق‌های فرسوده‌ای که از بنادر تونس و لیبی راهی اروپا می‌شوند از دست داده‌اند، از ۸۰۰ نفر گذشته است. بسیاری از رسانه‌های کشورهای ساحلی مدیترانه از این دریا با عنوان «گورستان» نام می‌برند.

شمار کسانی که از جنگ و فقر فرار می‌کنند و یا به دلیل شرایط غیرقابل تحمل سیاسی زادگاه خود را در جستجوی زندگی عادی ترک می‌کنند در سال ۲۰۲۲ میلادی، بر مبنای آمار «کمیساریای عالی در امور پناهندگان سازمان ملل متحد» بیش از ۲۷ میلیون نفر بوده است. در مجموع شمار پناهندگان در جهان در سال ۲۰۲۲ میلادی از مرز ۱۰۰ میلیون نفر عبور کرده است. عمده این افراد البته پناهنده سیاسی نیستند، بلکه از فقر و جنگ فرار کرده‌اند و در زبان و بیان بین‌المللی از آنها با عنوان «پناهجوی اجتماعی» یاد می‌شود. کسانی را که به دلایل شرایط سیاسی حاکم در کشورشان مجبور به ترک زادگاه خود می‌شوند، «پناهجوی سیاسی» می‌خوانند.

در حال حاضر جنگ‌های جاری در ۲۳ کشور، که عمده آنها در آفریقا روی می‌دهد، مردم را مجبور به ترک کشور و زادگاه خود می‌کند. البته در این سال‌ها جنگ در سوریه نیز بیش از ۱۳ میلیون نفر را آواره کرده که حدود ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از آنها مجبور به جستجوی پناهگاهی در خارج از مرزهای کشورشان شده‌اند. در یک سال گذشته نیز جنگ در اوکراین ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر را که عمدتاً زنان و کودکان هستند مجبور به جستجوی پناهگاهی امن در دیگر کشورهای اروپائی کرده است. کشورهای لبنان، اردن و ترکیه در خاورمیانه میزبان عمده کسانی هستند که از جنگ در سوریه فرار کرده‌اند، در حالی که لهستان، آلمان و

● ۲۰ ژوئن روز جهانی پناهنده است. سازمان ملل متحد این روز را به منظور احترام به حقوق پناهجویان و پناهندگان تعیین کرده است. شعار امسال روز پناهندگان «امید دور از خانه» است.

● امسال در آستانه روز جامعه جهانی پناهنده فاجعه‌ای در آب‌های یونان رخ داد: قایقی که نزدیک به ۷۵۰ پناهجو که صد نفر از آنها کودک بودند در سواحل جنوب یونان غرق شد. از ۷۵۰ سرنشین این قایق تنها ۱۰۴ نفر نجات پیدا کردند.

● در سال ۲۰۲۲ میلادی، بر مبنای آمار «کمیساریای عالی در امور پناهندگان سازمان ملل متحد» بیش از ۲۷ میلیون نفر در جستجوی محلی امن برای زندگی مجبور به ترک زادگاه خود شده‌اند.

● در سال گذشته میلادی ۱۸ هزار و ۹۷۵ ایرانی در کشورهای مختلف تقاضای پناهندگی سیاسی داده‌اند که در مقایسه با سال قبل افزایش ۱۲ درصدی داشته است.

احمد رأفت - روز جهانی پناهنده که هر سال در ۲۰ ژوئن توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب می‌کند، روزی است که سازمان ملل متحد به منظور احترام به حقوق پناهجویان و پناهندگان تعیین کرده است. هدف از برگزاری چنین روزی تجلیل از شجاعت افرادی است که به دلیل مناقشات یا آزار و اذیت مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. این روز هر سال با یک شعار برگزار می‌شود. شعار امسال روز پناهندگان «امید دور از خانه» است. همچنین یکی از اهداف در نظر گرفتن چنین روزی در سال، تشویق به مشارکت دادن پناهندگان پس از گریختن از مناقشات و آزار و اذیت، در کشورهای میزبان و تامین امنیت آنها تا زمان فراهم شدن امکان بازگشت به کشورهاشان است.

امسال در روز ۱۴ ژوئن، در آستانه روز جامعه جهانی پناهنده، جهان شاهد یک فاجعه بود. فاجعه‌ای که در آب‌های یونان رخ داد. قایقی که با حدود ۷۵۰ پناهجو که صد نفر از آنها کودک بودند و از بندر تبروک در لیبی راه افتاده بود و مقصد نهائی آن ایتالیا بود، در سواحل جنوب یونان غرق شد. از ۷۵۰ سرنشین این قایق ماهیگیری فرسوده

دردِ دگردیسی؛ مقاله ششم: مشکلات همیشگی و چالش‌های پیش‌رو

سفت‌کن‌های مکرر و بی‌نتیجه و دل‌بستن به مضحکه برجرام، پول و زمان کافی به خامنه‌ای و تروریست‌های اطرافش دادند تا در یک قدمی تولید مِب هسته‌ای جا خوش کنند. آنچه اکنون از آن به عنوان مذاکرات احیاء برجرام یا تلاش برای توافق هسته‌ای موقت جدید یاد می‌شود در واقع بازی تکراری موفقی است که دیپلمات‌های تروریست جمهوری اسلامی برای سال‌ها در آن استاد شده‌اند.

برخلاف همه یاهوهایی که اراذلی چون جواد ظریف و تیم تروریست همراهش تبلیغ کرده و می‌کنند، برجرام تلاشی برای حل ماجراجویی هسته‌ای جمهوری اسلامی نبود. مأموریت حقیقی ظریف و تیم همراهش، کارگردانی و بازی در نمایشی سراسر فریب بود تا غرب را از طریق آن قانع کنند که جمهوری اسلامی به دنبال توافقی پایدار و طولانی برای حل مشکلاتش با دنیا است. هدف اصلی اما تنها و تنها پول بود.

از نظر خامنه‌ای و اوباش همراهش، برجرام فقط برای آزادسازی اموال توقیفی و دسترسی به بیش از یکصد میلیارد دلار دارایی منجمد شده نوشته و امضا شد و بس. باقی آنچه روی کاغذ آمد و صدها ساعت وقت و انرژی و میلیون‌ها دلار هزینه صرف آن شد، سیاه‌بازی و مهملات بی‌ارزشی بود که برای ردگم‌کنی و گمراه کردن طرف مقابل انجام شد. به بیان ساده، برجرام از همان اول برای این جماعت تبهکار کشک بود. در واقع، توافق هسته‌ای در هر زمانی، برای گانگسترهای حاکم بر ایران، اسم رمز دسترسی به دلارهای توقیفی است و نه چیز دیگر.

هدف جمهوری اسلامی از هرگونه توافق هسته‌ای، گرفتن پول، خریدن زمان، ساختن مِب و در نهایت بیمه کردن بقاء نظام ولایت فقیه است. پرواضح است که چنین اتفاقی، بزرگترین خطر برای فرجام موفق دگردیسی جامعه ایران است.

چالش جانشینی، فرصتی برای براندازی

به همان میزان که دولت‌های غربی برای مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی دچار سردرگمی و بی‌عملی هستند، گانگسترهای شرکت سهامی جمهوری اسلامی هم برای انتخاب جانشین بعدی رئیس‌شان گیج و مردد هستند. سی و چند سال زعامت خامنه‌ای هرچند قدری ثبات به سازمان تبهکاری حاکم بر ایران هدیه کرده اما او و اطرافیانش حتی در سایه این ثبات قبرستانی هم نتوانسته‌اند (با نخواستند) با تعیین جانشین بعدی، تکلیف تبهکاران هوادار وضع موجود را روشن کنند. برخلاف شایعات بی‌پایه و اساس و معمولا هدايت‌شده‌ای که هر از چند گاهی توسط شبه‌رسانه‌های بی‌آبرو و شارلاتان‌های فضای سیاسی درباره وضعیت جسمی، روانی، سلامت، بیماری و حتی مرگ علی خامنه‌ای مطرح می‌شود، رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی هنوز سرپا و فعال است. اگر واقع‌بین باشیم، با توجه به مراقبت‌های فوق‌العاده‌ای که از سلامت خامنه‌ای به عمل می‌آید، بعید نیست که او سال‌ها زنده بماند و به سپاهکاری‌هایش ادامه دهد. در این شرایط، فقدان جانشین برای خامنه‌ای می‌تواند به عاملی تعیین‌کننده برای کمک به براندازی نظام جمهوری اسلامی بدل شود.

استفاده از این امتیاز البته وابسته به فعالیت براندازان برای معرفی یک گزینه‌ی بدیل برای رهبری و مدیریت نهادهای اداره کشور برای گذر از نظام ساقط شده به نظم بعدی است. چالش جانشینی اگر بیرون از دستگاه تبهکار ولایت فقیه با تدبیر براندازان حل شود، دگردیسی جامعه ایران فرجامی نیکو خواهد یافت.

خیزش ۱۴۰۱، با دو چالش مربوط به سیاست روز نیز درگیر است که فرجام بخیر دگردیسی جامعه ایران را مورد تهدید قرار داده‌اند. این دو چالش یکی ماجرای مصالحه جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی و دیگری موضوع جانشینی علی خامنه‌ای و اهمیت آن در استمرار وضع نکت‌بار موجود است. چالش اول که می‌تواند به سیاست خارجی افسرده حکومت تبهکار اسلامی جان ببخشد به ماجرای برنامه اتمی و مضحکه دنباله‌دار احیاء برجرام- یا هر توافق هسته‌ای دیگر در آینده- پیوند خورده است. هدف اصحاب حکومت از این توافق البته در نهایت چیزی کاملاً متفاوت با فلسفه وجودی آن خواهد بود.

چالش دوم اما پیچیده‌ترین معضل تاریخ جمهوری اسلامی است که به نظر نمی‌رسد که تا هنوز پاسخی روشن و قطعی برای آن موجود باشد. به همین سبب است که برآیند قوای



علی خامنه‌ای در مراسم رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

رقیب داخل حاکمیت جمهوری اسلامی همگی بر حفظ و صیانت از شخص خامنه‌ای و تلاش برای حفظ جان او تا زمان یافتن یک راه حل مناسب برای معضل جانشینی توافقی عملی دارند.

پول را بگیر، مِب را بساز و بیمه بشو!

داستان تکراری و پوچ برنامه اتمی جمهوری اسلامی و سیرک دو دهه مذاکرات متناوب مربوط به آن، حکایتی رسوا و شرشار از فجایع ریز و درشت دارد که خساراتی هولناک- حتی بیش از جنگ هشت ساله با عراق- را به میهن ما تحمیل کرده است. از روزی که سودای اتمی تبهکاران شیعه‌گرای حاکم از پرده بیرون افتاد، دنیا از تصور مِب هسته‌ای در کف زنگی مست موعودگرایی دچار کابوس شد و عقلای جهان برای کنترل این برنامه فاجعه‌بار به تکاپو افتادند. در مقابل این تلاش جهانی، جناح‌های مختلف گرداننده جمهوری اسلامی یکی از پس دیگری انواع شعبده و فریب را برای خریدن زمان و رساندن برنامه کاذبی به نقطه بی‌بازگشت به کار بستند تا به آرزوی ساختن مِب اتمی شیعی جامه عمل بپوشانند.

در این نزاع طولانی و فرساینده زمان به نفع تبهکاران گرداننده جمهوری اسلامی در گذر است. سال‌ها تحریم و فشار اقتصادی گرچه سرعت پیشرفت برنامه اتمی را گاهی کندتر کرده اما بر عمق و خطر آن افزوده است. قدرت‌های غربی بجای یک تصمیم جدی و نهایی، با مماشات و شُل‌کن

● برخلاف همه یاهوهایی که اراذلی چون جواد ظریف و تیم تروریست همراهش تبلیغ کرده و می‌کنند، برجرام تلاشی برای حل ماجراجویی هسته‌ای جمهوری اسلامی نبود. مأموریت حقیقی ظریف و تیم همراهش، کارگردانی و بازی در نمایشی سراسر فریب بود تا غرب را از طریق آن قانع کنند که جمهوری اسلامی به دنبال توافقی پایدار و طولانی برای حل مشکلاتش با دنیا است. هدف اصلی اما تنها و تنها پول بود... در واقع، توافق هسته‌ای در هر زمانی، برای گانگسترهای حاکم بر ایران، اسم رمز دسترسی به دلارهای توقیفی است و نه چیز دیگر.

● در این میان، چالش جانشینی علی خامنه‌ای اگر بیرون از دستگاه تبهکار ولایت فقیه با تدبیر براندازان حل شود، دگردیسی جامعه ایران فرجامی نیکو خواهد یافت.

یوسف مصدقی- مثل هر تحول‌بنیادین، یک دگردیسی اجتماعی، ناگهانی و به یکباره اتفاق نمی‌افتد. جوامع در حال دگردیسی، در مسیر این تحول، بسته به میزان دگردیسی‌شان، از مراحل مختلفی عبور می‌کنند. این جوامع برای حفظ بقاء و تکمیل مراحل دگردیسی‌شان، با چالش‌های خطرناکی روبرو می‌شوند که اگر از پس آن چالش‌ها برنیایند، نه تنها به تحول مورد نیاز خود نمی‌رسند بلکه حتی هستی، موجودیت و همه سرمایه‌های مادی و معنوی‌شان را فنا می‌کنند.

چنانکه در مقالات پیشین آمد، خیزش ملی ۱۴۰۱ در مسیر دگردیسی جامعه ایران اهمیتی تاریخی دارد. این خیزش با نفوذ به لایه‌های مختلف جامعه ایران موجب ایجاد وحدتی نادر و ناگزیر میان طیف گسترده‌ی ناراضیان از وضع موجود شده است. این وحدت ناگزیر، فرجام نزدیک دگردیسی جامعه ایران را نوید می‌دهد. البته این نوید لزوما حکایتی از قطعیت یک دگردیسی موفق نمی‌کند. چون نیک بنگریم، مشکلاتی قدیمی و چالش‌هایی نو پیش روی جامعه ایران هستند که انتهای مسیر این دگردیسی را به میدان مینی ترسناک بدل کرده‌اند. گذر جامعه ما از این میدان هولناک، هوشیاری جمعی شگرفی می‌طلبد.

دو مشکل همیشگی

تاریخ معاصر کشور ما، چند بار شاهد کوشش‌های ناموفق بخش‌هایی از جامعه ایران برای به فرجام رساندن یک دگردیسی سرنوشت‌ساز بوده است. طی این دوران، هر شکستی که موجب تأخیر این تحول شده، بر خطر فروپاشی و فنای میهن ما افزوده است. از جنبش مشروطه تا اکنون، دو چالش همیشگی و اساسی همواره به موانعی برای به انجام رسیدن دگردیسی جامعه بدل شده‌اند. این دو مسئله یکی تقابل میان اسلام و ایران (به بیان دیگر نزاع میان اُمت محوری اسلام سیاسی و هویت ملی ایران‌نگرا) و دیگری تقابل میان ضرورت امنیت و خواست آزادی بوده‌اند.

جامعه ایران برای فرجام موفق دگردیسی‌اش نخست باید این دو مشکل را یکبار برای همیشه حل و فصل کند. بهترین شکل حل و فصل این دو معضل، نخست ممنوعیت بی‌قید و شرط حضور اسلام سیاسی در عرصه عمومی و زدودن زیست انسان ایرانی از آلودگی این ویروس خطرناک و دوم، جا انداختن اندیشه‌ی آشتی میان امنیت و آزادی در آگاهی جمعی باشندگان ایران است.

دو چالش پیش‌رو

جدا از دو معضل عمیق و قدیمی مورد اشاره، ایران پس از

توهم «روابط عادی» با عربستان؛ جمهوری اسلامی به تحقیر نیز قانع است! وزیر خارج عربستان به عکس قاسم سلیمانی پشت کرد و رفت!

● برای جمهوری اسلامی نمایش اینکه در منطقه منزوی نیست اولویت اصلی است اما مقامات تهران بهتر از هر کسی می‌دانند سعودی‌ها نه اهل سرمایه‌گذاری در ایران‌اند و نه تحریم‌ها این اجازه را به ریاض خواهد داد.

● سفر فیصل بن فرحان به تهران با گفتگوهای عربستان سعودی با اسرائیل برای عادی‌سازی روابط همزمان است. در چنین وضعیتی ابراهیم رئیسی در دیدار با بن فرحان گفت «تنها دشمنان مسلمانان و در رأس آنها رژیم صهیونیستی از توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای ایران و عربستان ناراحت هستند و عادی‌سازی روابط با این رژیم نه تنها امنیت‌ساز نیست بلکه مخالف نظر امت اسلامی هم هست».

● وزیر خارجه عربستان مقامات جمهوری اسلامی را در کنفرانس خبری مشترک با حسین امیرعبداللهیان نقره داغ کرد! او حاضر نشد پشت به دیواری بایستد که روی آن قاب عکس قاسم سلیمانی نصب بود. فیصل بن فرحان سالن را ترک کرد.

● کاری که فیص بن رحمان کرد نهایت تحقیر جمهوری اسلامی بود اما مصلحت نظام حکم می‌کند آن را توجیه کرده و به روی خود نیورد. وبسایت «رویداد ۲۴» می‌نویسد که احتمالاً اگر چنین اتفاقی در دولتی دیگر رخ داده بود، تا کنون ۱۰ بار حکم اعدام وزیر خارجه توسط نیروهای ارزشی صادر شده بود و فریاد واسلاما هنوز تمام نشده بود؛ اما اینبار دولت «خودی» بود و اگر عکس سردار از ساختمان وزارتخانه هم خارج می‌شد، مشکلی وجود نداشت!

● جیسون برادسکی مدیر سیاست‌گذاری در سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به المانیتور گفته «سعودی‌ها هیچ توهمی ندارند که رفتار بدخواهانه جمهوری اسلامی منشأ بی‌ثباتی در منطقه است... امتیاز دادن به ویژه در مورد موشک‌ها، پهپادها و [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] در دستور کار علی خامنه‌ای نیست. تحریم‌های ایالات متحده همچنان پابرجا هستند و پادشاهی سعودی به خوبی از تداوم آن آگاه است».

سفر فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان به تهران برای مقامات جمهوری اسلامی جذاب بود زیرا بعد از ۱۷ سال یک مقام عالی‌رتبه سعودی به ایران رفت. او علاوه بر دیدار با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه دولت سیزدهم با سید ابراهیم رئیسی نیز دیدار کرد.

برای جمهوری اسلامی نمایش اینکه در منطقه منزوی نیست اولویت اصلی است اما مقامات تهران بهتر از هر کسی

«پاسکال اسمیت» سوسیالیستی که به پای شهردار سرکوبگر تهران سوخت نوبت استعفای وزیر خارجه بلژیک هم می‌رسد!؟



«سراهای محله» به «قرارگاه محلی» با مشارکت نیروهای بسیج و مساجد و حوزوی‌ها است. این طرح در میانه خیزش ضدحکومتی از پاییز ۱۴۰۱ برای تقویت ماشین سرکوب رژیم در پایتخت برنامه‌ریزی شده و به اجرا درآمد.

دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک در توییتی نوشته «این هفته در پارلمان با من باشید. در مقابل عادی‌سازی جنایت‌های جمهوری اسلامی در غرب تمام‌قد خواهیم ایستاد. اکنون نوبت استعفای وزیر خارجه بلژیک است. وی نیز باید استعفا دهد. شما را در جریان خواهیم گذاشت.»

بعد از اعتراضات سال ۱۳۸۸ شهرداری‌ها به ویژه شهرداری تهران نیروهایی را استخدام کردند که بطور عادی کارشان جمع کردن بساط دستفروشان و مقابله با سد معبر در خیابان‌هاست اما در مواقع اضطراری در سرکوب اعتراضات از این نیروها نیز استفاده می‌شود. علیرضا زاکانی سال‌هاست این واحدهای متشکل از بسیجی‌ها و لباس‌شخصی‌ها را تحت امر خود دارد.

در این میان، عبدالمطهر محمدخانی سخنگوی شهرداری تهران ایرانیان معترض به حضور زاکانی در بروکسل را «وطن‌فروش» خوانده است.

پایگاه خبری «پولیتیکو» می‌نویسد پاسکال اسمیت رئیس برنامه‌ریزی شهری بروکسل یک «سوسیالیست فلاندری» است که با دعوت از شهردار تهران به همراه ۱۴ مقام ایرانی و دو مقام روسی به اجلاس متروپولیس هزینه اقامت آنان را نیز پرداخت کرد.

به نوشته پولیتیکو، اسمیت ادعا کرده مقصر «یک کارمند بوده که اشتباه کرده اما خودش مسئولیت را به عهده گرفته است.» وی همچنین به خبرنگاران گفت که تصمیم برای تأیید ویزای زاکانی توسط وزیر خارجه گرفته شده است.

اما منابعی در پارلمان بلژیک به کیهان لندن می‌گویند رابطه چپ‌ها و سوسیالیست‌های این کشور با جمهوری اسلامی بد نیست.

تلاش چندحزبی شامل لیبرال دموکرات، راست (NVA) و دموکرات فدرالیست مستقل (Défi) در استعفای مدیر امور بین‌الملل شهرداری بروکسل مؤثر بوده است.

اسمیت عضو حزب سوسیالیست (PS) و یک «Flemish socialist» (سوسیالیست فلاندری) است؛ چپ‌گرایی که به شدت علیه سرمایه‌داری هستند. با این حال وی می‌گوید به عنوان نماینده پارلمان به کار خود ادامه خواهد داد.

● با بالاگرفتن انتقادات علیه سفر علیرضا زاکانی شهردار تهران به بلژیک برای شرکت در مجمع عمومی «متروپولیس» (انجمن کلانشهرهای مهم جهان) پاسکال اسمیت مسئول شهرسازی و امور بین‌الملل شهرداری بروکسل مجبور به استعفا شد.

● دریا صفایی عضو ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک ۲۸ خرداد در توییتی خبر داد که «با تلاش من و همکارانم، او استعفا کرد و الان هم نوبت وزیر خارجه بلژیک است».

● وزیر خارجه بلژیک نیز به خاطر صدور ویزا برای شهردار تهران به محصه افتاده است هرچند ادعا می‌کند «ابتدا با این سفر مخالفت کرده اما بعد به اصرار برگزارکنندگان ویزای محدود برای هیأت ایرانی صادر شد».

● دریا صفایی در توییتی نوشته «این هفته در پارلمان با من باشید. در مقابل عادی‌سازی جنایت‌های جمهوری اسلامی در غرب تمام‌قد خواهیم ایستاد. اکنون نوبت استعفای وزیر خارجه بلژیک است.» اما منابعی در پارلمان بلژیک به کیهان لندن می‌گویند رابطه چپ‌ها و سوسیالیست‌های این کشور با جمهوری اسلامی بد نیست. تلاش چندحزبی شامل لیبرال دموکرات، راست (NVA) و دموکرات فدرالیست مستقل (Défi) در استعفای مدیر امور بین‌الملل شهرداری بروکسل مؤثر بود.

● پاسکال اسمیت عضو حزب سوسیالیست و یک «Flemish socialist» (سوسیالیست فلاندری) است؛ چپ‌گرایی که به شدت علیه سرمایه‌داری هستند. با این حال وی می‌گوید به عنوان نماینده پارلمان به کار خود ادامه خواهد داد.

با بالاگرفتن انتقادات به سفر علیرضا زاکانی شهردار تهران به بلژیک برای شرکت در مجمع عمومی «متروپولیس» (انجمن کلانشهرهای مهم جهان) پاسکال اسمیت مسئول شهرسازی و امور بین‌الملل شهرداری بروکسل مجبور به استعفا شد.

دریا صفایی عضو ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک ۲۸ خرداد در توییتی از استعفای این سیاستمدار خبر داد که «با تلاش من و همکارانم، او استعفا کرد و الان هم نوبت وزیر خارجه بلژیک است».

برخی منابع می‌گویند یکی از دلایل شدت گرفتن اعتراض‌ها علیه پاسکال اسمیت این بود که علاوه بر علیرضا زاکانی شهردار سرکوبگر تهران، چند مقام روس نیز به اجلاس متروپولیس دعوت شده بودند.

حاجا لحیب وزیر خارجه بلژیک پاسکال را متهم کرد که با اجازه دادن به شهردار تهران و هیأت همراهش و یک هیأت روس برای شرکت در اجلاس شهری بروکسل، تصویر پایتخت این کشور را «کثیف» کرده است اما اسمیت ادعا کرده بود که «خطای شخصی مرتکب نشده است».

در هر حال، فعلا وزیر خارجه بلژیک به خاطر صدور ویزا برای شهردار تهران به محصه افتاده هرچند که ادعا می‌کند «ابتدا با این سفر مخالفت کرده اما بعد به اصرار برگزارکنندگان ویزای محدود برای هیأت ایرانی صادر شد».

پاسکال علیرضا زاکانی یکی از طراحان و مجری طرح تبدیل

جیسون برادسکی مدیر سیاست‌گذاری در سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» نیز معتقد است «سعودی‌ها هیچ توهمی ندارند که رفتار بدخواهانه جمهوری اسلامی منشأ بی‌ثباتی در منطقه است... وزیر [فیصل بن فرحان] با لفاظی‌های اغراض‌آمیز و خوش‌بینانه صحبت می‌کند، اما به [رژیم] ایران اشاره می‌کند که باید بطور معناداری رفتار را تغییر دهد. امتیاز دادن به ویژه در مورد موشک‌ها، پهپادها و [سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] در دستور کار علی‌خامنه‌ای نیست. تحریم‌های ایالات متحده همچنان پابرجا هستند و پادشاهی سعودی به خوبی از تداوم آن آگاه است.»
در سطوح امنیتی و آکادمیک ایران می‌دانند عادی‌سازی

خبرنگار اصلاح‌طلب ناراحت شده و فارس گزارش داد که «مشکل فنی» بود اما این واقعیت آشکار را نمی‌شود لاپوشانی کرد. کاری که فیصل بن رحمان کرد نهایت تحقیر جمهوری اسلامی است اما مصلحت نظام حکم می‌کند که آن را توجیه کرده و به روی خود نیاورد. وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داد که ظاهراً ماجرا بر سر قاب عکس سلیمانی در محل نشست خبری بود که طرف عربستانی مخالف آن بود و در لحظه آخر عکس برداشته نشد و اتفاق نشست خبری تغییر کرد تا مذاکرات بدون دردسر پیش برود. احتمالاً اگر چنین اتفاقی در دولتی دیگر رخ داده بود، تا کنون ده بار حکم اعدام وزیر خارجه توسط نیروهای ارزشی صادر شده بود و فریاد واسلاما

می‌دانند سعودی‌ها نه اهل سرمایه‌گذاری در ایران‌اند و نه تحریم‌ها این اجازه را به ریاض خواهد داد.
سفر فیصل بن فرحان به تهران با گفتگوهای عربستان سعودی با اسرائیل برای عادی‌سازی روابط همزمان است. هرچند ریاض و تل‌آویو رسماً روابط سیاسی ندارند اما مدت‌هاست در بالاترین سطوح امنیتی و نظامی همکاری مشترک دارند. عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسرائیل آنقدر برای واشنگتن مهم است که حتا بعد از پایان دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ به عنوان معمار «پیمان ابراهیم» در دولت جو بایدن نیز آن رویه دنبال شد. با اینکه گفته می‌شود عادی‌سازی روابط بین آنها بعید است اما روابط



روابط عربستان و اسرائیل تا چه اندازه برای آمریکا مهم است و چه پیامدهای بر امنیت جمهوری اسلامی دارد و تا چه اندازه به ضرر «محور مقاومت» است. سرداران سپاه پاسداران و مقامات سیاسی رژیم بارها گفته‌اند عربستان برای سرنگونی جمهوری اسلامی توطئه می‌کند اما کم نیستند مفسران و تحلیلگرانی که اتفاقاً برعکس معتقدند سعودی‌ها هیچ علاقه‌ای به سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند.

عربستان از سرنگونی جمهوری اسلامی می‌ترسد؟

محمد طلال روزنامه‌نگار سرشناس عرب بهمین ۱۴۰۱ در توجیه اینکه چرا ریاض از سرنگونی جمهوری اسلامی می‌ترسد در «فاران پالیسی» می‌نویسد: «اگر اعتراضات مردم در ایران موفقیت‌آمیز باشد و منجر به سقوط جمهوری اسلامی شود، می‌تواند پیامدهای منطقه‌ای مشابه بهار عربی در برخی کشورهای عربی، به ویژه حوزه خلیج فارس، داشته باشد. این مسئله برای عربستان بسیار مهم است: اعتراضات جنبش سبز ایران در سال ۲۰۰۹ به عنوان مقدمه‌ای برای بهار عربی دو سال بعد عمل کرد. در آن زمان، کشورهای حاشیه خلیج فارس - به ویژه عربستان سعودی - سخت برای سرکوب اعتراضات در کشورهایشان تلاش کردند. ریاض با ترکیبی از تدابیر اقتصادی، سیاسی و امنیتی به تظاهرات در استان شرقی شیعه‌نشین این کشور پاسخ داد. در بحرین، تهدید بزرگتر بود: گروهی از کشورهای خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی نیروهای خود را برای سرکوب اعتراضات تحت رهبری شیعیان اعزام کردند. امروز، اعتراضات جاری ایران می‌تواند بطور مشابه، زنان در سراسر عربستان سعودی و اقلیت‌های شیعه‌نشین شرق را به اعتراض برانگیزد.»

هنوز تمام نشده بود؛ اما این بار دولت «خودی» بود و اگر عکس سردار از ساختمان وزارتخانه هم خارج می‌شد، مشکلی وجود نداشت!

برخی تحلیلگران معتقدند نزدیکی عربستان سعودی به جمهوری اسلامی در مقطعه ایجاد فضای صلح از ترس اقدامات رژیم ایران در پی فشارهای بین‌المللی است. مصلحت حکم کرده که جمهوری اسلامی در توهم روابط عادی با عربستان باشد تا هزینه‌ها بیش از این بالاتر نرود. درست مثل بازیکنان دو تیم فوتبال که در دیدار نهایی خسته دقایق وقت اضافی را کز دار و مریز پاسکاری می‌کنند و وقت‌گشی تا سرنوشت در ضربات پنالتی مشخص شود!

هتری روم کارشناس ارشد «مؤسسه واشنگتن» به المانی‌تور می‌گوید «در کوتاه مدت، تحریم‌های ایالات متحده و اقتصاد ضعیف ایران مانع بزرگی برای رشد روابط تهران و ریاض است اما در دراز مدت عربستان سعودی و سایر کشورهای خلیج فارس ممکن است تمایل بیشتری به آزمایش محدودیت‌های آمریکا داشته باشند، همانطور که امارات با صادرات نفت ایران انجام داده است. اینطوری به نظر می‌رسد آنها آرامش را از تهران می‌خرند.»

صنم وکیل مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا «چتم هاوس» به المانی‌تور می‌گوید: «این اقدام بیشتر به روابط عمومی مربوط می‌شود تا نتیجه... ریاض هویج سرمایه‌گذاری در ایران را آویزان می‌کند، زیرا به خوبی می‌داند که تحریم‌ها مانع از هرگونه تلاش جدی در اینباره می‌شود. از آنجا که ریاض فرض می‌کند ایران مفاد توافق را زیر پا می‌گذارد، به دنبال نشان دادن نیت خوب به چین و فراتر از آن است.»

رو به رشد عربستان و اسرائیل در همه ابعاد کاملاً روشن است به ویژه آنکه آنها دشمن مشترک دارند: جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن در منطقه.

در چنین وضعیتی ابراهیم رئیسی روز شنبه ۲۷ خرداد در دیدار با بن فرحان گفت که «تنها دشمنان مسلمانان و در رأس آنها رژیم صهیونیستی از توسعه همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای ایران و عربستان ناراحت هستند.» وی افزود: «رژیم صهیونیستی نه فقط دشمن فلسطینیان که تهدیدی برای همه مسلمانان است و عادی‌سازی روابط برخی کشورها با این رژیم نه تنها امنیت‌ساز نیست بلکه مخالف نظر امت اسلامی هم هست.»

حرف‌های رئیسی در این دیدار درست در نقطه مقابل مناسباتی قرار دارد که سعودی‌ها در مورد روابط با اسرائیل پیش گرفته‌اند.

برخی منابع مدعی شده‌اند وزیر خارجه عربستان حامل پیام مهم ملک سلمان پادشاه عربستان است. بعضی مقامات حکومتی و رسانه‌های داخلی تفسیرشان این است که ریاض تصمیم گرفته از آمریکا و اسرائیل فاصله بگیرد. اما در شرایطی که صحبت از «آغاز فصل نو بین تهران و ریاض» و «همگرایی با چاشنی نفت و اقتصاد» بوده است، وزیر خارجه عربستان مقامات جمهوری اسلامی را در کنفرانس خبری مشترک با حسین امیرعبداللهیان نقره‌داغ کرد! او حاضر نشد پشت به دیواری بایستد که روی آن قاب عکس قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» که در دی‌ماه ۹۸ در حمله پهپادی آمریکا کشته شد نصب بود. فیصل بن فرحان سالن را ترک کرد. هرچند خبرگزاری تسنیم نوشت که او به خاطر توییت یک

هراس جمهوری اسلامی از مزار قهرمانان میهن بازداشت خانواده و فامیل ابوالفضل آدینه‌زاده در روز تولدش



مزار ابوالفضل آدینه‌زاده

مجیدرضا رهنورد، قهرمان دیگری که سربردار شد، مأموران حکومتی مسیر اطراف مزار مجیدرضا را بستند تا شهروندان نتوانند بر مزار او حاضر شوند.

هفته گذشته نیز همزمان با زادروز کیان پیرفلک کودک جانباخته در شهر ایذه، مأموران حکومتی به صورت گسترده برای عدم برگزاری هرگونه مراسمی بر مزار کیان به مناسبت تولدش تلاش کردند. در طی کمین و بستن جاده روستای «پرچستان» از سوی مأموران پویا مولایی‌راد پسر عموی مادر کیان با اصابت چندین گلوله مأموران حکومتی جانباخت.

کیهان لندن ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ به تخریب مزار جانباختگان از سوی نیروها و هواداران حکومت اشاره کرده بود که به صورت شکست سنگ و حریق تا قیرپاشی و شعارنویسی بروز پیدا می‌کند.

خانواده مجید کاظمی هفته سوم خردادماه از به آتش کشیدن مزار این جوان جانباخته در آستانه سالروز تولدش خبر دادند. آتش زدن مزار مجید کاظمی در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ صورت گرفت.

مجید کاظمی یکی از سه معترض اعدام شده در پرونده «خانه اصفهان» است که ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ به همراه سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی بلطاقی به اتهام واهی «محاربه» در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند.

یکی دیگر از مزارهای تخریب شده جانباختگان در روزهای گذشته مربوط به مزار میلاد سعیدیان‌جو از کشته شدگان ۲۵ آبان ایذه بوده است. خواهر میلاد نیز با انتشار تصاویر مزار برادرش که بخش بزرگی از سنگ قبر آن تخریب شده نوشته این اقدام به صورت شبانه و مخفیانه صورت گرفته است.

زهرآلود سعیدیان‌جو با تأکید بر اینکه «حکومت بچه‌کش، با مخدوش کردن سنگ قبر برادرم تنها به ما نشان دادید که نباید سکوت پیشه کنیم» نوشته که «جسم میلاد زیر خاک اما جای میلاد در قلب‌های ماست، قلب‌هایی که اگر تکه‌پاره هم شوند یاد و نام قهرمانان خود را زنده نگه

که شیشه و بخشی از سنگ مزار فرزندش شکسته شده. وی گفت که «درست ۹ روز مانده به تولد پسرم جاویدنام ابوالفضل آدینه‌زاده، شیشه مزار پسرم و گوی سنگ مزار پسرم رو شکستند. با این هتک حرمت‌ها فقط ما رو مصمم‌تر خواهید کرد.»

مادر ابوالفضل آدینه‌زاده افزوده بود «درست در هفته گذشته در بیدارگاه جمهوری اسلامی حضور پیدا کرده بودیم و یکی از مواردی که بازگو کردند این بود که چرا شعار «زن، زندگی آزادی، مرد، میهن، آبادی» را روی مزار نوشته‌اید، ما هم گفتیم هیچگونه عنوان مجرمانه‌ای ندارد و قانونی نمی‌توانید برای سنگ مزارش به ما فشار بیاورید. حالا می‌بینیم که شکستند چون می‌دانند حقیرند.»

گلی حسینی تأکید کرده که «بشکنید ما دوباره می‌سازیم، نه یک بار بلکه هزاران بار.»

در هفته دوم خردادماه امسال مرضیه خواهر ابوالفضل با انتشار تصویر احضاریه نوشته که به همراه پدرش از سوی دادسرا با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» احضار شده‌اند. به گفته مرضیه پدرش در حالی که پیگیر رسیدگی به «روند پرونده قتل فرزند بی‌گناه خود در دادسرای نظامی بود» با این احضاریه در کارتابل سامانه ثنا مواجه شد. او نوشته که این احضاریه در حالی برای حضور در «دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فاروج» صادر شده که به گفته او، پیش از آن هیچ اطلاعیه یا حتی پیامکی درباره این آن برای آن‌ها ارسال نشده بود.

مرضیه آدینه‌زاده اتهاماتی را که برای آن‌ها به دادسرا احضار شده، «سراسر واهی و تمسخرآمیز» و شامل «تبلیغ علیه نظام و انتشار عکس مبتذل» خوانده است.

جمهوری اسلامی نه تنها با گلوله جان شهروندان معترض را می‌گیرد بلکه به شدت از مزار قهرمانان میهن نیز هراس دارد و هرگونه حضور و تجمع بر مزار جانباختگان را به شدت سرکوب می‌کند.

روز گذشته، جمعه ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ همزمان با زادروز

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ خرداد مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل را در شهر مشهد ربودند و در حالی که پدر و عموی مرضیه پیگیر وضعیت این دختر جوان بودند، آنها نیز بازداشت شدند.

شامگاه جمعه گلدسته حسینی مادر ابوالفضل را به همراه خاله‌ها، عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، دخترخاله‌ها و همه اعضای فامیل ابوالفضل بازداشت کردند.

روز گذشته، جمعه ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ همزمان با زادروز مجیدرضا رهنورد، قهرمانی که سربردار شد، مأموران حکومتی مسیر اطراف مزار مجیدرضا را بستند تا شهروندان نتوانند بر مزار او حاضر شوند.

هفته گذشته نیز همزمان با زادروز کیان پیرفلک کودک جانباخته در شهر ایذه، مأموران حکومتی به صورت گسترده برای عدم برگزاری هرگونه مراسمی بر مزار کیان به مناسبت تولدش تلاش کردند.

اعضای خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان ۱۷ ساله‌ای که در اعتراضات ۱۶ مهر ۱۴۰۱ در مشهد با ضربات شوکر و ده‌ها گلوله‌ی ساچمه‌ای مأموران حکومتی کشته شد، طی شبانه‌روز گذشته و همزمان با زادروز وی بازداشت شدند.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ خرداد مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل را در شهر مشهد ربودند و در حالی که پدر و عموی مرضیه پیگیر وضعیت این دختر جوان بودند، آنها نیز بازداشت شدند. ساعاتی بعد در شامگاه جمعه نیز مأموران امنیتی به روستایی که خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده در آن ساکن بودند حمله کرده و گلدسته حسینی مادر ابوالفضل را به همراه خاله‌ها، عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، دخترخاله‌ها و همه اعضای فامیل ابوالفضل بازداشت کردند. بازداشت همه اعضای فامیل ابوالفضل آدینه‌زاده در حالی صورت گرفته که امروز شب ۲۷ خردادماه زادروز ۱۸ سالگی ابوالفضل است.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری صبح امروز نیز مأموران امنیتی به مزار ابوالفضل یورش برده و چند تن از شهروندانی که در زادروز ابوالفضل بر مزار او حاضر شده بودند را بازداشت کردند.

ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد اتومبیل‌های سنگین ضدشورش در حال حرکت به سمت روستای نجف‌آباد شهرستان فاروج از توابع استان خراسان رضوی که مزار ابوالفضل در آن قرار دارد هستند.

روز گذشته نیز ویدئویی از مادر ابوالفضل منتشر شد که در حالی که بر مزار فرزندش ایستاده با بیان جملاتی چون «دخترم را بردند» برای بازداشت دختر، همسر و برادر همسرش بی‌تابی می‌کند و از مردم طلب کمک دارد.

ابوالفضل آدینه‌زاده متولد ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ روز ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱ همزمان با اعتراضات سراسری مردم در ایران در مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با ضربات باتوم و شلیک ده‌ها گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به قتل رسید.

خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده مانند صدها خانواده‌های دادخواه دیگر با فشارهای سنگین امنیتی و قضایی روبرو هستند.

چند روز پیش گلدسته (گلی) حسینی مادر ابوالفضل با انتشار یک ویدئو در استوری اینستاگرامش توضیح داد

→ خواهند داشت.

پیش از این نیز اشکان امینی برادر مهسا امینی با انتشار تصویری در اینستاگرام خود از شکسته شدن شیشه مزار خواهرش خبر داد. مجد امینی پدر مهسا هم گفته بود بامداد یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، افرادی سنگ مزار دخترش در گورستان سقر را تخریب کرده‌اند.

همچنین نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد راهی فرعی برای عبور و مرور به آرامستان آچی شهر سقر هستند تا مسیر اصلی این آرامستان که از کنار مزار مهسا امینی می‌گذرد مسدود شود.

تخریب سنگ مزار جانبختگان میهن که وجه دیگری از اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی است پیش از این نیز بارها تکرار شده است. برای نمونه مسعود شکاری پدر محسن شکاری معترض اعدام‌شده توسط جمهوری اسلامی فروردین امسال از تخریب سنگ مزار فرزندش برای دومین بار در طول یک هفته خبر داد.

در نخستین تخریب عوامل حکومتی بر روی سنگ مزار محسن شکاری رنگ پاشیده بودند و در دومین تخریب که ۲۵ فروردین ۱۴۰۲ صورت گرفت عوامل حکومتی اینبار به جای رنگ، بر روی سنگ مزار قیر پاشیده بودند تا پاک کردن آن دشوار باشد. مسعود شکاری اما نوشته بود که توانسته قیر را نیز از روی سنگ مزار فرزندش پاک کند.

فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از معترضان کشته‌شده در قزوین هم نیمه فروردین‌ماه امسال با اعلام خبر بازداشت پدر و برادرش از تهدید مأموران امنیتی درباره تخریب سنگ مزار برادرش خبر داده بود و حتی گفته بود که «صمد حکمیان، بازپرس شعبه پنج دادرسی قزوین، پس از بازداشت خانواده‌ام به پدرم گفته یا سنگ را بردار یا می‌اندازمت زندان.»

یکی از شیوه‌های مخدوش کردن سنگ مزار کشته‌شدگان انقلاب ملی از سوی عوامل جمهوری اسلامی به صورت «شعارنویسی» بر روی سنگ مزار صورت می‌گیرد. در همین رابطه ماه‌منیر مولایی راد مادر کیان پیرفلک کودک ۹ ساله‌ای که شامگاه ۲۵ آبان با شلیک مأموران حکومتی در ایذه جان باخت، از شعارنویسی حکومتی بر مزار فرزندش خبر داد.

ماه‌منیر مولایی راد ۱۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ با انتشار تصویری در اینستاگرام نوشت که حامیان حکومت شبانه اقدام به نوشتن شعارهایی در حمایت از خامنه‌ای بر سر مزار فرزندش کرده‌اند. او افزود: «کودک معصوم از نامت می‌ترسند، حتی از سنگ قبرت.»

تخریب مزار قهرمانان میهن تنها بخشی از انواع آزار و اذیت خانواده‌های آنها است. احضار، تشکیل پرونده قضایی، تهدید، قطع اینترنت، کنترل خانه، یورش و تفتیش خانه‌ها، اخراج از کار، جلوگیری از برگزاری مراسم، حمله نظامی و مسلحانه به مراسم یادبود، عدم پیگیری عادلانه قضایی پرونده‌ها همگی از دیگر نمونه‌های دیگر آزار خانواده‌های دادخواهی است که به دنبال روشن شدن علت قتل حکومتی فرزندان خود هستند.

پیکر بسیاری از معترضان نیز با فشار نیروهای امنیتی و بدون رضایت خانواده در مکان‌هایی دورتر از محل زندگی خانواده و حتی به صورت مخفیانه به خاک سپرده شدند. در برخی موارد گزارش شده که نیروهای امنیتی برای تحویل پیکر کشته‌شدگان به خانواده شرط عدم شکایت از نهادهای انتظامی و امنیتی در پی قتل فرزند، و همچنین عدم برگزاری هرگونه مراسمی گذاشته‌اند.

همه این فشارها اما نتوانسته موج گسترده دادخواهی از سوی خانواده قهرمانان انقلاب ملی و همچنین حمایت گسترده دیگر شهروندان از آنها را خاموش کند.

رویترز: جمهوری اسلامی و آمریکا برای دستیابی به «تفاهم» بجای «توافق» در حال مذاکره هستند



مخالفان مذاکره با آمریکا در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی

● خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات جمهوری اسلامی و غرب گزارش داد جمهوری اسلامی و آمریکا برای برداشتن گام‌هایی به عنوان یک «تفاهم» بجای «توافق» در حال مذاکره هستند.

● دستیابی به «توافق» شبیه برجام مستلزم تأیید کنگره آمریکا است اما اکثریت نمایندگان کنگره مخالف چنین توافقی هستند.

● یک مقام جمهوری اسلامی گفته: «اسم آن را هر چه می‌خواهید بگذارید، توافق موقت یا تفاهم متقابل؛ هر دو طرف می‌خواهند از تشدید بیشتر تنش جلوگیری کنند.» وی توضیح داده در گام نخست «این امر شامل تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران می‌شود.»

● یک مقام غربی گفته که درخواست نامش فاش شود، گفت: «من این روش را توافق سردرگم می‌دانم.»

● یک مقام غربی گفت که هدف اصلی ایالات متحده جلوگیری از بدتر شدن وضعیت هسته‌ای و جلوگیری از درگیری احتمالی بین اسرائیل و ایران است.

ایالات متحده در حال مذاکره با جمهوری اسلامی برای انجام اقداماتی است که در ازای محدود شدن برنامه‌های اتمی ایران و آزادی برخی شهروندان آمریکایی بازداشت شده، بخشی از دارایی‌های بلوکه شده ایران آزاد شود.

خبرگزاری رویترز روز جمعه ۲۶ خرداد به نقل از برخی مقامات جمهوری اسلامی و غربی گزارش داد این گام‌ها به عنوان یک «تفاهم» جایگزین توافقی می‌شود که مستلزم بازنگری در کنگره آمریکا است. نمایندگان کنگره آمریکا به شدت دولت بایدن را زیر فشار قرار داده‌اند که هرگونه توافق با جمهوری اسلامی باید به تأیید کنگره برسد.

تقریباً اکثریت نمایندگان کنگره آمریکا می‌گویند جمهوری اسلامی پشتیبان روسیه در جنگ علیه اوکراین است و دست به سرکوب مردم ایران زده است. آنها مخالف دادن امتیاز به تهران هستند.

دولت بایدن امیدوار است پس از شکست برجام با جمهوری اسلامی به یک توافقی دست یابد که از دستیابی تهران به سلاح اتمی جلوگیری کند. بر اساس مفاد برجام، جمهوری اسلامی حق غنی‌سازی اورانیوم تا ۳/۶۷ درصد را داشت اما اکنون غنی‌سازی در ایران به ۶۰ درصد رسیده و در تأسیسات اتمی فُردو قم حتا ذرات اورانیوم با غلظت نزدیک به ۸۴ درصد کشف شد.

دولت آمریکا هرگونه توافق با جمهوری اسلامی را رد می‌کند یا اینهمه موضوع «توافق موقت» بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا جدی‌تر از قبل مطرح است هرچند که طی سه سال گذشته بارها این مباحث تکرار شد اما در نهایت طرفین نتوانستند به توافق برسند.

یک مقام جمهوری اسلامی گفته «اسم آن را هر چه می‌خواهید بگذارید، توافق موقت یا تفاهم متقابل؛ هر دو طرف می‌خواهند از تشدید بیشتر تنش جلوگیری کنند.»

وی توضیح داده در گام نخست «این امر شامل تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران می‌شود.» همچنین قرار است اگر مراحل توافق با موفقیت طی شد، آمریکا در گام‌های بعدی در ازای توقف غنی‌سازی ۶۰ درصد و همکاری بیشتر ایران با آژانس، برای صادرات نفت ایران

معافیت از تحریم صادر کند. یک مقام غربی که درخواست نامش فاش شود، گفت: «من این روش را توافق سردرگم می‌دانم.»

رابرت مالی مسئول ویژه آمریکا در امور ایران نیز پس از ماه‌ها امتناع جمهوری اسلامی از تماس مستقیم، با سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل دیدار کرده است.

این مقام غربی گفت، ایده این بود که یک وضعیت قابل قبول برای همه ایجاد شود تا ایران از خط قرمز غرب یعنی غنی‌سازی ۹۰ درصدی که درجه تسلیحاتی است عبور نکند. این مقام همچنین گفت، علاوه بر توقف ۶۰ درصدی، هر دو طرف درباره همکاری بیشتر ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و عدم نصب سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر در ازای «انتقال بخش قابل توجهی» از منابع مالی بلوکه شده ایران در خارج از کشور گفتگو می‌کنند.

این مقام غربی اما مشخص نکرده که آیا این توقف به این معنی است که ایران متعهد به عدم غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد است یا اینکه غنی‌سازی را تا همین سطح متوقف خواهد کرد.

همچنین ترتیب مراحل و نحوه ارتباط آنها با آزادی سه شهروند آمریکایی بازداشت شده توسط جمهوری اسلامی نیز نامشخص است. مقامات قبلاً گفته بودند که آزاد شدن این افراد که در ایران به گروگان گرفته شده‌اند، ممکن است به آزادسازی پول‌های بلوکه شده مرتبط باشد.

مقامات جمهوری اسلامی قبلاً گفته بودند آماده صحبت بر سر آزادی زندانیان هستند.

یک مقام غربی گفت که هدف اصلی ایالات متحده جلوگیری از بدتر شدن وضعیت هسته‌ای و پیشگیری یک درگیری احتمالی بین اسرائیل و ایران است.

او افزود: «اگر [مقامات جمهوری اسلامی] اشتباه محاسباتی کنند، احتمال پاسخ قاطع اسرائیل وجود دارد و این چیزی است که ما می‌خواهیم از آن اجتناب کنیم.»

به نظر می‌رسد مقامات ایالات متحده از گفتن اینکه به دنبال یک «توافق» شبیه برجام هستند خودداری می‌کنند.

بسیاری تحلیلگران معتقدند برجام دیگر قابل اجرا نیست. در همین ارتباط جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا چند ماه قبل گفته بود «برجام مُرده است.»



مسجد امیر چخماق یزد

شده است. گنبد مسجد امام اصفهان دچار تغییر و عمارت «اقدسیه» از آثار با ارزش معماری دوران پهلوی نیز از جمله آثاری تاریخی است که بر اثر بی توجهی مسئولان تخریب شدند. هفته‌های گذشته نیز تصاویری از آرامگاه سعدی منتشر شد که نشان از تخریب و ایجاد فرونشست و ترک‌هایی در این بنا داشت. محمدرضا هاجری سخنگوی شورای اسلامی شهر شیراز در اظهاراتی تکانه‌دهنده گفته بود که «در واقع طی ۳۰ الی ۴۰ سال اخیر مرمتی در آرامگاه سعدی نداشته‌ایم. محوطه و فضای سبز داخلی نیازمند بازسازی است. حتی درب قدیمی آرامگاه که تاریخی است در پشت آرامگاه قرار گرفته و هیچ رسیدگی به آن نشده است.»

یکی از بخش‌های خاطره‌انگیز آرامگاه سعدی، حوض ماهی است که جزو جاذبه‌های بصری برای گردشگران داخلی و خارجی بوده. مردم محلی منطقه سعدی معتقدند که آب جوی مقبره سعدی مقدس است و استحمام مردم در این آب، به ویژه در شب چهارشنبه‌سوری، از اعتقادات مردم منطقه سعدی شیراز نیز بوده است. اما خشکسالی به چشمه‌ها و قنات‌های شیراز هم رحم نکرده و این روزها کوهی از خاک آن را پوشانده است و دیگر ماهی و آب در آن وجود ندارد. پس از واکنش‌های گسترده‌ای که به تصاویر منتشر شده از آرامگاه سعدی در شبکه‌های اجتماعی و در رسانه‌های محلی شیراز صورت گرفت، مؤید محسن‌نژاد روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی فارس اعلام کرد که طی ۱۶ ماه گذشته زمینه بررسی علمی میزان آسیب‌های وارده به آرامگاه سعدی طی سالیان اخیر فراهم و مشخص شده که این بنا تاریخی دارای مشکلاتی نظیر استحکام بنا و غیره است. او همچنین از اختصاص بیش از یک میلیارد تومان بودجه در سال ۱۴۰۲ برای مرمت آرامگاه سعدی خبر داد.

با اینهمه محمدرضا هاجری سخنگوی شورای شهر شیراز گفته که «بودجه‌ی یک میلیاردی جوابگو نیست. در بخش بودجه‌های مرمت و بازسازی، استان فارس که ۱۵ اثر تاریخی دارد جز سه استان برتر در دریافت بودجه بازسازی نیست.» محمدرضا هاجری معتقد است که «بهترین راه حل این است که آرامگاه‌های حافظ و سعدی هیئت امنایی اداره شود تا درآمدی که از این مکان‌ها حاصل می‌شود؛ خرج رسیدگی خود آرامگاه شود. درآمد داخلی این بنا می‌تواند مشکلات فراوانی را حل کند.»

سخنگوی شورای اسلامی شهر شیراز گفته که «اگر به صورت هیئت امنایی اداره شود؛ شورای شهر و شهرداری هم در اداره‌ی آن نقش دارند. زیرا اکنون قانون اجازه نمی‌دهد که شورا و شهرداری در املاک دولتی رسیدگی کنند و حضور داشته باشند.»

نکرده اما بر اساس گزارش‌ها ۳۰ مترمربع از کاشی‌های گنبد مسجد بطور کلی ریزش کرده است. مجید علومی کارشناس ارشد مرمت آثار و بناهای تاریخی در استان یزد گفته که «مواد و مصالح به مرور زمان فرسوده می‌شوند و حالا کاشی‌های آن بخش از ساقه گنبد مسجد امیرچخماق که در معرض آفتاب و عوارض طبیعی قرار دارد ریخته است.» این کارشناس ارشد مرمت آثار و بناهای تاریخی گفته که «آخرین باری که ساقه گنبد ترمیم شده مربوط به ۴۵ سال قبل است که عکس‌های آن موجود است لذا به مرور زمان مصالح آن فرسوده شده است.»

بی توجهی جمهوری اسلامی به آثار تاریخی و تخریب این آثار موضوعی سابقه‌دار است. در سال‌های گذشته نیز به دلیل کسری بودجه و در حالیکه بودجه حوزه‌های علمی و نهادهای بی‌خاصیت تبلیغاتی و ایدئولوژیک همچنان به صورت تساعدی افزایش می‌یابد، وضعیت میراث تاریخی ایران بدتر شده است.

اسفندماه سال گذشته بود که انتشار تصاویری تکانه‌دهنده نشان می‌داد محوطه آتشکده ساسانی کازرون که در سال ۱۳۱۸ در فهرست میراث ملی ایران ثبت شده، به پارکینگی برای ماشین‌های سنگین کشاورزی و اتومبیل‌های سواری تبدیل شده است. در سال ۱۳۹۶ نیز در عرصه و حریم این اثر ساسانی گلخانه احداث شده بود.

سیاوش آریا پژوهشگر و فعال میراث فرهنگی درباره تبدیل شدن این اثر به پارکینگ و احداث گلخانه در آن گفته بود که «درباره تعیین عرصه و حریم این بناهای ساسانی با مسئولان میراث فرهنگی استان فارس گفتگو کرده و آنها قول‌هایی داده بودند، اما با گذشت بیش از پنج سال و نیم، نه تنها حریم و عرصه‌ای برای آتشکده کازرون تعیین نشده، و از ساخت گلخانه پیشگیری نشده، بلکه در کمال شگفتی و ناباوری چندین گلخانه دیگر در حریم درجه یک و چند متری آتشکده کازرون سبز شده است که چیزی جز افسوس و دریغ از این همه بی‌مهری و بی‌تفاوتی و کم‌کاری متولیان میراث فرهنگی برجای نمی‌ماند.»

این پژوهشگر نصب تیرهای برق در عرصه و حریم آتشکده ساسانی کازرون را مضر دیگری دانست و اظهار کرد: اگر عرصه و حریم این اثر تاریخی تاکنون تعیین شده بود، این چنین فضا برای دست‌اندازی و دست‌درازی بیشتر به این اثر تاریخی باز نبود. در اطراف این آتشکده حتی یک تابلوی معرفی وجود ندارد تا مردم به‌ویژه بومی‌ها به اهمیت این اثر تاریخی پی ببرند. آتشکده کازرون در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر کازرون در استان فارس واقع شده و به باور برخی از پژوهشگران از سوی «مهرنرسی یا مهرنرسه»، وزیر نامدار بهرام پنجم ساسانی ساخته

نابودی میراث تاریخی ایران با جمهوری اسلامی؛ ریزش ۳۰ مترمربع کاشی‌های گنبد مسجد امیرچخماق یزد

● هرچند مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد در اظهارات خود آسیب وارد شده را جدی ارزیابی نکرده اما بر اساس گزارش‌ها ۳۰ مترمربع از کاشی‌های گنبد مسجد بطور کلی ریزش کرده است.

● محوطه آتشکده ساسانی کازرون که در سال ۱۳۱۸ در فهرست میراث ملی ایران ثبت شده، به پارکینگی برای ماشین‌های سنگین کشاورزی و اتومبیل‌های سواری تبدیل شده است.

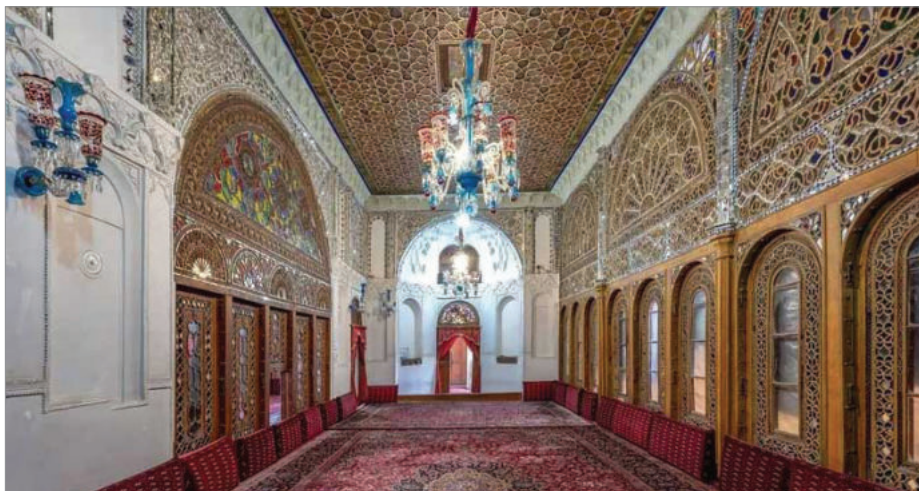
مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد از ریزش ۳۰ مترمربع کاشی‌های گنبد مسجد امیرچخماق خبر داده است. این بنا تاریخی حدود نیم قرن پیش در دوران پهلوی برای آخرین بار مرمت شده بود.

در روزهای گذشته تصویری از گنبد فروریخته مسجد امیرچخماق یزد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. در حالی که مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یزد می‌گوید در سازه اصلی گنبد مسجد مشکلی ایجاد نشده اما سازه روی گنبد که با کاشی پوشیده شده بود تخریب شده است. احمد آخوندی ابراهیم آبادی مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد درباره تخریب گسترده در یکی از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی این شهر گفته که «گنبد مسجدها در شهرهایی که بافت تاریخی دارند دو پوشش دارد، یکی سازه اصلی گنبد است و دیگری سازه‌ای برای تزئین است که در آن از کاشی یا آجر لعابدار استفاده می‌شود.»

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد افزوده که «گنبد مسجد امیرچخماق مدت‌ها مرمت نشده بوده که در بناهای تاریخی این مسئله چیز عجیبی نیست و معمولاً بعد از ۲۰ الی ۳۰ سال که مصالح فرسوده می‌شود مرمت صورت می‌گیرد، در خصوص گنبد این مسجد سازه اصلی آن مشکلی ندارد، شورای فنی استان گنبد مسجد را بررسی کردند و همانطور که گفتیم برای سازه اصلی گنبد مسجد هیچ مشکلی ایجاد نشده است، اما اتفاقی که افتاده مربوط به آن سازه تزئینی روی گنبد است، که حدود ۳۰ مترمربع ریزش کرده و نیاز به بازسازی دارد.»

مسجد میرچخماق یا امیرچخماق که در یزد به نام مسجد جامع نو نیز خوانده می‌شود در میدان امیرچخماق این شهر واقع شده است. این مسجد در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۱۴ با شماره ثبت ۲۴۷ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. مجموعه و میدان امیر چخماق از شاخص‌ترین مجموعه‌های تاریخی یزد است که شامل بازار، تکیه، مسجد و دو آب انبار است و قدمت آنها به دوره تیموریان (قرن ۹ هجری) برمی‌گردد. هرچند مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد در اظهارات خود آسیب وارد شده را جدی ارزیابی

تباهکاری دیگری از جمهوری اسلامی؛ تقدیم یک بنای تاریخی با چند صد هکتار زمین به عروس رئیس سازمان اوقاف کشور!



● مونا چایچیان متولد ۶۹ و عروس مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف کشور در یک تخلف و فساد آشکار یک عمارت تاریخی با چند صد هکتار زمین و یک دامداری با هزار رأس دام را سالهاست با اجاره حدود نهمصد هزار تومان غصب کرده است.

● فرزند متولی خانه- حسینیه تاریخی امینی‌ها: اجاره موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین به عروس حجت‌الاسلام خاموشی صحت دارد و اجاره‌بهای این اراضی ماهانه حدوداً نهمصد هزار تومان است.

● مهدی خاموشی از ملایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و فرزند تقی خاموشی، از مؤسسين هیئت مؤتلفه اسلامی و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی است.

بر اساس خبرهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی یکی از بزرگترین موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین، با نام حسینیه امینی‌ها به عروس حجت‌الاسلام مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف کشور واگذار شده است. این کاخ تاریخی با چند صد هکتار زمین و باغ با اجاره ناچیز حدود ۹۰۰ هزار تومان و به اسم «اجاره» در اختیار این فرد قرار گرفته است.

خبر واگذاری یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین میراث تاریخی شهر قزوین با چند صد هکتار زمین و یک کاخ در میانه آن به عروس رئیس سازمان اوقاف کشور از سوی وحید اشتری افشاکنده «سیسمونی گیت» دختر قالیباف منتشر شده است.

وحید اشتری روز یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۲ در توئیتر گزارش داد که «اخیراً مطلع شدم در قزوین ما یکی از بزرگترین موقوفات چند صد هکتاری استان متعلق به حسینیه امینی‌ها را تقریباً به صورت رایگان به یک دختر خانم متولد ۶۹ واگذار کرده‌اند. کنجکاو شدم بینم ایشان آقازاده کدامیک از مسئولین است؟ از نتیجه جستوجو بهت‌زده شدم...»

او در ادامه نوشته که «الان در قزوین دیگر یک زوج جوان با ماهی یک میلیون بدون پول پیش یک زیرزمین در حاشیه‌ای‌ترین نقاط شهر نمی‌توانند اجاره کنند ولی یک موقوفه ۱۵۰ هکتاری و یک دامداری هزار رأسی در قزوین را با همین اجاره ناچیز به خانم «مونا چایچیان» واگذار کرده‌اند.»

بر اساس نوشته وحید اشتری «این موقوفه عظیم متعلق به حسینیه امینی‌هاست که یکی از دیدنی‌ترین نقاط قزوین است. اسم و مشخصات خانم چایچیان را سرچ کردم. نامبرده اطلاعات خاصی وجود نداشت. یکی دو تا شرکت در روزنامه رسمی، یکی دو تا تلفن در برخی مدارک (که کسی

پاسخگویی نبود) و یک آدرس در محله ازگل تهران.» او افزوده که «اینکه ۱۵۰ هکتار زمین با یک دامداری هزار راسی در روز روشن با ماهی یک میلیون تومان اجاره به یکی از بستگان رئیس سازمان اوقاف واگذار شده باشد به کنار. اینکه در تمام قراردادهای بدون نگرانی رسماً آدرس منزل رئیس سازمان اوقاف را قید کنند دیگر خیلی اعتماد به نفس می‌خواهد. اسامی فرزندان آقای خاموشی را البته یکی دو جا دیده بودم. مشخصات خانم مونا چایچیان در روزنامه رسمی (فرزند سید محمد شجاع‌الدین به شماره ملی ۰۰۱۲۰۵۶۴۱۴۶۱) را از دوستانی که با خانواده آقای خاموشی در تعاملند جویا شدم.»

وحید اشتری ادامه داده که «متوجه شدم متاسفانه ایشان عروس رئیس سازمان اوقاف کشور است باورم نشد. این ماجرای عروس آقای خاموشی وجه نمادین قابل تاملی دارد. پیشتر که هفته‌ای یک خبر از بازداشت مدیران اوقاف می‌آمد چند مرتبه نوشتم این دستگیری‌ها اهمیت ندارد. اوقاف بدون هرگونه نظارت و بازرسی رسماً تبدیل به حیات خلوت فساد در کشور شده است و باید در مورد آن ساختار حرف زد.»

فاطمه مهدیانی روزنامه‌نگار خبرگزاری «ایلنا» نیز در توئیتر نوشته که «فرزند متولی خانه- حسینیه تاریخی امینی‌ها به ایلنا گفت اجاره موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین به عروس حجت‌الاسلام خاموشی صحت دارد و اجاره‌بهای این اراضی ماهانه حدوداً نهمصد هزار تومان است. این اتفاق تازه‌ای نیست، دست‌کم ۴ الی ۵ سال از آن می‌گذرد.»

در ادامه این توئیتر آمده که «من وقتی روی کار آمدم دیدم این خانم مستاجر ماست اما به ما فشار می‌آوردند که صدایش را درنیاوریم. من دنبال ددرسر نمی‌گردم، فقط بدانید که این موضوع به دوره قبلی برمی‌گردد و امضای متولی دوره قبل، پای فراداد، صحت مطلم را گواهی می‌کند.» مهدی خاموشی از ملایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و فرزند تقی خاموشی، از مؤسسين هیئت مؤتلفه اسلامی و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی است. مهدی خاموشی با حکم علی خامنه‌ای از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷ رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن، با حکم دیگری از رهبر جمهوری اسلامی به عضویت هیئت امنای اداره کل اوقاف و امور خیریه کشور و ریاست این اداره درآمد.

روابط عمومی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قزوین نیز ساعتی پیش با صدور بیانیه‌ای در حالی که نتوانسته واگذاری این بنای تاریخی به عروس رئیس اداره اوقاف و امور خیریه کشور را تکذیب کند، با پذیرش آن مدعی شد که

واگذاری «بدون دخالت ریاست سازمان» صورت گرفته است! روابط عمومی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قزوین در توجیه این واگذاری نوشته که «از آنجایی که عموماً در املاک موقوفه رابطه استیجاری نسبت به عرصه تنظیم می‌گردد لذا نحوه ارزیابی با در نظر گرفتن حقوق و منافع مستاجر موقوفه توسط کارشناس رسمی دادگستری همانند سایر رقبات و املاک لحاظ می‌گردد.»

در ادامه این بیانیه آمده که «اولاً واگذاری اراضی موقوفه توسط موقوفات صورت می‌گیرد بلکه برابر قوانین موضوعه و مطابق اختیارات سازمان امور اراضی به بهره برداران واگذار گردیده و متعاقباً نسبت به حقوق مکتسبه با ایشان تنظیم قرارداد اجاره می‌گردد. در ثانی معامله شرکت روزبها با خانم چایچیان قبل از انتصاب آقای سید مهدی خاموشی به ریاست سازمان اوقاف و به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد در حالی که انتصاب ایشان به ریاست سازمان در سال ۱۳۹۷ صورت گرفته است.»

این بیانیه بجای توضیح چرایی واگذاری این عمارت به عنوان میراث تاریخی شهر قزوین به عروس یک مقام حکومتی، نوشته «آنچه مسلم است انتشار اینگونه مطالب در این برهه از زمان در پی برخورد اوقاف با اباحه‌گری صورت گرفته در حسینیه امینی قزوین با متولی موقوفه صورت گرفته است لذا مجموعه اوقاف و امور خیریه این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که اقدامات قانونی را از مراجع ذیصلاح پیگیری نماید.»

حسینیه امینی‌ها یا خانه امینی‌ها از خانه‌های زیبا و اعیانی قزوین است که توسط محمدرضا امینی از تجار و اعیان قزوین در غرب رودخانه دیزج ساخته شد.

عمارت دو طبقه حسینیه در سال ۱۲۷۵ هجری قمری با صرف مبلغ چهل و هشت هزار تومان بنا شد. در میان بنا سه تالار ساخته شده که امتداد آنها به موازات یکدیگر از شرق به غرب است و میان دو حیاط شمالی و جنوبی قرار دارد. تالارها دارای آرسنی‌هایی است که هنگام روضه‌خوانی با بالا بردن آنها، هر سه تالار یکی می‌گردند و محوطه سرپوشیده بزرگ و آینه‌کاری زیبایی را تشکیل می‌دهند. در وسط تالار بزرگ چلچراغ آویخته شده و فرش‌های تالار یک‌تخته و عتیقه هستند. زیر تالارها سرداب، زیرزمین، شربت‌خانه و انبار ساخته‌اند.

محمدرضا امینی برای خیرات و مبرات در سال ۱۳۰۳ ه.ق. روستاهایی را جهت روضه‌خوانی در عزاداری‌های محرم و «اطعام مساکین» در این ماه و همچنین ماه‌های صفر و رمضان وقف این حسینیه کرد. در حال حاضر این عمارت دارای چند صد هکتار زمین است.

وزارت کار آب پاکی را روی دست کارگران ریخت دستمزدها افزایش نمی‌یابد، فقر را تحمل کنید!

کرد. سال گذشته حداقل دستمزد کارگران چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان بود که با مصوبه شورای عالی کار به پنج میلیون و ۳۰۷ هزار و ۳۳۰ تومان افزایش یافت و اگر کارگری همه مزایای شغلی را دریافت کند در نهایت دریافتی او حدود ۵/۸ میلیون تومان خواهد بود که با نرخ تورم و هزینه زندگی در ایران فاصله‌ی عمیقی دارد.

اعتراضات به رقم تحقیرآمیز تعیین شده برای دستمزد کارگران و بازنشستگان از نخستین روزهای سال جدید آغاز شد و در دوم فروردین ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهر شوش استان خوزستان تجمع اعتراضی بزرگی برگزار کردند. جامعه کارگری و بازنشسته امیدوار بود دولت قانون را رعایت و جلساتی برای افزایش دستمزد برگزار کند که پاسخ اخیر وزارت کار نشان می‌دهد قرار نیست دستمزد ناچیز حدود ۲۰ میلیون کارگر و بازنشسته در کشور افزایش یابد و آنها ناچار به تحمل فقر و گرسنگی هستند.

حسین حبیبی فعال کارگری معتقد است برخلاف نظر دولت آثار کاهش تورم در سفره کارگران دیده نمی‌شود و کارگران ۷۰ درصد عقب‌ماندگی مزدی دارند.

این فعال کارگری گفته که هیچ تناسبی بین مزد و تورم فعلی وجود ندارد و نمایندگان دولت نتوانسته‌اند تورم و صعود قیمت‌ها را مهار کنند، بنابراین دیگر نمی‌توانند مقابل خواسته‌ی ترمیم مزد بهانه‌تراشی کنند.

حسین حبیبی تأکید کرده که «در حال حاضر تورم بیش از ۵۰ درصد است، اما اگر تورم را سراسر ۵۰ درصد در نظر بگیریم، کارگران با در نظر گرفتن تورم فعلی، بیش از ۱۳ درصد عقب‌ماندگی مزدی دارند؛ حال آنکه تورم تجمیعی یک سال گذشته بیش از یک صد درصد است و در این بازه زمانی - از بهار پارسال تا امروز- مزد و مستمری فقط ۲۷ درصد زیاد شده است و این یعنی بیش از ۷۰ درصد عقب‌ماندگی مزدی!»

در همین ارتباط، حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری به دولت درباره از سر گرفته شدن اعتراضات هشدار داده و گفته که «اگر دولت نتوانست تورم را به ۳۰ تا ۳۵ بازگرداند، نباید انتظار داشته باشد، جامعه کارگری در چارچوب نامه و مکاتبه باشد حق را مطالبه کند.»

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری افزوده که با توجه به پاسخ وزارت کار به درخواست کارگران برای برگزاری جلسات شورای عالی کار و افزایش دستمزد، جامعه کارگران از طریق دیوان عدالت اداری به دنبال ابطال مصوبه مزد سال ۱۴۰۲ هستند و «اگر در آنجا هم به حقوق کارگران بی توجهی شود و دولت هم تجدیدنظر را قبول نکند، نباید از کارگران انتظار سکوت و کف زدن داشته باشند چون کار به استخوان کارگران رسیده است، چون جامعه کارگری بار تورم سنگین تصمیم‌هایی را به دوش می‌کشد که در تصویب آن‌ها هیچ نقشی نداشته است.»

حسن صادقی بار دیگر به دولت هشدار داده است «تورم به حد نگران‌کننده‌ای رسیده و مردم را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است که به دلیل بی‌کفایتی دولت و بودجه‌نویسی غلط سازمان برنامه و بودجه و همچنین سیاست‌های منفعت‌طلبانه بعضی از کارفرمایان است و به همین دلیل کارگران دلیلی بر کوتاه آمدن از حقوق مسلم خود نمی‌بینند. آنها که با زبان منطق غریبه‌اند، بدانند کارگران به وقتش نشان خواهند داد که زبانشان همیشه خوش و نرم نیست.»



و کاهش سلطه دلار بر اقتصاد کشور نمایان شده است. گفتنی است عدد تورم اشاره شده در نامه مذکور غیرواقعی و خلاف آمارهای رسمی است.»

در نامه وزارت کار که با امضای مهدی رضوی کیا معاون روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت کار صادر شده بجای پاسخگویی درباره افزایش دستمزد با توضیح علت ناهمخوان بودن سطح دستمزد با سطح تورم کشور، آمده که «دولت به منظور رفع قسمتی از دغدغه اقشار کم درآمد، بطور موازی از طریق طرح‌های دیگری همچون کالابرج الکترونیکی تلاش خواهد کرد.»

علی خدایی عضو کارگری شورای عالی کار در پاسخ وزارت کار گفته که «فارغ از قول آقایان وزرا و مذاکرات نشست‌های شورا، ماده ۱۶۷ قانون کار به اعضای کارگری این حق و اختیار را داده که به عنوان سه عضو رسمی شورا برای طرح هر موضوعی که لازم بدانند، درخواست برگزاری نشست بدهند.»

به گفته وی «قرار نیست کار تعیین دستمزد در شورای عالی کار با قول و وعده بگذرد، قرار است ماده ۴۱ قانون کار اجرا شود و امسال در زمینه اجرای قانون، تخلف آشکار صورت گرفته است، آیا این واقعیت را دولتی‌ها نمی‌پذیرند؟»

علی خدایی افزوده که «نمایندگان دولت فکر می‌کنند با انتشار نمودار، شکم کارگران سیر می‌شود. ما با نمودار و عدد و رقم سیر نمی‌شویم؛ کارگران به مرغ و گوشت و تخم مرغ و لبنیات نیاز دارند؛ کارگران به مسکن و زندگی شایسته نیاز دارند؛ آیا نمی‌بینید که امروز همه اینها از کارگران دریغ شده و هر روز اوضاع معیشتی وخیم‌تر می‌شود؟»

پیشتر در نیمه خردادماه نیز صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره درخواست افزایش دستمزد از سوی براساس قانون تصمیم‌گیرنده دستمزد، شورای عالی کار است که دستمزد برای سال ۱۴۰۲ تعیین و ابلاغ شده است و بنای دولت اهتمام به مهار تورم است.»

وزیر کار گفته بود «آمارهایی از مراکز رسمی اعلام شده که با شیب ملایم، تورم مدیریت می‌شود و امیدواریم با کاهش تورم سفره کارگران رونق بگیرد.»

شورای عالی کار در آخرین روزهای اسفندماه گذشته با افزایش ۲۷ درصدی رقم حداقل حقوق در سال ۱۴۰۲ موافقت

● با وجود درخواست قانونی کارگران برای بازنگری در رقم دستمزد، وزارت کار آب پاکی را روی دست کارگران ریخته و با تکرار ادعای دیگر مقامات دولتی درباره «کاهش تورم» با افزایش دستمزد مخالفت کرده است.

● حسین حبیبی فعال کارگری معتقد است برخلاف نظر دولت آثار کاهش تورم در سفره کارگران دیده نمی‌شود و کارگران ۷۰ درصد عقب‌ماندگی مزدی دارند.

● علی خدایی: نمایندگان دولت فکر می‌کنند با انتشار نمودار، شکم کارگران سیر می‌شود. ما با نمودار و عدد و رقم سیر نمی‌شویم؛ کارگران به مرغ و گوشت و تخم مرغ و لبنیات نیاز دارند؛ کارگران به مسکن و زندگی شایسته نیاز دارند.

در سومین ماه سال کارگران همچنان به دنبال افزایش سطح دستمزد هستند و نمایندگان کارگری شورای عالی کار در نامه‌ای به وزیر کار خواستار تجدید نظر در رقم حداقل دستمزد شدند. دولت که پیشتر وعده بازنگری در رقم دستمزد را داده بود حالا با ادعای «کاهش تورم» این وعده را نادیده گرفته است.

در روزهای گذشته نمایندگان طیف کارگری شورای عالی کار در نامه‌ای به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستار تجدیدنظر در میزان افزایش حقوق کارگران در سال ۱۴۰۲ شده‌اند.

در این نامه که ۲۱ خردادماه نوشته شده آمده بود «نظر به اینکه با تورم اتفاق افتاده در طی چهار ماه گذشته و تورم بالای ۷۰ درصدی در ردیف‌های ضروری خانوار، نظیر مسکن و خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، تأمین معیشت کارگران دچار بحران جدی گردیده و وعده‌های کاهش نرخ تورم عملی نگردیده است، لطفا دستور فرمایید موضوع اصلاح نرخ دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ و راهکارهای جبران قدرت خرید کارگران در دستور اولین جلسه شورای عالی کار قرار گیرد.»

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری درباره این نامه توضیح داده «نامه‌ای که نمایندگان کارگری به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نوشته‌اند، در واقع یادآوری قول شفاهی‌ای بود که وزیر کار به کارگران در مقطع امضای صورتجلسه دستمزد ۱۴۰۲ وعده داده بود. وزیر وعده کرد در صورتی که تورم مهار نشود، درباره میزان حقوق کارگران تجدیدنظر صورت گیرد.»

صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما آب پاکی را روی دست کارگران ریخته و با تکرار ادعای دیگر مقامات دولتی درباره «کاهش تورم» با افزایش دستمزد مخالفت کرده است.

در جوابیه وزارت کار اظهارات گروه کارگری شورای عالی کار در زمینه نرخ تورم «غیرواقعی» ارزیابی شده و آمده است: «بررسی وضعیت اقتصادی نشان دهنده آن است که با حذف شوک‌های تورم‌زا در سال ۱۴۰۱ و رویکردهای جدی دولت در رفع ناترازی‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی با هدف کنترل رشد نقدینگی از طریق برنامه اصلاح ساختار بودجه، اصلاح نظام بانکی و پرهیز از قیمتگذاری دستوری و همچنین پرداخت مطالبات به جامانده صندوق‌های بازنشستگی از دولت قبل روند کاهش تورم آغاز شده و ادامه‌دار خواهد بود که نشانه‌های آن در کاهش قابل توجه تورم ماهانه اردیبهشت سال ۱۴۰۲

سپاه پاسداران در دیرالزور سوریه به دنبال استخدام زنان با حقوق‌های نسبتاً بالا است



یکی از مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی در دیرالزور در شرق سوریه

سوری یا لیره سوریه، یعنی مبلغی حدود ۳۵۰ یورو، به آنها پرداخت خواهد شد. با وجود دستمزدی که برای شرایط محلی نسبتاً بالا به نظر می‌رسد اما این فراخوان چندان با استقبال اهالی منطقه روبرو نشده است.

بر اساس گزارشی که سازمان حقوق بشر سوریه ۲۵ خرداد منتشر کرد مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در دیرالزور که مدیریت آن با فردی به اسم «حاج رسول» است دوره‌های آموزش زبان فارسی نیز ارائه می‌دهد. حدود ۵۰ زبان‌آموز بین ۱۸ تا ۲۵ سال در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند.

اما منابع محلی می‌گویند این مرکز از شرایط بد زندگی مردم سوء استفاده می‌کند. از امتیازات شرکت در این دوره‌ها این است که به زبان‌آموزان برتر یک سفر به خارج از دیرالزور و جوایز نقدی اعطا می‌شود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای محکم کردن جای پای خود در سوریه پروژه‌های مختلفی پیاده می‌کند. یکی از مهم‌ترین آنها جذب جوانان به ویژه اقشار محروم و آسیب‌دیده است.

بین دو تا سه هزار نفر از اعضای سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم ایران تحت عنوان «مدافعان حرم» هنوز در سوریه مستقر هستند. بعضی از آنها همسران خود را به سوریه منتقل کرده یا در همانجا ازدواج کرده‌اند. ارتباط آنها با جامعه سوری زیاد نیست اما جمهوری اسلامی امکانات اولیه زندگی را در اختیار آنها قرار داده است.

در سواحل غزه را توسعه دهد. اجرای این پروژه منوط به همکاری با مصر و تشکیلات خودگردان فلسطین است، اما اسرائیل اعلام کرد که حفاظت از امنیت و منافع دیپلماتیک خود را طبق توافقنامه تضمین خواهد کرد.

ذخایر گاز سواحل غزه ۳/۲ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. سخنگوی حماس گفت این گاز متعلق به فلسطینیان است و آنها حق دارند از منابع طبیعی بهره‌مند شوند.

اسماعیل هنیه پیش از سفر اخیر به تهران گفته بود ایران ستون محکمی است که مقاومت فلسطین بر آن استوار است و ستون محور مقاومت در مبارزه مرکزی خود با دشمن صهیونیستی و آمریکاست.

منابع «سازمان حقوق بشر سوریه» مستقر در لندن (SOHR) گزارش داده‌اند که مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در شهر دیرالزور سوریه پذیرش داوطلبان زن برای عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را آغاز کرده است و به آنها وظایف غیررزمی محول می‌کند.

این منابع گفته‌اند مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی و برخی از شبه‌نظامیان وابسته به «سپاه قدس» اطلاع داده‌اند بعضی مشاغل از جمله سرپرستی مهدکودک‌ها و دوره‌های پرستاری، با حقوق ماهانه از ۷۰۰ هزار تا یک میلیون پوند سوری یا لیره سوریه، یعنی مبلغی حدود ۳۵۰ یورو، به آنها پرداخت خواهد شد.

با وجود دستمزدی که برای شرایط محلی نسبتاً بالا به نظر می‌رسد اما این فراخوان چندان با استقبال اهالی منطقه روبرو نشده است.

منابع «سازمان حقوق بشر سوریه» مستقر در لندن (SOHR) گزارش داده‌اند که مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی در شهر دیرالزور سوریه پذیرش داوطلبان زن برای عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را آغاز کرده است و به آنها وظایف غیررزمی محول می‌کند.

این منابع گفته‌اند مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی و برخی از شبه‌نظامیان وابسته به «سپاه قدس» اطلاع داده‌اند بعضی مشاغل از جمله سرپرستی مهدکودک‌ها و دوره‌های پرستاری، با حقوق ماهانه از ۷۰۰ هزار تا یک میلیون پوند

جمهوری اسلامی وعده داده است برای هر روز جنگ به این گروه شبه‌نظامی ۵ میلیون دلار پرداخت می‌کند.

نهادهای امنیتی اسرائیل پیش‌بینی کرده‌اند که گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی با پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تدارک حملات وسیع‌تر به اسرائیل هستند.

به صورت رسمی اعلام نشده هدف از کشاندن رهبران گروه‌های تروریستی فلسطینی به تهران چیست اما محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با نخاله گفته بود «انشاءالله به زودی چهره جبهه مقاومت را قوی‌تر از گذشته خواهیم دید!»

اخیراً دولت اسرائیل اعلام کرد که قصد دارد میدان گازی

پنج روز بعد از دیدار رهبر «جهاد اسلامی» با علی خامنه‌ای رهبران «حماس» نیز به تهران آمدند



هیأت حماس در فرودگاه «خمینی» تهران

علی خامنه‌ای در دیدار با زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» گفته بود حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های فلسطینی ادامه خواهد داشت.

اسماعیل هنیه اواسط دی‌ماه سال ۱۴۰۰ در مصاحبه با شبکه الجزیره گفته بود ایران ۷۰ میلیون دلار به حماس پول داد تا قوای بازدارندگی خود را در برابر اسرائیل بسازد و راکت‌هایی که نیروهای حماس در نوار غزه تولید کردند، بخشی از این توان راهبردی است.

به صورت رسمی اعلام نشده هدف از کشاندن رهبران گروه‌های تروریستی فلسطینی به تهران چیست اما محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با نخاله گفته بود «انشاءالله به زودی چهره جبهه مقاومت را قوی‌تر از گذشته خواهیم دید!»

کمتر از یک هفته پس از سفر مقام‌های ارشد گروه تروریستی و شبه‌نظامی «جهاد اسلامی» به تهران، هیأت «حماس» نیز به سرپرستی اسماعیل هنیه دوشنبه ۲۹ خرداد به دعوت جمهوری اسلامی به ایران رفته است.

علی خامنه‌ای در دیدار با زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» گفته بود حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های فلسطینی ادامه خواهد داشت.

وی با تمجید از حملات راکتی به اسرائیل گفته بود، «شرایط برای رژیم صهیونیستی نسبت به هفتاد سال قبل تغییر کرده و سران آن حق دارند که نگران ندیدن هشتاد سالگی این رژیم باشند.»

رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرده بود، «جهاد اسلامی و گروه‌های مبارز کلید اصلی به‌زود آوردن اسرائیل ریاخته‌اند.»

اسماعیل هنیه اواسط دی‌ماه سال ۱۴۰۰ در مصاحبه با شبکه الجزیره گفته بود ایران ۷۰ میلیون دلار به حماس پول داد تا قوای بازدارندگی خود را در برابر اسرائیل تقویت کند و راکت‌هایی که نیروهای حماس در نوار غزه تولید کردند، بخشی از این توان راهبردی است.

در جریان حملات راکتی اخیر جهاد اسلامی به اسرائیل که بیش از هزار راکت به شهرهای مختلف این کشور شلیک شد، «کانال ۱۲» تلویزیون دولتی اسرائیل گزارش داد که



به یاد سعید شفا مرگ هم همیشه از آن خیابان خواهد گذشت

از موفق‌ترین هنرمندان موسیقی زیرزمینی را هم در کنار فیلم‌هایی از سینماگران داخل ایران به نمایش بگذارد. گزینش مجموعه‌ای از مستندهای کوتاه و بلند از جمله «مذکر، مونث» درباره جداسازی زن و مرد در اتوبوس‌های ایران و نیاز به تغییرات بنیادی در روند کنونی، مستند دامارکی «سپیده: دست یافتن به ستارگان»- ماجرای دختر روستایی در ایران که با تماشای سفر فضایی انوشته انصاری- اولین زن توریست فضایی ایرانی- در تلویزیون در عملی کردن رویای خود جدی‌تر می‌شود، نمایش مستند «لبه تیغ» درباره زنان سینماگر ایرانی ساخته بهمن مقصدلو با حضور این فیلمساز و تا همین نوامبر ۲۰۲۲ که تازه‌ترین ساخته سینمایی علیرضا صمدی فیلمساز داخل ایران با عنوان «صحنه زنی»- فیلمی با موضوع گروه‌های خلافکار و چالش‌های زندگی در جامعه امروز ایران- (با بازی مهتاب کرامتی) در جشنواره به نمایش درآمد، نشان از گوناگونی فیلم‌ها و نگاه کارشناسانه و دقیق سعید شفا به گزینش فیلم‌های این جشنواره خاص داشت.

از چند سال پیش اهدای جوایزی به برندگان بهترین فیلم‌های ارسال شده به جشنواره و برگزاری مراسم قدردانی از هنرمندان ساکن خارج کشور هم در دستور کار فستیوال فیلم‌های ایرانی تیبوران قرار گرفت که کم‌کم با عنوان «جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ایرانی سن فرانسیسکو» دو بار در سال برگزار می‌شد. در سال ۲۰۱۳ نخستین جایزه «سپنتا»ی جشنواره به انیمیشن پویا نمایی با عنوان «چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟» به کارگردانی هادی یقین‌لو از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تعلق گرفت. همچنین در پنجمین سال برگزاری جشنواره از اسفندیار منفردزاده آهنگساز فیلم «داش آکل» ضمن نمایش این فیلم قدردانی شد و چند سال پیش هم فخری خوروش بازیگر برجسته سینمای ایران که به تازگی در آمریکا درگذشت، بعد از سال‌ها کناره‌گیری از هنر تئاتر و سینما توانست یک بار دیگر از طریق همین جشنواره و ضمن اکران فیلم‌هایش در جلسه پرسش و پاسخ در مرکز توجه قرار گرفته و جایزه یک عمر تلاش هنری جشنواره را نیز دریافت کند.

با تلاش‌های بی‌وقفه سعید شفا و موفقیت‌های روزافزون جشنواره از نظر جلب تماشاگر، به زودی دست‌اندرکاران جریان‌های اصلی سینمای آمریکا، از جمله سینماگران ساکن کالیفرنیا شمالی از جمله شون پن بازیگر و کارگردان و جرج لوکاس تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس و کارگردان ←

برگزاری «جشنواره فیلم‌های ایرانی تیبوران» که وی پایه‌گذار و برگزارکننده آن بود و در میان دوستداران سینمای ایران و حامیان این جشنواره که توانست در ۱۵ سال گذشته این شهر ساحلی کوچک را در قامت یک مرکز هنری و سینمایی ارزشمند در شمال کالیفرنیا بر روی نقشه این ایالت قرار دهد انعکاس زیادی پیدا کرد.

«تیبوران» یکی از اولین فستیوال‌های فیلم ایرانی بود که از سال ۲۰۰۸ بدون هرگونه وابستگی با نهادهای سیاسی و مذهبی حکومتی سینمای ایران به نمایش فیلم‌های کوتاه و بلند داستانی سینماگران ایرانی و فیلم‌هایی در ارتباط با ایران و ایرانیان فعالیت داشت. این جشنواره که در پائیز هر سال در شهر ساحلی تیبوران در «مورین کاونتی» (غربی‌ترین نقطه «پی اریا») برگزار می‌شد نه تنها می‌کشید تا به پیشبرد فرهنگ و هنر در جامعه ایرانی- آمریکایی سن فرانسیسکو و نواحی شمالی کالیفرنیا کمک کند، بلکه در زمان کوتاهی پس از آغاز کار، توانست تبدیل به مکانی برای نمایش آثار سینماگران ایرانی در تبعید از گوشه و کنار جهان شود.

سعید شفا که در طول سال‌ها علاوه بر گزینش فیلم‌ها و برگزاری این جشنواره به نوشتن نقدهای سینمایی برای اغلب نشریات فارسی‌زبان در خارج از ایران اشتغال داشت، به گفته خودش «این جشنواره را بیش از هر چیز به منظور حمایت از فیلمسازان نوپا و مستعد ایرانی و برای سینماگرانی که به هر دلیل امکان نمایش فیلم‌هایشان را در داخل و یا خارج ایران نداشتند» پایه‌گذاری کرده بود و در طول پانزده سال گذشته توانست بسیاری از فیلم‌ها و فیلمسازان مستعد ایرانی را برای نخستین بار به مخاطبان غیرایرانی معرفی کند.

بعدها علاوه بر حضور برجسته‌ترین سینماگران ایرانی و نمایش آثار کلاسیک سینمای ایران از جمله «خشت و آئینه» از ابراهیم گلستان که یکی از نشریات سن فرانسیسکو آن را با فیلم «پنج قطعه آسان» ساخته «باب رافلسون» آمریکایی مقایسه کرد، این جشنواره توانست اولین اکران فیلم «زنان بدون مردان» را با حضور شیرین نشاط هنرمند گرافیکست، شهرونوش پارسی‌پور نویسنده و بهروز وثوقی هنرمند سینما به نمایش درآورد و در طول سال‌ها مجموعه رنگارنگی از آثار سینمایی چون مستند بلند «برادران امیدوار» درباره نخستین جهانگردان ایرانی و سفر آنها به دور دنیا، مستند کوتاه «بهرام» درباره رپ‌خوان ایرانی ساکن سوئد و یکی

● سعید شفا کارشناس سینما، مدیر دو فستیوال سینمایی «تیبوران» و «جشنواره فیلم‌های ایرانی سن فرانسیسکو» و روزنامه‌نگاری که به عنوان منتقد سینمایی سال‌ها در نشریه معتبر «سن فرانسیسکو کرونیکل» قلم می‌زد، روز ۲۲ ماه مه ۲۰۲۳ بعد از مدت کوتاهی بیماری در سن ۷۳ سالگی در بیمارستانی در شهر لاس وگاس در ایالت نوادا درگذشت.

● سیامک شفا تنها فرزند سعید شفا در مورد علاقه پدرش به سینما می‌گوید: «آن سال‌های شکل‌گیری و تماشای وسترن‌های آمریکایی، پرده نقره‌ای سینما در واقع پنجره‌ای بود رو به دنیایی متفاوت و زندگی مردمانی دیگر. اما در حقیقت فیلم مورد علاقه پدرم «همشهری کین» اورسن ولز بود. هرچند در دوران کودکی من، ما با هم فیلم‌های جیمزباندی شون کانری و راجر مور را هم تماشا می‌کردیم اما تخصص پدرم بیش از هرچیز در اطلاعات دقیق و گسترده‌ای بود که درباره سینما و به‌خصوص سینمای ایران داشت. جشنواره تیبوران هم عشق واقعی پدرم بود که از علاقه شدید او به ایجاد یک فستیوال سینمایی مستقل و غیرتجاری نشأت گرفته بود.»

پرستوها هر سال
به حیاط صومعه کاپیستازانو
باز خواهند گشت
و فصول سرآمده را جویباران همیشه
تا دریا بدرقه خواهند کرد
مرگ هم
مثل آن مرسدس بنز سیاه
همیشه از آن خیابان خواهد گذشت.

فیروزه خطیبی- سعید شفا کارشناس سینما، مدیر دو فستیوال سینمایی «تیبوران» و «جشنواره فیلم‌های ایرانی سن فرانسیسکو» و روزنامه‌نگاری که به عنوان منتقد سینمایی سال‌ها در نشریه معتبر «سن فرانسیسکو کرونیکل» قلم می‌زد، روز ۲۲ ماه مه ۲۰۲۳ بعد از مدت کوتاهی بیماری در سن ۷۳ سالگی در بیمارستانی در شهر لاس وگاس در ایالت نوادا درگذشت.

خبر درگذشت سعید شفا در نشریات شمال کالیفرنیا- محل زندگی او در چند دهه گذشته- از جمله روزنامه محلی «Ark» در شهر «تیبوران» در حومه سن فرانسیسکو و محل



با جرج لوکاس خالق سری فیلم‌های «جنگ ستارگان»

غیرتجاری نشأت گرفته بود.» سعید شفا در مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۴ با روزنامه «سن فرانسیسکو کرونیکل» انجام داد به این موضوع اینگونه اشاره می‌کند که یک جشنواره سینمایی باید فرصتی ایجاد کند برای فیلمسازان مستقل: «متأسفانه در ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته اینچنین نبوده و اغلب جشنواره‌های سینمایی تبدیل به محل تبلیغات برای شرکت‌های پخش فیلم شده است. برخی از فیلم‌هایی را که این روزها در جشنواره‌ها به نمایش درمی‌آید شما می‌توانید بلافاصله یا در فاصله یک یا دو هفته در سینماهای محلی تماشا کنید. من می‌خواهم جشنواره را به فیلمسازان مستقل برگردانم.»

به این صورت سعید شفا به کمک پسرش سیامک که در ۲۰ سالگی برای راه‌اندازی جشنواره «تیبوران» به مدت یک سال دست از تحصیل کشید کار خود را با وجود رقابتی قدرتمندی چون جشنواره‌های سینمایی «میل ولی» و «سن فرانسیسکو» در تیبوران آغاز کرد. سعید شفا در آن زمان به نشریه «سن فرانسیسکو کرونیکل» گفته بود: «در چند ماه اول ما فقط یک فیلم برای نمایش داشتیم. در آن دوران من بی‌نهایت نگران بودم. فستیوال یک فیلمی؟! اما کم‌کم فیلم‌ها به سوی جشنواره سرازیر شد و در همان اولین سال برگزاری بیش از ۸۴ فیلم از ۲۰ کشور مختلف جهان در «تیبوران» به نمایش درآمد.»

مایکل مرادزاده «کمدور» یا دریادار کلپ قایقرانی تیبوران و از حامیان این جشنواره می‌گوید: «در آن زمان این فستیوال فیلم‌های ایرانی سروصدای زیادی به پا کرد. سعید شفا بین دوستان و همکارانش از محبوبیت زیادی برخوردار بود و شدت پشتکار و علاقه‌ای که به این کار نشان می‌داد به ما هم سرایت کرده بود. او بی‌نهایت منظم، آینده‌نگر و کاردار بود. این فستیوال بسیاری را از روی کاناپه و جلوی تلویزیون به سالن سینما و به تماشای فیلم‌هایی کشاند که در غیراینصورت هرگز فرصت تماشای آن را پیدا نمی‌کردند.»

روز جمعه ۱۶ ژوئن ۲۰۲۳ خاکستر سعید شفا طی مراسمی در آرامستانی در حومه سن فرانسیسکو که مادرش نیز در آن آرمیده به خاک سپرده شد. همچنین مراسم یادبودی در روز شنبه ۱۷ ژوئن در سالن سینمای «تیبوران» محل برگزاری جشنواره سینمای ایران- با حضور دوستان و دوستداران سعید شفا برگزار می‌شود. سیامک شفا امیدوار است بتواند به راه پدر ادامه بدهد.

سری فیلم‌های «جنگ ستارگان» و فیلمساز ساکن شمال کالیفرنیا هم در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ایرانی سن فرانسیسکو حضور پیدا کردند.

سعید شفا، برادر کوچک پرویز شفا- استاد سینما، نویسنده، منتقد، و مترجم کتب و مقالات سینمایی، در ۲۱ اوت ۱۹۴۹ در مشهد به دنیا آمد و در نوجوانی با تماشای فیلم‌های «وسترن» آمریکایی به سینما علاقمند شد.

رضا معینی شخصیت فرهنگی ساکن شمال کالیفرنیا که در مشهد با خانواده سعید شفا (صالحی شفا) از ۷ سالگی آشناست می‌گوید: «دکتر صالحی پدرسعید طبیب سه خانواده در فامیل ما بود که بعدها سعید با دختر یکی از همین خانواده‌ها (تینا خانم) ازدواج کرد. در آن دوران ما برای علاج هرگونه بیماری به سراغ دکتر صالحی می‌رفتیم که مطب‌اش در ساختمانی متعلق به پدر و مادرم بود و حق ویزیت هم از ما نمی‌گرفت. اگر به اخلاق و رفتار خانواده سعید، از جمله برادرانش استاد پرویز شفا و کوروش شفا و به‌خصوص مادرشان دقت کنیم می‌بینیم که کم‌حرفی، افتادگی و مهربانی این فامیل زبانزد همه بود و یکی از اصیل‌ترین خانواده‌های مشهد به شمار می‌رفتند.»

سعید شفا هم چون برادر بزرگتر بعد از پایان تحصیلات متوسطه در سن ۱۸ سالگی برای تحصیل در رشته فیلم راهی آمریکا و دانشگاه ایالتی شهر سن فرانسیسکو شد. ابتدا تحصیلاتش را در رشته روزنامه‌نگاری در همین دانشگاه به پایان رساند و بعدها برای اتمام تحصیل در رشته کارشناسی سینما به «انستیتوی هنر سن فرانسیسکو» رفت. او تصمیم به بازگشت به ایران و تدریس در رشته فیلم در دانشگاه تهران داشت اما با وقوع انقلاب ۵۷ تصمیم گرفت در آمریکا بماند و پس از ازدواج با «تینا خانم» که در کالیفرنیا هم‌دانشگاهی او بود، خانواده شفا به شهر تیبوران نقل مکان کردند.

سعید شفا از ۱۶ سالگی به نوشتن مقالات سینمایی برای نشریات سینمایی ایران اشتغال داشت و بعدها هم با نوشتن نقدهای سینمایی برای نشریات فارسی‌زبان خارج کشور و مصاحبه‌های رادیوتلوویزیونی به این کار ادامه داد.

یکی از به‌یادماندنی‌ترین مقالات سعید شفا در ارتباط با ایران با عنوان «ارسن ولز، ایران و آنسوی باد» (منتشر شده در کیهان لندن) درباره این بازیگر تئاتر و سینما و فیلمساز برجسته است که بیشتر به خاطر فیلم کلاسیک «همشهری

کین» شناخته می‌شود و در میانسالی بعد از دو دهه خوی دتبعیدی در اروپا به هالیوود بازمی‌گردد تا فیلمی به نام «آنسوی باد» را بسازد. فیلمی که ساختن آن از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ به طول انجامید و بعد با مسائل نظیر مشکلات مالی و قانونی که بخشی از آن شامل ایران هم می‌شد تا دهه ۱۹۸۰ ادامه پیدا کرد. اورسن ولز در سال ۱۹۸۵ درگذشت و این فیلم ناتمام باقی ماند.

سیامک شفا تنها فرزند سعید شفا در مورد علاقه پدرش به سینما می‌گوید: «آن سال‌های شکل‌گیری و تماشای وسترن‌های آمریکایی، پرده نقره‌ای سینما درواقع پنجره‌ای بود رو به دنیایی متفاوت و زندگی مردمانی دیگر. اما در حقیقت فیلم مورد علاقه پدرم «همشهری کین» اورسن ولز بود. هرچند در دوران کودکی من، ما با هم فیلم‌های جیمزباندی شون کانری و راجر مور را هم تماشا می‌کردیم اما تخصص پدرم بیش از هرچیز در اطلاعات دقیق و گسترده‌ای بود که درباره سینما و به‌خصوص سینمای ایران داشت. جشنواره تیبوران هم عشق واقعی پدرم بود که از علاقه شدید او به ایجاد یک فستیوال سینمایی مستقل و



اسفندیار منفردزاده و سعید شفا

اعتراض گسترده به سرکوب دانشجویان دانشگاه هنر تهران؛ هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه!



دانشجویان دانشگاه هنر تهران با صدور بیانیه‌ای با دانشجویان دانشگاه هنر اعلام همبستگی کرده و نوشتند: «ما دانشجویان دانشگاه هنر، ضمن حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر و اعلام همبستگی با آنان، اقدام مسئولان این دانشگاه را که هدفی جز قدرت‌نمایی پوشالی ندارند، به شدت محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم سیاست سرکوب حداکثری که به صورت هماهنگ در دانشگاه‌ها در آستانه به پایان رسیدن سال تحصیلی شدت گرفته همچون دیگر اشکال سرکوب در نهایت شکست خواهد خورد.»

دانشجویان دانشگاه «علامه» نیز ضمن اعلام همبستگی با دانشجویان آزادخواه دانشگاه هنر، ایستادگی آنها را گامی محکم در جهت حفظ حریم دانشگاه دانسته و نوشتند: «کوچک‌ترین خراشی بر چهره دانشجو و دانشگاه را بر نمی‌تابیم و تا آخرین لحظه مقابل هر شکل از سرکوب مقاومت می‌کنیم. اینجا، در ایران، مبارزه برای آزادی و حقوق انسانی لحظه‌ای سر باز ایستادن ندارد.»

دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در بیانیه‌ای ضمن اعلام همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر، گفتند: «اقدامات تندروانه و بی‌پروای حراست و هر ضربت بر بدنه دانشجویان هنر و دیگر اقشار دانشجویی، در مقیاسی بزرگتر آسیبی بر پیکره جامعه است که خشم و واکنش مستقیم جامعه هنری و دانشگاهی را در پی خواهد داشت.»

در این بیانیه «اجباری کردن مقنعه» و برخورد خشونت‌آمیز با دانشجویان به عنوان «سیاست پیشاپیش شکست‌خورده» ارزیابی شده و خطاب به مقامات جمهوری اسلامی آمده که «تجربیات شکست‌خورده پیشین را به یاد آورید و آیینه عبرت سازید چرا که ما دانشجویان دست در دست هم نهاده‌ایم و سکوت نخواهیم کرد.»

دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز هم در

پس‌هایی هم که بودند به زور و کتک انداختند توی ون. بچه‌ها سعی کردن جلوشونو بگیرند، اما لباس شخصی‌های زن و مرد به شدت خشن بودند و ضرب و شتم و فحاشی می‌کردند.»

دانشجویان اعلام کردند که نیروهای امنیتی در پاسخ این پرسش که دانشجویان به چه جرمی بازداشت شده‌اند، اعلام کردند که امروز فراخوان بوده است. این در حالیست که دانشجویان بدون انجام هیچ اقدامی و صرفاً در حال رفتن به دانشگاه بازداشت شده‌اند.

پس از ضرب و جرح دانشجویان و بازداشت شماری از آنها، دانشجویان دانشگاه هنر تهران با انتشار بیانیه‌ای خطاب به مأموران حکومتی نوشتند که «ما» شده‌ایم، هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه!

در این بیانیه آمده که «میان ما و شما دریایی خون فاصله است. ما، که حالا نزدیک یک سالی می‌شود که «ما» شده‌ایم، هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه! پس از تاکید دوباره‌تان بر آپارتاید جنسیتی و الزام حضور در دانشگاه با مقنعه، پس از بستن آب و خشونت بر دوستانمان که تنها در جهت برابری در پردیس باغ ملی تحسن کرده بودند، ما هم دوباره تاکید می‌کنیم که چیزی به عقب بر نمی‌گردد.»

پس از انتشار این بیانیه، واژه «نه» بلافاصله از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته که در پست‌های مختلف ضمن همراهی با دانشجویان هنر، به سرکوب‌های جمهوری اسلامی اعتراض می‌کنند.

همچنین دانشجویان دیگر دانشگاه‌های کشور نیز حمایت گسترده‌ای از دانشجویان دانشگاه هنر را به نمایش گذاشته‌اند. طی دو روز گذشته دانشجویان از ۱۹ دانشگاه کشور با صدور بیانیه از دانشجویان دانشگاه هنر حمایت کرده‌اند.

● پس از ضرب و جرح دانشجویان و بازداشت شماری از آنها، دانشجویان دانشگاه هنر تهران با انتشار بیانیه‌ای خطاب به مأموران حکومتی نوشتند که ما «ما» شده‌ایم و هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه!

● واژه «نه» بلافاصله از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت و ضمن همراهی با دانشجویان دانشگاه هنر، به سرکوب‌های جمهوری اسلامی اعتراض کردند.

● دانشجویان دیگر دانشگاه‌های کشور نیز حمایت گسترده‌ای از دانشجویان دانشگاه هنر را انجام داده‌اند. طی دو روز گذشته دانشجویان از ۱۹ دانشگاه کشور با صدور بیانیه از دانشجویان دانشگاه هنر حمایت کردند. نهادهایی مانند «کانون نویسندگان» از به صف حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر تهران علیه زور و اجبار و تحمیلات حکومتی پیوسته‌اند.

در پی سرکوب شدید دانشجویان دانشگاه هنر تهران، موجی از حمایت از دانشجویان این دانشگاه شکل گرفته است. تا روز دوشنبه ۲۹ خرداد دانشجویان ۱۹ دانشگاه کشور بیانیه حمایتی صادر کرده و هشتگ «نه» که برگرفته از بیانیه دانشجویان دانشگاه هنر است در حمایت از دانشجویان این دانشگاه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود.

اعتراضات در دانشگاه هنر تهران هفته گذشته پس از فشارهای حراست و مسئولان دانشگاه هنر مبنی بر اجباری شدن مقنعه از روز شنبه ۲۷ خرداد، آغاز شد. دانشجویان دانشگاه روز چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ در پردیس باغ ملی این دانشگاه اقدام به برپایی تحصن کردند که با یورش نیروهای حراست روبرو شدند.

به گزارش منابع دانشجویی حدود ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هنر از ساعت ۱۷ چهارشنبه با تحصن در محوطه این دانشگاه واقع در باغ ملی تهران، خواستار لغو ابلاغیه اجبار مقنعه شدند.

شورای صنفی دانشجویان کشور با اعلام این خبر نوشت: «حضور پرتعداد نیروهای حفاظت فیزیکی در داخل دانشگاه و حضور همزمان نیروهای لباس شخصی خارج از دانشگاه، فشار مضاعفی بر دانشجویان وارد کرد. مسئولیت صدمات وارده به دانشجویان متحصن به عهده حراست دانشگاه است.»

این تحصن تا نیمه‌شب ادامه داشت اما با حمله نیروهای حراست به دانشجویان و ضرب و جرح شدید آنها پایان یافت. همچنین در روز شنبه ۲۷ خرداد نیز بیش از ۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هنر توسط مأموران امنیتی و انتظامی بازداشت شدند.

در یکی از گزارش‌های دانشجویی که برای کانال تلگرامی «رسانه مستقل دانشگاه هنر» آمده است: «حدود ساعت ۹:۳۰ بود. حدود ۲۰ نفر بودیم. از سر سخایی شروع به حرکت کردیم و همه حجاب و ماسک داشتیم. دم در پلیس و کلی مامور لباس شخصی بود. همین که نزدیک دانشگاه شدیم یکی از دخترها رو گرفتند و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن انداختند داخل یه ماشین شخصی سفید. همه

سودجویان سرب به تریاک اضافه می‌کنند ماده مخدر «زامبی» هنوز وارد ایران نشده است



در ایران پنج استان سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، بوشهر و خراسان جنوبی بیشتر از سایر استان‌ها درگیر قاچاق مواد مخدر هستند

مواد مخدر شیشه طی دو دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است.» وی آمار داده در جهان حشیش در صدر مصرف معتادان قرار دارد. کاظمی همچنین مدعی شد ماده مخدر «زامبی» (فلاکا) که مصرف آن در آمریکا رو به افزایش است، هنوز در ایران وارد نشده و هنوز هیچ موردی از مصرف آن گزارش نشده است.

مواد فلاکا (Flakka) نسخه جدیدتر از نسل یک نوع داروی مصنوعی به نام نمک حمام است. نمک های حمام، مواد مخدر مصنوعی روانگردان هستند که در مقادیر زیاد در آزمایشگاه‌ها یا آشپزخانه‌های مواد مخدر ساخته می‌شوند.

یک روز پیش از این فرمانده انتظامی خراسان رضوی اعلام کرد ۴۶۰ کیلوگرم حشیش در شهرستان تربت حیدریه از یک دستگاه اتوبوس کشف شده است.

دو هفته پیش از این عفو بین‌الملل با اعلام ۱۷۳ اعدام مربوط به مواد مخدر در ایران در سال جاری از افزایش شمار اعدام‌ها در ایران ابراز نگرانی کرد. این سازمان شمار کل اعدام‌های سال ۲۰۲۳ در ایران را حدود دوبرابر مدت زمان مشابه سال قبل خواند.

عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های وابسته به آن از بزرگترین باند‌های تولید و توزیع مواد مخدر در منطقه هستند. منابع امنیتی در اردن اواسط اردیبهشت گزارش دادند در یک عملیات بی‌سابقه نیروی هوایی آن کشور به یک کارخانه متروکه که محل تولید مواد مخدر مرتبط با جمهوری اسلامی بوده در جنوب سوریه حمله کردند.

● رئیس علوم پزشکی کرمان در جلسه اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کرمان با هشدار نسبت به افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی در ایران گفته مواد افزودنی به مواد مخدر از جمله افزودن سرب به تریاک از سوی سودجویان بسیار زیاد بوده و متأسفانه مصرف‌کنندگان را با بیماری‌های خطرناک درگیر کرده است.»

● فرمانده انتظامی خراسان رضوی اعلام کرد ۴۶۰ کیلوگرم حشیش در شهرستان تربت حیدریه از یک دستگاه اتوبوس کشف شده است.

رئیس علوم پزشکی کرمان در جلسه اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کرمان که ۲۹ خرداد برگزار شد با هشدار نسبت به افزایش مصرف مواد مخدر صنعتی در ایران گفته «افزودنی‌ها به مواد مخدر مصرف‌کنندگان را با بیماری‌های خطرناکی درگیر می‌کند.»

مهدی احمدی‌نژاد با اشاره به اینکه «بسیاری از خودکشی‌ها به دلیل عوارض مصرف مواد مخدر صنعتی است» توضیح داده مواد افزودنی به مواد مخدر از جمله افزودن سرب به تریاک از سوی سودجویان بسیار زیاد بوده و متأسفانه مصرف‌کنندگان را با بیماری‌های خطرناک درگیر کرده است.

علیرضا کاظمی قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید، «تولید مواد مخدر در افغانستان طی دو دهه گذشته ۵۰ برابر شده است و بیش از ۸۰ درصد تریاک جهان در افغانستان تولید می‌شود، همچنین تولید

بیانیه‌ای نوشته که «دانشجویان با شهادت دانشگاه هنر با ایستادگی هنرمندانه در برابر حکومت، تاریکی و نابودی باعث ترس و لرز و وحشت در «حکومت دیکتاتوری» شده‌اند، و «شجاعت و شهادت آنها تکثیرشدنی» است.» دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی نیز در ابتدای بیانیه خود، شعار اصلی این جنبش یعنی «زن، زندگی، آزادی» را یادآوری کرده و نوشته‌اند که «اعتراض دانشجویان دانشگاه هنر به ساختارهای غلط، چیزی جز هنر زیبای شجاعت، عدم حمایت از ظلم و ظالم» و «ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و آزادخواهی» نیست.

در اصفهان نیز دانشجویان بیانیه‌ای منتشر کرده و به «جولان نیروهای سرکوب» در طول ماه‌های گذشته در فضای دانشگاه‌ها اشاره کرده و نوشته‌اند: «ما به تمام کسانی که خیال می‌کنند با این آزار و اذیت‌ها دانشگاه و دانشجو را ساکت و منفعل و منزوی می‌کنند، اعلام می‌کنیم تا وقتی شما در برابر خواسته‌های بحق نه تنها دانشجویان، بلکه تمام مردم ایستاده‌اید، ما هم تمام‌قد در برابر شما می‌ایستیم.» دانشجویان دانشگاه اصفهان بر این باورند که مسیری که جنبش دانشجویی در حال طی کردن آن است، کسانی را که «دانشجویان را مطیع و دانشگاه را پادگان می‌خواهند به ترس و وحشت انداخته است.» آنها در بخش دیگری از بیانیه خود نوشته‌اند «طی ۹ ماه اخیر، جنبش دانشجویی به خوبی نشان داد همچنان زنده و بالنده است و هر کجا نیاز باشد همراه و در برهه‌هایی، پیشاپیش سایر اقشار جامعه پرچم دادخواهی و حق‌طلبی را به دست می‌گیرد.» دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان نیز در بیانیه‌ای با حمایت از دانشجویان معترض دانشگاه هنر تهران، نوشته‌اند «حکومت ضحاکان را به عقب» خواهند راند.

دانشجویان دانشگاه «فردوسی» مشهد نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند «شما ای دانشجویان دانشگاه هنر، شما روح این انقلابید؛ شما هنر این فعل و ظرافت این حرکتید. ما دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد حامی، هم‌رزم و دوشادوش شما «دانشجویان دانشگاه هنر» خواهیم بود.» دانشجویان دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی هم در بیانیه خود با حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر، نوشتند: «ما در کنار شما هستیم. در برابر ظلم ضحاک زمان می‌ایستیم.»

جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر و معماری پارس نیز در بیانیه خود نوشتند: «وضعیت موجود و تعرض به حقوق انسانی این دانشجویان، روحیه‌ی مقاومت در برابر سرکوب را در هر انسان آزاده‌ای برمی‌انگیزد. ما نیز با محکوم کردن اقدامات اخیر از سوی دانشگاه هنر، هم‌بستگی خود را با دانشجویان این دانشگاه اعلام می‌کنیم و سکوت را جایز نمی‌دانیم.»

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در بیانیه‌ای اعلام کردند: «دانشجویان دانشگاه هنر به دنبال گرفتن حق خودشان در برابر مزدورانی تا دندان مسلح ایستادگی کردند و این، نشان از قدرت و شهادت این هنرمندان مستعد است.» در دانشگاه «سوره» نیز دانشجویان در بیانیه‌ای از دانشجویان دانشگاه هنر تهران حمایت کرده‌ و در ساختمان این دانشگاه شعارنویسی‌هایی در حمایت از مبارزات دانشجویی و مقاومت دانشجویان دانشگاه هنر انجام شده است. کانون نویسندگان ایران نیز با صدور بیانیه‌ای در حمایت از دانشجویان دانشگاه هنر نوشت که «پیام صریح و روشن این رفتارهای خشونت‌آمیز جز این نیست: هر صدای مخالف را ساکت می‌کنیم مگر آنکه در چهارچوب‌های عقیدتی ما و از مجرای رسانه‌های ما بیرون آید.»

نارضایتی در جامعه به دلیل مشکلات اقتصادی افزایش پیدا کرده است به همین خاطر باید راهکاری عملی برای حل مشکلات ارائه شود. تورم بسیاری از خانواده‌ها را به بن بست معیشتی کشانده است. این موضوع در بین اقشار کم درآمد و به خصوص کارگران بیش از همه به چشم می‌خورد. سعید لیلز کارشناس اقتصادی اصلاح طلب نیز در اینباره گفته که بدون تردید رکورد تورم ۸۰ ساله شکسته شده است. نرخ تورم ۱۴۰۱ از مرز ۵۰ درصد عبور کرده که این نرخ بالاترین تورم از سال ۱۳۲۲ تا کنون بوده است.

محمد باقری بنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به گرانی کالاها و افزایش جمعیت فقیر نسبت به عوارض سیاسی آن هشدار داده است: «با توجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر شکل گرفته به نظر می‌رسد که در تهران خط فقر ۳۰ میلیون تومان باشد. با توجه به شرایط مسکن، اجاره، معیشت و تورم مشاهده می‌کنیم که قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده و به همین علت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم.»

با وجود گرانی‌ها دولت هیچ برنامه‌ای برای حمایت از اقشار تنگدست و کم‌درآمد ندارد و حتی برای جبران کسری بودجه دستش را به جیب حقوق‌بگیران و شهروندانی که زیر بار گرانی کمر خم کرده‌اند فرو کرده است.

بر اساس یکی از تازه‌ترین طرح‌های دولت افزایش سالانه یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده و دریافت مالیات از تراکنش‌های بانکی است که قرار است از اول تیرماه امسال اجرایی شود.

در حال حاضر شهروندان ایران برای خرید هر نوع کالا و خوراکی، حتی طلا و جواهرات ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌کنند و قرار است طی چند سال آینده، هر سال یک درصد به این رقم اضافه شود و تا پایان برنامه هفتم توسعه به ۱۳ درصد برسد.

در طرح دولت برای دریافت کارمزد از تراکنش‌های خرید که قرار است از چهارم تیرماه اجرایی شود، حداقل کارمزد در تراکنش‌های ۶۰۰ هزار تومان برابر ۱۲۰ تومان و برای تراکنش‌های بالاتر به صورت پلکانی افزایش خواهد یافت.

نادر مرادی فعال کارگری درباره تلاش دولت برای مالیات‌ستانی از مزدبگیران گفته که «در شرایطی که نتوانسته‌اند و نخواهند از ابرثروتمندان، دلانان، صاحبان خانه‌های لاکچری و دارندگان خودروهای افسانه‌ای مالیات بگیرند، باز دوباره به سراغ مردم عادی و کارگران و بازنشستگان آمده‌اند و می‌خواهند از جیب این گروه‌های کم درآمد درآمدزایی کنند.»

او که معتقد است دولت برای درآمدزایی فقط به سراغ دهک‌های فرودست می‌آید و این طبقه کارگر و طبقه متوسط است که هزینه‌های گردش امور در کشور را تأمین می‌کند افزوده که «مدام ادعا می‌کنند دولت پول ندارد و باید درآمدزایی مالیاتی داشته باشد؛ سوال این است که چرا برای مالیات فقط به سراغ مزد و حقوق بگیران می‌آیند؟ مزدبگیران تنها گروهی هستند که هنوز حقوق آخر ماه به حساب‌شان نمانده، خودکار مالیات از آن کسر می‌شود؛ علاوه بر مالیات بر درآمد که سقف آن هم بسیار ناعادلانه پایین و نصف خط فقر است، برای همه چیز ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده می‌پردازند؛ همین ۹ درصد برای کارگران و بازنشستگان واقعاً زیاد است و کمرشان را خم کرده؛ چرا می‌خواهند این مالیات را بازمه افزایش دهند؛ مگر نمی‌دانند اکثریت مردم مزدبگیر و زیر خط فقر هستند؟ حُب برونند از آن اقلیتِ نزدیک به بلوک‌های قدرت، مالیات‌ستانی کنند!»



خدا اجر دارد. بنابراین روزی هم با دعای مردم می‌رسد.» او همچنین به عروس و دامادها برای برگزاری مراسم ازدواج میوه را قسطی و تخفیف‌دار می‌فروشد و درباره علت این کار گفته که «کاسبی و داد و ستد، بعضی وقت‌ها خاص می‌شود و فروش جنس به جوانان در شرف ازدواج هم از جمله همین اوقات است. به همین دلیل تخفیفی هرچند ناچیز برای این مشتری‌ها در نظر می‌گیریم که با خوشحالی و شادمانی برای مراسم ازدواجشان خرید کنند. حتی برخی از آنها با گذشت چند ماه از ازدواجشان اینجا حساب دفتری دارند و به مرور زمان بدهی‌شان را می‌پردازند.»

وبسایت «اعتماد آنلاین» با انتشار تصویر یک پُرس چلوکباب کوبیده نوشته قیمت این غذا در فاصله ۲۰ ماهه بیش از ۱۷۵ درصد افزایش یافته است! البته اگر به صورت ناخالص و با احتساب مالیات ارزش افزوده محاسبه کنیم، این افزایش قیمت تا ۲۰۰ درصد هم بوده است.

تصویری نیز از ماست دو کیلویی استارترین شرکت «دامداران» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد این کالا دو هفته پیش ۶۰ هزار تومان بوده و اکنون ۱۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

رضا کنگری رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی نیز هفته گذشته از کاهش ۳۰ تا ۳۵ درصدی مصرف موادغذایی در فروردین امسال نسبت به یک سال پیش‌تر خبر داد.

رضا کنگری با تأکید بر اینکه «حجم خرید مردم کاهش یافته و رکود در بازار مواد غذایی چشمگیر است» گفته که «اکثر مردم حقوق‌بگیر هستند و امسال افزایش دستمزدها متناسب با تورم نبوده است و مردم مجبور هستند متناسب با درآمدها خرید کنند. چون توان خرید مردم پایین آمده، یکسری کالاها از سبد خرید مردم حذف شده است.»

کیاوش نظامی کارشناس اقتصادی با کنایه نسبت به گرانی کالاها و خدمات به روزنامه «تعالاد» گفته که «در روزهای پایانی سال ۱۴۰۰ رییس دولت می‌خواست فقر مطلق را ریشه کن کند، اما در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای رقم خورده که دو سال است دولت درگیر بازگرداندن قیمت‌ها به سال ۱۴۰۰ است. یعنی ابرتورمی که در طی این دو سال مردم با آن مواجه شده‌اند، نسبت به گرانی و تورمی که در سال ۱۴۰۰ وجود داشته و باعث شده بود تا حرف از ریشه‌کنی فقر مطلق به میان بیاید بسیار بیشتر است.»

به گفته این کارشناس اقتصادی «دولت باید هر چه سریع‌تر در این زمینه کاری که نمود عینی برای جامعه داشته باشد انجام دهد، اینکه سعی کنند با وعده و وعید زمان بخرند بالاخره یک جایی به بن بست می‌رسد، همین الان هم میزان

تصویر تکاندهنده فقر و گرانی در ایران؛ افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت چلوکباب و فروش قسطی میوه!

● پدیده‌های ناشی از فقر گسترده یکی پس از دیگری نمایان می‌شوند؛ از گورخوابی و پشت‌بام‌خوابی تا خرید قسطی میوه و سبزیجات!

● قیمت چلوکباب کوبیده در فاصله ۲۰ ماهه بیش از ۱۷۵ درصد افزایش یافته و اگر به صورت ناخالص و با احتساب مالیات ارزش افزوده محاسبه کنیم، این افزایش قیمت تا ۲۰۰ درصد هم بوده است.

● سعید لیلز گفته بدون تردید رکورد تورم ۸۰ ساله شکسته شده است. نرخ تورم ۱۴۰۱ از مرز ۵۰ درصد عبور کرده که این نرخ بالاترین تورم از سال ۱۳۲۲ تا کنون بوده است.

● با وجود گرانی‌ها دولت هیچ برنامه‌ای برای حمایت از اقشار تنگدست و کم‌درآمد ندارد و حتی برای جبران کسری بودجه دستش را به جیب حقوق‌بگیران و شهروندانی که زیر بار گرانی کمر خم کرده‌اند فرو کرده است.

افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف ایران ادامه دارد و وضعیت معیشت مردم به حدی از بحران رسیده که میوه و سبزیجات به صورت «قسطی» به فروش می‌رسد. حکومت اصرار دارد نبض تورم را تحت کنترل دارد اما کارشناسان معتقدند دولت برای نشان دادن کاهش تورم آمارها را دستکاری می‌کند و مردم در روند زندگی روزمره، تورم فراینده را تحمل می‌کنند.

موج جدید افزایش قیمت در بازارهای مختلف از ابتدای خردادماه آغاز شده و همچنان در هفته سوم خرداد ادامه دارد. کاهش ارزش پول ملی و بی‌ارزش شدن درآمد‌ها این روزها بیش از نیمی از جمعیت کشور را برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی با مشکلات زیادی روبرو کرده است. همچنین پدیده‌های ناشی از فقر گسترده نیز یکی پس از دیگری نمایان می‌شوند؛ از گورخوابی و پشت‌بام‌خوابی تا خرید اقساطی میوه و سبزیجات!

وبسایت «همشهری آنلاین» با اشاره به خرید قسطی میوه یک گزارش میدانی از یک میوه‌فروشی در خیابان هاشمی تهران منتشر کرده که میوه و سبزیجات را به صورت قسطی هم می‌فروشد.

صاحب این میوه‌فروشی گفته که «فروش قسطی یکی از کارهایی است که می‌تواند بخشی از مسائل و نگرانی‌های خانواده را کم کند. در کنار این موضوع نباید فراموش کرد که مردم منطقه ما بسیار مهمان‌نواز و خونگرم هستند. بنابراین در مهمانی‌هایشان تلاش می‌کنند که اجناس و اقلام پذیرایی مناسب در اختیار مهمان‌ها بگذارند. بنابراین وظیفه کاسب محله این است که اگر تنگدست باشد به آنها کمک کند و اجناس را نسیه بفروشد. چون حفظ آبروی مؤمن پیش



رتبه فاجعه‌بار ایران در شاخص شکاف جنسیتی در جهان؛ زنان در برابر رکود اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند

که با چهار عامل اصلی حقوق و فرصت‌های اقتصادی، آموزش، سلامت، و توانمندسازی سیاسی تعریف می‌شود.

زنان معمولاً مشاغلی با دستمزد و مزایای کمتری دارند و در نتیجه پس‌انداز آنها نیز کمتر است و این مسئله برای زنانی که سرپرست خانوار هستند وضعیت دشوارتری ایجاد می‌کند. در این شرایط زنانی که مشاغل خود را از دست داده‌اند حتی اگر در آینده‌های نزدیک کار جدیدی پیدا کنند، آسیب‌های مالی دوران بیکاری تا مدت طولانی برای آنها باقی خواهد ماند.

زنانی که تحت تأثیر بحران بازار کار قرار گرفته‌اند معمولاً از قشرهای آسیب‌پذیر هستند و رکود اقتصادی بیش از هر زمانی، تبعیض‌های جنسیتی و نبود فرصت‌های کاری بهتر نسبت به مردان را برای زنان آشکار می‌سازد.

وبسایت «تجارت نیوز» با استناد به گزارشی از سی‌ان‌بی‌سی (CNBC) می‌نویسد ترس از رکود اقتصادی احتمالی و تورم بالا ممکن است بیشترین فشار را بر زنان مجرد وارد کند.

کنتی کورتیس موسس و مدیرعامل برنامه‌ریزی مالی «کورتیس» در کالیفرنیا به سی‌ان‌بی‌سی گفته که «در زمان تورم، هزینه همه چیز از جمله اجاره، قبض‌های آب و برق، مواد غذایی و مراقبت‌های بهداشتی بالا می‌رود و زنانی که تنها زندگی می‌کنند، بیشترین افزایش هزینه‌ها را متحمل می‌شوند.»

به عقیده کنتی کورتیس شکاف دستمزدها این وضعیت را وخیم‌تر می‌کند: «از دست دادن شغل می‌تواند تجربه بسیار ناخوشایندی باشد اما اگر افراد بدانند که در زمان بیکاری خود از لحاظ مالی مشکلی نخواهند داشت، دشواری این مسئله کمتر خواهد شد. بیکاری به‌ویژه برای زنان مجردی که از قبل نسبت به هم‌تایان مرد خود حقوق کمتری دریافت کرده‌اند، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.»

بر اساس گزارش فوربس زنانی که در بخش‌هایی چون هتل‌ها، رستوران‌ها، خدمات نظافتی و خرده‌فروشی، که بیشترین آسیب را از رکود اقتصادی می‌بینند، فعالیت دارند، احتمال از دست دادن شغل و اخراج نیروی کار بیشتر آنها را تهدید می‌کند.

بلومبرگ نیز به تازگی گزارشی منتشر کرده و در آن به آسیب‌پذیری بیشتر زنان بریتانیا در کساکش رکود اقتصادی این کشور و فشار گرانی بی‌سابقه در ۳۰ سال اخیر، اشاره می‌کند. بر اساس این گزارش، تلاش‌های بانک مرکزی انگلستان برای مهار تورم، شرایط وخیمی را برای زنان این کشور ایجاد کرده است. به گفته کارشناسان، زنان بریتانیا فشار افزایش هزینه‌های کالاهای روزانه و افزایش نرخ بهره را بیشتر از مردان متحمل می‌شوند و در مقابل فقر شکنندگی بیشتری دارند.

فلاند، نیوزیلند، سوئد، آلمان، نیکاراگوا، نامیبیا، لیتوانی و بلژیک ده کشوری هستند که بهترین رتبه را در شاخص شکاف جنسیتی دارند.

به گزارش مجمع جهانی اقتصاد ایسلند طی چهارده سال گذشته همواره رتبه نخست را در برابری جنسیتی داشته بطوری که برابری جنسیتی در این کشور ۹۱/۲ درصد است. ۹ کشور دیگر نخست جدول رده‌بندی نیز همگی بالای ۸۰ درصد برابری جنسیتی را به ثبت رسانده‌اند.

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته نتوانسته در ادامه مسیر ایجاد برابری جنسیتی که از دوران پهلوی آغاز شده بود حرکت کند. قوانین جمهوری اسلامی بطور مستقیم در ۱۲ مورد از جمله ارث، دیه، حق طلاق، حق مسافرت و حق پوشش، با کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در تعارض قرار دارند. از سوی دیگر قوانینی که به نام حمایت از خانواده و برای ترویج ازدواج و فرزندآوری از سوی حکومت تحمیل می‌شود، مشارکت اقتصادی زنان را به شدت کاهش داده است.

ایجاد انواع تبعیض‌های قانونی علیه زنان از سوی جمهوری



رتبه‌بندی شاخص شکاف جنسیتی توسط مجمع جهانی اقتصاد

اسلامی در حالی ادامه دارد که پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان از مشکلات رکود تورمی نیز بیش از مردان آسیب می‌بینند. در ایران با توجه به سال‌ها ماندگاری رکود، اندک فرصت‌های برابر موجود نیز از زنان گرفته شده و آنها را با آسیب‌های بیشتری روبرو کرده است.

مجمع جهانی اقتصاد گزارش داده که افزایش هزینه‌های زندگی با توجه به شکاف موجود میان زنان و مردان در نیروی کار، به زنان آسیب بیشتری می‌رساند. این مجمع برآورد کرده که ۱۳۲ سال طول می‌کشد تا جهان به برابری جنسیتی برسد،

کشورهای الجزایر، چاد و افغانستان تنها کشورهایی هستند که وضعیتی بدتر از ایران از زمینه شکاف جنسیتی دارند و به ترتیب در رتبه‌های ۱۴۴ تا ۱۴۶ جای گرفته‌اند.

شش سال پیش رتبه ایران ۱۲۸ بود، پنج سال پیش به ۱۴۰ سقوط کرد و اکنون در جایگاه ۱۴۳ در میان ۱۴۶ کشور قرار گرفته است.

مجمع جهانی اقتصاد گزارش داده که افزایش هزینه‌های زندگی با توجه به شکاف موجود میان زنان و مردان در نیروی کار، به زنان آسیب بیشتری می‌رساند.

تازه‌ترین گزارش مجمع جهانی اقتصاد درباره برابری جنسیتی در سال ۲۰۲۳ میلادی نشان از قرار داشتن ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی با رتبه ۱۴۳ دارد. تنها سه کشور افغانستان، چاد و الجزایر وضعیتی بدتر از ایران دارند!

مجمع جهانی اقتصاد ساعاتی پیش تازه‌ترین گزارش خود را درباره برابری جنسیتی در سال ۲۰۲۳ میلادی منتشر کرد که در آن ۱۴۶ کشور جهان بر اساس وضعیت شکاف جنسیتی رتبه‌بندی شده‌اند.

بر اساس این رتبه‌بندی، ایران در انتهای جدول و با رتبه ۱۴۳ قرار دارد. کشورهای الجزایر، چاد و افغانستان تنها کشورهایی هستند که وضعیتی بدتر از ایران در زمینه شکاف جنسیتی دارند و به ترتیب در رتبه‌های ۱۴۴ تا ۱۴۶ جای گرفته‌اند.

رتبه ایران در این رتبه‌بندی جهانی طی سال‌های گذشته همواره در حال بدتر شدن بوده بطوری که شش سال پیش رتبه ایران ۱۳۸ بود، پنج سال پیش به ۱۴۰ سقوط کرد و اکنون در جایگاه ۱۴۳ در میان ۱۴۶ کشور قرار گرفته است.

این در حالیست که به گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ۴۲ اقتصاد از ۱۴۵ اقتصاد مورد بررسی این مجمع، در دو سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۲ امتیاز برابری جنسیتی خود را حداقل یک درصد نسبت به قبل بهبود بخشیده و ۴۰ کشور دیگر پیشرفت و تحول مثبت ثبت کرده‌اند.

شاخص نابرابری جنسیتی (GII) نمایه‌ای برای اندازه‌گیری اختلاف جنسیتی است که در برنامه ۲۰ ساله گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۰ توسط برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) معرفی شد. بر اساس UNDP، این شاخص یک معیار ترکیبی برای تعیین کمیت از دست دادن موفقیت در یک کشور به دلیل نابرابری جنسیتی است.

بهداشت باروری، توانمندسازی و مشارکت در بازار کار از جمله فاکتورهایی هستند که برای استخراج شاخص نابرابری جنسیتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در رتبه‌بندی اخیر مجمع جهانی اقتصاد، ایسلند، نروژ،

«تمام ایران» گرفتار فاجعه خشکسالی، گسترش فرونشست‌ها و فروچاله‌ها



● ۱۰۰ درصد مساحت استان‌های البرز، یزد و سمنان با خشکسالی مواجه‌اند و تهران با ۸۴/۹۹ درصد مساحت درگیر این فاجعه در رتبه دوم استان‌های دچار خشکسالی کشور قرار دارد.

● فرونشست زمین در برخی نقاط از جمله در دشت ابرکوه به صورت «فروچاله» ایجاد شده که قطر برخی از آنها تا ۸۰ متر و عمق برخی تا ۴۰ متر اندازه‌گیری شده است.

● فرونشست تا چندصد متری خانه‌ها در برخی مناطق استان یزد رسیده و علاوه بر تلفات مالی، یک تهدید جانی به شمار می‌رود.

● ۲۷ هزار روستای ایران با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر با تنش آبی شدید روبرو و ۱۳ هزار و ۳۰۰ روستا با جمعیتی بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از داشت تاسیسات آب و فاضلاب محروم هستند.

آمارهای جدید سازمان هواشناسی بیانگر خشکسالی صد درصدی مساحت سه استان البرز و یزد و سمنان است. تهران از نظر وسعت تحت تاثیر خشکسالی با ۸۴/۹۹ درصد مساحت درگیر این فاجعه، در رتبه دوم استان‌های گرفتار خشکسالی کشور قرار دارد.

سازمان هواشناسی از گستردگی خشکسالی در دوره ۱۰ ساله خبر داده و اعلام کرد که شاخص بارش، تبخیر و تعرق استاندارد شده موسوم به SPEI در دوره ۱۰ ساله نشان می‌دهد که مساحت زیادی از تمام استان‌های کشور درگیر درجرات مختلف خشکسالی است.

بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، ۱۰۰ درصد مساحت استان‌های البرز، یزد و سمنان با خشکسالی مواجه‌اند بطوری که «شدت خشکسالی» در ۹۷ درصد از مساحت سمنان، ۶/۸۷ درصد از مساحت البرز و ۹/۶۷ درصد از مساحت استان یزد «شدید» تا «بسیار شدید» است.

استان تهران با ۸۴/۹۹ درصد مساحت درگیر با خشکسالی در رتبه دوم استان‌های درگیر خشکسالی کشور قرار دارد. هم اکنون ۸۶ درصد از مساحت تهران با خشکسالی شدید تا بسیار شدید مواجه است.

محمدعلی فهیمی رئیس گروه مطالعات آبهای زیرزمینی شرکت آب منطقه‌ای یزد با اشاره به تشدید خشکسالی و فرونشست در این استان گفته که «فرونشست تا چندصد متری خانه‌ها در برخی مناطق استان رسیده و علاوه بر تلفات مالی، یک تهدید جانی به شمار می‌رود.»

محمدعلی فهیمی با تأکید بر اینکه رکورد فرونشست زمین در برخی مناطق ایران تا ۱۰۰ برابر بیشتر از استانداردهای جهانی است، گفته که «تاکتون فرونشست زمین در سه دشت مهم و بحرانی استان یزد شامل دشت‌های یزد-اردکان، ابرکوه و شمش- بهادران ایجاد شده است و اگر روند فعلی برداشت آب از آبخوان‌ها ادامه یابد، دیگر دشت‌های استان نیز با این پدیده مواجه خواهند شد.»

همچنین فرونشست زمین در برخی نقاط از جمله در دشت ابرکوه به صورت «فروچاله» ایجاد شده است و به گفته محمدعلی فهیمی تاکنون حدود ۳۵ فروچاله در منطقه ابرکوه ایجاد شده که قطر برخی تا ۸۰ متر و عمق برخی دیگر تا ۴۰ متر اندازه‌گیری شده است.

شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض خطرات ناشی از فرونشست قرار دارند و جمعیتی حدود ۱۸ تا ۱۹ میلیون نفر در این پهنه ساکن هستند.

فرونشست زمین، پدیده‌ای است که در اثر خالی‌شدن آب لایه‌های زیرین زمین و در نتیجه پوکی خاک و فشار ناشی از وزن طبقات بالایی رخ می‌دهد. این پدیده باعث می‌شود که سطح زمین به تدریج و در برخی موارد به شکلی ناگهانی، فرو نشیند و ترک‌ها، شکاف‌ها یا فروچاله‌هایی در سطح زمین پدیدار شود.

به دنبال وقوع فرونشست زمین، فضاهای خالی خاک که مخزنی طبیعی برای نگهداری آب‌های زیرزمینی هستند، بسته می‌شوند و در نتیجه خاک خاصیت نفوذپذیری و مخزنی خود را برای همیشه از دست می‌دهد و به همین دلیل نیز کارشناسان از این پدیده به عنوان مرگ آبخوان‌ها یاد می‌کنند.

مجید آقازاده معاون شرکت آب و فاضلاب جمهوری اسلامی نیز روز گذشته از بحران آب در ۲۷ هزار روستای ایران با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون تن خبر داد و گفت که در حال حاضر «۱۳ هزار و ۳۰۰ روستا با جمعیتی بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از داشت تاسیسات آب و فاضلاب محروم هستند.»

این مقام دولتی با ارائه آماری تکانه‌دهنده گفت در حال حاضر ۹۸۰۰ روستا با یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر جمعیت به صورت خودگردان آبرسانی می‌شوند و ۱۷ هزار و ۶۰۰ روستا نیز با جمعیت ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تن دچار تنش آبی هستند.

وضعیت تنش آبی در شهرهای ایران هم بحرانی گزارش شده است. علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو جمهوری اسلامی دهم فروردین‌ماه ۱۴۰۱ از گسترش «تنش آبی» به حدود ۳۰۰ شهر از جمله برخی از شهرهای بزرگ و مراکز استان‌های ایران خبر داده بود.

نیمه خردادماه نیز محمدصالح جوکار نماینده مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه در حال حاضر به دلیل «کمبود آب» استان یزد، چاه‌های آب از عمق «۱۲۰ متر» هم بالاتر رفته، گفته بود: در این عمق «حتی اگر هم بارندگی داشته باشیم»، آب باران کمبود و کسری را «جبران نمی‌کند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه تمام شهرهای استان یزد دارای «تنش آبی» هستند و اکنون «بالای ۳۰۰ روستا با تانکر آبرسانی می‌شوند» اظهار داشته بود: «فرونشست زمین» در بخش‌های کشاورزی و جاده‌ها خسارت زیادی وارد کرده و «خطوط ریلی، راه آهن، ساختمان‌ها و سازه‌های میراث فرهنگی و تاریخی» نیز دچار آسیب شده‌اند.

در همین رابطه محمد بازرگان دبیر کارگروه آب و محیط زیست کمیته کشاورزی مجمع تشخیص مصلحت نظام دی‌ماه گذشته اعلام کرد که در صورت ادامه روند گسترش خشکسالی در کشور تا سال ۲۰۵۰ مردم از استان‌های جنوبی مجبور به مهاجرت به استان‌های شمالی‌تر می‌شوند و این مهاجرت مشکلات را تشدید می‌کند. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب ایران نیز به تازگی از تنش آبی در بخش بزرگی از کشور شامل ۲۷۰ شهر در پی کاهش منابع آبی و مخازن سدها خبر داده است.

به گفته محمد بازرگان، در کشور ۶۰۹ دشت وجود دارد که از میان آن‌ها ۴۳۰ دشت وضعیت فوق بحرانی دارند که از میان دشت‌های فوق بحرانی در ۱۳۰ دشت دیگر آبخوانی وجود ندارد.»

محمد حسن نامی رئیس سازمان مدیریت بحران کشور نیز فروردین امسال با ارائه آماری تکانه‌دهنده از گسترش پدیده فرونشست زمین در ایران گفته که در ۱۲۵ هزار کیلومترمربع که حدود ۹ درصد مساحت کشور می‌شود، شاهد فرونشست هستیم.

رئیس سازمان مدیریت بحران توضیح داده که تعداد ۲۸۰



➔ احد وظیفه رییس مرکز ملی خشکسالی ایران سی و یکم فروردین ماه ۱۴۰۱ در توضیح بحران موجود، با اشاره به اینکه «تابستان‌ها بلندتر شده و از خرداد آغاز و در مهرماه به اتمام می‌رسد» و «زمستان‌ها هم گرم‌تر شده‌اند»، هشدار داده بود: «اینجا تغییری است که رخ داده و به تدریج شرایط محیطی را نامتعادل کرده و اکوسیستم را بر هم می‌زند.»

او با بیان اینکه در نیم قرن گذشته ایران چندین میلیارد مترمکعب آب قابل دسترس را از دست داده تأکید کرده بود که از نتایج مستقیم این روند تخریب محیط‌زیست و آغاز مهاجرت اقلیمی خواهد بود.

بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده دفتر مطالعات پایه منابع آب، از ابتدای سال آبی جاری تا کنون یعنی از اول مهرماه سال ۱۴۰۱ تا نیمه اردیبهشت جاری، ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۱/۱۸۸ میلی‌متر بوده که این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت ۱۵ درصد کاهش دارد.

همچنین موجودی مخزن ۳۳ سد کشور کاهش داشته که از این میان حجم آب «سد دوستی» در استان خراسان رضوی با کاهش ۵۳ درصدی پس از سد «چاه‌نیمه» در استان سیستان و بلوچستان، با کاهش ۵۹ درصدی، دومین رتبه وضعیت حاد را در میان سدهای کشور دارد.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت نیرو در حال حاضر سدهای پنج‌گانه تهران ۵۰۴ میلیون مترمکعب آب دارند که نسبت به سال قبل ۴۱ میلیون مترمکعب کاهش یافته است. این در حالیست که سال گذشته در همین زمان حجم آب سدهای تهران ۵۴۵ میلیون مترمکعب ثبت شده است.

مصطفی فدایی‌فرد رئیس کمیته تخصصی ارزیابی سیلاب کمیته ملی سدهای بزرگ ایران مهرماه ۱۴۰۰ با انتقاد از نبود «طرح جامع آب مصوب و قابل اتکا در کشور» گفته بود که مناطق وسیعی از ایران در معرض خطر فرونشست زمین و کوچ ناگزیر ۳۷ میلیون تن به مناطق شمالی و غربی کشور قرار دارد.

روزنامه «شرق» چاپ تهران نیز در شماره چهارم خردادماه ۱۴۰۱ با اشاره به گسترش «بحران آب و کشاورزی و کاهش تولید غذا در ایران» هشدار داده بود که تداوم این روند «به زودی هزاران ایرانی را مجبور به مهاجرت می‌کند.»

این روزنامه در گزارش خود با عنوان «کوچ غذایی»، به استناد گزارش سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد، آورده بود که با تشدید بحران تنش آبی و بحران‌های جهانی افزایش قیمت مواد غذایی ایران احتمالاً ۷۰ درصد از زمین‌های کشاورزی خود را در سال‌های پیش‌رو از دست می‌دهد. شرایط بحرانی در ایران بیش از آنکه معلول شرایط اقلیمی باشد، به دلیل مدیریت ناکارآمد مقامات جمهوری اسلامی در حوزه آب کشور طی چهار دهه گذشته بروز پیدا کرده است. جدیدترین آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد ایران در کمتر از دو دهه دیگر در وضعیت «فوق بحران» در زمینه کم‌آبی خواهد رسید. بر اساس اعلام سازمان ملل متحد، درحال حاضر نزدیک به ۲ میلیارد نفر در سراسر جهان به آب سالم دسترسی ندارند، اما در آینده وضعیت بدتر هم خواهد شد. طبق پیش‌بینی «مؤسسه منابع جهان»، تا سال ۲۰۴۰ کشورهای بیشتری گرفتار بحران آب می‌شوند که یکی از آنها، ایران خواهد بود.

به گفته این مؤسسه، ۴۴ کشور تا سال ۲۰۴۰ شرایط فوق بحرانی یا بحرانی خواهند داشت که ایران یکی از کشورها با شرایط فوق بحرانی خواهد بود.

علیه فراموشی؛

ندا نماد مخالفت با استبداد؛ چهره‌ی بیدار ایران



ویدئو

یکسوی راه را بر سوء استفاده‌های سیاسی سد کند و از سوی دیگر با نام و مرگی زیبا برای یک ملت، نه قهرمان، بلکه یک نماد و نشانه انکارناپذیر بیافریند.

این گزارش ویدئویی در خرداد ۱۳۹۸ به مناسبت دهمین سالگرد کشته شدن ندا آقاسلطان که قلب او در برابر چشم جهانیان با شلیک گلوله‌ی مأموران جمهوری اسلامی از حرکت باز ایستاد، تهیه شد. صحنه‌ی این رویداد دردناک دنیا را تکان داد و تصویر چشمان باز ندا در خاطره‌ها و آرشیوهای تاریخی ثبت شد.

از آن زمان، هر سال، ۳۰ خرداد، یادآور آرزوها و چشمان باز و نگاه امیدوار ندا و ندهای ایران است که همچنان به آینده و ایران آزاد و امن، بدون جمهوری اسلامی، دوخته شده است.

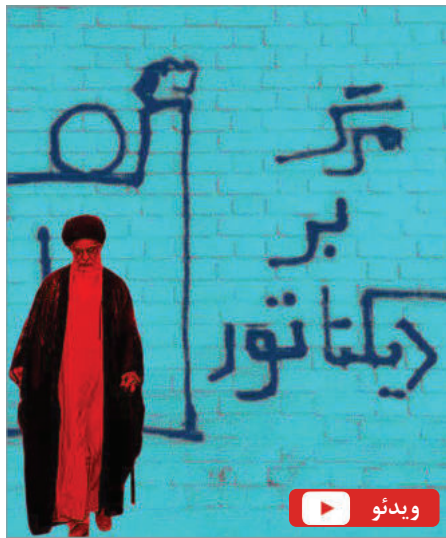
در آن روز ۳۰ خرداد ۸۸، در یک خیابان فرعی تهران، نه یک مرد جوان، نه یک زن مسن، نه فردی از این یا آن گروه، و یا حتی فردی که در «انتخابات» شرکت کرده و در پی پس گرفتن «رأی» خود باشد، بلکه یک زن جوان، و به دور از هرگونه گروه سیاسی درگیر در «انتخابات»، کشته می‌شود. زن جوانی که شکل و شمایل زندگی‌اش در چهارچوب تنگ جمهوری اسلامی نمی‌گنجد.

نه به هر نامی، بلکه با نامی مختصر و مفید! ندا!
تو گویی تاریخ به یک انتخاب آگاهانه دست زده تا از

علیه فراموشی؛

از «رأی من کجاست» در ۸۸ تا «اصلاح طلب

اصولگرا دیگه توممه ماجرا» در دی ۹۶



ویدئو

جنبش ۸۸ با سرکوب خونین خاموش شد. «تغییر» به شعار مردم از دی ۹۶ به بعد تبدیل شد تا با ستایش از دستاوردهای دوران پهلوی‌ها کابوس بزرگ جمهوری اسلامی را رقم بزنند.

این گزارش تحلیلی کیهان لندن علیه فراموشی در تیرماه ۱۳۹۸ به مناسبت دهمین سالگرد جنبش ۸۸ منتشر شد.

در تمام سال‌هایی که مردم در انتخابات استصوابی جمهوری اسلامی «رأی» دادند، رهبری نظام همه را به جیب مشروعیت خود ریخت.

«پروژه اصلاحات» که چیزی جز استمرار و دست به دست شدن قدرت و غارت، میان خودی‌ها و دو جناح نظام نبود، نه در دوران روحانی و اعتراضات سراسری دی‌ماه ۹۶ بلکه در انتخابات سال ۱۳۸۴ که اکثر هاشمی‌رفسنجانی در دو مرحله، ۲۷ خرداد و ۳ تیر، از فرد گمنامی به نام محمود احمدی‌نژاد شکست خورد، به بستر احتضار افتاد و با جنبش ۸۸ مُرد. دولت اول احمدی‌نژاد آنقدر خرابی و نفرت در جامعه آفرید که میرحسین موسوی و مهدی کروبی، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، نه با شعار «اصلاحات» بلکه با شعار «تغییر» آمدند! وفاداران نظام شعار می‌دادند: درود بر موسوی، رأی ما احمدی!

احمدی نژاد شعار می‌داد: «می‌شود و می‌توانیم!» او پس از آنکه «توانست» و پیروز «شد»، بی‌پایگی شعار «تغییر» در جمهوری اسلامی را به اوج رساند و گفت: من خودم نماد تغییرم!

ماجرای ربوده شدن خبرنگاران شبکه جهانی بی‌بی‌سی و تلاش برای گشودن معمای ناپدید شدن «موسی صدر»



پوستر «امام موسی صدر» در یکی از شهرهای لبنان / ۲۰۱۱

منتظر ما هستند. آنها صداگیر در گوش‌شان دارند و بیشتر وقت‌ها در حالت آماده‌باش و خبردار طوری رفتار می‌کنند که انگار در یک منطقه جنگی هستند. برایم آزاردهنده است.» گزارش چنین ادامه می‌یابد: با اینکه برای آنها هتل رزرو شده بود، اما وقتی وارد طرابلس شدند، مأموران گروه فیلمبرداری را به هتل رادیسون در کرانه مدیترانه منتقل کردند. این ناحیه به محلی که در آن قذافی مهمانسرای برای مسافران خارجی داشت نزدیک است. بامداد روز بعد، در حالی که گروه فیلمبرداری منتظر مجوزهای بیشتر در مرکز وزارت خارجه در نزدیکی هتل بودند، چند مقام آمدند و آنها را به زور داخل اتومبیلی که منتظر آنها بود هل دادند.

حمادی توضیح می‌دهد: «من، راننده و فیلمبردار مجبور شدیم صندلی عقب بنشینیم؛ من بین آنها نشستیم. نگاهم به پایین بود؛ در حالت شوک اما مسلط بودم. به دوستانم، بی‌آنکه نگاه‌شان کنم آهسته گفتم: ربوده شده‌ایم! اتومبیل با سرعت زیاد در امتداد ساحل به طرف شرق می‌رود. صداها بلندتر می‌شود. هر حرکتی مثل این است که ضربه‌ای به سرم می‌خورد. مردی که به نظر می‌رسد فرمانده گروه است می‌گوید: «می‌دانید ما کی هستیم؟! به زودی خواهید فهمید.» در صندلی عقب زمزمه می‌کنم: امیدوارم داعش یا القاعده نباشید!»

شبکه جهانی بی‌بی‌سی چه می‌گوید

در ادامه گزارش «دیلی میل» از قول یک سخنگوی شبکه جهانی بی‌بی‌سی: «بی‌بی‌سی» آمده است: «تیم کوچکی که برای بی‌بی‌سی کار می‌کند، در ماه مارس سال جاری با مجوز کامل جهت جمع‌آوری مطالب برای مستند مربوطه وارد لیبی شد. آنها بازداشت شدند و چند روزی توسط مقامات اطلاعاتی لیبی تحت بازجویی قرار گرفتند. بازجویی با وجود ورود و فعالیت مجاز ما به کشور، بدون انگیزه روشنی صورت گرفت.» این سخنگوی شبکه بی‌بی‌سی افزود: «مادر کنار روزنامه‌نگاران خود ایستاده‌ایم و عمیقاً نگران رفتار با این گروه هستیم.»

به گزارش «دیلی میل»، این گروه همراه با یک خبرنگار به نام کاظم حمادی سفر می‌کردند. او در همین ارتباط نوشت: «یکشنبه بعد از ظهر است، من همراه با گروه فیلمبرداری که با آن همکاری دارم، وارد فرودگاه طرابلس پایتخت لیبی شدم. قرار است یک فیلم مستند برای بی‌بی‌سی بسازیم... هنوز نمی‌دانم چرا ربوده شدم، اما نزدیکترین توضیح این است که مستندی که برای تکمیل آن به لیبی سفر کرده‌ام، افراد و مقاماتی در محافل اطلاعاتی را به هراس انداخته است. مردان قدرتمندی که به معمر قذافی دیکتاتور لیبی وفادار بوده‌اند.» در این مقاله، حمادی وحشت دستگیری و پرت شدن به داخل یک سلول سه در دو مترمربع را شرح داده و نوشته است: «صدای گارد در گوشم می‌پیچد. تو خواهی مُرد! تو را تکه تکه کرده و همینجا چال خواهیم کرد. کسی نمی‌داند اینجا هستی. پاک پاک! هیچ نشانه‌ای از تو بجا نمی‌ماند.»

کاظم حمادی در ادامه می‌نویسد: «به خوبی می‌دانم آخرین کلام وی «پاک پاک» یعنی چه! من افرادی را که شکنجه شده‌اند دیده‌ام. آنها را از مچ به قیاتی آویزان می‌کردند تا نوک پایشان به زمین برسد و در همان حالت آنها را با خشونت مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند. کسانی که من دیده‌ام، شانس آوردند که زنده ماندند. بسیاری از این شکنجه‌ها جان سالم به در نمی‌برند. بر سر ما چه خواهد آمد؟»

حمادی می‌افزاید «همکاران گروه فیلمبرداری سه روز بیشتر وارد فرودگاه طرابلس شده بودند. اما همانوقت هم مورد سوء ظن قرار گرفتند. ما کنترل می‌شدیم. مأموران امنیتی به شدت نسبت به ما مشکوک بودند و با اینکه تمام مسافران سالن ورود را ترک کرده بودند، سه ساعت طول کشید تا پاسپورت‌های ما مُهر خورد و اجازه یافتیم وارد کشور شویم.»

«دیلی میل» در ادامه از زبان کاظم حمادی می‌نویسد: «ما دو خبرنگار هستیم با اضافه یک فیلمبردار و یک تهیه‌کننده از سه کشور مختلف. قرار است فیلم مستندی درباره امام موسی صدر لبنانی بسازیم که در اوت ۱۹۷۸ پس از دعوت به لیبی ناپدید شد. دو راننده محلی و یک محافظ در پارکینگ فرودگاه

● موسی صدر لبنانی ایرانی‌تبار به علت اقدامی که انجام داد مشهور است: تبدیل شیعیان لبنان از یک گروه حاشیه‌ای تحت فشار به یک جامعه متنفذ که به جنبش اعتراضی شیعه-حرکت محرومین- و میلیشای آن «جنبش امل» قدرت بخشید. اما قضیه دیگری که صدر با آن بیش از پیش مشهور شد، ناپدید شدن اسرارآمیز او در لیبی در سال ۱۹۷۸ است و اینکه تا امروز نشانی از وی پیدا نشده و معلوم نیست چه کسانی چه بلایی بر سر او آوردند!

● موسی صدر در سال ۱۹۷۳ یک جزوه ۲۰ صفحه‌ای به علینقی عالیخانی سیاستمدار ایرانی داد که به زبان عربی و شامل خلاصه‌ای از افکار روح‌الله خمینی بود؛ نسخه‌ای از سخنرانی‌های وی که خواهان سرنگونی پادشاهی و استقرار یک دولت اسلامی بود. صدر به عالیخانی هشدار داد که این جزوه‌ی خمینی چکیده‌ی یک مغز بیمار است و درخواست کرد که آن را به نظر شاه برساند.

● سه روزنامه‌نگار، که نام آنها اعلام نشده، و قرار بود مستندی درباره موسی صدر برای شبکه جهانی بی‌بی‌سی تهیه کنند، زمانی کوتاه پس از ورود به طرابلس در ماه مارس ۲۰۲۳ ربوده شدند. آزادی آنها در پی کوشش دیپلماتیک وزارت امور خارجه بریتانیا، دولت سوئد و شبکه جهانی بی‌بی‌سی» ممکن شد.

● با اینکه برای آنها هتل رزرو شده بود، اما وقتی وارد طرابلس شدند، مأموران گروه فیلمبرداری را به هتل رادیسون در کرانه مدیترانه منتقل کردند. بامداد روز بعد، در حالی که گروه فیلمبرداری منتظر مجوزهای بیشتر در مرکز وزارت خارجه در نزدیکی هتل بودند، چند مأمور آمدند و آنها را به زور داخل اتومبیلی که منتظر آنها بود هل دادند.

● به گزارش «دیلی میل»، این گروه همراه با یک خبرنگار به نام کاظم حمادی سفر می‌کردند: «من، راننده و فیلمبردار مجبور شدیم صندلی عقب بنشینیم؛ من بین آنها نشستیم. نگاهم به پایین بود؛ در حالت شوک اما مسلط بودم. به دوستانم، بی‌آنکه نگاه‌شان کنم آهسته گفتم: ربوده شده‌ایم!»

● باری، پس از سرنگونی رژیم قذافی نیز باز هیچ نشانه‌ای از «امام» ناپدید شده در لیبی تا امروز پیدا نشده است! مخالفان موسی صدر با جمهوری اسلامی در ایران به قدرت رسیدند ولی کسی داستان کامل حذف و از میان برداشتن «امام موسی صدر» را نمی‌داند!

بنا به گزارش رسانه‌های بین‌المللی چند ماه پیش سه روزنامه‌نگار در لیبی ربوده شده و در زندانی برای پنج روز تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفتند. تنها یک تلاش بین‌المللی توانست به آزادی آنان بیانجامد.

این روزنامه‌نگاران بخشی از همکاران یک گروه فیلمبرداری جهت ساختن مستندی درباره «امام موسی صدر» روحانی لبنانی بودند. موسی صدر در سال ۱۹۷۸ به لیبی دعوت شد اما دیگر کسی نشانی از او ندید.

ماجرای آدم‌ربایی

سه روزنامه‌نگار، که نام آنها اعلام نشده، زمانی کوتاه پس از ورود به طرابلس در ماه مارس ۲۰۲۳ ربوده شدند. آزادی آنها در پی کوشش دیپلماتیک وزارت امور خارجه بریتانیا، دولت سوئد و شبکه جهانی بی‌بی‌سی» ممکن شد.

ایمنی کسانی که برای بی‌بی‌سی کار می‌کنند، برای ما در اولویت قرار دارد و ما به حمایت از این تیم ادامه می‌دهیم.» همچنین یک منبع آگاه در بی‌بی‌سی گفت این بنگاه سخن‌پراکنی درباره مقوله‌های امنیتی اظهار نظر نمی‌کند و به حمایت از افرادی پرداخت که با مدارک مجاز و رسمی وارد این کشور شده بوده و مورد بازجویی قرار گرفتند.»

یک سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا نیز گفت: «ما از چهار مرد بریتانیایی که از بازداشت در لیبی آزاد شدند، حمایت کرده و درباره وضعیت آنها بطور مستقیم با مقامات مسئول لیبی صحبت کردیم.»

فیلم مستند «بی‌بی‌سی» قرار بوده است رویدادها و شرایط احتمالی از پیگیری کرده و مورد بررسی قرار دهد که منجر به ناپدید شدن و مرگ «امام موسی صدر» شد.

چه کسی چه بلایی بر سر «امام موسی صدر» آورد؟!

معمایی که پس از چهل و پنج سال همچنان بی‌پاسخ مانده این است که چه کسی موسی صدر را کشت؟!

پیشینه کوشش‌های اسلامگرایان ایران برای شکل دادن به خاورمیانه به پیش از انقلاب ۵۷ برمی‌گردد. یک سرتیپ بازنشسته اسرائیلی، شیمون شاپیرا (۱) روایاتی را که در مورد قتل روحانی منتقد شیعه نقل می‌شود و اینکه چه کسی پشت آن بوده و اصلاً چه اتفاقی افتاده و چه بلایی به سر او آمده، بررسی می‌کند.

موسی صدر لبنانی ایرانی‌تبار به علت اقدامی که انجام داد مشهور است: تبدیل شیعیان لبنان از یک گروه حاشیه‌ای تحت فشار به یک جامعه منتقد که به جنبش اعتراضی شیعه-حرکت محرومین- و میلیشای آن «جنبش امل» قدرت بخشید. اما قضیه دیگری که صدر با آن بیش از پیش مشهور شد، ناپدید شدن اسرارآمیز او در لیبی در سال ۱۹۷۸ است و اینکه تا امروز نشانی از وی پیدا نشده و معلوم نیست چه کسانی چه بلایی بر سر او آوردند!

پس از آن بود که جمهوری اسلامی مدت کوتاهی پس از آنکه در ایران روی کار آمد، با استفاده از ریشه‌های جنبش موسی صدر که در لبنان آغاز شده بود، در همان دهه هشتاد میلادی گروه نظامی- عقیدتی «حزب‌الله» را شکل داد. پرسش‌ها اما تا امروز باقی مانده است: چه کسی صدر را کشت؟ با چه هدفی؟ و اگر ناپدید نشده بود چه اتفاقی ممکن بود بیفتد؟

به نوشته‌ی سرتیپ بازنشسته‌ی اسرائیلی، برای فراهم آوردن تصویر کامل‌تری از ناپدید شدن موسی صدر و مرگ او، نخست باید کمی به عقب برگردیم و به مناسبات صدر با شاه ایران نگاه کنیم. این موضوع نخستین قطعه معما را شکل می‌دهد. محمدرضا شاه پهلوی سازمان اطلاعات و امنیت ایران، ساواک، را تشکیل داده بود که زیر نظر گرفتند صدر یکی از وظایف آن بود. ساواک او را از روند کلاس‌ها و مطالعاتش از سمینارهای مذهبی قم در اواخر دهه ۱۹۵۰ تا ورود به لندن برای جانشینی عبدالحسین شرف‌الدین، که در اواخر ۱۹۵۷ درگذشته بود، و سرانجام ناپدید شدن وی در لیبی در ۱۹۷۸ دنبال می‌کرد. پس از انقلاب اسلامی، سه جلد قطور از اسناد مربوط به ردیابی صدر توسط ساواک، در ایران منتشر شد. از میان این سه جلد تصویر کامل‌تری از داستان زندگی صدر ظاهر می‌شود از جمله مناسبات پیچیده او با حکومت شاه و مخالفان انقلابی‌اش که در دهه ۱۹۷۰ در لبنان مأوا گزیده و از آنجا برای شکل دادن انقلاب در ایران تلاش می‌کردند.

برخی اسناد ساواک در همین زمینه شالوده کتاب اخیر آرش رئیس‌ی نژاد، «شاه ایران و کردهای عراق و شیعیان لبنان» را تشکیل می‌دهد (پالگرومک میلان ۲۰۱۸). آنگونه که اسناد محرمانه آن زمان نشان می‌دهد، ساواک آشکارا امام صدر را یک چهره سیاسی برجسته در لبنان می‌دید. او در ۱۹۶۶

شورای عالی شیعه را تاسیس کرد که نخستین سازمان سیاسی جامعه شیعه در لبنان تلقی می‌شود.

موسی صدر برای تقویت موضع خود در میان نخبگان سیاسی در بیروت، به متحد نیرومندی از خارج لبنان، که قدرت زیادی هم در داخل داشته باشد، نیاز داشت. این موضوع او را بطور طبیعی ترغیب کرد تا چشم به سوریه بدوزد و به حافظ اسد فکر کند؛ رئیس جمهوری که در کشورش در ارتباط با یک اصل در قانون اساسی این کشور با بحران روبرو بود. ماده‌ای در قانون اساسی این کشور صراحت دارد که رئیس جمهوری سوریه باید مسلمان باشد.

در اینجا بود که صدر وارد شد و داوطلبانه به یاری حافظ اسد شتافت و با استفاده از نقش خود به عنوان رئیس مجلس اعلای شیعیان، شیخ علی منصور را که یک روحانی علوی بود در مقام مفتی جعفری شهر طرابلس و شمال لبنان منصوب کرد. صدر با این کار عملاً این هدف را پیش می‌برد که علوی‌ها نیز شیعه جعفری و بنابراین مسلمان هستند؛ منتها از آنجا که از نظر درجه و اعتبار مذهبی نمی‌توانست حکم و فتوا صادر کند، تصمیم گرفت آن را به شکل سیاسی و اداری انجام دهد. شیمون شاپیرا در ادامه‌ی این مقاله که سپتامبر ۲۰۱۹ در «آمریکن اینترست» منتشر شد ادامه می‌دهد، آرش ریسی نژاد در کتاب خود به درستی بر نقش ژنرال منصور قدر نماینده ارشد شاه در لبنان در ارتباط با موسی صدر تمرکز می‌کند. در اوت ۱۹۷۳ منصور قدر به عنوان سفیر ایران در لبنان منصوب شد. بعلاوه وی به عنوان رئیس شعبه ساواک در بیروت، موضعی با قدرت و نفوذ زیاد در کشوری داشت که شاه آن را در خاورمیانه بسیار مهم ارزیابی می‌کرد. او نخست می‌خواست صدر را به عنوان مامور و عامل به کار بگیرد، اما صدر نپذیرفت؛ او فقط آماده بود به ایران و شاه قول وفاداری بدهد.

آندرو اسکات کوپر در کتاب «سقوط بهشت» (۲) یادآور می‌شود که موسی صدر از طریق دوست ایرانی خود، علینقی عالیخانی، یکی از سیاستمداران و مقامات مسئول ایران، که صدر با او اغلب در بیروت ملاقات می‌کرد، می‌توانست با شاه ارتباط داشته باشد. صدر در سال ۱۹۷۳ یک جزوه ۲۰ صفحه‌ای به علینقی عالیخانی داد که به زبان عربی و شامل خلاصه‌ای از افکار روح‌الله خمینی بود؛ نسخه‌ای از سخنرانی‌های وی که خواهان سرنگونی پادشاهی و استقرار یک دولت اسلامی بود. صدر به عالیخانی هشدار داد که این جزوه‌ی خمینی چکیده‌ی یک مغز بیمار است و درخواست کرد که آن را به نظر شاه برساند.

روابط صدر با خمینی پیچیده بود. صدر حامی مشتاق او نبود و به عنوان مرجع تقلید نیز وی را قبول نداشت. او با مهم‌ترین عنصر دکترین خمینی، ولایت فقیه، که بر اساس آن فقط روحانیان می‌توانند یک حکومت اسلامی را رهبری کنند، مخالف بود. موسی صدر وقتی در ماه مه ۱۹۶۹ وارد دفترش در مجلس اعلای شیعیان در بیروت شد، تصویر آیت‌الله محسن حکیم را که در نجف عراق مستقر بود به دیوار آویخت و او را مرجع شیعیان لبنان می‌دانست. وابستگان خمینی از این بی‌احترامی صدر ناراحت شدند.

مخالفان شاه که در لبنان فعال بودند، از آغاز دهه ۱۹۷۰ در دو گروه اصلی تقسیم می‌شدند و بر سر طبیعت انقلاب در ایران، چگونگی رسیدن به آن، و مواضع قدرت در رهبری با یکدیگر رقابت می‌کردند. اختلاف آنها در لبنان بر دو مسئله اصلی متمرکز بود: نگاه نسبت به فلسطینیان در لبنان و نگرش جامعه شیعه لبنان نسبت به دکتربین ولایت‌مداری خمینی. اینهمه در حالی بود که انقلابیون ایران کمک نظامی و بیشتر به شکل آموزش اسلحه را از سازمان الفتح عرفات و در محدوده‌های کوچکتر در اردوگاه‌های سازمان‌های افراطی

فلسطینی دریافت می‌کردند. موسی صدر در سال ۱۹۷۴ زمانی که جنبش امل را تاسیس کرد، سازمان‌های میلیشای زیر فرماندهی مصطفی چمران قرار داد که صدر را تحسین می‌کرد و او را «جانشین امام حسین» می‌دید.

شیمون شاپیرا ادامه می‌دهد: اختلاف ایدئولوژیک بین دو گروه ایرانی رقابت‌هایی را بین آنها به وجود آورد که گاهی تلخ می‌شد. این موضوع تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نگرش گروه‌های اسلامگرای افراطی مخالف چمران، صدر و دیگران که از «نهضت آزادی ایران» بودند داشت. چهره‌های شاخص در این گروه، محمد منتظری، جلال‌الدین فارسی، علی اکبر محتشمی و احمد نفری بودند که محمد صلاح حسینی از عراق نیز به آنان پیوست و به شخصیت مهمی در ارتباط بین انقلابیون ایران و سازمان الفتح فلسطین تبدیل شد. اقتدای موسی صدر به آیت‌الله محسن حکیم، و پس از مرگ او به آیت‌الله ابوالقاسم خوینی به عنوان مرجع و نادیده گرفتن خمینی، خصومت و خشم طرفداران خمینی را در نجف و لبنان که علی اکبر محتشمی آنها را تحریک می‌کرد برانگیخت.

محتشمی به تفصیل به خمینی درباره آنچه در جنوب لبنان می‌گذشت گزارش می‌داد و او را علیه موسی صدر تحریک می‌کرد. محتشمی به خمینی می‌گفت «ترس این است که تبلیغات و شایعاتی که آقایان (صدر و چمران) علیه آوارگان و رزمندگان فلسطینی به راه انداخته‌اند سبب زد و خوردهایی بین شیعیان و فلسطینیان شود. امام گزارش مرا شنید و بسیار آشفته شد. من اضطراب و اندوهی را که در صورت وی نمایان بود فراموش نخواهم کرد... این آقایان عامل تمام این فاجعه‌ها از آغاز اسلام بودند. محتشمی حرفش را کوتاه کرد و گفت او از مسیر سیاسی و نگرش انقلابی آقای صدر احساس ناامیدی می‌کند.

خمینی وقتی به قدرت رسید پیر بود، و می‌توان فرض کرد که اطرافیانش درباره جانشینی او بحث می‌کردند. برخی حامی آیت‌الله علی منتظری پدر محمد منتظری بودند؛ گروه دیگر از محمد بهشتی حمایت می‌کردند، کسانی هم طرفدار موسی صدر بودند. اگرچه احتمال جانشینی صدر بجای خمینی در ایران بسیار دور بود، اما رقیبان صدر می‌خواستند او را بطور کلی حذف کنند.

چهار دهه پس از کشته شدن صدر، جلال‌الدین فارسی نظر خود را درباره این «امام» لبنانی چنین ابراز داشت: «وقتی من در لبنان بودم، انقلابیون دور من جمع می‌شدند و نه او! صدر روابط خوبی با شاه داشت. او می‌گفت روحانیان ما باید به کلیساها بروند و کشیشان باید در مساجد ما عبادت کنند... لازم بود شورش شود، علیه او اعتراض شود؛ لازم بود او را بابت این سخنان کشت. ما دیدیم دیگر کشتن وی لازم نیست چون قذافی او را کشت.»

باری، با اینهمه پس از سرنگونی رژیم قذافی نیز باز هیچ نشانه‌ای از «امام» ناپدید شده در لیبی تا امروز پیدا نشده است! مخالفان موسی صدر با جمهوری اسلامی در ایران به قدرت رسیدن ولی کسی داستان کامل حذف و از میان برداشتن «امام موسی صدر» را نمی‌دانند!

*منابع: دلیل میل (۱۹ ژوئن ۲۰۲۳) و آمریکن اینترست (۲۶ سپتامبر ۲۰۱۹)

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

۱- سرتیپ بازنشسته دکتر شیمون شاپیرا پژوهشگر ارشد در «مرکز اورشلیم برای مسائل عمومی» و مؤلف کتاب «حزب‌الله: بین ایران و لبنان» که در سال ۲۰۰۰ در تل‌آویو منتشر شد.

۲- کیهان لندن کتاب «سقوط بهشت» را ترجمه کرده و علاقمندان می‌توانند آن را از همین رسانه تهیه کنند.

نسخه مشترک رژیم ایران و دلال‌های سیاسی برای باج‌خواهی از دولت بایدن: چون جمهوری اسلامی هنوز سقوط نکرده پس توافق کنیم!



راهپیمایی حزب‌اللهی‌ها در اعتراض به مذاکرات با غربی‌ها پس از ترور قاسم سلیمانی

می‌کند. در واقع نوعی باج دادن به رژیم ایران برای آرام‌نگه داشتن مصنوعی اوضاعی که هرگز نه تنها عادی نمی‌شود بلکه روند و شواهد آن نشان می‌دهد که همواره به سوی تشدید و وخیم شدن حرکت کرده است.

بررسی مذاکرات مستقیم

اکنون در بالاترین سطوح امنیتی در ایران شرایط مذاکرات مستقیم با آمریکا را می‌سنجند. در همین ارتباط شهیار حیدری نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید این کمیسیون در مورد «پیام‌های آمریکایی‌ها برای مذاکره مستقیم با ایران» با اعضای شورای عالی امنیت ملی جلسه داشتند تا تصمیم درست گرفته شود. آنطور که به نظر می‌رسد جریان‌هایی در داخل ایران و همچنین مقاماتی در دولت جو بایدن قصد دارند از تمام ظرفیت‌ها برای دستیابی به شکلی از توافق یا «تفاهم» بر سر طیف گسترده‌ای از مسائل استفاده کنند. به ویژه آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز اخیراً گفت «توافق عیبی ندارد اما به زیرساخت‌های اتمی دست نزنید.»

ابراهیم رئیسی سه‌شنبه شب ۳۰ خرداد در یک مصاحبه تلویزیونی شکست مذاکره با غرب را نتیجه اعتراضات مردم در داخل ایران خواند اما اعلام کرد جمهوری اسلامی همچنان آماده ادامه گفتگوهاست. وی توضیح داد: «مذاکره با غربی‌ها تا حدودی پیشرفت و خواسته‌های ما مطرح شد و اتحادیه اروپا رسماً اعلام کردند خواسته‌های شما منطقی و عقلانی است منتها قضا با مصادف شد با اغتشاشات. محاسبه غلط آنها این بود که تصور کردند در اغتشاشات خواسته‌هایشان را دنبال کنند. البته الان در عمل ما احساس می‌کنیم آنها نادم شدند و پیام‌هایی که از آنها به ما می‌رسد همین است. تصورشان این بود که می‌توانند با این اغتشاشات مشکلی برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند غافل از اینکه استحکام جمهوری اسلامی بیش از اینهاست»

● سعید لیلان عضو حزب «کارگزاران سازندگی» نیز می‌گوید که جمهوری اسلامی باید قبل از انتخابات پارلمانی اسفندماه به نوعی توافق کند تا مشارکت در انتخابات را بالا ببرد. لیلان توضیح داده که «جمهوری اسلامی در پی آن است که ایرانیان را به رأی دادن به عنوان مددگری بر مشروعیت خود پس از اعتراضات تشویق کند. باید کاری کرد که امید در بین مردم افزایش یابد.»

کارزار وسیعی از تهران تا بروکسل و از آنجا تا واشنگتن به راه افتاده است تا قبل از انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۴۰۲ در ایران چیزی شبیه توافق بین آمریکا و رژیم ایران شکل بگیرد. خط مشترک این کارزار مشخص است: جمهوری اسلامی در آستانه ساخت مپ اتم قرار دارد و تحریم‌ها اثر نداشته و «اعتراضات مردم در ایران به جایی نرسیده» و رژیم هنوز سقوط نکرده، پس چاره‌ای جز توافق نیست!

منابع غیررسمی گزارش می‌دهند انزلیکه مورامعاون دبیرکل سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا و هماهنگ کننده مذاکرات احیای برجام با علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی در دوحه پایتخت قطر دیدار کرده‌اند. گفته می‌شود فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی، پشتیبانی نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ علیه اوکراین و وضعیت زندانیان آمریکایی در ایران از مسائل اصلی بود که درباره آنها صحبت شده است. مفادی که به عنوان گزینه‌های اصلی این توافق یا تفاهم مطرح است اغلب بر اساس نسخه‌ای است که رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا یک سال قبل روی میز گذاشت. اساس آن پیشنهادات دستیابی به توافقی بود که حتا بطور موقت از تشدید اقداماتی از جمله افزایش سطح غنی‌سازی و حمله به نیروهای آمریکایی توسط نیابتی‌ها در ازای آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران جلوگیری

● کارزار وسیعی از تهران تا بروکسل و از آنجا تا واشنگتن به راه افتاده است تا قبل از انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی در اسفند ۱۴۰۲ چیزی شبیه توافق بین آمریکا و رژیم ایران شکل بگیرد. خط مشترک این کارزار مشخص است: جمهوری اسلامی در آستانه ساخت مپ اتم قرار دارد و تحریم‌ها اثر نداشته و «اعتراضات مردم در ایران به جایی نرسیده» و رژیم هنوز سقوط نکرده، پس چاره‌ای جز توافق نیست!

● در بالاترین سطوح امنیتی در ایران شرایط مذاکرات مستقیم با آمریکا را می‌سنجند. در همین ارتباط شهیار حیدری نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید این کمیسیون در مورد «پیام‌های آمریکایی‌ها برای مذاکره مستقیم با ایران» با اعضای شورای عالی امنیت ملی جلسه داشتند تا تصمیم درست گرفته شود. ● ابراهیم رئیسی در یک مصاحبه تلویزیونی گفته «مذاکره با غربی‌ها تا حدودی پیشرفت و خواسته‌های ما مطرح شد و اتحادیه اروپا رسماً اعلام کردند خواسته‌های شما منطقی و عقلانی است منتها قضا با مصادف شد با اغتشاشات. محاسبه غلط و تصورشان این بود که می‌توانند با این اغتشاشات مشکلی برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند غافل از اینکه استحکام جمهوری اسلامی بیش از اینهاست که بخواهند با این قضیه مشکل ایجاد کنند... الان آماده مذاکره عم‌نمندانیم.»

● تریتا پاریسی عضو پیشین نایاک و عضو فعلی مؤسسه «کوئینسی» در مقاله خود در باره ضرورت توافق میان ایران و آمریکا در نشریه «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) نوشته «برخلاف انتظار واشنگتن، گذشت زمان موقعیت چانه‌زنی تهران را تضعیف نکرده است. علی‌رغم تحولات داخلی و عدم محبوبیت گسترده رژیم آخوندی، ایران برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده، روابط با عربستان سعودی را عادی کرده است و روابط خود را با پشتیبانی از روسیه در جنگ علیه اوکراین تقویت کرده است... علاوه بر این، علیرغم سوء مدیریت اقتصادی و عدم مشروعیت آن، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که رژیم در خطر فروپاشی قریب الوقوع باشد.»

● روزنامه «فایننشال تایمز» نیز در توجیه ضرورت توافق دولت بایدن با رژیم ایران گزارش بلندی منتشر کرده است که یکی از نویسندگان آن نجمه بزرگمهر است که مواضعی شبیه نگار مرتضوی، فرناز فصیحی و عسل راد دارد که به همسویی و تبلیغ منافع جمهوری اسلامی مشهورند. در این گزارش با افرادی مثل ولی نصر استاد دانشگاه جازن هاپکینز و حسین موسویان عضو پیشین هیات مذاکرات اتمی و سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» مصاحبه شده که هر دو در تمام این سال‌ها برای توافق مالاها با آمریکا سخنرانی و مصاحبه داشته‌اند.

● خلاصه گزارش «فایننشال تایمز» نیز این است که چون جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را به درجه تسلیحاتی نزدیک کرده و موشک‌های بالستیک دارد و شریک روسیه در جنگ اوکراین است و احتمال حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای رژیم وجود دارد دولت بایدن به توافق با جمهوری اسلامی نیاز دارد.

ادعای رئیس کنفدراسیون صادرات ایران: حجم تجارت با عربستان به ۱۵ میلیون دلار رسید!



سفر فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان به تهران
۲۷ خرداد ۱۴۰۲

شدند در حالی که امارات شریک سوم در صادرات و شریک دوم ما در واردات بود.

این فعال اقتصادی پیش‌بینی کرده رقم تجارت با عربستان به حدود دو میلیارد دلار برسد و گفته «۵۰ درصد از محصولات صادراتی ما میعانات و محصولات پتروشیمی است که عربستان در تولید این محصولات رقیب ماست؛ همانگونه که اشاره شد آنها خواهان و خریدار کالاهای مصرفی هستند اما کالاهای با کیفیت بالا و لوکس می‌خواهند.»

فرزاد پیلت مدیرکل غرب آسیای سازمان توسعه تجارت اواخر فروردین‌ماه گفته بود «با احیای روابط سیاسی با عربستان، دستیابی به تجارت یک میلیارد دلاری در کوتاه‌مدت و ارتقای آن به دو میلیارد دلار در میان‌مدت هدف‌گذاری شده است.» این در حالیست که به گفته خود او یکی از موانع اصلی توسعه تجارت با عربستان نبود خطوط کشتیرانی است.

سعید لیلزاد عضو حزب «کارگزاران سازندگی» نیز می‌گوید که جمهوری اسلامی باید قبل از انتخابات پارلمانی اسفندماه به نوعی توافق کند تا مشارکت در انتخابات را بالا ببرد. لیلزاد توضیح داده که «جمهوری اسلامی در پی آن است که ایرانیان را به رأی دادن به عنوان مدرك بر مشروعیت خود پس از اعتراضات تشویق کند. باید کاری کرد که امید در بین مردم افزایش یابد.»

تلاش حکومت و دلال‌های سیاسی برای دستیابی رژیم ایران به شکلی از توافق یا تفاهم با دولت بایدن، موضوعی تکراری و براساس منافع ضدملی خود آنهاست آنهم در حالی که آنچه نسبت به گذشته تغییر عمیق یافته است، دگرگونی اجتماعی در ایران است.

مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند هرگونه توافق مالاها آنها را در سرکوب مردم و گسترش تروریسم تقویت می‌کند.

● محمد لاهوتی رئیس کنفدراسیون صادرات ایران در مصاحبه با خبرنگاری «ایلنا» مدعی شد «سال گذشته تجارت ما با عربستان حدود ۴۱ هزار دلار بود اما این عدد بعد از بهبود روابط سیاسی به ۱۵ میلیون دلار رسید و کالاهایی از جمله شمش آهن، فولاد، سنگ مرمر به عربستان صادر کردیم.»

● این ادعا یعنی اینکه در کمتر از چند هفته میانگین تجارت ایران و عربستان پس از توافق امنیتی افزایش بیش از ۹۷ درصد داشته، با توجه به ابعاد تحریم‌های بانکی و همچنین قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF فراتر از تخیلی و کاملاً دروغ به نظر می‌رسد.

در شرایطی که هنوز دو هفته از بازگشایی سفارتخانه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی بعد از هفت سال قطع ارتباط نگذشته رئیس کنفدراسیون صادرات ایران ادعا کرده با بهبود روابط سیاسی تهران و ریاض حجم تجارت بین طرفین به ۱۵ میلیون دلار رسیده است!

محمد لاهوتی سه‌شنبه ۳۰ خرداد در مصاحبه با خبرنگاری «ایلنا» مدعی شد «سال گذشته تجارت ما با عربستان حدود ۴۱ هزار دلار بود اما این عدد بعد از بهبود روابط سیاسی به ۱۵ میلیون دلار رسید و کالاهایی از جمله شمش آهن، فولاد، سنگ مرمر به عربستان صادر کردیم.»

این ادعا یعنی اینکه در کمتر از چند هفته میانگین تجارت ایران و عربستان پس از توافق امنیتی افزایش بیش از ۹۷ درصد داشته، با توجه به ابعاد تحریم‌های بانکی و همچنین قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF فراتر از تخیلی و کاملاً دروغ به نظر می‌رسد.

به گفته لاهوتی عربستان ظرفیت خرید کالاهایی از قبیل خشکبار، فرش دستباف، کاشی و سرامیک را نیز دارد.

وی همچنین با اشاره به اینکه «عربستان به نوعی رهبری کشورهای حوزه خلیج فارس را به عهده دارد» توضیح داده «نفوذ این کشور در روابط مثبت و منفی ما با دیگر کشورهای عربی نمود پیدا می‌کند همچنانکه بعد از گسترده‌تر شدن دامنه تنش‌های ایجاد شده بین ایران و عربستان، ایرانیان مقیم دبی با مشکلات جدی از جمله افتتاح حساب و چالش در فعالیت‌های اقتصادی مواجه

ه‌آپکنیز و حسین موسویان عضو پیشین هیات مذاکرات اتمی و سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» مصاحبه شده که هر دو در تمام این سال‌ها برای توافق مالاها با آمریکا سخنرانی و مصاحبه داشته‌اند.

خلاصه گزارش «فایننشال تایمز» این است که چون جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را به درجه تسلیحاتی نزدیک کرده و موشک‌های بالستیک دارد و شریک روسیه در جنگ اوکراین است و احتمال حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای رژیم وجود دارد، دولت بایدن به توافق با جمهوری اسلامی نیاز دارد. این روزنامه بدون اشاره به دیدار علی خامنه‌ای و سایر مقامات حکومت با رهبران گروه‌های تروریستی مثل حماس و جهاد اسلامی در تهران ادعا می‌کند جمهوری اسلامی به دنبال تنش‌زدایی در سیاست خارجی است.

➔ که بخواهند با این قضیه مشکل ایجاد کنند. ما میز مذاکره را ترک نکردیم اما آنها گفته‌اند می‌خواهند مسئله را غیرمیز برجام دنبال کنند. اما برجام یکی از پرونده‌های ما است اگر آنها رفتار عزتمندانه داشته باشند مذاکره ادامه پیدا می‌کند.»

تریتا پاریس: نشانه‌ای از سقوط رژیم نیست!

تأکید رئیس بر اینکه «اغتاشات مشکلی برای جمهوری اسلامی پیش نیاورد» و «نظام مستحکم مانده» و باید عزتمندانه با جمهوری اسلامی گفتگو کنند درست شبیه کلیدواژه‌هایی است که تریتا پاریس عضو پیشین نایک و عضو فعلی مؤسسه «کوئینسی» در مقاله خود در باره ضرورت توافق میان ایران و آمریکا در نشریه «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) نوشته است.

تریتا پاریس و تیم او که از زمان دولت حسن روحانی به شدت به دنبال توافق مالاها و آمریکا بودند می‌نویسد «یک معامله نانوخته جایگزین ضعیفی برای توافق است اما دقیقاً همان چیزی است که ایران و آمریکا به آن نیاز دارند.»

وی همان سخنان نخبه درباره برجام را تکرار و ادعا کرده چنین توافقی «یک پیروزی برای هر دو کشور است زیرا، بدون این توافق غیررسمی، دو طرف بطور پیوسته به سمت یک رویارویی فاجعه‌بار حرکت می‌کنند.»

پاریس همچنین تأکید کرده «جو بایدن به شدت می‌خواهد تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ از هرگونه بحران با ایران جلوگیری کند. با توجه به بحران‌ها و تنش‌ها در اوکراین و تایوان، او نمی‌تواند جنگ در خاورمیانه را تحمل کند. تهران نیز به نوبه خود نیازمند تسکین اقتصادی و همچنین آرامش در جبهه با آمریکا است تا بتواند به عادی سازی خود با کشورهای عربی ادامه دهد. علاوه بر این، تهران می‌خواهد برجام را زنده نگه دارد.»

وی می‌گوید: «سرکوب وحشیانه و خونین اعتراضات در ۱۰ ماه گذشته، تمایل کنگره برای تصویب مجدد توافق هسته‌ای را تقریباً از بین برده است. با این حال، یک توافق غیررسمی از چنگال کنگره می‌گریزد و بایدن را قادر می‌سازد تا از درگیری با آنها فرار کند. تهران نیز به نوبه خود معتقد است که هرگونه توافق رسمی کوچکتر از برجام به ضرر آن خواهد بود، زیرا اهرم هسته‌ای ایران را کاهش می‌دهد. با این حال، یک توافق کوچکتر و غیررسمی آن اشکال را ندارد.»

در بخش دیگری از این مقاله آمده «برخلاف انتظار واشنگتن، گذشت زمان موقعیت چانه‌زنی تهران را تضعیف نکرده است. علی‌رغم تحولات داخلی و عدم محبوبیت گسترده رژیم آخوندی، ایران برنامه هسته‌ای خود را گسترش داده، روابط با عربستان سعودی را عادی کرده است و روابط خود را با پشتیبانی از روسیه در جنگ علیه اوکراین تقویت کرده است. به عنوان یک تحریک بزرگ تلقی می‌شود. در نتیجه، هرگونه توافق - رسمی یا غیررسمی - همچنین باید برخی از پیشرفت‌های ایران در این جبهه‌ها را به عقب براند. علاوه بر این، علی‌رغم سوء مدیریت اقتصادی و عدم مشروعیت آن، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که رژیم در خطر فروپاشی قریب الوقوع باشد.»

توافق تا قبل از انتخابات در ایران

روزنامه «فایننشال تایمز» نیز در توجیه ضرورت توافق دولت بایدن با رژیم ایران گزارش بلندی منتشر کرده که یکی از نویسندگان آن نجمه بزرگمهر است که موضوعی شبیه نگار مرتضوی، فرناز فصیحی و عسل راد دارد که به همسویی و تبلیغ منافع جمهوری اسلامی مشهورند. در این گزارش با افرادی مثل ولی نصر استاد دانشگاه جازن

رئیس «ساس»: ۲۰ کشور در «اغتشاشات» دخالت داشتند! معاون وزارت کشور: دانشگاه‌ها و مدارس که باز شود، وارد معرکه و ساعت صفر می‌شویم!



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

می‌کردند فضای کشور را زود هنگام سیاسی و انتخاباتی نکنید، (اما حالا) آقا آمد [و موضوع انتخابات را مطرح کرد] چرا؟ [چون] می‌خواهد آمادگی ایجاد بکند؛ آمادگی یعنی چی؟... آیا من و شما واقعاً حس گرفتیم؟ میزان خطر را احساس کردیم؟ عزیزان، یک مقداری تأمل بکنیم، اگر محرم و صفر تمام بشود... ۱۵ شهریور است عبور بکنیم، بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس سالگرد اغتشاشات یک دفعه وارد یک معرکه جدیدی می‌شویم و می‌کشاند ما را می‌برند به سمتی که شما دیگر اولویت انتخابات نخواهد بود، درگیر می‌شوید ذهنمان، فکرمان، می‌دانم شاید کف خیابان و... در ساعت صفر یکجایی گرفتار می‌شویم بعد اون موقع دیر است!

عاون سیاسی وزارت کشور در بخش دیگری از این جلسه گفت «دشمن در یک جنگ ترکیبی و شناختی بر علیه ملت بزرگ ایران در حال توطئه و برنامه‌ریزی است و این دشمنی همچنان ادامه دارد.» وی تأکید کرده «رسانه‌ها در خنثی‌سازی جنگ ترکیبی دشمن نقش بسیار برجسته‌ای دارند و نباید از این مهم غافل شد. اگر در حوزه روایتگری نقاط ضعفی داریم، باید آن را رفع کنیم و خبرنگاران ما تلاش کنند تا روایتگری درست و دست اول داشته باشند.»

شماری از مقامات و رسانه‌های حکومتی در مورد اضطرابی بودن وضعیت به مقامات ارشد نظام هشدار می‌دهند. در همین ارتباط روزنامه «جمهوری اسلامی» می‌نویسد «مسئولین نباید تصور کنند ناراضی‌ها پایان یافته و دیگر خبری نیست. شرایط کنونی همچون آتش زیر خاکستر است که با جرقه کوچک دیگری باز هم شعله‌ور خواهد شد.»

اینهمه درحالیست که حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه نیروی انتظامی اوایل فروردین ۱۴۰۲ خیزش ضدحکومتی اخیر را «آبرفته» نامید و با تمجید از نیروهای تحت امر خود گفت که «پوشش ۴۰۰ نقطه برای مقابله با اعتراض‌های احتمالی در سال جدید در دستور کار این نهاد نظامی قرار گرفته است.»

تأمین مالی آن از طریق پول‌های بلوکه شده ایران است که از چند سال قبل و پیش از شکل گرفتن خیزش انقلابی اخیر از سوی این چهره شاخص مخالف جمهوری اسلامی مطرح شده بود.

رئیس «ساس» در ادامه می‌گوید ۲۸ کشور اروپایی نیمه مهرماه ۱۴۰۱ برای بررسی پیشنهاد فراخوان سفرای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بستن سفارتخانه‌های اروپایی در ایران با محوریت آلمان جلسه برگزار کردند. همچنین مدعی شده سازمان اطلاعاتی امارات و اسرائیل در یک کشور عربی برای حمایت از اغتشاشات در ایران جلسات دوره‌ای برگزار می‌کرده‌اند.

محمد کاظمی همچنین تأکید کرده «راهبرد دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران استمرار دارد و یکی از نقاط عطف برای آنها در سال ۱۴۰۲ انتخابات است.» اشاره وی به انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی است که قرار است در اسفندماه امسال برگزار شود.

به نظر می‌رسد مقامات جمهوری اسلامی نیز به خوبی مطلع هستند که اعتراضات آتش زیر خاکستر و موج‌های بعدی با شدت بیشتر در راه است. در همین ارتباط محمدرضا غلامرضا معاون سیاسی وزارت کشور در جلسه با فرمانداران که ۲۶ خرداد در شهر محمودآباد استان مازندران برگزار شد هشدار داده «با توجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی [در اسفندماه] در سالگرد اغتشاشات، یک دفعه وارد یک معرکه جدیدی می‌شویم.»

رسانه‌های حکومتی بخش‌های مهم سخنرانی غلامرضا را سانسور کرده‌اند اما شبکه استانی «تبرستان» (مازندران) بخش‌هایی از این هشدارهای پراز نگرانی را پخش کرده است. محمدرضا غلامرضا که رئیس ستاد انتخابات جمهوری اسلامی نیز هست در این جلسه گفته است: «شرایط اینکه حضرت آقا می‌آید در ابتدای سال موضوع انتخابات را مطرح می‌کند؛ برخلاف رویه‌ای [است] که آقا داشته؛ همیشه تأکید

● سردار پاسدار محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در مصاحبه با وبسایت دفتر علی خامنه‌ای (khamenei.ir) گفته «مداخله سرویس‌های اطلاعاتی و سفارتخانه‌های این کشورها به صورت مستقیم و غیرمستقیم یا با همکاری عوامل نیابتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، حقوقی و سایبری بوده است.»

● این مقام امنیتی هشدار می‌دهد «راهبرد دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران استمرار دارد و یکی از نقاط عطف برای آنها در سال ۱۴۰۲ انتخابات است.»

● محمدرضا غلامرضا معاون سیاسی وزارت کشور و رئیس ستاد انتخابات در جلسه با فرمانداران که ۲۶ خرداد در شهر محمودآباد استان مازندران برگزار شد هشدار داده «با توجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی [در اسفندماه] در سالگرد اغتشاشات، با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها یک دفعه وارد یک معرکه جدیدی می‌شویم.»

● وی به فرمانداران هشدار داده «ما را به سمتی می‌برند که شما دیگر اولویت انتخابات نخواهد بود، درگیر می‌شوید؛ ذهنمان، فکرمان، می‌دانم شاید کف خیابان و... در ساعت صفر یک جایی گرفتار می‌شویم بعد اون موقع دیر است.»

«رسانه‌ها در خنثی‌سازی جنگ ترکیبی دشمن نقش بسیار برجسته‌ای دارند و نباید از این مهم غافل شد. اگر در حوزه روایتگری نقاط ضعفی داریم، باید آن را رفع کنیم و خبرنگاران ما تلاش کنند تا روایتگری درست و دست اول داشته باشند.»

سردار پاسدار محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) در مصاحبه با وبسایت دفتر علی خامنه‌ای (khamenei.ir) که ۲۹ خرداد منتشر شد ادعا کرده است که «سرویس‌های اطلاعاتی نزدیک به ۲۰ کشور خارجی در دامن زدن به اغتشاشات سال ۱۴۰۱ دخیل بوده‌اند.»

آمریکا، انگلیس، امارات، عربستان، فرانسه، آلمان، کانادا، بلژیک، اتریش، آلبانی، استرالیا، ایسلند، ایتالیا، کوزوو، نورژ، بحرین، نیوزلند و اسرائیل شماری از کشورهای هستند که این مقام امنیتی از آنها نام برد.

وی توضیح می‌دهد «مداخله سرویس‌های اطلاعاتی و سفارتخانه‌های این کشورها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، یا با همکاری عوامل نیابتی در عرصه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، دیپلماتیک، حقوقی و سایبری بوده است.»

کاظمی گفته یکی از این نمونه‌ها «تحركات دیپلمات‌های سفارت فرانسه در تهران برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از اغتشاشات و وضعیت نیروهای امنیتی و انتظامی در مهرماه ۱۴۰۱ و تبادل اطلاعات با افسر اطلاعاتی سفارت یکی از کشورهای اروپایی» است.

وی در همین مصاحبه اشاره می‌کند که اسرائیل به دنبال توجیه چند کشور از جمله آمریکا برای ایجاد صندوق حمایت از اعتصاب‌کنندگان و معتزین و تأمین مالی آنها بوده است.

از قرار معلوم اشاره وی به پیشنهاد شاهزاده رضا پهلوی برای ایجاد یک صندوق حمایت از اعتراضات و اعتصابات و

آلودگی رودخانه ارس به «رادایواکتیو» معاون استاندار آذربایجان شرقی: حقیقت ندارد!



رودخانه ارس مرزی بین ایران و جمهوری آذربایجان

استاندار آذربایجان شرقی احتمال هرگونه ورود مواد رادیواکتیو و پساب نیروگاه هسته‌ای ارمنستان به رود ارس را رد کرد. وی مدعی شده ورود مواد رادیواکتیو از نیروگاه «مستامور» ارمنستان به دلیل مسافت بالای آن تا منطقه عملاً غیرممکن است و از سویی نیز این نیروگاه امن بوده و مورد خاصی از خروج موارد رادیواکتیو از آن وجود ندارد اما تأکید کرده «یک کارخانه مس در این منطقه وجود دارد که پساب آن به ارس وارد می‌شود و حتی با چشم نیز قابل رویت است.»

این مسئول محلی در انکار آلودگی از این ادعا نیز فراتر رفته می‌گوید: «قامی آزمایش‌های مربوطه از سوی اداره کل دامپزشکی، شرکت آب منطقه‌ای و سازمان محیط زیست انجام گرفته و بر اساس نتایج گزارش شده، این پساب ورودی، هیچ تبعاتی برای انسان‌ها ندارد.»

پیش از این اما معاون امور استان‌های سازمان پدافند غیرعامل با اشاره به آلودگی زیست محیطی رودخانه ارس و تهدیدهای ناشی از آن گفته بود که «دستگاه‌های استانی با هم‌افزایی بیشتر، بهتر و با کمک سازمان پدافند غیرعامل کشور باید در شش ماه آینده تمام مشکلات زیستی این رودخانه را حل کنند.»

ایران در کرانه پایین رود است، آلودگی قابل انکار نیست
در همین ارتباط محمد آمره کارشناس جغرافیای سیاسی در یادداشتی می‌نویسد «ما نسبت به سه کشور دیگری که رود ارس از آن سرچشمه می‌گیرد یا از آنها عبور می‌کند دست پایین را داریم. یعنی ما چهارمین کشوری هستیم که در کرانه این رود قرار داریم. به این دلیل می‌توانیم متصور باشیم که میزان مخاطره ما بیشتر می‌شود یعنی همه آلودگی ورودی به رودخانه به ایران می‌آید، به علاوه کمترین میزان آلودگی رودخانه به دلیل پروژه‌های بالادست نیز در ایران جاری می‌شود.»

وی تأکید می‌کند مذاکرات برای کاهش یا رفع این آلودگی‌ها از ۱۵ سال پیش با کشور ارمنستان شروع شده اما انکار این سیاست وجود داشته و دارد که عموماً موضوع آلودگی ارس را بازی سیاسی می‌خوانند.

امنیت ملی کشور ایران را با خطر جدی مواجه می‌کند.»
مهمترین بخش این گزارش در مورد دو نیروگاه «مستامور» یک و دو است که در مجموع، سالانه ۲۸۸ تن «اورانیوم» مصرف می‌کنند. درباره این دو نیروگاه آمده «فاضلاب نیروگاه اتمی مستامور ارمنستان بدون هیچگونه تصفیه در جنوب ساداراک وارد ارس می‌شود.»

در کشور ارمنستان شهرهای صنعتی «مگری»، «آگاراک»، «نیو وادی» و «شوانیدزور» با صنایع متعدد و آلودگی‌های پیدا و پنهان که گاهی با حجم بالایی در کف رودخانه ارس یا رسوب کرده و در مکان‌هایی که کمتر در دید حتی مرزبانی قرار دارند، وارد رودخانه ارس می‌شوند و تا کیلومترها ساختار بیولوژیک این رودخانه و سواحل آن را بهم ریخته‌اند.

نشست مواد رادیواکتیو از نیروگاه هسته‌ای و قدیمی و یا صنایع غیراستاندارد به رود ارس، به علت کهنگی قطعات و احتمال خطرآفرینی فراوان جانی و محیط زیستی نیروگاه هسته‌ای مستامور ارمنستان توسط کارشناسان منطقه‌ای و بین‌المللی و اتحادیه اروپا تأیید شده است.

بر اساس این مطالعه، درباره آب مخزن سد «خداآفرین» این نگرانی وجود دارد که در حال حاضر چندصد هزار ایرانی آن را برای آشامیدن استفاده می‌کنند و علاوه بر این، آب این سد مورد بهره‌برداری تفریحی و آبی‌روری توسط تعاونی‌های فعال محلی و سراسری نیز قرار می‌گیرد.

این گزارش تأکید می‌کند که از نظر محیط زیستی، ترکیبات سرب بطور کلی جزء آلاینده‌های سمی هستند. نمک‌های سرب و ترکیبات آلی سرب از نظر «اکوتوکسیکولوژیکی» (سم‌شناسی محیط زنده) مضرترین هستند و نمک‌های سرب در رتبه ۲ خطرناک بودن قرار می‌گیرند. همین موضوع در مورد ترکیبات سرب مانند «استات سرب»، «نیترات سرب» و «کربنات سرب» نیز صدق می‌کند. این گزارش پایه گسترده‌ای از بیماری‌ها را ناشی از مصرف بالای سرب در آب دانسته است.

انکار آلودگی

در واکنش به انتشار این گزارش، معاون سیاسی اجتماعی

● بر اساس ۱۱ مورد مطالعه از سوی نهادهای رسمی و دانشگاهی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۹ تا زمستان ۱۴۰۱ به علت آلودگی آب رودخانه ارس به «رادایواکتیو» و سایر املاح سمی انواع سرطان به ویژه سرطان معده در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی شیوع بسیار بالایی یافته است.

● پژوهش‌ها نشان می‌دهد «فاضلاب نیروگاه اتمی مستامور ارمنستان بدون هیچگونه تصفیه در جنوب ساداراک وارد ارس می‌شود» اما معاون استاندار آذربایجان شرقی آن را رد می‌کند.

● این مقام مسئول مدعی شده ورود مواد رادیواکتیو از نیروگاه «مستامور» ارمنستان به دلیل مسافت بالای آن تا منطقه عملاً غیرممکن است و از سویی نیز این نیروگاه امن بوده و مورد خاصی از خروج موارد رادیواکتیو از آن وجود ندارد اما همزمان تأکید کرده «یک کارخانه مس در این منطقه وجود دارد که پساب آن به ارس وارد می‌شود و حتی با چشم نیز قابل رویت است.»

● نشست مواد رادیواکتیو از نیروگاه هسته‌ای و قدیمی و یا صنایع غیراستاندارد به رود ارس، به علت کهنگی قطعات و احتمال خطرآفرینی فراوان جانی و محیط زیستی نیروگاه هسته‌ای مستامور ارمنستان توسط کارشناسان منطقه‌ای و بین‌المللی و اتحادیه اروپا تأیید شده است.

بر اساس ۱۱ مورد مطالعه از سوی نهادهای رسمی و دانشگاهی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۹ تا زمستان ۱۴۰۱ به علت آلودگی آب رودخانه ارس به «رادایواکتیو» و سایر املاح سمی انواع سرطان به ویژه سرطان معده در استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی شیوع بسیار بالایی پیدا کرده است.

میزان بروز سرطان معده در این استان‌ها در مردان ۵۰ در هر ۱۰۰ هزار نفر و در زنان ۲۵ در هر ۱۰۰ هزار نفر در هر سال است. در این گزارش که دوشنبه ۲۹ خرداد در روزنامه محلی «پیام ما» منتشر شد آمده آب رودخانه ارس به ویژه در محدوده سد «خداآفرین» و دشت مغان، علاوه بر آلودگی به مواد پرتوزا، به فلزات سنگین و سمی مانند سرب و ترکیباتش، آرسنیک، ترکیبات آلومینیوم، نیکل، مس، آهن، منگنز و ۵۳ آلاینده دیگر نیز آلوده است. منشأ اکثر این آلاینده‌ها نیز کشور ارمنستان است. یکی از این مطالعات مربوط به گزارش گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه «ملی» (بهشتی) و گروه «ژئوپلیتیک» دانشگاه «عالی دفاع ملی» است که در آن آمده «بررسی‌ها و آزمایش‌های انجام‌شده حاکی از ورود پساب‌ها و آلاینده‌های صنعتی و معدنی بسیار مضر در رودخانه ارس است.»

بخش دیگری از این گزارش بیان می‌کند که در سالیان گذشته با بی‌توجهی مسئولان کشور ارمنستان، رودخانه ارس به وسیله پساب‌های «صنعتی»، «معدنی» و «رادایواکتیو» مورد آلودگی‌های بسیار خطرناک قرار گرفته است: «این نوع آلودگی که در نهایت منجر به آلودگی آب آشامیدنی و آب بخش کشاورزی منطقه بزرگی از ایران می‌شود، با بروز انواع بیماری‌ها، بخش بزرگی از جامعه انسانی و زیستی کشور را با مخاطره مواجه کرده است و با به چالش کشیدن امنیت انسانی و غذایی، ابتدا امنیت بخشی از کشور و در نهایت

دیدار علی باقری کنی و انریکه مورا در دوحه سی‌ان‌ان: تحولات در بسیاری از مسائل مثبت بود!

سناتورهای دو حزب از بایدن خواستند از کشورهای اروپایی تضمین بگیرد در صورتی که جمهوری اسلامی به غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم اقدام کرد، تحریم‌های سازمان ملل را بازگرداند.

مورگان اورنگاس سخنگوی پیشین وزارت خارجه آمریکا در دولت دونالد ترامپ در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴» اسرائیل به کنایه گفته «همان بازیگرانی که برجام را برای ما به ارمغان آوردند، در تلاشند تا کنگره را دور بزنند و با بزرگترین حامی تروریسم در جهان معامله نقدی کنند. آیا دولت بایدن حاضر است چند میلیارد به خاطر توهم خود درباره ایران بپردازد؟»

کمیته مجلس نمایندگان یک لایحه دوحه‌ای برای دائمی کردن تحریم‌های جمهوری اسلامی تصویب کرده است. از سوی دیگر، وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که مذاکرات پنهانی آمریکا با ایران درباره برجام را بعید نمی‌دانیم. به گزارش خبرگزاری دولتی «تاس» سرکنی ریابکوف معاون

در گذشته، یکی از مفاد معامله برای آزادی بازداشت شدگان، آزاد ساختن میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران در کره جنوبی بود. ایران از کره جنوبی خواسته بود ۷ میلیارد دلار از پول مسدودشده در بانک‌های این کشور را پرداخت کند اما تحریم‌ها مانع آن است.

در اقدامی که به گفته سی‌ان‌ان می‌توان آن را حرکتی برای اعتمادسازی تلقی کرد، ایالات متحده معافیت‌هایی را تصویب کرده که اجازه می‌دهد ۷/۲ میلیارد دلار از عراق به بانک‌های ایران انتقال داده شود.

منابع مطلع گفته‌اند در جلسه مورا و باقری کنی سطح غنی‌سازی اورانیوم و نحوه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد بحث قرار گرفت. این منابع اشاره کرده‌اند که «فضای کنونی برای تنش‌زدایی مناسب است.»

از سوی دیگر، امیرعبداللهیان پنجشنبه اول تیرماه با محمد بن زاید رئیس دولت امارات دیدار کرد. بخش عمده‌ای از داد و ستدهای تجاری و مالی جمهوری اسلامی از طریق امارات

سی‌ان‌ان در گزارشی به نقل از منابع مطلع می‌نویسد مقامات جمهوری اسلامی با میانجیگری اروپایی‌ها و قطر و عمان به صورت غیرمستقیم با آمریکایی‌ها مذاکره کردند که منجر به «تحولات مثبت در بسیاری از مسائل» مربوط به دو طرف شده است به این امید که اجرای برجام و تبادل زندانیان شتاب بگیرد.

گفتگوهای بی‌سر و صدا میان رژیم ایران و آمریکا در حالی از سر گرفته شده که در هفته‌های اخیر برت مک‌گورک از مقامات ارشد دولت بایدن چند بار به عمان سفر کرد. سرکنی ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه گفته «واشنگتن و تهران ممکن است درگیر مذاکرات محرمانه برای دستیابی به توافقی بر سر تجدید برنامه جامع اقدام مشترک در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران باشند. اما هر کاری که در تاریکی انجام شود در نهایت آشکار می‌شود و این، امری واضح است.»

علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز



جلسه علی باقری کنی و انریکه مورا در دوحه / ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

وزیر خارجه روسیه پنجشنبه ۲۲ ژوئن با اشاره به برخی تلاش‌ها برای احیای برجام ادعا کرد: «مسکو از احیای برجام حمایت می‌کند و آنچه اکنون بیش از هر چیزی برای ما اهمیت دارد، این است که ایالات متحده به اجرای کامل قطعنامه ۲۲۳۱ [شورای امنیت سازمان ملل] بازگردد. اگر اکنون توافقی حاصل شود اما برجام همانطور که در سال ۲۰۱۵ حاصل شد و در قطعنامه ۲۲۳۱ به تصویب رسید، احیا نشود، بدان معناست که ایالات متحده همچنان به نقض فاحش این قطعنامه ادامه خواهد داد.»

این مقام روس گفت: «واشنگتن و تهران ممکن است مشغول مذاکرات محرمانه برای دستیابی به توافقی بر سر تجدید برنامه جامع اقدام مشترک در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران باشند. اما هر کاری که در تاریکی انجام شود در نهایت آشکار می‌شود و این، امری واضح است.»

پیش از این محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در یک نشست ۶ ساعته در کلاب هاوس گفته بود روسیه مانع اصلی بی‌نتیجه ماندن گفتگوها با غرب برای «احیای برجام» بود.

صورت می‌گیرد. همزمان با تلاش دولت بایدن برای دستیابی به شکلی از توافق یا «تفاهم» با رژیم ایران در کنگره آمریکا فشارها علیه دولت وی افزایش پیدا کرده است.

در همین ارتباط گروهی ۲۶ نفره از سناتورهای هر دو حزب آمریکا در نامه‌ای از بایدن خواستند رویکرد بازدارندگی قوی‌تری را در ارتباط با جمهوری اسلامی در پیش گیرد. آنها درباره پیامدهای یک توافق ناکارآمد دیگر با تهران هشدار داده‌اند.

این نامه با تأکید بر لزوم هماهنگی بایدن با تلاش‌های کنگره برای مقابله با برنامه‌های اتمی رژیم ایران، از دولت بایدن خواسته برای محدود کردن فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی، گام‌های ملموس بردارد.

این سناتورها همچنین با تأکید بر اینکه نباید اجازه داد فعالیت‌های اتمی رژیم ایران بیشتر از این پیشرفت داشته باشد گفتند که باید برای مقابله با تهدیدات رژیم متحد بود و به چین نیز نباید اجازه داد که فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران را تسریع کند.



چهارشنبه ۳۱ خرداد در دوحه با انریکه مورا دستیار مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کرد.

سی‌ان‌ان در گزارشی به نقل از منابع مطلع می‌نویسد مقامات جمهوری اسلامی با میانجیگری اروپایی‌ها و قطر و عمان به صورت غیرمستقیم با آمریکایی‌ها مذاکره کردند که منجر به «تحولات مثبت در بسیاری از مسائل» مربوط به دو طرف شده است به این امید که اجرای برجام و تبادل زندانیان شتاب بگیرد.

گفتگوهای بی‌سر و صدا میان رژیم ایران و آمریکا در حالی از سر گرفته شده که در هفته‌های اخیر برت مک‌گورک از مقامات ارشد دولت بایدن نیز چند بار به عمان سفر کرد. همزمان حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی و دستیار وی باقری کنی هم سفرهایی به چند کشور عربی حاشیه خلیج فارس داشتند.

مقامات آمریکایی می‌گویند در این مذاکرات اولویت آنها روشن شدن وضعیت چهار آمریکایی ایرانی‌تبار زندانی در ایران شامل سیامک نمازی، عماد شرقی، مراد طامباز و شهاب دلیلی است.

فشار بر مسئولان مسجد مکی برای تکذیب طرح ترور مولوی عبدالحمید از سوی نهادهای امنیتی

حضور داشته است اما در این مدت به سر کلاس نمی‌رفته است. با وجود آنکه چنین فرد عبادت‌گذاری است اما در صف اول دیده نمی‌شده و کم کم به این فرد مشکوک می‌شوند و دیگه تا دیشب این فرد را دستگیر می‌کنند و می‌برند.»

این منبع آگاه در رابطه با «نحوه کشف شدن توطئه نهادهای امنیتی برای ترور مولوی عبدالحمید» گفته که «مقداری چیز عجیب در نزد او پیدا می‌شود و از او می‌پرسند اینها چه هستند او می‌گوید اینها سم هستند. بعد اعتراف می‌کند که من مدتی می‌شود که آمده‌ام اینجا و قصد داشته‌ام مولوی عبدالحمید را از طریق سم ترور کنم»

«حال‌وش» به نقل از این منبع آگاه نوشته که او در رابطه با شیوه اثرگذاری سم توضیح داده است: «این نوع سم از طریق تماس لمسی عمل می‌کند و سمی است که فوراً تاثیر نمی‌گذارد.»

منتشر کرد، در یک گزارش تکمیلی از زیر فشار قرار گرفتن کارکنان و مسئولان حوزه علمیه مکی (دارالعلوم زاهدان) از سوی نهادهای امنیتی برای تکذیب موضوع ترور مولوی عبدالحمید خبر داده است.

وبسایت «حال‌وش» روز گذشته در خبری فوری از خنثی شدن برنامه ترور مولوی عبدالحمید خبر داد و به نقل از منابع آگاه نوشت که «این فرد بلوچ و از ساکنین منطقه دلکان بلوچستان است که در لباس طالب علوم دینی به مسجد راه پیدا کرده بود و مدت‌هاست به صورت فردی زاهد در مسجد می‌خوابیده و عبادت می‌کرده، و قصد ترور بیولوژیک مولوی عبدالحمید را داشته که دستگیر شده است.»

به گزارش این منبع مطلع، فرد دستگیرشده توسط انتظامات مسجد مکی در اعترافش گفته مأموریت داشته با سمی که اطلاعات سپاه پاسداران در اختیارش گذاشته بود مولوی عبدالحمید را ترور کند. او همچنین اعتراف

«حال‌وش» از زیر فشار قرار گرفتن کارکنان و مسئولان حوزه علمیه مکی از سوی نهادهای امنیتی برای تکذیب موضوع ترور مولوی عبدالحمید خبر داده است. دفتر مولوی عبدالحمید روز دوشنبه ۲۹ خرداد در بیانیه‌ای گزارش‌ها درباره بازداشت یک فرد در مسجد مکی را تأیید و اعلام کرد که این فرد به «برخی نهادها وابستگی دارد.»

این فرد با دریافت هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از سوی سازمان اطلاعات سپاه مأموریت داشته با نفوذ به مسجد مکی به عنوان طلبه، مولوی عبدالحمید را ترور بیولوژیک کند.

خنثی شدن ترور مولوی عبدالحمید که توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) برنامه‌ریزی شده بود از سوی دفتر مولوی عبدالحمید با صدور یک بیانیه تأیید شده است. این فرد با دریافت هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از سوی سازمان



این منبع آگاه در مورد ارتباطات سازمانی این فرد توضیح داده است: «او با یک افسر امنیتی در شهر کنارک در ارتباط بوده است و به گفته خودش هفته‌ای ۱۵ میلیون حقوق دریافت می‌کرده است.»

از سوی دیگر به گفته منابع محلی «طی روزهای گذشته به صورت ناگهانی نیروهای ضد شورش به زاهدان اعزام شدند. معمولاً همیشه بعد از اعزام نیروها به زاهدان آنها مجدداً برگردانده می‌شدند اما این هفته برگشته و هنوز در داخل شهر مستقر هستند.» همچنین «در چند روز گذشته درب کلانتری ۱۶ عوض شده و درب بزرگ و محکمی گذاشتند. کلانتری ۱۶ همان کلانتری هست که جمعه خونین را راه انداخت. در چندین نقطه از زاهدان ایستگاه‌های آتش‌نشانی به صورت آماده‌باش بودند.»

شیراحمد شیرانی نارویی سردبیر وبسایت «حال‌وش» نیز در گفتگو با «راديو فردا» گفته که «این فرد در حدود ۳۰ سال سن دارد و از حدود دو هفته قبل در مسجد مکی به عنوان فردی صوفی و زاهد به عبادت مشغول بود ولی مردم به او مشکوک می‌شوند.»

کرده که هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از آغاز شروع عملیاتش حقوق دریافت کرده است.

اکنون «حال‌وش» در گزارش تکمیلی اعلام کرده که «تعداد معدودی از کارکنان و برخی از معاونین مجموعه مسجد مکی تلاش دارند این توطئه را به عنوان بازداشت و شناسایی شدن یک جاسوس معمولی تعدیل بدهند [کنند] و از این رو حال‌وش تصمیم گرفته است جزئیات بیشتری به نقل از منابع خود در اینباره منتشر کند.»

در گزارش «حال‌وش» تأکید شده که «ظهر دوشنبه- ۲۹ خردادماه- تعدادی مأمور وزارت اطلاعات به حوزه علمیه آمده‌اند و با معاون اداری حوزه دیدار کرده‌اند و معاون اداری حوزه فرد عامل نهادهای امنیتی را به مأموران امنیتی تحویل داده است.»

این گزارش به نقل از یک منبع آگاه افزوده که «این فرد از حدود دو هفته پیش در مسجد بوده و محل اسکان او نیز در مسجد بوده و پیوسته در یک گوشه مسجد مشغول ذکر و عبادت بوده است. به همین دلیل به این فرد مشکوک می‌شوند چرا که با وجود آنکه به عنوان طلبه

اطلاعات سپاه مأموریت داشته با نفوذ به مسجد مکی به عنوان طلبه، مولوی عبدالحمید را ترور بیولوژیک کند. دفتر مولوی عبدالحمید روز دوشنبه ۲۹ خرداد در بیانیه‌ای گزارش‌ها درباره بازداشت یک فرد در مسجد مکی را تأیید و اعلام کرده که این فرد به «برخی نهادها وابستگی دارد.»

در بیانیه امام جمعه اهل سنت زاهدان آمده است: «در پی انتشار اخبار و گزارش‌های متعدد در فضای مجازی مبنی بر بازداشت یک فرد مظنون در مسجد مکی زاهدان، به اطلاع عموم مردم عزیز می‌رساند یک فرد مشکوک که ظاهراً با برخی نهادها وابستگی دارد، در مسجد مکی زاهدان شناسایی و بازداشت شده است.»

این بیانیه اضافه کرده است: «فرد مظنون اظهارات و اعترافات مختلفی کرده است؛ این اعترافات در دست تحقیق و بررسی هستند. لذا مردم در این‌باره نگران نباشند و آرامش خود را حفظ کنند.»

وبسایت خبری «حال‌وش» که روز گذشته برای نخستین بار خبر خنثی شدن برنامه ترور مولوی عبدالحمید را

معاون وزیر کار می‌گوید ۹۱ درصد ایرانی‌ها مشمول دریافت یارانه هستند



می‌کنند و دولت به عنوان مسئول اصلی اعلام رقم خط فقر از ارائه این رقم خودداری می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌تازگی گزارش داده که نرخ خط فقر طی یک دهه از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است، در واقع بیش از ۳۰ درصد جمعیت زیر خط فقر هستند.

بر اساس اطلاعاتی که در این گزارش آمده است، خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۴۰۰ به طور سرانه یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان بوده است. این عدد برای خانوار چهار نفره معادل چهار میلیون و ۵۰۰ هزار تومان محاسبه شد. این رقم اما از سوی کارشناسان رد می‌شود چرا که حتی هزینه حداقل غذای یک خانوار در ماه بیش از این رقم محاسبه شده است. محاسبات جدید نشان می‌دهد هزینه کالای سوپرمارکتی برای یک خانواده سه نفره در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ برابر ۹۶ درصد رقم حداقل حقوق است. این در حالیست که باید به هزینه‌های ضروری زندگی اجاره خانه، هزینه قبوض، هزینه کالاهای غیرسوپرمارکتی، درمان و آموزش را نیز افزود. نرخ فقر از سال ۸۵ روند صعودی داشته و از سال ۹۷ به بیش از ۳۰ درصد رسیده است. در این بین، شکاف فقر که نشانگر فاصله فقرا تا خط فقر است و آن را اندازه‌گیری می‌کند؛ در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار یعنی ۲۷ درصد رسید.

مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده که یک دهه تورم بالا (به جز سال‌های ۹۴-۹۶) به همراه رشد اقتصادی پایین و منفی باعث شده تا نرخ فقر از ۱۹ درصد به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ برسد.

آمارهای دیگر نشان می‌دهد بیش از دو سوم جمعیت کشور درآمدی حتی زیر خط فقر اعلام شده از سوی دولت دارند و برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی با بحران روبرو هستند.

رشد اقتصادی پایین به کاهش درآمد سرانه و افزایش فقر منجر شده و در عین حال باعث شده که ایران که از سال ۲۰۰۸ به بعد در گروه کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط قرار گرفته بود، با یک دهه کاهش در درآمد سرانه به دسته کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط سقوط کند.

علیرضا عسگریان مدعی است که برای جبران ۲۰ درصد افزایش نرخ تورم، این شرط گذاشته شده که هر نفر ۳۲۰ هزار تومان از ۴۰۰ هزار تومان خودش را خرید کند. هم‌وطنان اگر هر ماه ۳۲۰ هزار تومان از این یارانه خرید کنند کارت آنها ۸۰ هزار تومان شارژ می‌شود و اگر خریدی صورت نگیرد ۸۰ هزار تومان فقط در همان ماه حذف می‌شود و ماه بعد اگر مجدداً ۳۲۰ هزار تومان خرید کنند، ۸۰ هزار تومان به کارت واریز می‌شود.

معاون وزیر کار در ادامه افزوده که ۹۱ درصد مردم مشمول دریافت یارانه هستند، در این میان جمعیت دهک ۱۰ حدود ۸ میلیون نفر است که به دنبال اعتراضات سال گذشته، یک و نیم میلیون نفر تحت پوشش دریافت یارانه قرار گرفتند.

علیرضا عسگریان همچنین گفته که «سعی می‌کنیم دهک‌بندی‌ها را با توضیحات اقناع‌کننده‌ای که به مردم ارائه می‌دهیم، به صورت منطقی‌تر، علمی‌تر و عادلانه‌تر اجرا کنیم، مشروط بر اینکه میزان رضایت عمومی افزایش یابد.» توضیحات معاون وزیر کار نشان می‌دهد دولت نیز ارزیابی و ارقام استخراج شده درباره جمعیت نیازمند و زیر خط فقر کشور را که از سوی کارشناسان اقتصادی مطرح می‌شود، قبول دارد اما عاقدانه از ارائه رسمی آمار واقعی فقرا و رقم خط فقر سر باز می‌زند.

تحلیلگران اقتصادی پاییز سال گذشته اعلام کردند رقم خط فقر برای یک خانواده سه تا چهار نفره در تهران ماهانه ۳۲ میلیون تومان و برای خانوار ساکن شهرستانها به طور میانگین ۲۰ میلیون تومان است. به بیان دیگر اگر خانواده ساکن تهران ماهانه درآمدی کمتر از ۳۲ میلیون تومان و خانوار ساکن دیگر شهرها به طور میانگین درآمدی کمتر از ۲۰ میلیون تومان در ماه داشته باشد، برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی دچار مشکل شده و زیر خط فقر قرار خواهد گرفت.

با توجه به تورم در ماه‌های گذشته که همواره بین ۴۰ تا ۵۱ درصد اعلام شده در حال حاضر رقم خط فقر بیش از ارقام اعلام شده در پاییز گذشته است. نهادهای و سازمانهای حکومتی اما ارقام دیگری را مطرح

نرخ تورم همچنان در حال افزایش است و مصوبه امروز دولت برای رقم کالابریگ الکترونیک، در ماه آینده و ماه‌های بعدتر ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد چون با افزایش تورم، ارزش پول ملی کاهش می‌یابد.

● معاون وزیر کار گفته که ۹۱ درصد مردم مشمول دریافت یارانه هستند و حتی حدود یک چهارم از بالاترین دهک درآمدی هم سال گذشته یارانه گرفتند.

● دولت نیز ارزیابی و ارقام استخراج شده درباره جمعیت نیازمند و زیر خط فقر کشور را که از سوی کارشناسان اقتصادی مطرح می‌شود، قبول دارد اما عاقدانه از ارائه رسمی آمار واقعی فقرا و رقم خط فقر سر باز می‌زند.

معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با ارائه آماری از جمعیت یارانه‌بگیران گفته که ۹۱ درصد از جمعیت کشور مشمول دریافت یارانه هستند. دولت نه تنها از ارائه آمار مربوط به فقرا و رقم خط فقر خودداری می‌کند بلکه طرح‌های حمایتی نظیر کالابریگ نیز فقط شامل دهک‌های پایین درآمدی می‌شود.

طرح توزیع کالابریگ الکترونیک از ۱۳ خردادماه آغاز شد در ابتدا خانوارهای تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد از سه دهک اول در اولویت اجرا قرار گرفتند. این خانوارها تنها بخش اندکی از افراد واجد شرایط برای بهره‌مندی از کوپن هستند؛ واجد شرایطی که درآمد آنها زیر ارقام محاسبه شده برای خط فقر است و برای تأمین هزینه‌های ضروری با بحران روبرو هستند.

علیرضا عسگریان معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به آغاز طرح جدید توزیع کالابریگ الکترونیک با همان کوپن گفته که «حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و افزایش قیمت یارانه منوط به این بود که ۱۱ قلم اساسی تغذیه‌ای حاوی ۲۵۰۰ کالری و شامل قند و شکر، تخم‌مرغ، ماست، شیر، برنج، گوشت قرمز، گوشت سفید، حبوبات و روغن به سبد کالایی و سفره مردم تعلق بگیرد.» معاون وزیر کار مدعی شده که «قیمت این سبد در اردیبهشت سال گذشته ۴۳۶ هزار تومان بود که الان ۸۳۶ هزار تومان است و این یعنی مبلغ سبد از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲، ۴۰۰ هزار تومان افزایش یافته است. مبنای پرداختی اولیه برای خرید این سبد ۴۳۶ هزار تومان است که افراد باید خودشان پرداخت کنند؛ اما مابه‌التفاوت آن با سبد سال گذشته را، کالابریگ پرداخت می‌کند.»

ارقام ارائه شده از سوی معاون وزیر کار بر پایه قیمت‌های دستوری دولت برای ۱۱ قلم کالای غذایی است که در بازار به مراتب بیشتر از ارقام دستوری دولت فروخته می‌شوند. در نتیجه افزایش ۴۰۰ هزار تومانی سبد خرید این کالاها در ماه نادرست است و افزایش هزینه خیلی بیش از این رقم است!

از سوی دیگر نرخ تورم همچنان در حال افزایش است و مصوبه امروز دولت برای رقم کالابریگ الکترونیک، در ماه آینده و ماه‌های بعدتر ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد چون با افزایش تورم، ارزش پول ملی کاهش می‌یابد. به بیان دیگر خانوار با مبلغ در نظر گرفته شده برای کالابریگ الکترونیک ماه آینده میزان کالای کمتری نسبت به این ماه می‌خرد و هر ماه میزان کالاهای خریداری شده با کوپن به لحاظ حجم و وزن و مقدار کمتر و کمتر خواهد شد.

شبکه فساد در جمهوری اسلامی؛ مخالفت سردار پاسدار قالیباف با طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف



محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی خاموشی با حکم علی خامنه‌ای از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷ رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن، با حکم دیگری از رهبر جمهوری اسلامی به عضویت هیئت امنای اداره کل اوقاف و امور خیریه کشور و ریاست این اداره درآمد.

اکنون در رسوایی اخیر مشخص شده حسینیه امینی‌ها یا خانه امینی‌ها از خانه‌های تاریخی و اعیانی قزوین با چندهکتار زمین و یک دامپروری با هزار رأس دام چند سال است با اجاره ناچیز ۹۰۰ هزار تومان در اختیار مونا چایچیان عروس مهدی خاموشی قرار گرفته است!

تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه موضوع تازه‌ای نیست. بارها گزارش‌هایی غیررسمی از فساد گسترده و مافیای فعال در این سازمان خبر داده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف تلاش کردند طرح تحقیق و تفحص از این سازمان مافیایی که رئیس آن بطور مستقیم از سوی رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌شود را پیش برند اما هر بار با در بسته مواجه شدند. برای نمونه در آبان ۹۱ و در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نماینده رشت خبر از تلاش نمایندگان برای تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف داده بود.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی درباره این طرح گفته بود که «درآمدهای اوقاف جزو درآمدهای دولت نیست و دیوان محاسبات بر این درآمدها نظارتی ندارد و اوقاف و امور خیریه ترانزمانه شفاف‌تری را تهیه و منتشر نمی‌کند. تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه هفته بعد از سرکشی نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه امضا و ارایه می‌شود.»

چند روز بعد این نماینده مجلس شورای اسلامی خبر از تدوین گزارشی در اینباره داده بود اما این گزارش هیچ وقت نه به صورت علنی و نه حتی در مجلس شورای اسلامی ارائه نشد. او گفته بود که «در مجلس نهم بنده خودم شخصا موظف شدم که گزارشی در خصوص عملکرد سازمان اوقاف برای کمیسیون اصل نود، هماهنگ با دستگاه‌های نظارتی تهیه کنم. به محض انتشار خبر، اطلاعات موثقی به دست من رسید. یکی دو تا دستگاه نظارتی با ما همکاری لازم را داشته و اسناد و اطلاعات بسیار خوبی به ما دادند.»

این نماینده مجلس اکنون و پس از رسوایی اخیر رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه گفته که «حجم تخلفاتی که در جریان (تحقیق و تفحص) این پرونده به آن برخورد کردم چنان بود که وقتی خبر [رسوایی جدید] اوقاف را شنیدم، اصلا تعجب نکردم. بر اساس اعلام جعفرزاده، گزارش تهیه شده درباره تخلفات وقت در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس یازدهم قرار دارد و کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند با قرائت این گزارش مردم را در جریان مشکلات سازمان قرار دهد.»

آخر خرداد در مجلس شورای اسلامی محمدباقر قالیباف پشت تریبون مجلس اعلام کرد به دلیل اختلاف نظرهایی که از نظر حقوقی و فقهی وجود داشت، این تحقیق و تفحص اعلام وصول نشده است.

نماینده ملایر معتقد است که «آقای قالیباف ماجرا را آنکه داشتند تا بتوانند تحقیق و تفحص را با آن ابهامات همراه کنند. اما چون زمان آن طولانی شد، تصمیم گرفته شد تحقیق و تفحص هم انجام و این ابهامات شرعی و سیاسی هم جداگانه دنبال شود.» این نماینده در پاسخ به این پرسش که نهایتا آیا تحقیق و تفحص در دستور کار قرار گرفت یا نه، گفته که «در دستور کار گرفته است، ممکن است یک هفته یا دو هفته یا بیشتر شود. پس از رای‌گیری، هیات ریسه تحقیق و تفحص و سایر اعضای مورد نظر انتخاب می‌شوند.»

در جلسه روز گذشته مجلس شورای اسلامی چند نماینده به کارشکنی محمدباقر قالیباف اعتراض کردند. هادی بیگی‌نژاد در این جلسه خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی گفت که «مدت زیادی است که بحث تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف مطرح است و شما اجازه مطرح شدن این موضوع را نمی‌دهید. مسئولان زیادی (حداقل در حوزه انتخابیه بنده) به دلیل عملکرد عده قلیلی مورد اتهام قرار گرفته‌اند، لذا اجازه دهید این تحقیق و تفحص جلو رود.»

در ادامه این جلسه ولی‌الله بیاتی نماینده تفرش در مجلس شورای اسلامی هم با اشاره به اینکه ۱۴۱ نماینده طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف را امضا کرده‌اند، گفت: «لازم است طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف با قید فوریت در دستورکار صحن مجلس قرار گیرد.»

سردار محمدباقر قالیباف اما در پاسخ به این انتقادات گفت که «من مانع تحقیق و تفحص نیستم و حق هم ندارم که مانع آن شوم. خواهش می‌کنم به این موضوع توجه کنید.» هادی بیگی‌نژاد اما تأکید کرده که «مدت‌هاست که طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف به هیات ریسه مجلس یازدهم ارایه شده، اما تا به امروز و به فاصله ۹ ماه به پایان عمر مجلس یازدهم و انتخابات مجلس آینده زمینه طرح آن فراهم نشده است.»

به نظر می‌رسد یکی از دلایل ایستادگی محمدباقر قالیباف در مقابل این طرح، رابطه نزدیک و تنگاتنگ مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است.

مهدی خاموشی از ملایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و فرزند تقی خاموشی، از مؤسسين هیئت مولفله اسلامی و نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی است.

● به نظر می‌رسد یکی از دلایل ایستادگی محمدباقر قالیباف در مقابل این طرح، رابطه نزدیک و تنگاتنگ مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است.

● در روزهای گذشته مشخص شد یکی از بزرگترین موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین به نام حسینیه امینی‌ها به عروس حجت‌الاسلام مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف کشور واگذار شده است.

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی بارها تلاش کردند طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه را پیش ببرند اما هر بار با در بسته مواجه شدند.

پس از رسوایی تصرف یک عمارت تاریخی با چندصد هکتار زمین توسط عروس رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه بار دیگر طرح تحقیق و تفحص از این سازمان در مجلس شورای اسلامی مطرح شده است. سردار پاسدار محمدباقر قالیباف اما با این طرح مخالفت کرده و در برابر آن ایستاده است.

در روزهای گذشته یک فساد دیگر در ساختار جمهوری اسلامی علنی شد؛ یکی از بزرگترین موقوفات چند صد هکتاری استان قزوین به نام حسینیه امینی‌ها به عروس حجت‌الاسلام مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف کشور واگذار شده است. این کاخ تاریخی با چند صد هکتار زمین و باغ با اجاره ناچیز حدود ۹۰۰ هزار تومان و به اسم «اجاره» در اختیار این فرد قرار گرفته است.

در پی این خبر بار دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح تحقیق و تفحص از سازمان اوقاف و امور خیریه را در دستور کار قرار دادند اما با وجود امضای ۱۴۱ نماینده پای طرح، سردار پاسدار محمد قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با این طرح مخالف است و برای اجرا نشدن آن کارشکنی می‌کند. هادی بیگی‌نژاد نماینده ملایر از موافقان این طرح درباره محتوای آن گفته که «بررسی‌ها برای هر شهری جداگانه انجام می‌شود، در هر استان، سازمان اوقاف مشکلات مخصوص به خود را دارد. زمانی که تحقیق و تفحص انجام شود، ممکن است مشخص شود بسیاری از ابهامات و حاشیه‌های مطرح شده پیرامون سازمان اوقاف از نظر حقوقی و فقهی درست بوده‌اند و اگر تعدادی از مدیران اوقاف ایراد دارند و تخلف کرده‌اند آنها باید پاسخگو باشند.»

این طرح پیش از رسانه‌ای شدن رسوایی اخیر رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه درباره «خانه امینی‌ها» به هیئت ریسه ارائه شده اما با کارشکنی محمدباقر قالیباف و با وجود اینکه نمایندگان اعتراضاتی علنی به رئیس مجلس شورای اسلامی مطرح کردند، بررسی آن همچنان با ابهام روبروست. هادی بیگی‌نژاد توضیح داده که در جلسه روز چهارشنبه



عکس هفته | وحید افکاری، سومین زادروز در انفرادی

سومین سال است که وحید افکاری ۳۱ خرداد زادروزش را در انفرادی بسر آورد. وی با برادرانش نوید و حبیب در اعتراضات امرداد ۱۳۹۷ در شیراز بازداشت شد. جمهوری اسلامی نوید را با اتهامات واهی به چوبه دار سپرد و چندی پیش حبیب را آزاد کرد. اما وحید را در حالی به گروگان گرفته که بیش از ۱۰۲۰ روز است در انفرادی زندانی است.